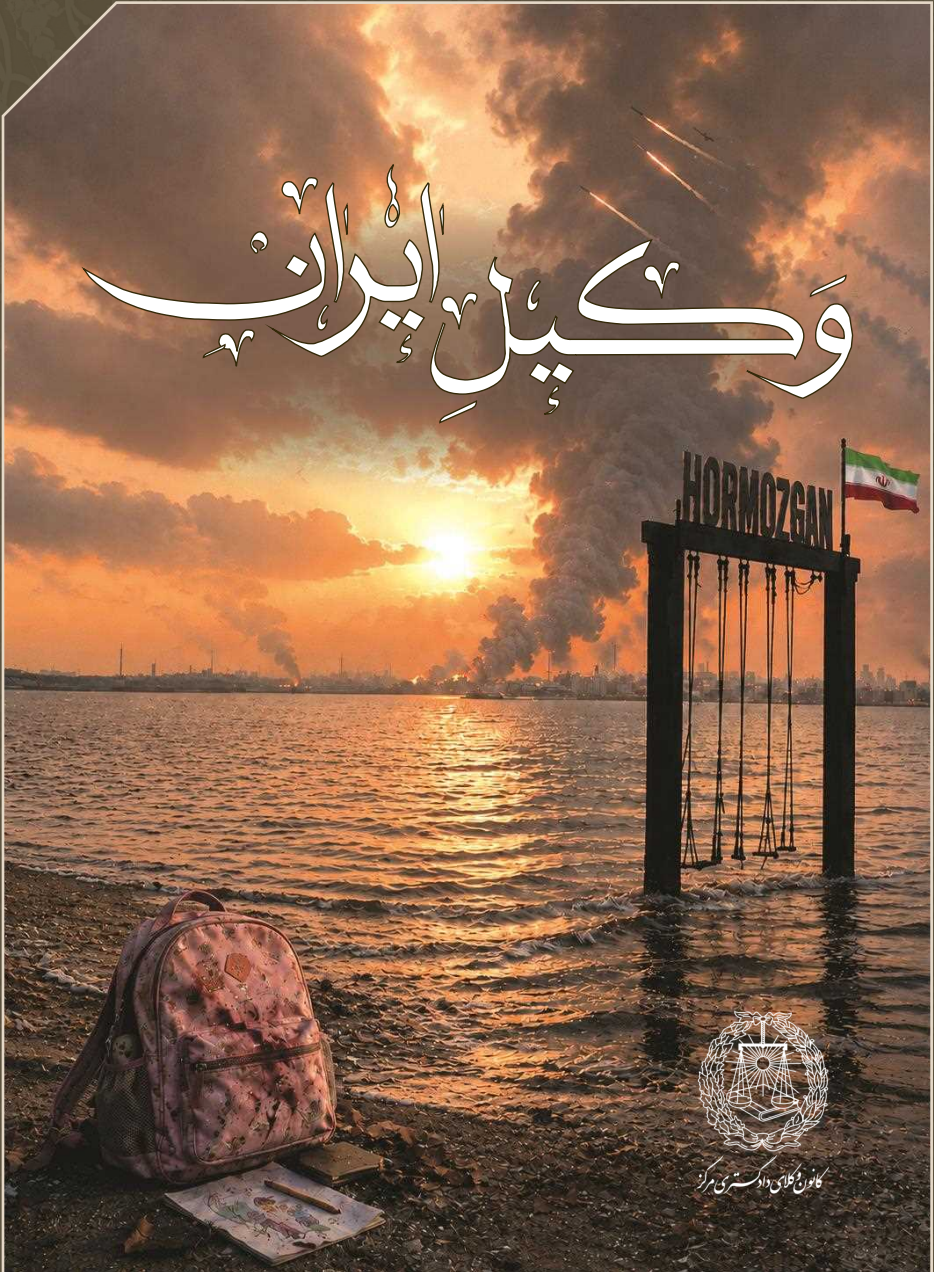


خرداد ماه سال ۱۴۰۵ ش | ویژه نامه بررسی ابعاد حقوقی جنگ تحمیلی سوم

وکیل ایران



کانون علمی دانشجویی مرکز



حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

خداوند ما را کفایت می‌کند، او بهترین وکیل و بهترین سرپرست و بهترین یاور است.

«آیه ۱۷۳ سوره مبارکه آل عمران»

مدیر مسئول: دکتر محمد شاه محمدی

مشاور ویژه نامه: مرتضی شیخ الاسلامی

سر دبیر: علیرضا حسینی

دبیر تحریریه: وکیل عباس طهماسبی زاده

معاون نشریات اداره روابط عمومی: وکیل ساناز کشور دوست

مدیر هنری: استودیو گراف (ملیحه عنبری)

عکاس: محسن کمالی

ویراستار: هومن لازمی

مترجمان: دکتر سید حسین میرشاکلی و پویان کاکا افشار

همکاران ویژه نامه: مریم پالشی

باسپاس ویژه از:

وکیل بابک جعفری، نایب رییس کانون و دبیر کمیته اقدامات حقوقی داخلی ستاد

مرکزی دفاع حقوقی از کشور

وکیل زهرا جوانمردی، مدیر داخلی

دکتر سهیل طاهری، دادستان کانون وکلای دادگستری مرکز

دکتر محمد علی بهمنی قاجار، دبیر کمیته بین الملل ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور

دکتر صالح نقره کار، دبیر کمیته تولید محتوا ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور

وکیل رسول رضایی، وکیل لیلا شفاعی، وکیل ابوذر نصر الهی و وکیل سعیده حسین زاده،

اعضای کمیته تولید محتوا

تهیه شده در اداره روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز



فهرست

۳	بخش نخست (دیدگاه اعضای هیئت مدیره)
۲۳	بخش دوم (بیانیه‌ها)
۶۳	بخش سوم (نامه‌ها)
۴۹	بخش چهارم (اخبار و نشست‌ها)
۶۳	بخش پنجم (یادداشت‌ها)
۲۲۳	بخش ششم (گزارش تصویری)



■ دیدگاه اعضای هیئت مدیره



کانون مجله‌ای دادگستری مرکز

کانون وکلا، پیشگام صیانت از حقوق مردم در سومین جنگ تحمیلی

منشور ملل متحد، به عنوان سنگ بنای نظام معاصر بین‌المللی، با تصریح بر اصل منع توسل به زور و ضرورت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، هرگونه تجاوز نظامی را مردود می‌داند. جنگ، در ذات خود، ناقض حقوق بنیادین بشر، از جمله حق حیات، امنیت و کرامت انسانی است و آثار مخرب آن، نسل‌ها را درگیر می‌سازد.

از جایگاه رییس کانون وکلای دادگستری، که رسالت آن دفاع از حقوق مردم در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی است، تأکید می‌کنم که سکوت در برابر نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل، به منزله عدول از عدالت و تضعیف حاکمیت قانون در سطح جهانی خواهد بود. جامعه وکالت، به عنوان یکی از ارکان تضمین دادرسی عادلانه، وظیفه دارد با اتخاذ مواضعی صریح، مستدل و مبتنی بر اصول حقوقی، در برابر چنین تجاوزاتی ایستادگی کند.

کانون وکلای دادگستری مرکز، با پیشینه‌ای نزدیک به یک قرن، همواره به عنوان نهادی مدنی، مستقل و صنفی، نقشی ممتاز در استیفای حقوق شهروندان و پاسداری از عدالت ایفا کرده است. این نهاد، افزون بر ایفای وظایف حرفه‌ای خود در حوزه وکالت و دفاع در

دکتر محمد شاه‌محمدی
رییس کانون وکلای
دادگستری مرکز



در روزگاری که سایه سنگین سومین جنگ تحمیلی بر سرزمین ایران گسترده شده و اندوهی عمیق بر جان و روان جامعه ایرانی نشسته است، به نمایندگی از کانون وکلای دادگستری مرکز، ضمن ابراز همدردی و عرض تسلیت به تمامی هموطنان داغدار و آسیب‌دیده، برای مردم بزرگ ایران صلی پایدار همراه با عزت و غرور، آرامشی مبتنی بر کرامت انسانی و آینده‌ای سرشار از امنیت، دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز آرزو دارم.

بی‌گمان، جنگ نه تنها حیات انسان‌ها را تهدید می‌کند، بلکه بنیان‌های توسعه، اعتماد اجتماعی و نظم حقوقی را نیز با مخاطراتی جدی مواجه می‌سازد و از این رو، هر صدای مسئولانه‌ای باید در جهت نفی خشونت و تقویت صلح و گفت‌وگو به میدان آید.

از منظر حقوق بین‌الملل، توسل به زور علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، نقض صریح اصول بنیادینی است که نظم حقوقی جهانی بر آن استوار است.



تمدید مهلت پرداخت فیش‌های حق بیمه زمستان و بهار صندوق حمایت وکلای درخواست شد تا از فشارهای اقتصادی بر همکاران کاسته شود. همچنین در اقدامی حمایتی، بیمه حوادث یکساله برای وکلای دادگستری صادر شد تا در شرایط جنگی، حداقلی از حمایت‌های ضروری برای آنان فراهم آید.

در عرصه بین‌المللی، کانون با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و ارتباطی خود و نیز با توجه به اینکه عضو رسمی کانون وکلای بین‌المللی (IBA) است، مکاتباتی رسمی با اشخاص و نهادهای ذی‌صلاح از جمله دبیرکل سازمان ملل متحد، رییس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، دادستان‌های ایالت‌های کالیفرنیا و واشنگتن و نیز روسای کانون وکلای بین‌المللی (IBA) و اتحادیه بین‌المللی وکلای (UIA) به عمل آورده است. در این مکاتبات، ضمن تبیین ابعاد حقوقی تجاوز صورت‌گرفته، بر نقض آشکار تمامیت ارضی کشور و لزوم پاسخگویی عاملان این اقدامات در مراجع بین‌المللی تأکید شده است. این رویکرد، بیانگر آن است که جامعه وکالت ایران، در دفاع از حقوق ملت، صرفاً به ظرفیت‌های داخلی اکتفا نکرده و از ابزارهای حقوقی بین‌المللی نیز به‌صورت فعال بهره می‌گیرد.

در سطح ملی نیز، ارائه خدمات مشاوره تلفنی و حضوری رایگان به هموطنان

مراجع قضایی، در بزنگاه‌های حساس تاریخی، مسئولیت اجتماعی خویش را نیز به‌گونه‌ای فعال و اثرگذار به انجام رسانده است. باور راسخ ما آن است که وکالت صرفاً حرفه‌ای محدود به دفاع در محاکم نیست، بلکه تعهدی اجتماعی و اخلاقی برای صیانت از حقوق انسان‌ها در تمامی ساحت‌ها، اعم از ملی و بین‌المللی است.

در پی تحولات اخیر و در راستای ایفای این مسئولیت خطیر، کانون وکلای دادگستری مرکز مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و هدفمند را در دستور کار قرار داده است. صدور بیانیه‌ای رسمی در محکومیت حملات ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل به خاک میهن، نخستین گام در اعلام موضع حقوقی و حرفه‌ای این نهاد بود. در ادامه و با توجه به شرایط خاص حاکم بر جامعه،

“
از منظر حقوق بین‌الملل، توسل به زور علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، نقض صریح اصول بنیادینی است که نظم حقوقی جهانی بر آن استوار است
”

آسیب‌دیده از سومین جنگ تحمیلی، از جمله اقدامات شاخص کانون به‌شمار می‌رود. در همین راستا، واحدهای مشاوره حقوقی در میادین مختلف شهر تهران برپا شده و وکلای دادگستری با حضور داوطلبانه، به ارائه خدمات رایگان حقوقی، اخذ وکالت و ثبت دعاوی علیه متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی اقدام کرده‌اند. این حضور میدانی، جلوه‌ای روشن از پیوند میان حرفه وکالت با مردم و توجه ویژه به مسئولیت اجتماعی وکلا است.

همچنین، تشکیل «ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور» در کانون، گامی راهبردی در جهت سازماندهی اقدامات حقوقی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی جامعه وکالت محسوب می‌شود. این ستاد تاکنون اقدامات بسیاری را راهبری کرده است از جمله برگزاری نشست‌های علمی با حضور حقوقدانان و وکلای دادگستری فعال در حوزه بین‌المللی که طی آن راه‌های استیفای حقوق مردم در جریان جنگ تحمیلی سوم مورد بررسی قرار گرفت.

از سوی دیگر، اقدام مشترک کانون وکلای دادگستری مرکز با کانون کارشناسان رسمی دادگستری و کانون سردفتران و دفتریاران، نمونه‌ای ارزشمند از هم‌افزایی نهادهای مدنی و حقوقی کشور در شرایط بحرانی است. این همکاری که با هدف حمایت از مردم آسیب‌دیده از جنگ و

ارائه خدمات رایگان معاضدتی صورت گرفت، نشان داد که نهادهای مدنی می‌توانند با انسجام و همدلی، نقش مؤثری در کاهش آلام اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا کنند.

کانون وکلای دادگستری در این مقطع حساس تاریخی، خود را از یک سو شریک و غمخوار مردم آسیب‌دیده از جنگ می‌داند و از سوی دیگر، کنشگری فعال در سطوح ملی و بین‌المللی را وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کند. بر این باوریم که احقاق حقوق ملت ایران، علاوه بر عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک، در میدان حقوقی و قضایی، به‌ویژه در مراجع بین‌المللی، نیازمند پیگیری مستمر، تخصصی و مبتنی بر اصول حقوقی است. از این رو، کانون وکلا به پشتوانه اعضای متخصص و فرهیخته، آمادگی کامل خود را برای ارائه مشاوره حقوقی تخصصی، طرح و پیگیری دعاوی علیه متجاوزان در مجامع بین‌المللی را تا استیفای حقوق مردم و کشور اعلام می‌کند.

در پایان امید آن داریم که با اتکاء به اصول حقوقی، حاکمیت قانون و اراده ملت‌ها، جهانی‌سازی از خشونت و مبتنی بر عدالت شکل گیرد، جهانی که در آن، جنگ جای خود را به گفت‌وگو و تفاهم بدهد و حقوق ملت‌ها، فارغ از ملاحظات قدرت، به‌گونه‌ای برابر و مؤثر مورد حمایت قرار گیرد.

مسئولیت بین‌المللی آمریکا و رژیم اسرائیل در قبال بهاران و تخریب زیرساخت‌های ایران

بین‌المللی دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل تبیین شده است.

بر اساس ماده ۲ از این سند، تحقق مسئولیت بین‌المللی مستلزم انتساب فعل به دولت و مغایرت آن با تعهدات بین‌المللی است. در سناریوی حاضر، عملیات نظامی به نیروهای مسلح رسمی دولت‌ها منتسب و از این حیث، شرط انتساب وفق مواد ۴ و ۵ محقق است. از سوی دیگر، نقض تعهدات بنیادین، اعم از ممنوعیت توسل به زور و تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه، عنصر دوم مسئولیت را نیز تکمیل می‌کند.

افزون بر نقض اصل منع توسل به زور، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز ایرادات اساسی دارد. مطابق اصل تفکیک، که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو تصریح شده است، طرف‌های مخاصمه موظف‌اند همواره میان اهداف نظامی و اشیای غیرنظامی تمایز قائل شوند و حملات خود را صرفاً متوجه اهداف نظامی کنند. تخریب زیرساخت‌هایی نظیر تأسیسات انرژی، شبکه‌های آب و برق یا مراکز درمانی، در صورتی که فاقد کارکرد نظامی مؤثر باشند، نقض آشکار این اصل است.

همچنین، اصل تناسب مقرر در ماده ۵۱(۵)

سعید باقری
نایب رییس کانون وکلای
دادگستری مرکز



در منظومه حقوق بین‌الملل معاصر، توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها، به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق نقض قواعد آمره با ممنوعیتی مطلق مواجه است. قاعده منع توسل به زور، که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد تصریح شده است، نه‌تنها یک تعهد قراردادی، بلکه اصلی بنیادین و غیر قابل عدول در نظام حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شود؛ اصلی که تخطی از آن، مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را به طور قهری و بی‌واسطه محقق می‌سازد.

در فرض بمباران و تخریب زیرساخت‌های یک کشور مستقل، از جمله جمهوری اسلامی ایران، نخستین و اساسی‌ترین مبنای مسئولیت، نقض صریح اصل منع توسل به زور است. این اقدام، در فقدان مجوز شورای امنیت وفق فصل هفتم منشور یا تحقق شرایط استثنائی دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور، فاقد هرگونه توجیه حقوقی معتبر است و در زمره «عمل متخلفانه بین‌المللی» قرار می‌گیرد؛ مفهومی که در مواد مسئولیت



(ب) همان پروتکل، هرگونه حمله‌ای را که خسارات غیرنظامی آن در قیاس با مزیت نظامی مورد انتظار، بیش از حد و نامتناسب باشد، ممنوع می‌داند. بدیهی است که بمباران گسترده زیرساخت‌های حیاتی، به‌ویژه در محیط‌های شهری، غالباً واجد آثار غیر قابل کنترل بر جمعیت غیرنظامی است و از این حیث، با قاعده تناسب نیز در تعارض قرار می‌گیرد.

از منظر دکترین حقوق بین‌الملل، بسیاری از نویسندگان برجسته، از جمله «یان براونلی» و «آنتونیو کاسسه»، بر این باورند که نقض هم‌زمان قواعد آمره و قواعد بشردوستانه، نه تنها مسئولیت دولت را در سطح کلاسیک (جبران خسارت) برمی‌انگیزد، بلکه می‌تواند موجبات مسئولیت تشدید یافته را نیز فراهم آورد؛ به‌ویژه در مواردی که نقض، واجد ماهیت سیستماتیک یا گسترده باشد.

بر اساس مواد ۳۰ و ۳۱ طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت متخلف مکلف به توقف فعل متخلفانه، ارائه تضمین عدم تکرار و جبران کامل خسارات وارده است. جبران خسارت، مطابق ماده ۳۴، می‌تواند در قالب اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت و یا رضایت متجلی شود. در فرض تخریب زیرساخت‌های حیاتی، غالباً اعاده وضع به حال سابق ممکن نیست و لذا، پرداخت غرامت کامل، شامل خسارات مادی و معنوی، به‌عنوان راهکار اصلی جبران مطرح می‌شود. در کنار مسئولیت

دولت‌ها، نباید از امکان تحقق مسئولیت کیفری فردی نیز غفلت کرد. حملات عامدانه علیه اهداف غیرنظامی، وفق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، می‌تواند در زمره جنایات جنگی قرار گیرد. هرچند صلاحیت دیوان نسبت به دولت‌هایی که عضو اساسنامه نیستند، با محدودیت‌هایی مواجه است، لیکن از طریق ارجاع شورای امنیت یا پذیرش صلاحیت موردی، امکان رسیدگی فراهم خواهد بود.

در نهایت، نقض چنین قواعدی، صرفاً یک تخلف دوجانبه تلقی نمی‌شود، بلکه به موجب ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، تمامی دولت‌ها به‌عنوان اعضای جامعه بین‌المللی، ذی‌نفع در اجرای تعهدات عام‌الشمول محسوب می‌شوند و حق مطالبه توقف نقض و تضمین اجرای تعهدات را دارند. بر این اساس، بمباران و تخریب زیرساخت‌های ایران، در فرض انتساب به ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، نقض هم‌زمان قواعد آمره، اصول بنیادین منشور ملل متحد و قواعد اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و موجبات تحقق مسئولیت بین‌المللی، تعهد به جبران خسارت و امکان پیگیری‌های حقوقی و کیفری در سطوح مختلف بین‌المللی را فراهم می‌سازد؛ امری که تداوم آن، نه تنها نظم حقوقی بین‌المللی، بلکه حداقل‌های انسانیت را نیز با چالش جدی مواجه می‌کند.

ابعاد حقوقی جنگ تحمیلی و الزامات دعاوی مطالبه غرامات وارده بر دولت و اشخاص ایرانی

ضمانت اجرای عملی و رویه‌های قضائی بین‌المللی منتهی به تضمین و شفافیت روش مطالبه و وصول خسارات وارده به ایران، ضرورت می‌یابد.



بابک جعفری
نایب رییس کانون وکلای
دادگستری مرکز

۱. مقدمه

جنگ تحمیلی و هرگونه مداخله خارجی در منازعات علیه ایران، مطابق قواعد آمره حقوق بین‌الملل، نقض صریح اصل منع توسل به زور، مقرر در ماده ۲(۴) منشور ملل متحد، است. ممنوعیت حمله یا حمایت از حمله به یک دولت، یک قاعده آمره شناخته شده است و تخطی از آن مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را ایجاد می‌کند (منبع: ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, ۱۹۸۶).

نظر به اینکه در سال‌های گذشته نقش برخی دولت‌ها در تشدید مخاصمات یا اقدامات منجر به خسارت به ایران مطرح بوده است، مضافاً تجربه دعاوی مطروحه در دیوان داورای ایران و آمریکا و بیانیه الجزایر و ادعای طرفینی له و علیه ایران از سوی آمریکا و برخی دول دیگر اعم از متخاصم و غیرمتخاصم، بررسی حقوقی امکان طرح دعاوی غرامت در چارچوب حقوق بین‌الملل با تمام ضعف‌های اجرائی خود، ناظر به فقدان

۲. مبانی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پایه نظری مسئولیت دولت‌ها بر اساس پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ (ILC Articles on State Responsibility) است. این سند، مهم‌ترین منبع برای تعیین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در رفتارهای غیرقانونی است.

بر اساس این سند و رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری:

۱. رفتار دولت باید قابل انتساب باشد (ماده ۲ ILC).

۲. رفتار باید ناقض یک تعهد بین‌المللی باشد (ماده ۱۲ ILC).

۳. خسارت باید واقعی و قابل احراز باشد (ماده ۳۱ ILC).

در زمینه جنگ و مخاصمات:

■ ماده ۱۶ ILC مسئولیت دولت برای «کمک یا معاونت» به دولت متجاوز را مقرر می‌کند.

■ دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶)،





■ خسارات به اموال دولتی و شخصی؛
■ خسارات محیط‌زیستی (ارجاع: UN
General Assembly Resolution ۳۷/۴۷
on Protection of the Environment in
Armed Conflicts)؛

■ خسارت وارده به آثار و ابنیه تاریخی،
ملی و ثبت شده در یونسکو.

ب) خسارات معنوی

خسارات غیرمادی یا معنوی از هر دست
و هر گونه (non-material damage) نیز
قابل مطالبه‌اند (ماده ۳۷ ILC).

نمونه رویه: ICJ (Corfu Channel Case,
۱۹۴۹).

پ) خسارات بلندمدت و پیامدهای
پسینی

خسارات طولانی‌مدت ناشی از

روشن بیان می‌کند که تجهیز و حمایت
مالی، اطلاعاتی و لجستیکی از یک
طرف مخاصمه، در صورت آگاهی دولت
کم‌کننده، مسئولیت بین‌المللی ایجاد
می‌کند.

۳. خسارات قابل مطالبه بر اساس حقوق
بین‌الملل

خسارات ناشی از جنگ و مداخله خارجی
مطابق استانداردهای زیر قابل مطالبه
است:

الف) خسارات مادی

بر اساس ماده ۳۱ ILC، دولت مسئول
باید «تمامی خسارات مادی» وارد شده را
جبران کند. این شامل:

■ خسارات زیرساختی؛

(Compensation Commission UNCC
پس از جنگ کویت (۱۹۹۱).

■ محاکم داخلی برخی کشورها: بر اساس استثنائات قانون مصونیت دولت‌ها، مانند قانون مصونیت‌های حاکمیتی خارجی ۱۹۷۶ آمریکا (البته غالباً محدود و یک‌طرفه است و به ارزیابی دقیق نیاز دارد).

پ) چالش «مصونیت دولت‌ها»
مصونیت دولت‌ها مطابق کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها (UN Convention ۲۰۰۴) اصل کلی است؛ اما استثناءهایی با استناد به:

■ نقض قواعد آمره

■ اقدامات تجاری

■ خسارات جانی

■ نقض حقوق بشری فاحش

در برخی نظام‌های حقوقی وجود دارد (منبع: European Court of Human Rights, Al-Adsani Case).

۵. استناد به رویه‌های حقوق بین‌الملل

در دعاوی غرامت، رویه‌های زیر به طور خاص قابل استفاده‌اند:

■ قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶):

تعیین مسئولیت دولت برای کمک به نیروهای ضدحکومتی.

■ قضیه بوسنی علیه صربستان (۲۰۰۷):

مسئولیت برای عدم جلوگیری از اعمال ممنوعه.

■ قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو علیه

جنگ‌افزارها یا استمرار اقدامات غیرقانونی علیه ایران مطابق با اصول جبران «کامل» (full reparation) قابل مطالبه است (منبع: Factory at Chorzów Case, Permanent Court of International Justice, ۱۹۲۸).

۴. الزامات طرح دعوای غرامت علیه دولت‌های خارجی

الف) جمع‌آوری ادله

به استناد استانداردهای ارائه شده در:

■ UN Guidelines on Documentation of International Crimes

■ ICRC Customary International Humanitarian Law Database

باید:

■ رابطه علیت میان اقدام دولت خارجی و خسارت اثبات شود؛

■ اسناد فنی، نظامی، اقتصادی و پزشکی جمع‌آوری شود؛

■ گزارش کارشناسی قابل ارائه به مراجع بین‌المللی تهیه شود.

ب) تعیین مرجع صالح

باتوجه به محدودیت‌های صلاحیت اجباری در حقوق بین‌الملل:

■ دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): مستلزم رضایت طرف مقابل است.

■ داوری‌های بین‌المللی: قابل استفاده در صورت وجود توافق دو یا چندجانبه.

■ کمیسیون‌های جبران خسارت: نمونه تاریخی قابل استناد، (UN)



اوگاندا (ICJ, ۲۰۰۵): محکومیت اوگاندا به پرداخت غرامت جنگی.

■ UNCC پس از جنگ کویت: یکی از موفق‌ترین تجربه‌های ارزیابی خسارات جنگ.

■ قضیه کانال کورفو (۱۹۴۹): مسئولیت ناشی از نقض تعهدات عام‌الشمول.

این مجموعه سوابق مبانی لازم برای طرح دعوی غرامت علیه دولت‌های مداخله‌گر را فراهم می‌کند.

۶. راهکارهای عملی پیگیری حقوقی

برای ایران، مسیرهای زیر از منظر حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است:

■ ایجاد کمیسیون ملّی جمع‌آوری اسناد جنگ مطابق معیارهای سازمان ملل متحد.

■ طرح موضوع در مجمع عمومی سازمان ملل و ثبت رسمی آثار نقض‌ها.

■ تلاش برای ایجاد سازوکار داوری بین‌المللی اختصاصی با ابتکار منطقه‌ای.

■ پیگیری دعاوی خصوصی شهروندان از طریق محاکم خارجی با استناد به استثنائات صلاحیتی.

■ استفاده از داده‌های ماهواره‌ای، گزارش‌های رسمی سازمان ملل و بایگانی‌های بین‌المللی برای اثبات رابطه سببیت.

۷. جمع‌بندی

مطابق مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی

شامل منشور ملل متحد، مواد مسئولیت دولت‌ها، رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری و اسناد عرفی، هرگونه مداخله نظامی یا امنیتی منجر به خسارت علیه ایران و شهروندانش می‌تواند مبنای یک دعوی مطالبه غرامت باشد.

البته دو ملاحظه و تذکر لازم به ذکر است: یکی، استناد به قاعده فقهی تقاص که در امور کیفری کاربرد دارد و به نوعی، امکان تهاتر و غرامات وارده به ایران را با اموال دولت واردکننده خسارت به ایران در فضای بین‌الملل می‌دهد و دیگری، توجه به این موضوع که نظر به وجود فضای مذاکره با دولت متخاصم و متجاوز پس از آتش‌بس اعم از اینکه منتهی به ترک تخاصم دائمی شود یا خیر، شایسته است موضوع مجموع خسارات وارده به ایران و روش و کیفیت وصول آن، یکی از بندها و شروط تیم مذاکره‌کننده ایران باشد تا به نوعی ضعف فقدان ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل در عمل جبران شود و حق از ایران و ایرانیان زائل نشود.

اجرای موفق این دعاوی نیازمند:

■ مستندسازی گسترده

■ استفاده از کارشناسان حقوق بین‌الملل

■ پیگیری در مراجع مختلف

■ و هماهنگی میان نهادهای ملّی و بین‌المللی

است تا امکان طرح خواسته‌های غرامتی مطابق با استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی فراهم شود.

انسان پیشرفت ناپذیر؛ شاهدی در جنگ کنونی

نفرت، دوست داشتن، حسد، بلاهت و ... است. او همچنان با داستان‌های کهن هم‌ذات‌پنداری می‌کند، حس کنجکاویش را برمی‌انگیزد، حسرت می‌خورد، غمگین می‌شود و ... همان طور که خالقان همان آثار و هم‌عصرانشان چنین احساساتی را تجربه می‌کردند.

جنگ رویداد بزرگی است می‌تواند همه چیز را زیر و رو کند از جمله آن، تفسیرمان از دنیایی که در آن زیست می‌کنیم. شاید پیش از جنگ سوم تحمیلی، که با حسرت به اوج تمدن غرب می‌نگریستم، این گزاره که «همه چیز پیشرفت کرده، به‌جز انسان» شاعرانه یا انتقادی به نظر می‌رسید. وقتی امروز از قاب و فضای رسانه‌جملاتی می‌شنویم که در اعصار دور تبهکاران از آن سخن می‌راندند، به یقین می‌رسیم که برخلاف ساختمان‌ها و ابزارها، خود انسان پیشرفتی نداشته است.

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، که انسان امروزی بدان مفتخر است و آن را شاهکار فلسفه انسان‌مدارانه و تمدن خود می‌داند، امروز مانند کاغذهای چرکنویس و اباطیل‌نامه‌های کم‌اهمیتی به دور انداخته شده است. طبق اصول مهم حقوق بشردوستانه در مخاصمات نظامی، به‌کاربردن زور هم باید قاعده‌مند باشد. جهت‌در بندکشیدن ذات سرکش

دکتر وحید قاسمی عهد

بازرس و عضو هیئت مدیره
کانون وکلای دادگستری مرکز



درست است که می‌گویند همه ابعاد زندگی بشر پیشرفت می‌کند، به‌جز خود انسان؛ انسانی که روزی با چهارپا کشاورزی می‌کرد، با کمان و شمشیر به جنگ می‌پرداخت، از آب چشمه‌سارها و رودخانه‌ها می‌نوشید و در چپر و غار زندگی می‌کرد، امروز با ماشین‌آلات صنعتی کشاورزی می‌کند، با تجهیزات پیشرفته‌ای چون هواپیما، بمب و موشک و هزاران ابزار جدید می‌جنگد و آب تصفیه‌شده را از لوله‌های متصل به شبکه آب‌رسانی شهری در آپارتمان‌های ایمن خود می‌نوشد. اما، همان انسان اعصار گذشته همان امیال و عواطفی را داشته که ما نیز از آن برخورداریم، او حسد می‌ورزید، به تراژدی می‌گریست و به کمدی می‌خندید، بلاهت داشت، عاشق می‌شد و مهربانی می‌ورزید، خشمگین می‌شد و انتقام می‌گرفت.

انسان امروز نیز چنین است فرقی نمی‌کند از کدام تبار و در کدام نقطه از جغرافیا باشد، مهم نیست کاخ‌نشین یا کوخ و زاغه‌نشین باشد یا هیچ اهمیتی ندارد که در جهان موسوم به اول یا سوم زیست کند، او هم ملغمه‌ای از عشق،



قدرت و «اعمال زور»، اصولی در حقوق جنگ پیش‌بینی شده است؛ با این امید که شاید خوی درندگی و نابودگرانه انسان اسلحه به دست را قالب‌مند و کران‌مند کند. طبق یکی از آن اصول، یعنی اصل تفکیک، در درگیری‌های مسلحانه «افراد» و «اهداف غیرنظامیان» نباید مورد تهاجم و هدف قرار گیرند. مطابق پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، قراردادن زندگی غیرنظامیان در مواجهه با هرگونه خطر یا تهدید و حتی گرسنگی دادن مردم ممنوع است. همچنین، تخریب اموال و اشیائی که برای زنده ماندن اشخاص ضرورت دارند در شمول همین ممنوعیت هستند، طبق اصل تناسب نیز حمله‌ای که از آن انتظار می‌رود به طور اتفاقی باعث تلفات یا آسیب به غیرنظامیان، خسارت به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از آن‌ها شود، به گونه‌ای که در مقایسه با مزیت نظامی پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد حمله‌ای غیر تفکیکی و کورکورانه محسوب و در نتیجه ممنوع است.

هدف بنیادین اصل تناسب، حفاظت از غیرنظامیان و اشیاء و اموال غیرنظامی در برابر اثرات مخرب درگیری‌های مسلحانه است. پروتکل الحاقی اول، استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی را که به تهدید سلامت یا زنده ماندن جمعیت غیرنظامیان منجر شود ممنوع اعلام کرده است. از مقررات مذکور، که در

راستای اصول فوق تدوین شده‌اند، این نتیجه حاصل می‌شود که نه تنها حق حیات و خسارت‌زدن به جمعیت غیرنظامی ممنوع است، بلکه به کاربردن زور به نحوی که منجر به دگرگونی وضعیت زندگی و سبب رنج غیرنظامیان شود نیز ممنوع است.

تردید نیست که حمله به پل‌ها و زیرساخت‌های یک کشور، که زندگی عادی انسان امروزی در گرو آن است، جزء خطوط قرمز حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد و ارتکاب آن جنایت جنگی تلقی می‌شود.

در مغایرت با این میراث بشری، امروزه رؤسای کشور و رژیم متخاصم با جدیت تمام و با ژست حق‌به‌جانب و قهرمانانه، مردم ایران را به تخریب و نابودی زیرساخت‌هایی مثل صنعت برق، آب و گاز و پتروشیمی تهدید می‌کنند و دنیایی

“

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، که انسان امروزی بدان مفتخر است و آن را شاهکار فلسفه انسان‌مدارانه و تمدن خود می‌داند، امروز مانند کاغذهای چرک‌نویس و اباطیل‌نامه‌های کم‌اهمیتی به دور انداخته شده است

”



مطلوب‌هایی چون ثروت و قدرت انسان‌ها را به قتل می‌رساند، انسان امروزی هم بشر را می‌کشد.

انسان گذشته جبرونی و ترسویی داشت و در برابر تهدید یا حفظ منافع سکوت می‌کرد، انسان امروزی نیز از بیم مهابت آن سر بر جیب خود بر می‌کشد.

انسان دیروز ظلم می‌کرد امروزی نیز ستم می‌کند. انسان دیروزی تحت تأثیر منافع، عواطف و اخبار قضاوت می‌کرد، انسان امروزی نیز چنین می‌کند.

انسان قرون گذشته از هراسی که در دل داشت، قانون را برای اقویاء اجراء نمی‌کرد و انسان امروزی نیز جسارت اعمال قانون بر قدرتمندان را ندارد. انسان دیروزی فریب می‌داد و دچار بلیهٔ بلاهت بود، انسان امروزی هم تحمیق می‌کند و چه تلخ که هنوز هم مبتلا به بلاهت است ... گویی خود انسان آهنگ پیشرفت ندارد.

بدوی و عصر حجری را برای ملت ایران وعده می‌دهند؛ سخنانی فجیع و غیر انسانی، که کافی بود از زبان یک داعشی یا گروهی تکفیری منتشر می‌شد تا قبح، بهت‌آوری و وحشیانه‌بودن آن، در قرن بیست‌ویکم به اعلی‌ترین درجه نمایان شود. سخنانی که می‌توانست موضوع خوب پژوهشی برای رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و مجامع روشن‌فکری باشد که آن را به پای یک قومیت، ایدئولوژی یا اقتضائات یک جغرافیا بنویسند.

اما، وقتی که هنوز زور عریان کاراست، رسانه‌ها و سایر دولتمردان نیز در ظل چکمه‌های قدرتمندان، دست به توجیه یا سکوت می‌زنند، نشان می‌دهد که چه میزان خود انسان امروزی مانند گذشته اسیر جنایت‌پیشگی، جاه‌طلبی، زبونی، ترس و جبرونی است. انسان اعصار پیش هم برای کسب



نگاه اجمالی برای امکان اخذ عوارض تردد از آبراه تنگه هرمز وفق مقررات بین‌المللی

با استناد به آیات و روایات، صلح و سازش را نشانه فتنه‌گری دانستند و خود را نزدیک خیمه معاویه فرض کردند و هر کسی را مدعی صلح و سازش و آتش‌بس بود فتنه‌گر و خائن تلقی کردند!!!

عده‌ای دیگر، یکی از شروط آتش‌بس و صلح و سازش پایدار را تنظیم رژیم حقوقی خاص برای تنگه هرمز مبنی بر اخذ عوارض تردد کشتی‌ها دانستند.

سؤالی که از نظر حقوقی مطرح می‌شود، این است آیا اخذ عوارض جهت تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز ممکن است؟ برای پاسخ به این سؤال، ضرورت دارد اجمالاً به وضع معاهدات بین‌المللی درباره حقوق دریایی بنگریم.

به‌اختصار، منشأ مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق دریاها به کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو و کنوانسیون حقوق دریایی ۱۹۸۲ برمی‌گردد که نهایتاً توسط سازمان ملل، سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) تأسیس شده که وظایف این سازمان، وضع مقررات حقوقی برای دریاهاست.

کنوانسیون حقوق دریایی ۱۹۸۲ سازمان ملل (۱۳۶۱ شمسی)، قانون اساسی حقوق دریاها در عرف بین‌المللی نامیده می‌شود و عمده دولت‌ها عضو این کنوانسیون هستند. دولت ایران این



دکتر علی صدری خانلو
بازرس و عضو هیئت‌مدیره
کانون وکلای دادگستری مرکز

جنگ چهل‌روزه را رژیم صهیونیستی و کشور آمریکا به ایران تحمیل کردند و با این جنگ، دولتی که مدعی طرف‌داری از حقوق بشر است، مقررات بین‌المللی را زیر پا گذاشت و صراحتاً منشور سازمان ملل را که قانون مادر حقوق بین‌المللی محسوب می‌شود، در روز روشن نادیده گرفت! متأسفانه در این جنگ انواع جنایت‌های بین‌المللی، به‌ویژه جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، تحقق یافت و شورای امنیت سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی فقط نظاره‌گر این جنایات بودند و در خصوص کشتار بیش از ۱۶۸ دانش‌آموز مینابی سکوت پیشه کردند!!!

در جنگ، ایران برای حفظ تمامیت ارضی، هوایی و آبی‌اش دفاع جانانه کرد و حتی در تنگه هرمز که عمدتاً در حاکمیت سرزمینی ایران است، به کشتی کشورهای بیگانه که در این جنگ علیه ایران نقش داشتند، اجازه تردد نداد.

وقتی مسئله صلح و سازش و آتش‌بس در این جنگ مطرح شد، عده‌ای در داخل



حاکمیت خود ایجاد کرده‌اند از کشتی‌ها عوارض تردد اخذ کنند، ولی در آبراه‌های بین‌المللی «طبیعی» و نه «مصنوعی» که ساخته دولت‌ها نباشد، هرچند در داخل حاکمیت سرزمینی دولتی باشد، نمی‌توان برای تردد کشتی‌ها عوارض اخذ کرد (اصطلاحاً مثل حقوق داخلی به علت قدمت چنین حق معبری، نوعی حق ارتفاع دولت‌ها جهت تردد از آن آبراه‌ها تلقی می‌شود)، مگر اینکه دولت ساحلی برای تردد از این آبراه‌های بین‌المللی، امکانات و تسهیلاتی فراهم کرده باشد. لذا به نظر می‌رسد چون دولت ایران بخش عمده‌ای از تنگه هرمز را در حاکمیت ساحلی خود دارد، با ایجاد امکانات و تسهیلاتی از جمله ایجاد امنیت تردد می‌تواند با تنظیم رژیم حقوقی، عوارض دریافت کند.

“

متأسفانه در این جنگ انواع جنایت‌های بین‌المللی، به‌ویژه جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، تحقق یافت و شورای امنیت سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی فقط نظاره‌گر این جنایات بودند و در خصوص گشتار بیش از ۱۶۸ دانش‌آموز میناب‌ی سکوت پیشه کردند!!!

”

کنوانسیون را امضا، کرده ولی در مجلس ایران به تصویب نرسیده است.

در حقوق داخلی ایران هم مقرراتی به شرح زیر برای دریاها وضع شده است:

۱- قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ۱۳۱۳.

۲- قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ۱۳۳۸.

۳- قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ۱۳۵۲.

۴- قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ۱۳۷۲.

یک نکته که در کنوانسیون دریایی ۱۹۸۲ و عرف بین‌المللی مطرح شده، این است که چه میزان از آب‌های ساحلی کشورها، جزء سرزمین آن کشور محسوب می‌شود؟ باتوجه به نوع و شکل و حالت ساحل در عرف بین‌المللی، دوازده مایل از طریق مبدأ ساحل آبی، حداقل جزء سرزمین کشور تلقی می‌شود و می‌توان با رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی از آن بهره‌برداری کرد.

در خصوص کانال‌های آبراه بین‌المللی مثل تنگه هرمز آیا اخذ عوارض ممکن است؟

مستند قانونی صریح و روشنی در این باره وجود ندارد، ولی باتوجه به کانال‌های آبراه بین‌المللی، از جمله کانال سوئز که در شهر سوئز کشور مصر واقع است، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که کشورها می‌توانند در آبراه‌های بین‌المللی‌ای که در داخل



تکرار چندین باره تجربه تلخ حمله به ایران

تاریخ تلخ آن دوران و جان سپردن مردمان این مرزوبوم؛ از غرق شدن ناو دنا تا شهادت کودکان مدرسه میناب که تمام آرزوها و رؤیاهای خود را به خاک سپردند و شوق و امید مادران را نیز همراه با خود به گور بردند و داغی گران بردل مادران میهن نشانند. در این روزها چقدر تجربیات تلخ تاریخی این سرزمین پیرالتهاب برایمان یادآوری می‌شود و قلبمان برای روزگار و مردمان آن می‌تپد اما یقین داریم آن چیزی که در پایان می‌ماند ایران است که از دل تمامی وقایع و حوادث سر بر می‌آورد و آفتاب شوق و امید دوباره بر آن می‌تابد و همان طور که هزاران سال است پس از تمام ناکامی‌ها حیات خویش را از سر گرفته، اکنون نیز نقطه پایانی بر این ایام می‌نهد و دوباره سر از خاک بر می‌دارد.

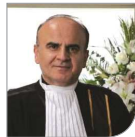
“

بی‌شک جنگ تلخ‌ترین واقعه هر دوران تاریخی بوده که هیچ برنده‌ای نمی‌تواند برای آن متصور بود، چراکه بهای آن به‌مسلخ بردن جان انسان‌هایی است که هیچ‌گاه خواهان وقوع آن نبوده و تنها نظاره‌گر غارت و ویرانی کشور خویش بوده‌اند

”

حسین طالع

عضو هیئت‌مدیره کانون
وکلای دادگستری مرکز



جنگ و ازه‌ای که حتی بر زبان‌راندن آن نیز قلب انسان را می‌فشارد و به این فکر وامی‌دارد که چطور ممکن است عده‌ای به دنبال تأمین منافع خود از طریق سلب حق حیات هم‌نوعان خود بوده و برای مرگ آنان برنامه‌ریزی کنند.

بی‌شک جنگ تلخ‌ترین واقعه هر دوران تاریخی بوده که هیچ برنده‌ای نمی‌تواند برای آن متصور بود، چراکه بهای آن به‌مسلخ بردن جان انسان‌هایی است که هیچ‌گاه خواهان وقوع آن نبوده و تنها نظاره‌گر غارت و ویرانی کشور خویش بوده‌اند؛ کشوری که در طول ادوار تاریخی بارها و بارها آماج حملات ددمنشانه اغیار قرار گرفته و هر ایرانی را بر آن می‌دارد تا ببیند این سرزمین چه کرده که بهای خودکامگی و قدرت‌طلبی بیگانگان را فرزندان و کودکان آن باید با جان‌گران قدر خود بپردازند؟؟؟

کشوری که پیش‌گام آغاز جنگ نبوده ولی هر بار در آتش‌گزار این پیکار نابرابر سوخته است؛ حمله مغول‌ها، حمله اعراب، اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی، جنگ تحمیلی هشت‌ساله؛ و اکنون دوباره تکرار



تحلیل قرآنی جنگ رمضان با رویکرد الهی

لَهْدَمْتُ صَوَامِعَ وَبَيْعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ
يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا

همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد.

مطابق این آیه، تجلی نور خدا در مساجد است و جهاد سبب می‌شود که مساجد و صومعه‌ها ویران نشود. همین امر سبب می‌شود که نور خدا هیچ‌گاه خاموش نشود.

۲- ضرورت استفاده از تجهیزات روز دنیا در

حکومت اسلامی

حاکم اسلامی هیچ‌گاه آغازگر جنگ و تجاوز به کشورهای دیگر نخواهد بود، لیکن باید توجه داشت استفاده از تجربیات روز دانش بشری در زمینه امور دفاعی و بهره‌گیری از تمامی امکانات دفاعی برای پاسداری از مرزهای حکومت اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است، زیرا تأمین امنیت و آسایش مردم از گزند حملات کشورهای بیگانه از وظایف ذاتی کشورهای اسلامی است. به همین دلیل، ضرورت دارد حاکم اسلامی همواره خود را مجهز به پیشرفته‌ترین تجهیزات روز دنیا در

دکتر محمود حبیبی

عضو هیئت مدیره کانون
وکلای دادگستری مرکز



اسلام دین تمدن‌ساز است و قطعاً هرگونه جنگ و تجاوز، مطابق احکام شریعت و آموزه‌های قرآنی، امری مذموم و ناپسند است. در عین حال در کتاب آسمانی قرآن، تمامی زوایای حقوقی نهان و آشکار جنگ و تجاوز، دفاع مشروع و صلح و مذاکرات با دشمن، به تفصیل بیان شده است. در این یادداشت، بر این نکته تأکید می‌نماییم که چون اسلام دین و حیانی است، تمامی موضوعات مرتبط با جنگ باید منطبق با آموزه‌های قرآنی و دینی تبیین گردد. با این توصیف، هرگز نمی‌توان صرفاً با توسل به قدرت نظامی و تجهیزات دفاعی و داشتن نیروی انسانی، مؤلفه‌های مربوط به جنگ و آثار آن را مورد بازخوانی قرار داد.

با این مقدمه، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و قواعد مربوط به جنگ در احکام شریعت اسلام به شرح ذیل است:

۱- فلسفه جهاد

اساساً فلسفه و هدف غایی جهاد در قرآن کریم به روشنی بیان شده است. همچنان که آیه ۶۰ سوره حج می‌فرماید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ



حدود قوانین و مقررات شرعی کند. در همین زمینه، آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِبِينَ مِنْ دُونِهِمْ» یعنی هر نیرو و قدرتی دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید! تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!

۳- ضرورت دفاع مشروع در برابر تجاوزات خارجی

دفاع مشروع با رعایت تناسب و اعتدال، امری مسلم و قطعی در قرآن کریم است. خداوند در آیه ۳۹ سوره حج می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» یعنی به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

۴- جهاد حقیقی در راه خدا از طریق جان و مال موجب رستگاری عظیم است

نگاه قرآن به موضوع جهاد در راه خدا، کاملاً متفاوت از سایر احکام شریعت است. حدود ششصد آیه از آیات کلام وحی ناظر به جهاد در راه خداست که مبین اهمیت موضوع مجاهدت در راه خدا می‌باشد، به علاوه تعابیر به‌کاررفته در ارتباط با موضوع جهاد، ژرفای خاصی دارد و هیچ‌گاه از این مفاهیم در خصوص سایر احکام استفاده نشده است. در این یادداشت برای نمونه

به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌گردد: الف) جهاد در راه خدا مصداق بارز «معامله انسان با خداست»: خداوند در آیه ۱۱۱ سوره توبه می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآنَ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ یعنی خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که در برابرش رستگاری عظیم برای آنان مقرر شده است.

مطابق این آیه، طرفین معامله، انسان و خداوند هستند، موضوع معامله، جان و مال مؤمن است و عوض معامله فوز عظیم است.

ب) جهاد در راه خدا به‌عنوان یک «تجارت پرسود» معرفی شده است: همچنان‌که خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجَارَىٰ مِنْ عَدَابِ أَلِيمٍ. تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

“

حاکم اسلامی هیچ‌گاه آغازگر جنگ و تجاوز به کشورهای دیگر نخواهد بود، لیکن باید توجه داشت استفاده از تجربیات روز دانش بشری در زمینه امور دفاعی و بهره‌گیری از تمامی امکانات دفاعی برای پاسداری از مرزهای حکومت اسلامی ضرورتی انکارناپذیر است

”

اساس، مجاهدت در راه خدا باید با هدف اصلاح و با رویکرد الهی باشد و نه ایجاد فساد و برتری طلبی و دنیاپرستی. مؤید این امر قسمت اخیر آیه ۸۳ سوره قصص است که می‌فرماید: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

۶- صلح و موقعیت سنجی حاکم اسلامی

آیات ۶۱، ۶۲، ۶۳ سوره انفال می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱) وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ (۶۲) وَاللَّفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)» یعنی اگر دشمنان به صلح روی آوردند، تو هم پیشنهاد آن‌ها را برای صلح بپذیر و بر خدا توکل کن، که یقیناً او شنوا و داناست و اگر بخواهند در جریان مذاکرات تو را فریب دهند، یقیناً خدا تو را کافی است؛ اوست کسی که تو را با امداد غیبی و به وسیله مؤمنان نیرومند و قوی می‌گرداند. همان خدایی که میان دل‌های مؤمنین الفت و پیوند عمیقی برقرار می‌کند، الفتی که اگر همه آنچه را روی زمین است، هزینه می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان چنین الفتی ایجاد کنی ولی خدا میان مردم ایجاد الفت کرد؛ زیرا خداوند توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

در این آیات شریفه چندین نکته حایز اهمیت وجود دارد:

بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ دَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» یعنی ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ بی‌شک اگر معرفت و آگاهی داشته باشید این امر برای شما بهتر است.

پ) شهادت «حیات طیبه» است: در آموزه‌های قرآنی، شخصی که جان خود را در راه جهاد الهی با قلب سلیم فدا می‌کند، هیچ‌گاه مرده محسوب نمی‌شود بلکه نزد پروردگار زنده است و از رزق الهی بهره می‌برد و حیات طیبه دارد. چنان‌که آیه ۱۶۹ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۵- محدوده جهاد

خداوند در آیه ۸۳ سوره قصص، به روشنی محدوده و چهارچوب جهاد را مشخص نموده است. این آیه می‌فرماید: تَلَكَّ الدَّارُ الْأَخْرَجُةُ نَجْعَها لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ غُلُوقًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فسادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ - آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام خوش از آن پرهیزگاران است.

مطابق این آیه اقدام کسانی که از طریق جهاد، قصد برتری‌جویی و کشورگشایی دارند مذموم و نکوهیده است. بر این



الف) اساس صلح و مذاکره توسط حاکم اسلامی با رعایت اقتضائات زمان و تحت شرایط خاصی، تجویز شده است.

ب) پایه و محور مذاکرات و صلح با دشمن باید بر مدار اتکال حقیقی به باری تعالی باشد همچنان که در آیه ۶۱ سوره انفال عبارت «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» به کار رفته است.

پ) حاکم اسلامی نباید در جریان مذاکرات و صلح، دچار فریب و خدعه دشمن گردد. لیکن چنانچه خدعه و حيله‌ای توسط عوامل دشمن به کار رفت می‌تواند مذاکرات را خاتمه دهد، اما در همه جریانات باید اعتقاد راسخ داشته باشد که خداوند قدرت مافوق است و برای او کافی است.

ت) توکل به خدا و استعانت به باری تعالی با قلب سلیم دو اثر اساسی دارد: اولاً، سبب تحقق وعده الهی و امداد غیبی می‌شود ثانیاً، مؤمنین و مردم به حمایت از حاکم اسلامی به پا می‌خیزند که بزرگ‌ترین پشتوانه برای حکومت اسلامی است. مؤید این امر عبارت «هُوَ الَّذِي أُتِّدَك بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» در آیه ۶۲ سوره انفال می‌باشد.

با این توصیف، اتکال به خداوند و اعتقاد راسخ به امدادهای الهی سبب ایجاد الفت واقعی و درونی بین مؤمنین و مردم می‌گردد. به تعبیر قرآن، این الفت به قدری ریشه‌دار و عمیق است که اگر حاکم اسلامی تمام بیت‌المال را صرف ایجاد چنین مودتی بین مردم می‌کرد، هرگز چنین الفتی با این درجه از قوت و استحکام در قلب‌های مؤمنین ایجاد

نمی‌شد. همچنان که در آیه ۶۳ سوره انفال می‌فرماید: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ» اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا میان آنان الفت را برقرار و استوار نمود.

نتیجه بحث اینکه قواعد و سازوکارهای مربوط به جنگ با دشمنان، ضرورت تجهیزات نظامی، دفاع مشروع و صلح و مذاکرات با دشمن، به صورت کامل باید بر اساس داده‌های قرآنی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و هرگز نمی‌توان بر اساس الگوهای غربی و اروپایی و غیر الهی، مناسبات و اقتضائات جنگ را تحلیل و بررسی کرد.

“

حاکم اسلامی نباید در جریان مذاکرات و صلح، دچار فریب و خدعه دشمن گردد. لیکن چنانچه خدعه و حيله‌ای توسط عوامل دشمن به کار رفت می‌تواند مذاکرات را خاتمه دهد، اما در همه جریانات باید اعتقاد راسخ داشته باشد که خداوند قدرت مافوق است و برای او کافی است

”

بخش دوم

■ بیانیہ‌ها



کانونج کلاهی دادکستری مرکز

کانون وکلای دادگستری مرکز:

حمله به مدرسه دخترانه میناب و زیرساخت‌ها در زمره جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است

بر اساس قواعد مسلم حقوق بین‌الملل، از جمله بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها ممنوع است. حملات اخیر، مصداق بارز نقض این اصل بنیادین بوده و با اصول آمره نظم حقوقی بین‌المللی در تعارض آشکار قرار دارد. همچنین، هدف قرار دادن غیرنظامیان، کودکان، مراکز آموزشی و درمانی، نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن، به‌ویژه قواعد مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه است. این اقدامات، علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متجاوز، می‌تواند در زمره جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تلقی گردد.

کانون وکلای دادگستری مرکز همچنین شهادت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران را به ملت شریف ایران، خانواده‌های معظم شهدا و تمامی آزادگان جهان تسلیت عرض می‌نماید. بی‌تردید، این اقدام نه تنها نقض حق حیات و اصول بنیادین حقوق بشر است، بلکه تعرضی آشکار به ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

کانون وکلای دادگستری مرکز در محکومیت حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران بیانیه‌ای صادر کرد. متن پیام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

کانون وکلای دادگستری مرکز با اندوه و تأثر، حملات تجاوزکارانه و جنایت‌بار ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و نقض تمامیت ارضی کشور را که منجر به شهادت رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران و نیز جمعی از شهروندان بی‌گناه، از جمله کودکان، دانش‌آموزان و غیرنظامیان شد، به‌شدت محکوم می‌نماید.

حمله به مدرسه دخترانه در شهرستان میناب و به شهادت رساندن ۱۶۵ دانش‌آموز بی‌دفاع، حمله به منازل مسکونی، سالن ورزشی و اماکن عمومی در شهرستان لامرد که به شهادت حدود ۲۰ تن از شهروندان انجامید و نیز هدف قرار دادن بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و سایر اماکن عمومی، نمونه‌های آشکار جنایت علیه غیرنظامیان و نقض بنیادین قواعد آمره حقوق بین‌الملل است. این اقدامات، نه تنها تعرضی آشکار به حاکمیت ملی ایران، بلکه نقض صریح اصول مسلم حقوق بشر دوستانه بین‌المللی محسوب می‌شود.





در عین حال، مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق ذاتی دفاع مشروع برای دولت‌ها در برابر حملات مسلحانه محفوظ است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران حق دارد در چارچوب حقوق بین‌الملل و اصول حاکم بر دفاع مشروع، از حاکمیت، تمامیت ارضی و جان شهروندان خود دفاع نماید.

کانون وکلای دادگستری مرکز با ابراز نگرانی عمیق از سکوت و انفعال برخی نهادهای بین‌المللی در قبال این جنایات، از سازمان ملل متحد، شورای امنیت، شورای حقوق بشر، دیوان کیفری بین‌المللی، نهادهای حقوقی و بشردوستانه و نیز کانون‌های وکلای دادگستری و اتحادیه‌های حقوقی در سراسر جهان انتظار دارد با محکومیت صریح این اقدامات، در مسیر پاسخگو ساختن عاملان و آمران این جنایات گام بردارند. بی‌تردید، مقابله با بی‌کیفرمانی و پاسداشت اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، مسئولیتی مشترک برای جامعه جهانی و وجدان‌های بیدار بشری است.

ما وکلای دادگستری، به عنوان پاسداران عدالت و حاکمیت قانون، بر این باوریم که استمرار سکوت در برابر چنین فجایعی، تضعیف نظم حقوقی بین‌المللی و عادی‌سازی خشونت علیه غیرنظامیان را در پی خواهد داشت. از این رو، جامعه حقوقی جهان باید با اتکا به اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های ژنو، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر

قواعد آمره، در جهت مستندسازی، پیگیری و مجازات عاملان این جنایات اقدام نماید. در پایان، کانون وکلای دادگستری مرکز ضمن تجدید تسلیت به ملت شریف ایران، اعلام می‌دارد که در این غم‌سترگ و جنایت عظیم در کنار مردم ایستاده است و آمادگی دارد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، تخصصی و حرفه‌ای خود، برای پیگیری تعرض به خاک کشور، نقض تمامیت ارضی ایران، حمله به اماکن آموزشی و درمانی و به شهادت رساندن دانش‌آموزان، کودکان و غیرنظامیان، در سطح ملی و بین‌المللی اقدام نماید. امید است با همبستگی ملی و پایبندی به اصول عدالت و قانون، مسیر احقاق حق و اجرای عدالت برای قربانیان این جنایات هموار گردد.



کانون وکلای بین‌المللی (IBA) :

توجیهات اسرائیل و آمریکا برای حمله به ایران، از نظر حقوقی قابل قبول نیست



این توجیهات از نظر حقوق بین‌الملل قابل قبول نیستند.

حقوق بین‌الملل فقط در صورت وقوع یک حمله مسلحانه اجازه دفاع از خود را می‌دهد. هرگونه استفاده پیش‌دستانه از زور باید معیار بسیار سخت «فوریت» را داشته باشد؛ یعنی تهدیدی که «فوری» شدید و بدون هیچ گزینه یا فرصت تصمیم‌گیری باشد؛ «معیاری که از حادثه کارولین در سال ۱۸۳۷ گرفته شده است. اقدام نظامی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی یا بلندمدت، که به آن «حمله پیش‌دستانه» گفته می‌شود، در حقوق بین‌الملل مبنای پذیرفته شده‌ای ندارد.

کانون وکلای بین‌المللی (IBA) در بیانیه‌ای ضمن محکومیت تجاوز آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران و ابراز نگرانی نسبت به تبعات آن، خواستار توقف این تجاوزات شد.

در بیانیه کانون وکلای بین‌المللی (IBA) آمده است: این تجاوز و حملات، بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل و بدون وجود یک حمله مسلحانه اثبات شده از سوی ایران انجام شد و پر واضح است که نمی‌تواند حق دفاع مشروع پیش‌دستانه را طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل توجیه نماید.

ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور - که معمولاً به عنوان «تغییر رژیم از طریق زور» شناخته می‌شود - طبق ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل، یکی از پایه‌های اساسی نظم حقوق بین‌المللی است. توجیه مجوز استفاده از زور نباید به برداشت از ماهیت یا مشروعیت حکومت هدف بستگی داشته باشد. اسرائیل و آمریکا تلاش کرده‌اند این حملات را به بهانه برنامه هسته‌ای ایران، سرکوب ادعایی معترضین و حمایت از محور مقاومت با استناد به دفاع از خود توجیه کنند، اما



دعوت کانون وکلای دادگستری مرکز از وکلا و حقوق دانان ایرانی داخل و خارج از کشور

در این میان، ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل، در اقدامی مشترک و متجاوزانه علیه ایران عزیز، با ارتکاب اعمالی مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، موجب شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز بی‌گناه، عالی‌ترین مقام رسمی کشور، کودکان، سرداران، سربازان، شهروندان غیرنظامی و حتی تعدادی از وکلای دادگستری و قضات شده‌اند. همچنین، تخریب بناهای تاریخی و فرهنگی، آسیب به مراکز درمانی و ورزشی و تخریب زیرساخت‌ها و مخازن سوخت که به آلودگی گسترده محیط

رییس کانون وکلای دادگستری مرکز در پیامی به جامعه وکلا و حقوق دانان ایرانی داخل و خارج از کشور از آنان خواست تا با ارائه مشاوره‌های تخصصی، این کانون را در بررسی راهکارهای عملی برای پیگیری حقوقی موضوع تجاوز به تمامیت ارضی کشور در مراجع داخلی و بین‌المللی همراهی کنند.

متن پیام دکتر محمد شاه‌محمدی رییس کانون وکلای دادگستری مرکز به این شرح است:

حقوق دانان ارجمند و همکاران گرامی؛ با تبریک فرارسیدن عید باستانی و آغاز سال نو، همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، صلح و امنیت جهانی در روزگار کنونی با تهدیدهای جدی و فزاینده‌ای مواجه شده و هنجارها و ساختارهای حقوقی بین‌المللی از سوی برخی کشورها مورد تعرض و چالش قرار گرفته است.

در سال‌های اخیر، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی - به‌عنوان میراث گران‌بهای حقوق دانان برجسته جهان و از مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ بشر در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه - به دفعات مختلف نقض و نادیده انگاشته شده‌اند.

“

کانون وکلای دادگستری مرکز اقدام به تشکیل ستادی متشکل از وکلا، حقوق دانان، نمایندگان حقوقی قوای سه‌گانه، رسانه ملی و سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است تا ضمن ارائه مشاوره‌های تخصصی، راهکارهای عملی برای پیگیری حقوقی موضوع در مراجع داخلی و بین‌المللی علیه متجاوزان ارائه شود

”



زیست انجامیده، تنها بخشی از این جنایات است که بیان کامل آنها در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد.

در واکنش به این تهاجم خصمانه و غیرقانونی، وجدان‌های بیدار جهانی به حرکت درآمده و شاهد آن هستیم که شهروندان در نقاط مختلف جهان در حمایت از مردم ایران به خیابان‌ها آمده‌اند. همچنین، نهادهای مدنی و حقوقی بین‌المللی از جمله IBA و UIA، این حملات را مغایر با موازین حقوق بین‌الملل دانسته و محکوم کرده‌اند. افزون بر این، حقوق‌دانان، فعالان حقوق بشر و حتی برخی سیاستمداران در کشورهای مختلف، کارزارهایی را برای تعقیب و مجازات عاملان این جنایات آغاز کرده‌اند.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب حق دفاع مشروع، با اقدام به‌موقع و متناسب، پاسخ لازم را به متجاوزان داده و در راستای صیانت از منافع ملی، اعمال نظارت قانونی بر تردد کشتی‌ها در تنگه راهبردی هرمز را پس از سال‌ها مجدداً در دستور کار قرار داده‌اند.

با توجه به اینکه پاسداری از معاهدات بین‌المللی به‌عنوان میراث مشترک حقوقی بشر و نیز پیگیری اجرای حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی، رسالتی خطیر است که بیش از همه بر عهده وکلا و حقوق‌دانان قرار دارد، شایسته است با ارائه تحلیل‌های حقوقی دقیق، مستدل

و مبتنی بر موازین شناخته‌شده، در جهت تقویت امنیت ملی و صلح بین‌المللی گام برداریم و از منافع کشور و مدافعان این مرز و بوم حمایت کنیم. همچنین ضروری است زمینه‌های حقوقی لازم برای پاسخگو ساختن متجاوزان در مراجع داخلی و بین‌المللی فراهم شود.

در همین راستا و با هدف ایجاد هماهنگی، هم‌افزایی و پرهیز از موازی‌کاری میان وکلای دادگستری، حقوق‌دانان، کانون‌های وکلا و سایر نهادهای مدنی، کانون وکلای دادگستری مرکز اقدام به تشکیل ستادی متشکل از وکلا، حقوق‌دانان، نمایندگان حقوقی قوای سه‌گانه، رسانه ملی و سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است تا ضمن ارائه مشاوره‌های تخصصی، راهکارهای عملی برای پیگیری حقوقی موضوع در مراجع داخلی و بین‌المللی علیه متجاوزان ارائه شود.

بدین‌وسیله از وکلای محترم دادگستری و حقوق‌دانان گران‌قدری که تمایل به همکاری در زمینه‌های یادشده دارند، دعوت می‌شود با ارسال پیامک به شماره تلفن ۰۹۱۲۴۹۹۹۹۵۹ (مختص وکلای داخل کشور) و پست الکترونیکی info@icbar.info (مخصوص وکلای خارج از کشور) ضمن اعلام آمادگی، سوابق حرفه‌ای، حوزه‌های تخصصی و زمینه‌های مورد علاقه خود را جهت همکاری با کانون وکلای دادگستری مرکز اعلام فرمایند.

بیانیه هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در محکومیت حمله به زیرساخت‌های کشور



مصون از جنگ افروزی و مخاصمات مسلحانه باشند، مورد حمله قرار گرفته‌اند. برنامه از پیش اعلام شده ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل مبنی بر حمله به زیر ساخت‌ها و پل‌های ایران نیز به شدت غیر انسانی و مخالف آشکار حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه است.

طبق اصول مهم حقوق بشر دوستانه در مخاصمات نظامی، بکار بردن زور هم باید قاعده‌مند باشد. جهت در بند کشیدن ذات سرکش قدرت و «اعمال زور»، اصولی در حقوق جنگ

هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در محکومیت حمله به زیرساخت‌های کشور از سوی آمریکا و رژیم اسرائیل، بیانیه‌ای منتشر کرد.

به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، متن بیانیه به این شرح است: «سومین جنگ تحمیلی، با تجاوز غیر قانونی و خلاف مقررات بین‌المللی و منشور سازمان ملل بر ملت ایران تحمیل شد.

در کنار تهاجم به غیر نظامیان، اماکن غیر نظامی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و رسانه‌ها که همگی باید



پیش‌بینی شده است؛ با این امید که شاید خوی درندگی و نابودگرانه انسان اسلحه به دست را قالب‌مند نموده و در چارچوب قرار دهد. طبق اصل تفکیک، در درگیری‌های مسلحانه «افراد» و «اهداف غیر نظامی» نباید مورد تهاجم و هدف قرار گیرند.

مطابق پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، در معرض تهدید قرار دادن زندگی غیر نظامیان با هرگونه خطر، تخریب اموال و اشیای ضروری برای زیست انسانی ممنوع و از خطوط قرمز است. بر اساس اصل تناسب نیز حمله‌ای که امکان دارد «به طور اتفاقی» باعث آسیب جانی یا مالی به غیر نظامیان یا ترکیبی از آنها شود، به گونه‌ای که در مقایسه با مزیت نظامی پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد، ممنوع تلقی می‌شود.

به‌طور کلی، بکار بردن زور به نحوی که منجر به دگرگونی شرایط زندگی و سبب رنج غیر نظامیان شود نیز ممنوع و خلاف مقررات حقوق بشر و بشر دوستانه است.

تردید نیست که حمله به پل‌ها و زیرساخت‌های یک کشور که زندگی عادی انسان امروزی در گروی آن است جزء خطوط قرمز حقوق بشر دوستانه قرار می‌گیرد و ارتکاب آن جنایت جنگی تلقی می‌شود.

در این برهه تاریخی انتظار است جامعه

جهانی، با تمسک به اصول مندرج در اسناد بین‌المللی همچون منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و روح حاکم بر اساسنامه رم به طور قاطع اقدامات تجاوزگرانه به کشورمان و حملات به زیرساخت‌های این کشور را محکوم نماید.

ما اعضای هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز نیز در پاسداشت سوگند و تعهد خود به احقاق حق، استقرار عدالت، حفظ صلح و حاکمیت قانون، ضمن محکومیت هرگونه تجاوز غیر قانونی به زیرساخت‌های کشور، تمامی ظرفیت، مهارت و دانش خود را برای جلوگیری از توسل به زور و ایجاد جهانی امن‌تر و عادلانه‌تر بکار خواهیم بست.»

“

سومین جنگ تحمیلی، با تجاوز غیر قانونی و خلاف مقررات بین‌المللی و منشور سازمان ملل بر ملت ایران تحمیل شد. در کنار تهاجم به غیر نظامیان، اماکن غیر نظامی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و رسانه‌ها که همگی باید مصون از جنگ افروزی و مخاصمات مسلحانه باشند، مورد حمله قرار گرفته‌اند

”

بیانیه مشترک کانون وکلای مرکز، کانون کارشناسان و کانون سردفتران در حمایت از مردم آسیب دیده جنگ تحمیلی



زیاده خواهی فائق خواهد آمد. کانون وکلای دادگستری مرکز، کارشناسان رسمی دادگستری و کانون سردفتران و دفتریاران مرکز، ضمن ادای احترام به همه شهدای این جنگ تحمیلی و تقدیر از جان فشانی‌ها و مجاهدت‌های مدافعان وطن و پایداری مردم شریف کشورمان، بر این باورند که این ایستادگی، نه تنها نماد دفاع مشروع، بلکه تجلی عینی صیانت از شئون انسانی و تلاشی برای حفظ حقوق بنیادین همه ملت‌ها در سرتاسر گیتی است. این سه نهاد حرفه‌ای دیرپا و با سابقه

کانون وکلای دادگستری مرکز، کانون سردفتران و دفتریاران و کانون کارشناسان رسمی دادگستری در بیانیه‌ای مشترک بر ارائه خدمات حرفه‌ای داوطلبانه در حمایت از مردم آسیب‌دیده جنگ تحمیلی تأکید کردند.

متن کامل بیانیه به این شرح است: «در پرتو حماسه‌آفرینی ملت شریف ایران و ایستادگی ستودنی رزمندگان میهن عزیزمان در برابر جنگ ظالمانه آمریکایی و صهیونی، بار دیگر جلوه‌ای از عزت، همبستگی و اقتدار ملی در تاریخ این آب و خاک رقم خورد؛ حماسه‌ای که نشان داد اراده ملت‌ها بر هرگونه تجاوز و



درخشان قریب یک قرن خدمتگزاری به مردم شریف ایران، در این مقطع زمانی حساس و سرنوشت‌ساز، با درک عمیق رنج‌ها و تأملات روحی و آسیب‌های مالی واردشده به مردم در جریان این جنگ تحمیلی، رسالت اجتماعی، مأموریت اخلاقی و وظیفه حرفه‌ای خود می‌دانند که با ارائه انواع خدمات حرفه‌ای، گامی هرچند کوچک در حمایت از آسیب‌دیدگان بردارند.

در این راستا، با افتخار و در اقدامی مشترک، تمامی ظرفیت‌های حقوقی، کارشناسی و ثبتی خود را فعال نموده و با ارائه انواع خدمات تخصصی کارشناسی رسمی و مشاوره حقوقی و اسناد رسمی» به منظور «مستندسازی خسارات»، «پیگیری حقوقی مطالبات» و در حد وسع از عموم مردم زبان‌دیده حمایت می‌نمایند.

این خدمات حقوقی، کارشناسی و ثبتی در بسته‌های حمایتی، عمدتاً به صورت معاضدتی یا با کمترین هزینه، به صورت مستمر در فرایند حل مسائل به همه اشخاص آسیب‌دیده ارائه می‌شود و نتایج اقدامات نیز به اطلاع عموم مردم می‌رسد.

در ضمن برای دریافت، ثبت، بررسی، ارجاع، پایش و ارزیابی امور مربوط به درخواست‌های آسیب‌دیدگان، سازوکار و سامانه‌ای اختصاصی طراحی و چگونگی استفاده از آن متعاقباً اطلاع‌رسانی

می‌شود. این بیانیه که بیانگر نقش نهادهای مدنی در پاسداری از حقوق مردم است، تجدید عهدی است با ملت شریف ایران که با ایثار و مقاومت خود، عزت و سربلندی را معنا کردند.

در پایان، ضمن تأکید بر اقتدار و آمادگی ملی در برابر هرگونه تهدید، بر ضرورت تداوم همبستگی، عدالت‌خواهی و حمایت از حقوق آسیب‌دیدگان تأکید می‌نماییم.

به امید پیروزی و سرافرازی ملت ایران»

“

این سه نهاد حرفه‌ای دیربها و با سابقه درخشان قریب یک قرن خدمتگزاری به مردم شریف ایران، در این مقطع زمانی حساس و سرنوشت‌ساز، با درک عمیق رنج‌ها و تأملات روحی و آسیب‌های مالی واردشده به مردم در جریان این جنگ تحمیلی، رسالت اجتماعی، مأموریت اخلاقی و وظیفه حرفه‌ای خود می‌دانند که با ارائه انواع خدمات حرفه‌ای، گامی هرچند کوچک در حمایت از آسیب‌دیدگان بردارند

”

بیانیه کانون وکلای دادگستری مرکز در حمایت از تصمیم شورای عالی امنیت ملی در پذیرش آتش بس

و جهادگران غیور و سلحشور نیروهای مسلح ابراز داشته و کما فی السابق توفیق ایران عزیز در صلح پایدار و جبران ضایعات پسا جنگ و پیشرفت، آبادانی و توسعه را از خداوند مسألت دارد.

کانون وکلای دادگستری مرکز در ادامه فعالیت‌های خود در طول جنگ تحمیلی، آمادگی خود را برای اقدامات حقوقی در زمینه دادخواهی در مراجع بین‌المللی و محکومیت متجاوزین و جبران خسارات و غرامت‌ها اعلام می‌نماید. امید که حق بر امنیت و صلح و رفاه برای همه ایرانیان زمینه بهروزی و پیروزی را فراهم سازد و ایران همواره، سرایی خرم‌بهار، پایدار، باقی، مبارک، مانا و سرفراز بماند.»

“

«ایران عزیز در طول هزاره‌ها، از میان خاکستر تهاجم ویرانگر، ققنوس‌وار قد برافراشته و با تجلی اراده جمعی، صیانت از هویت ملی و تمامیت ارضی را جانانه به تصویر تاریخ کشانده است

”

در پی آتش‌بس دو هفته‌ای میان ایران و ایالات متحده آمریکا، کانون وکلای دادگستری مرکز با انتشار بیانیه‌ای از تصمیم شورای عالی امنیت ملی در پذیرش این آتش‌بس حمایت کرد. متن کامل بیانیه به این شرح است:

«ایران عزیز در طول هزاره‌ها، از میان خاکستر تهاجم ویرانگر، ققنوس‌وار قد برافراشته و با تجلی اراده جمعی، صیانت از هویت ملی و تمامیت ارضی را جانانه به تصویر تاریخ کشانده است. اینک که مجاهدت و دفاع قهرمانانه نیروهای مسلح و مشی وطن‌دوستانه و صلح‌پذیرانه مسئولان خودم و مبارزه صبورانه و مقاومت مردم شریف ایران، پیروزی و پذیرش شروط معقول پیشنهادی ایران متمدن را رقم زده و دشمن متجاوز و ناقض حقوق بشر و بین‌الملل و حقوق بشردوستانه را رسوا و منکوب ساخته، کانون وکلای دادگستری مرکز به نمایندگی از وکلای حقوق‌بان ملت و دیرینه‌ترین نهاد مدنی حامی حقوق شهروندان، ضمن ادای احترام به خون پاک شهدا و آرزوی سلامت جانبازان و رفع آلام آسیب‌دیدگان، مراتب تقدیر خود را از شورای عالی امنیت ملی، ملت، دولت، قوای حکمرانی



بخش سوم

■ نامه‌ها



کانون مج کلاهی دادکستری مرکز

پیام تبریک کانون وکلای مرکز در پی انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به رهبری انقلاب

باسابقه و ریشه‌دار در ساختار حقوقی کشور، همواره خود را از دغدغه‌مندان اعتلای ایران و حافظان ارزش‌های بنیادین عدالت و قانون می‌داند. این نهاد صنفی مستقل در طول دهه‌های گذشته کوشیده است در چارچوب مسئولیت‌های حرفه‌ای و ملی خویش، پاسدار حاکمیت قانون، مدافع حقوق ملت و همراه مسیر توسعه و پیشرفت کشور باشد و بر همین اساس، آمادگی خویش را برای هرگونه هم‌اندیشی، همکاری و مساعدت در جهت تقویت نظام حقوقی، استقرار عدالت و پیشبرد اهداف متعالی کشور اعلام می‌دارد. امید است تحت رهبری جنابعالی، حقوق ملت در چارچوب قانون اساسی به بهترین نحو تامین شود و اقتدار و همگرایی سیاسی کشور بر پایه قدرت و رضایت عموم ملت، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مدنی، کاهش فاصله‌ها و افزایش انسجام ملی، تفاهم میان همه گروه‌ها و جریان‌های دلسوز و جلب مشارکت شخصیت‌های برجسته و نخبگان مؤثر کشور، در کنار قدرت بازدارنده نظامی و تقویت روابط بین‌المللی با همه کشورها و نهادهای بین‌المللی موجب افق‌گشایی و هدایت ایران متحد و یکپارچه به سوی توسعه پایدار و متوازن، امنیت ملی و صلح پایدار و بهبود زندگی و معیشت مردم عزیز گردد.

روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز

در پی انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به رهبری انقلاب، کانون وکلای دادگستری مرکز پیام تبریکی منتشر کرد. به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، متن کامل پیام به این شرح است:

بسمه‌تعالی

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (دامت برکاته)

انتخاب شایسته جنابعالی از سوی مجلس خبرگان رهبری به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران را تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم. این انتخاب در مقطع حساس و سرنوشت‌ساز کنونی کشور، بی‌تردید بیانگر اعتماد نمایندگان مجلس خبرگان به توان علمی، تدبیر و درایت جنابعالی در هدایت کشتی انقلاب اسلامی در میان امواج پرتلاطم تحولات منطقه‌ای و جهانی است و امید آن می‌رود که در سایه این اعتماد، مسیر عزت، استقلال و پیشرفت ایران عزیز با اتحاد، استحکام و انسجام بیشتری تداوم یابد. شهادت حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای والد مکرم جنابعالی، چهره اثرگذار ایران و جهان اسلام را تسلیت و تعزیت عرض می‌نماید. فقدان ایشان ضایعه‌ای بزرگ برای ملت ایران، دوستداران انقلاب اسلامی و آزادگان جهان به شمار می‌آید. کانون وکلای دادگستری مرکز به عنوان نهادی مدنی،



رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز در نامه‌هایی جداگانه خطاب به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد:

عدم برخورد قاطع با تجاوزات آمریکا و اسرائیل، موجب بی‌اعتباری حقوق بین‌الملل و گسترش جنگ خواهد شد

فارس و برخی کشورهای دیگر همچون اردن و قبرس علیه خاک ایران که منجر به نقض گسترده حقوق بین‌الملل و اصول بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی شده است، اعلام می‌دارد.

بر اساس مدارک و مستندات موجود، در جریان این حملات، اهداف غیرنظامی متعددی مورد هدف قرار گرفته‌اند؛ از جمله حمله به یک مدرسه دخترانه در شهرستان میناب استان هرمزگان که به

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز در نامه‌هایی جداگانه خطاب به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد و سیدهارتو رضا سوربودپیورو، رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل ضمن درخواست محکومیت قاطع جنایات‌های آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران توسط این دو نهاد بین‌المللی و تشکیل هیئت حقیقت‌یاب مستقل و پاسخگو کردن متجاوزین، آمادگی این کانون به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مدنی و حقوقی در ایران را برای همکاری در ارائه اطلاعات و مستندات لازم جهت اثبات جنایات جنگی متجاوزین به خاک ایران اعلام نمود.

متن کامل این نامه‌ها به این شرح است:
عالیجناب؛

کانون وکلای دادگستری مرکز در ایران به عنوان عضوی از کانون وکلای بین‌المللی و نیز نهادی مستقل و مدافع حاکمیت قانون و حقوق بنیادین انسان‌ها، مراتب نگرانی عمیق و اعتراض شدید خود را نسبت به تجاوزات نظامی اخیر ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل با استفاده از قلمرو کشورهای منطقه خلیج

بی‌تردید سکوت یا بی‌عملی در برابر چنین نقض‌های جدی، نه تنها موجب تضعیف و بی‌اعتبار شدن نظام حقوق بین‌الملل و اصول بنیادین انسانی خواهد شد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز استمرار مصونیت از مجازات و گسترش تجاوز و جنگ در جهان گردد





چنین اقداماتی مصداق نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و قواعد آمره ناظر بر حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شود. بدیهی است این حملات با تعهدات مقرر در منشور ملل متحد در تعارض آشکار قرار دارد. مطابق بند ۴ ماده ۲ این منشور، تمامی دولت‌ها مکلف‌اند در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری کنند. نقض این اصل بنیادین نه تنها تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، بلکه نظام حقوقی مبتنی بر منشور ملل متحد را نیز با چالش جدی مواجه می‌سازد. افزون بر این، حمله به اهداف غیرنظامی و به‌ویژه زیرساخت‌ها و مراکز آموزشی، تاریخی، فرهنگی و مناطق مسکونی، نقض فاحش قواعد بنیادین حقوق

شهادت شمار قابل توجهی از دانش‌آموزان بی‌گناه انجامیده است. همچنین حملات علیه منازل مسکونی، اماکن عمومی، سالن‌های ورزشی، آثار تاریخی و فرهنگی و زیرساخت‌های غیرنظامی کشور که موجب کشته و مجروح شدن هزاران تن از شهروندان غیرنظامی ایران که تعداد قابل توجهی از آنها کودکان و زنان می‌باشند، شده است. کما اینکه اخیراً نیز کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد خواستار تحقیق درباره حمله به مدرسه میناب شده است.

همچنین با حمله متجاوزان به ساختمان دادگستری شهرستان لارستان در جنوب ایران در ساعات کار اداری، تعدادی از قضات و کارمندان و ۴ وکیل دادگستری که مجری عدالت و نماد حاکمیت قانون هستند برخلاف همه اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر دوستانه به شهادت رسیدند.



سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر این سازمان درخواست می‌نماید:

۱. تجاوز به خاک ایران را به طور رسمی و قاطع محکوم نماید.

۲. نسبت به تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب مستقل برای بررسی ابعاد این تجاوزات و مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی اقدام کند.

۳. تدابیر لازم برای پاسخگو کردن متجاوزین و جلوگیری از تکرار چنین اقدامات غیرقانونی را در چارچوب سازوکارهای بین‌المللی از جمله ماده ۱۵ اساسنامه رم مورد پیگیری و تعقیب قرار دهد.

بی‌تردید سکوت یا بی‌عملی در برابر چنین نقض‌های جدی، نه تنها موجب تضعیف و بی‌اعتبار شدن نظام حقوق بین‌الملل و اصول بنیادین انسانی خواهد شد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز استمرار مصونیت از مجازات و گسترش تجاوز و جنگ در جهان گردد.

کانون وکلای دادگستری مرکز، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مدنی و حقوقی در ایران، آمادگی خود را برای همکاری در ارائه اطلاعات و مستندات لازم جهت اثبات این جنایات اعلام می‌دارد.

با احترام

محمد شاه‌محمدی

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز

بشردوستانه بین‌المللی به شمار می‌رود که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و نیز در پروتکل الحاقی اول مصوب ۱۹۷۷ مورد تأکید قرار گرفته است.

بر اساس اصول اساسی مندرج در این اسناد بین‌المللی، از جمله «اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی» و «اصل تناسب در حملات و اصل احتیاط در عملیات نظامی»، طرف‌های درگیر در مخاصمه مکلفند در هر شرایطی از جمعیت غیرنظامی و به‌ویژه کودکان و مراکز آموزشی حمایت کنند و از حمله به اهدافی که ماهیت غیرنظامی دارند خودداری نمایند. هدف قرار دادن مدارس و مناطق مسکونی نه تنها مغایر با تعهدات قراردادی دولت‌ها در چارچوب کنوانسیون‌های ژنو است، بلکه نقض صریح قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز محسوب می‌شود.

در همین راستا، مقررات مندرج در پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو بر ضرورت حمایت از جمعیت غیرنظامی و ممنوعیت حمله به اهداف غیرنظامی تأکید دارد و هرگونه حمله عامدانه علیه غیرنظامیان یا اماکن غیرنظامی را ممنوع اعلام می‌کند.

کانون وکلای دادگستری مرکز با تأکید بر مسئولیت جامعه بین‌المللی در قبال صیانت از حقوق بنیادین انسان‌ها و پیشگیری از مصونیت مرتکبان نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل، از



all States are required to refrain from their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any State. Any breach of this fundamental principle not only represents a grave threat to international peace and security but also undermines the legal order established under the United Nations Charter.

Moreover, attacks against civilian objects, particularly infrastructure and educational, historical, cultural, and residential areas, constitute serious violations of the core rules of international humanitarian law, as reaffirmed in the 1949 Geneva Conventions and the 1977 Additional Protocol I.

Under the essential principles enshrined in these international instruments—including the principle of distinction between civilian and military objectives, the principle of proportionality, and the principle of precaution in military operations—the parties to a conflict are obligated, under all circumstances, to protect civilians, especially children and educational facilities, and

to refrain from attacking objects of a civilian nature. Targeting schools and residential areas not only violates the treaty-based obligations of States under the Geneva Conventions but also amounts to a clear breach of customary international humanitarian law.

In this regard, the provisions of Additional Protocol I to the Geneva Conventions emphasize the necessity of protecting civilian populations and prohibiting attacks against civilian objects, declaring any deliberate attack on civilians or civilian facilities unlawful.

The Central Bar Association of Iran, emphasizing the responsibility of the international community to safeguard fundamental human rights and prevent impunity for serious violations of international law, hereby requests the United Nations Human Rights Council to:

1. Officially and unequivocally condemn the aggressions committed against the territory of Iran.
2. Establish an independent fact-finding committee to investigate the scope of these aggressions and to document violations of interna-



Your Excellency,

The Central Bar Association of Iran, as a member of the International Bar Association and an independent institution committed to the rule of law and the protection of fundamental human rights, hereby expresses its profound concern and strong objection to the recent military assaults carried out by the United States of America and the Israeli regime, using the territories of the Persian Gulf States and certain other countries such as Jordan and Cyprus as operational bases for attacks against Iran. These actions have resulted in extensive violations of international law as well as fundamental principles of international human rights law and international humanitarian law.

According to the available evidences and documents, numerous civilian objects have been deliberately targeted during these attacks, including a strike on a girls' school in Minab, Hormozgan Province, which led to the martyrdom of a significant number of innocent students. Civilian homes, public

facilities, sports centers, historical and cultural sites, and other civilian infrastructure have also been attacked, causing the death and injury of thousands of Iranian civilians, a considerable number of whom were children and women. Furthermore, the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights has recently called for an investigation into the attack on the Minab school.

In addition, an assault on the courthouse of Larestan, in southern Iran, during official working hours resulted in the martyrdom of several judges, court employees, and four attorneys—individuals who embody justice and the rule of law—in clear contravention of all principles and norms of international law and international humanitarian law.

Such acts constitute blatant violations of fundamental principles of international law and peremptory norms governing the protection of civilians during armed conflicts. These attacks stand in clear conflict with the obligations set out in the Charter of the United Nations. Under Article (4) 2 of the Charter,



tional human rights and international humanitarian law.

3. Pursue the necessary measures, within international mechanisms including Article 15 of the Rome Statute, to ensure accountability for the perpetrators and to prevent the recurrence of such unlawful actions.

Undoubtedly, silence or inaction in the face of such grave violations would not only weaken and delegitimize the international legal order and fundamental human values but

could also foster continued impunity and the further spread of aggression and conflict worldwide.

The Central Bar Association of Iran, as one of the oldest civil and legal institutions in the country, declares its readiness to cooperate by providing all necessary information and documentation to substantiate these violations.

Respectfully,

Mohammad Shah-Mohammadi
President of the Central Bar Association of Iran



دکتر شاه‌محمدی در نامه‌ای خطاب به آنتونیو گوترش خواستار شد؛ ارجاع پرونده تجاوز به خاک ایران به شورای امنیت سازمان ملل



بسمه تعالی
به نام خداوند صلح و عشق
عالیجناب آقای آنتونیو گوترش
دبیرکل محترم سازمان ملل متحد
با اهدای سلام و تحیات
بدین وسیله، فرارسیدن بهار طبیعت و آغاز
سال نو ایرانی را به جناب عالی صمیمانه
تبریک و تهنیت عرض نموده، و در این
آستانه نو شدن، استقرار و گسترش صلح،
امنیت، آزادی و عدالت را برای تمامی ملل
جهان مسئلت می‌نمایم.
همان‌گونه که در مکاتبه پیشین نیز به

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز در
نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل
متحد از او خواست ضمن محکوم کردن
صریح اقدامات متجاوزانه آمریکا و رژیم
اسرائیل علیه ایران، در اجرای اختیارات
مقرر در ماده ۹۹ منشور ملل متحد،
موضوع را بی‌درنگ به شورای امنیت
سازمان ملل متحد ارجاع دهد.
متن کامل نامه دکتر محمد شاه‌محمدی،
رئیس کانون وکلای مرکز خطاب به آنتونیو
گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد به این
شرح است:



استحضار رسیده است، اقدامات نظامی ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ملت ایران، از منظر حقوق بین‌الملل، مصداق بارز نقض اصول و قواعد آمره حاکم بر نظم حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه ممنوعیت توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، محسوب می‌گردد و در عین حال، بیانگر بی‌اعتنایی آشکار به اهداف و اصول بنیادین سازمان ملل متحد، از جمله مفاد بند ۱ ماده ۱ و بند ۱ ماده ۳۳ منشور، است.

افزون بر این، اقدامات مزبور از حیث ماهیت و آثار، با موازین مقرر در ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم) نیز منافات دارد.

کانون وکلای دادگستری مرکز، به‌عنوان قدیمی‌ترین نهاد صنفی، مدنی و مستقل وکالت در ایران، که بر پایه حاکمیت قانون، استقلال نهاد وکالت و پاسداری از موازین حقوقی و انسانی استوار است، وظیفه خود می‌داند مراتب نگرانی عمیق و اعتراض جدی خویش را نسبت به استمرار این اقدامات غیرقانونی و آثار ویرانگر آن بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، به استحضار جناب‌عالی برساند.

بی‌تردید، آغاز و تداوم جنگ، نقض یکی از بنیادی‌ترین تعهدات دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، یعنی تعهد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود. حمله به اماکن آموزشی، درمانی، مسکونی و سایر زیرساخت‌های

غیرنظامی، به‌وضوح دلالت بر آن دارد که هدف از این اقدامات، صرفاً محدود به مقابله با اهداف نظامی نبوده، بلکه برخلاف اصول مسلم و غیرقابل تردید حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در جهت ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی، تحمیل خسارات گسترده به تأسیسات و زیرساخت‌های حیاتی و فراهم آوردن زمینه بی‌ثباتی و اخلال در نظم عمومی کشور صورت پذیرفته است.

در همین راستا، تهدید اخیر آقای دونالد ترامپ، رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، مبنی بر هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی تولید انرژی، نمونه‌ای آشکار از اتخاذ مواضع و رفتارهایی است که در بالاترین سطوح رسمی، مغایر با تعهدات

“

کانون وکلای دادگستری مرکز از جناب‌عالی مصرانه درخواست می‌نماید:

ضمن محکوم نمودن صریح اقدامات متجاوزانه مزبور، و با لحاظ حق ذاتی دفاع مشروع جمهوری اسلامی ایران وفق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در اجرای اختیارات مقرر در ماده ۹۹ منشور، موضوع را بی‌درنگ به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع فرمایید

”

دفاع مشروع جمهوری اسلامی ایران
 وفق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در اجرای
 اختیارات مقرر در ماده ۹۹ منشور، موضوع
 را بی‌درنگ به شورای امنیت سازمان ملل
 متحد ارجاع فرمایید و با به‌کارگیری تمامی
 ظرفیت‌ها و ابتکارات حقوقی، سیاسی
 و دیپلماتیک در حدود صلاحیت‌های
 آن مقام عالی، تدابیر عاجل و مؤثر لازم
 را برای جلوگیری از هدف قرار گرفتن
 پالایشگاه‌ها، تأسیسات انرژی و سایر
 زیرساخت‌های غیرنظامی اتخاذ نمایید؛
 چه آنکه تداوم چنین اقداماتی، جز تشدید
 آلام انسانی، افزایش رنج و مخاطرات
 متوجه غیرنظامیان و گسترش بحران در
 سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، حاصلی در
 بر نخواهد داشت.

مستدعی است جناب‌عالی، در ایفای
 مسئولیت خطیر خویش در صیانت
 از اهداف و اصول منشور ملل متحد و
 حمایت از موازین مسلم حقوق بین‌الملل،
 توجه و اقدام شایسته و مقتضی مبذول
 فرمایید.

با احترام مجدد

محمد شاه‌محمدی

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز

رونوشت:

■ دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در

تهران

■ وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی

ایران

منشور ملل متحد ابراز می‌گردد؛ رفتاری که
 می‌تواند از مصادیق روشن جنایات جنگی
 تلقی شده و ناقض صریح تعهدات ناشی
 از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹،
 پروتکل‌های الحاقی آن‌ها و نیز قواعد مسلم
 عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد.

با عنایت به تعهد عام و الزام‌آور تمامی
 اعضای سازمان ملل متحد نسبت به
 رعایت و اجرای مفاد منشور، از جمله
 الزامات مندرج در ماده ۱۰۳ آن، و نیز با
 توجه به جایگاه ممتاز حقوق بشردوستانه
 بین‌المللی به‌عنوان یکی از والاترین
 دستاوردهای وجدان حقوقی جامعه
 بشری – به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو
 ۱۹۴۹ در حمایت از اشخاص غیرنظامی
 در زمان مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون
 ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال
 فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه،
 و قواعد عرفی بین‌المللی که تعرض به
 اشخاص و اموال غیرنظامی را به‌صراحت
 ممنوع می‌دارد – و همچنین با لحاظ
 مخاطرات ناشی از استمرار تعرض به
 تمامیت ارضی ایران و کوشش در جهت
 کشاندن سایر کشورها به این مخاصمه
 غیرقانونی علیه ایران که می‌تواند
 پیامدهایی جبران‌ناپذیر و فاجعه‌بار
 برای منطقه و صلح و امنیت جهانی در
 پی داشته باشد، این کانون از جناب‌عالی
 مصرانه درخواست می‌نماید:
 ضمن محکوم نمودن صریح اقدامات
 متجاوزانه مزبور، و با لحاظ حق ذاتی

international peace and security. Attacks on educational institutions, medical facilities, residential areas, and other civilian infrastructure clearly indicate that the objective of these actions is not limited to countering military targets. Rather, in contravention of the established and incontrovertible principles of international humanitarian law, they aim to spread terror among the civilian population, inflict widespread damages on vital facilities and infrastructure, and create the conditions for instability and disruption of pub-

lic order. In this same vein, the recent threat by Mr. Donald Trump, President of the United States, to target civilian energy infrastructure stands as a stark example of positions and conduct, expressed at the highest official levels, that contravene the commitments set out in the United Nations Charter. Such conduct may be considered a clear instance of war crimes and constitutes a direct violation of the obligations arising from the four Geneva Conventions of 1949 and their Additional Protocols, as well as the well-established customary rules of international humanitarian law.

Considering the universal and binding obligation of all United Nations Member States to respect and implement the provisions of the Charter—including the requirements of its Article 103—and given the preeminent status of international humanitarian law as one of the highest achievements of the legal conscience of the international community—particularly the Fourth

“

The Central Bar Association urges you to:

While expressly condemning the above-mentioned acts of aggression, and taking into account the inherent right of the Islamic Republic of Iran to defend itself pursuant to Article 51 of the Charter of the United Nations, in exercising the powers set forth in Article 99 of the Charter, immediately refer the matter to the United Nations Security Council

”





In the Name of God, the Lord of Peace and Love

**His Excellency Mr. António
Guterres**

**Secretary - General of the
United Nations
Your Excellency,**

I wish to extend my sincere greetings and warmest congratulations on the arrival of spring and the Iranian New Year. On the threshold of this new season, we express our hope for the establishment and advancement of peace, security, freedom, and justice for all nations of the world. As previously communicated in our earlier correspondence, the military actions by the United States of America and the Israeli regime against the Iranian people constitute, under international law, a clear violation of the peremptory principles and rules governing the international legal order—most notably the prohibition on the use of force enshrined in Article (4) 2 of the United Nations Charter. At the same time, these actions be-

tray a conspicuous disregard for the fundamental purposes and principles of the United Nations, including the provisions of Article (1) 1 and Article (1) 33 of the Charter. Furthermore, the nature and consequences of these actions are inconsistent with the standards set forth in Article A bis of the Rome Statute of the International Criminal Court.

As the oldest professional, civil, and independent bar association in Iran—founded on the rule of law, the independence of the legal profession, and the defense of legal and humanitarian principles—the Central Bar Association deems it its duty to bring to your attention its profound concern and serious protest over the continuation of these unlawful actions and their devastating impact on regional and international peace and security.

There is no doubt that the initiation and prolongation of war represent a breach of one of the most fundamental obligations of states in contemporary international law: the duty to uphold



Geneva Convention of 1949 for the protection of civilians in times of armed conflict, the 1954 Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, and customary international law which explicitly prohibits attacks on civilians and civilian property—and also in light of the dangers posed by continued aggression against Iran's territorial integrity and efforts to draw other countries into this unlawful conflict against Iran, which could have catastrophic and irreparable consequences for the region and for global peace and security, the Association earnestly requests Your Excellency to:

Unequivocally condemn the aforementioned aggressive actions; and, mindful of the Islamic Republic of Iran's inherent right to self-defense under Article 51 of the United Nations Charter, refer the matter without delay to the United Nations Security Council in exercise of the pow-

ers conferred by Article 99 of the Charter. Furthermore, utilizing all capacities and legal, political, and diplomatic initiatives within the scope of your high office, please take the urgent and effective measures necessary to prevent the targeting of refineries, energy facilities, and other civilian infrastructure. The continuation of such actions will only result in further human suffering, increased risk to civilians, and the expansion of the crisis at both the regional and international levels. We respectfully urge Your Excellency, in fulfilling your critical responsibility to safeguard the purposes and principles of the United Nations Charter and to uphold the established standards of international law, to accord this matter your appropriate and due attention and action.

With renewed respect,
 Mohammad Shahmohammadi
 President of the Iranian Central
 Bar Association



بخش چهارم

■ اخبار و نشست‌ها



کانون مج کلاهی دادکستری مرکز

مصوبه هیئت مدیره کانون وکلای مرکز در حمایت از همکاران در شرایط جنگی

هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در آخرین جلسه سال جاری که در تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ برگزار شد با هدف حمایت از همکاران گرامی به ویژه در شرایط جنگی، به اتفاق آرا مصوب کرد که تمامی دارندگان پروانه وکالت تمدید شده (حتی کسانی که به صندوق حمایت واریزی ندارند) به مدت یکسال از محل منابع کانون تحت پوشش بیمه حوادث (هر نوع آسیب دیدگی و فوت اعم از حوادث ناشی از جنگ) قرار گیرند.



اطلاعیه کانون وکلای دادگستری مرکز درباره ارائه خدمات معاضدت قضایی به آسیب دیدگان جنگ

بخش دوم: قبول وکالت معاضدتی از آسیب دیدگان جهت پیگیری حقوقی پرونده‌های مربوطه از سوی وکلای کانون در مراجع قضایی داخلی و مجامع بین‌المللی.

بدین وسیله به اطلاع شهروندان گرامی می‌رسد، وکلای عضو کانون وکلای دادگستری مرکز از طریق شماره تلفن‌های ۲۷۳ الی ۰۲۱۸۴۰۰۱۲۶۱ آماده پاسخگویی و ارائه مشاوره تلفنی به متقاضیان محترم هستند.

همچنین، متقاضیان می‌توانند سوالات و درخواست‌های مشاوره خود را به صورت مکتوب از طریق شماره ۰۹۱۰۳۱۷۶۹۲۸ در پیام‌رسان «بله» ارسال نمایند تا در اسرع

کانون وکلای دادگستری مرکز در راستای انجام مسئولیت حرفه‌ای و اجتماعی خود و با هدف حمایت از حقوق شهروندان، به هموطنانی که در پی تهاجم نظامی آمریکا و اسرائیل به میهن عزیزمان ایران دچار خسارات مادی و معنوی شده‌اند، خدمات معاضدت قضایی ارائه می‌کند.

به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، این خدمات معاضدتی در دو بخش ارائه می‌شود:

بخش نخست:

ارائه مشاوره حقوقی به شهروندان آسیب دیده به منظور راهنمایی در خصوص نحوه ثبت و پیگیری درخواست جبران خسارات مادی و معنوی از متجاوزین.



وقت مورد بررسی و پاسخگویی قرار گیرد. جاری، آمادگی کامل خود را برای ارائه خدمات حقوقی و حمایت از حقوق قانونی شهروندان اعلام می‌دارد.



فراخوان تولید محتوای حقوقی و تخصصی در موضوعات مرتبط با جنگ تحمیلی اخیر

است؛ از این‌رو، از وکلا و کارآموزان اندیشمند و میهن‌دوست دعوت می‌شود یادداشت‌های حقوقی خود را در موضوعات مرتبط با جنگ، حداکثر در ۱۰۰۰ کلمه به رشته تحریر درآورده و تا پایان روز پنجشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۵، از طریق پیام‌رسان «بله» به شماره ۰۹۱۲۴۹۹۹۹۵۹ برای روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز ارسال نمایند.»

روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز به منظور تولید محتوای حقوقی و تخصصی در موضوعات مرتبط با جنگ تحمیلی اخیر فراخوانی صادر کرد. متن فراخوان به این شرح است: «تحلیل و تبیین دقیق ابعاد تجاوز نظامی علیه ایران از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مستلزم تولید محتوای حقوقی و تخصصی

برپایی غرفه‌های مشاوره حقوقی و اخذ وکالت جهت ثبت دعوا و شکایت از متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی از سوی کانون وکلای مرکز

شاه‌محمدی، رییس کانون و در میادین انقلاب، خراسان، نبوت و هروی برپا شده و قربانیان جنگ تحمیلی اخیر می‌توانند با مراجعه به این غرفه‌ها ضمن اخذ مشاوره حقوقی رایگان، نسبت به اعلام وکالت جهت ثبت دعوا و شکایت به منظور اخذ

غرفه‌های مشاوره حقوقی و اخذ وکالت جهت ثبت دعوا و شکایت به منظور اخذ غرامت ناشی از تجاوز آمریکا و رژیم اسرائیل از سوی کانون وکلای دادگستری مرکز در میادین شهر تهران برپا شد. این غرفه‌ها با حضور دکتر محمد



گرامت از آمریکا و رژیم اسرائیل اقدام کنند. غرقه‌های کانون وکلای دادگستری مرکز تاکنون در میادین انقلاب، خراسان، نیوت و هروی دایر شده و در سایر میادین شهر تهران نیز برپا خواهد شد. تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر از وکلای کانون وکلای دادگستری

مرکز ضمن شرکت در فراخوان این کانون، آمادگی خود را برای ارائه مشاوره حقوقی رایگان و اعلام وکالت از سوی قربانیان جنگ تحمیلی اخیر در قالب کار معاضدتی و در راستای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی خود اعلام کرده‌اند.



اخذ وکالت رایگان از قریب ۶۰۰ نفر از شهروندان تهرانی آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی سوم از سوی کانون وکلای مرکز

برخوردار است، به همین جهت وقتی در موضوعاتی نظیر جنگ از جمله اقداماتی که در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم علیه کشورمان اتفاق افتاد، ورود می‌کند، موضع‌گیری کانون نه به عنوان عضوی از دولت و نهادهای حاکمیتی بلکه به عنوان یک نهاد مدنی مستقل برای مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و حتی سایر دولت‌ها حائز اهمیت است، چون از اعتبار و مقبولیت خاص و بالای جهانی برخوردار است.

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز همچنین در بخش دیگری از این گفت‌وگو ضمن تشریح اقدامات این نهاد مدنی و صنفی در جریان جنگ تحمیلی سوم در ابعاد داخلی و بین‌المللی، اعلام کرد: ۱۵ سرشماره از سوی اداره معاضدت کانون وکلای مرکز جهت دریافت مشاوره حقوقی از سوی هم‌میهنان آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی اخیر اعلام شده است. ضمن اینکه

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز از اخذ وکالت رایگان قریب به ۶ هزار نفر از شهروندان تهرانی آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی سوم از سوی کانون وکلای دادگستری خبر داد و گفت: ۱۵ سرشماره از سوی اداره معاضدت کانون وکلای مرکز جهت دریافت مشاوره حقوقی از سوی هم‌میهنان آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی اخیر اعلام شده است

دکتر محمد شاه‌محمدی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز با حضور در شبکه خبر سیما با اشاره به جایگاه قانونی و تاریخی کانون وکلا در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، گفت: کانون وکلای دادگستری نهادی است که یک قرن قدمت دارد و از سال ۱۳۳۳ به موجب لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، استقلال یافت و نه به عنوان یک نهاد حاکمیتی و دولتی، بلکه به عنوان یک نهاد مستقل مدنی و غیردولتی از جایگاه خاصی در عرصه داخلی و بین‌المللی

داوطلبانه در این واحدها حضور یافته و ضمن ارائه مشاوره‌های حقوقی، آمادگی اخذ وکالت معاضدتی در این زمینه را دارند. در همین زمینه تاکنون حدود ۶ هزار نفر به کانون وکلای مرکز وکالت داده‌اند تا به وکالت از آنها علیه متجاوزان در مراجع داخلی و بین‌المللی طرح دعوا کرده و جهت مطالبه خسارت اقدام قانونی کنند.

خدمات وکالتی ما نیز در این حوزه کاملاً به صورت رایگان و افتخاری ارائه می‌شود. دکتر شاه‌محمدی همچنین با اشاره به برپایی واحدهای مشاوره حقوقی و اخذ وکالت جهت ثبت دعوا و شکایت از متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی از سوی کانون وکلای مرکز در سطح میادین شهر تهران، گفت: همکاران ما به صورت



بررسی راهکارهای حقوقی استیفای حقوق مردم ایران در جنگ تحمیلی سوم در نشست تخصصی کانون وکلای دادگستری مرکز

ریاست جمهوری برگزار شد، راهکارهای طرح دعوی علیه متجاوزان به خاک ایران و نقض تمامیت ارضی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

این نشست در چهار محور «امکان‌سنجی طرح دعوی از طرف دولت و مردم ایران در مراجع قضایی و شبه قضایی بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی»، «بررسی راهکارها و آثار توسل به سازوکارهای غیرقضایی در نهادهای بین‌المللی»، «بررسی استدلال‌ها و دفاعیات احتمالی دولت ایران در برابر دعاوی احتمالی مطروحه از سوی کشورهای ثالث» و نیز «وضعیت حقوقی تنگه هرمز و امکان‌سنجی بازخوانی رژیم حقوقی آن» برگزار شد و هر یک از حاضران نقطه نظرات خود را راجع به موضوعات این نشست مطرح کردند.

نخستین نشست تخصصی کمیته بین‌الملل ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور در کانون وکلای دادگستری مرکز، با حضور جمعی از اساتید، وکلا و حقوقدانان حوزه بین‌الملل با موضوع بررسی راهکارهای حقوقی استیفای حقوق مردم ایران در جنگ تحمیلی سوم، عصر شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۴۰۵ در محل کانون مرکز برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، در این نشست هم‌اندیشی که با حضور رییس و اعضای هیئت مدیره و نیز برخی روسای ارکان کانون وکلای دادگستری مرکز، جمعی از وکلای حوزه حقوق بین‌الملل و اساتید حقوق دانشگاه و نیز مدیران حقوقی وزارتخانه‌های امور خارجه و راه و شهرسازی و معاونت حقوقی



اعتبار و اهمیت مضاعفی می‌یابد. دکتر شاه‌محمدی همچنین با اشاره به آمادگی کانون وکلای دادگستری مرکز برای اعلام وکالت آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی اخیر به صورت رایگان، تصریح کرد: در همین زمینه طبق همکاری مشترکی که با کانون کارشناسان و کانون سردفتران و دفتریاران داریم، هر آسیب‌دیده جنگ تحمیلی اخیر که قصد پیگیری شکایت خود از متجاوزان را دارد می‌تواند با مراجعه به نزدیکترین دفترخانه اسناد رسمی جهت اقامه دعوا به کانون وکلای دادگستری مرکز، وکالت مدنی اعطا نماید که تنظیم و اجرای موضوع این وکالت کاملاً رایگان است. در پایان این نشست پس از استماع نقطه نظرات تخصصی هر یک از اساتید و متخصصین حاضر در جلسه مقرر شد در راستای اهداف ستاد حقوقی و با حضور وکلا و حقوقدانان عرصه حقوق بین‌الملل، پنج کمیته تخصصی تشکیل شود.

در این نشست دکتر محمد شاه‌محمدی، رییس کانون وکلای دادگستری مرکز ضمن تشریح اقدامات صورت گرفته در ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور که در این نهاد صنفی و مدنی تشکیل شده است، یکی از نقش‌های ستاد را تولید محتوا و ارائه نظر علمی و مشورتی حقوقی به کشور جهت استیفای حقوق مردم ایران در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی توصیف کرد و گفت: در طول سومین جنگ تحمیلی علیه کشور، کانون وکلای مرکز ضمن صدور بیانیه‌های مختلف و محکومیت تجاوز دولت آمریکا و رژیم اسرائیل، نامه‌نگاری‌هایی با تشکل‌های بین‌المللی حقوقی نظیر کانون وکلای بین‌المللی (IBA) و نیز دبیرکل سازمان ملل و رییس شورای حقوق بشر این سازمان انجام داد. این نامه‌نگاری‌ها از آن رو حائز اهمیت است که کانون وکلا در ایران یک نهاد مدنی کاملاً مستقل است و از این حیث پیگیری‌هایش در عرصه بین‌المللی،



در نشست بررسی ابعاد حقوقی جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران مطرح شد؛

جنگ تحمیلی سوم، آزمونی برای کارآمدی حقوق بین الملل

نشست «بررسی ابعاد حقوقی جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران» بعدازظهر چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵، به همت ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور کانون وکلای دادگستری مرکز برگزار و طی آن، سخنرانان به تبیین ابعاد مختلف جنگ تحمیلی سوم علیه کشور پرداختند.

در این نشست، وکیل سعید باقری، نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز با بیان اینکه قرار نیست خروجی جلساتی از این دست، تقدیم دادخواست به نهادهای قضایی باشد، گفت: اساساً شأن کانون وکلا متفاوت از دولت است. دفاتر حقوقی نهادهای دولتی در حوزه طرح دعاوی بین المللی، هم مسئولیت

ملی دارند و هم از بودجه و امکانات لازم برخوردارند. انتظاری که از این جمع حقوقدان می رود، طرح مسائل، جمع بندی و انتشار دیدگاه های تخصصی اعم از وکیل و غیروکیل است تا زمینه تقویت کمک های علمی به نهادهای رسمی و دولتی فراهم شود. از این رو، انتظار می رود خلاصه این نشست ها جمع بندی و منتشر شود تا مورد استفاده نهادهای دولتی قرار گیرد.

■ نهادهای بین المللی، بیش از آنکه کارکرد واقعی داشته باشند، به نهادهایی تشریفاتی بدل شده اند

نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز با بیان اینکه در تهاجم اخیر، تمامی مرزهای معاهدات و کنوانسیون ها جابه جا شد، اظهار کرد: مهاجمان نه تنها مرتکب جرم بین المللی شده اند، بلکه جنایات جنگی و حتی تهدید به نسل کشی را نیز به صورت علنی در رسانه ها مطرح کرده اند. این وضعیت نشان داد نهادهای بین المللی، بیش از آنکه کارکرد واقعی داشته باشند، به نهادهایی تشریفاتی بدل شده اند که صرفاً برای بزرگ جنایات قدرت های بزرگ به کار گرفته می شوند و هر زمان کارایی نداشته باشند، کنار گذاشته می شوند.

باقری ادامه داد: گاه عنوان می شود که امکان طرح دعوا در دیوان کیفری بین المللی وجود ندارد، اما می توان از طریق انعکاس این جنایات، حساسیت نهادهای بین المللی را نسبت به این موضوع افزایش داد.

وی تصریح کرد: حمله به فرودگاه مهرآباد، هدفی نظامی را دنبال نمی کرد و به خوبی نشان داد که توحش جنگ سالاران چگونه می تواند به بخش های غیرنظامی آسیب وارد کند.





■ دشمن، زیرساخت انسانی و آینده ایران را هدف قرار داد

وکیل بابک جعفری، دیگر نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز نیز در این نشست با اشاره به اینکه بحث مطروحه در چارچوب حقوق بین الملل عمومی است، گفت: در مواجهه با تهاجم به خاک ایران، نباید رفتار دفاع مشروع خود را توجیه کنیم. این نوع استدلال که در مناقشات بین المللی مطرح می شود - مبنی بر اینکه اگر جمهوری اسلامی اقدامی انجام نمی داد، طرف مقابل نیز واکنشی نشان نمی داد- فاقد وجاهت است. ما در موقعیتی نیستیم که دفاع خود را توجیه کنیم، بلکه این طرف مقابل است که باید توضیح دهد چگونه با مجموعه ای از نقض های حقوق بین الملل به ایران حمله کرده است.

نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز افزود: در روز نخست جنگ، زیرساخت اصلی ما با کشتار کودکان و از بین بردن آینده جامعه هدف قرار گرفت. پل و ساختمان قابل بازسازی است، اما انسان هایی که جان خود را از دست داده اند، قابل بازگشت نیستند.

جعفری تأکید کرد: مقررات فعلی حقوق بین الملل پاسخگوی اداره جامعه بین المللی نیست و جنگ سالاران هر زمان که خواسته اند این قواعد را نقض کرده اند. اکنون در مرحله تولید ادبیات جدید حقوق بین الملل قرار داریم و نباید خود را محدود به چارچوب های موجود بدانیم.

■ کشورهای ثالث نمی توانند نسبت به نقض قواعد آمره و اصول بنیادین حقوق بین الملل بی تفاوت باشند

دکتر محمدعلی بهمنی قاجار، وکیل پایه یک دادگستری و مدیر جلسه نیز در این نشست با اشاره به رسالت کانون وکلای دادگستری در تبیین ابعاد تجاوز و جنگ، گفت: با ابتکار هیئت مدیره، ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور با حضور جمعی از وکلای دادگستری تشکیل شد تا راهکارهای احقاق حقوق ملی در تجاوز اخیر مورد بررسی قرار گیرد.

وی که دارای دکترای تخصصی حقوق بین الملل است، افزود: مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال نقض شدید حقوق بین الملل، جایگاهی فراتر از نقض های عادی





جهانی دوم گفت: دولت‌ها با ایجاد شورای امنیت، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به این نهاد واگذار کردند. این شورا اساساً به دنبال تحقق عدالت نیست، بلکه مأموریت آن حفظ صلح است و اصولی همچون منع توسل به زور و عدم مداخله در امور داخلی کشورها را دنبال می‌کند. با این حال، یکی از کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت، خود از متجاوزان به ایران است.

وی در ادامه، در چارچوب سخنرانی خود با عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا ناشی از توسل به زور علیه ایران و امکان طرح آن در مجامع بین‌المللی» اظهار کرد: این موضوع در سه حوزه شامل مسئولیت دولت، مسئولیت اشخاص و امکان طرح در دیوان کیفری بین‌المللی قابل بررسی است.

عباسی با بیان اینکه در حقوق بین‌الملل، رضایت دولت‌ها شرط اصلی ارجاع اختلافات به مراجع بین‌المللی است، گفت: تا زمانی که یک دولت صلاحیت مرجع بین‌المللی را نپذیرفته باشد، امکان الزام آن به پاسخگویی وجود ندارد. جمهوری اسلامی ایران نیز صلاحیت دیوان بین‌المللی

دارد و کشورهای ثالث نمی‌توانند نسبت به نقض قواعد آمره و اصول بنیادین حقوق بین‌المللی تفاوت باشند. در این چارچوب، مفاهیمی همچون «تعهدات عام‌الشمول» (erga omnes) بیانگر آن است که کل جامعه جهانی در قبال نقض این قواعد مسئولیت دارند.

بهنمی قاجار تصریح کرد: تعبیر «جنگ تجاوزکارانه» یا «جنگ جنایتکارانه» یک توصیف سیاسی نیست، بلکه مفهومی حقوقی مبتنی بر قواعد حقوق بین‌الملل است؛ چرا که تجاوز، به‌عنوان یکی از مصادیق جنایات بین‌المللی شناخته می‌شود. همچنین در طول ۴۰ روز جنگ، قواعد مربوط به «حقوق در جنگ» یا «حقوق مخاصمات مسلحانه» به‌طور گسترده نقض شد؛ از جمله حمله به اهدافی که فاقد ضرورت نظامی بودند، مانند کلانتری‌های گیشا و نیلوفر.

آنچه در جنگ سوم تحمیلی رخ داد، استفاده آشکار از زور توسط مهاجمان و اقدام ایران در چارچوب دفاع مشروع بود

در ادامه، دکتر سعید عباسی، وکیل پایه یک دادگستری و دکترای حقوق بین‌الملل، با اشاره به ساختار نظام بین‌المللی پس از جنگ



دادگستری را به صورت محدود پذیرفته است.

وی با تشریح مفهوم «عمل متخلفانه بین‌المللی» و ارکان آن افزود: در انتساب یک عمل به دولت، معیارهایی از کنترل مؤثر تا کنترل کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جنگ اخیر، حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا و نقش آن‌ها در عملیات، موضوعی روشن و قابل اثبات است.

این حقوق‌دان همچنین به اصول «دفاع مشروع» و «منع توسل به زور» اشاره کرد و گفت: آنچه در این جنگ رخ داد، استفاده آشکار از زور توسط مهاجمان و اقدام ایران در چارچوب دفاع مشروع بود.

عباسی در ادامه، با اشاره به مسئولیت کیفری مقامات، تصریح کرد: بر اساس قطعنامه ۳۳۱۴ سازمان ملل متحد و اصلاحات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا، برنامه‌ریزی، تدارک و آغاز جنگ تجاوزکارانه برای مقامات هدایت‌کننده دولت، واجد وصف مجرمانه است.

■ حملات به ایران برخلاف کنوانسیون شیکاگو، خسارات جدی به صنعت هوانوردی غیرنظامی وارد کرد

در بخش دیگری از این نشست، وحیده نجفی، مدیرکل امور حقوقی سازمان هواپیمایی کشوری، به بررسی ابعاد حقوقی جنگ در حوزه هوانوردی پرداخت و گفت: بر اساس کنوانسیون شیکاگو، آسمان باید محیطی امن برای پروازهای غیرنظامی

باشد، اما تحولات اخیر نشان می‌دهد صنعت هوانوردی به شدت تحت تأثیر تنش‌های سیاسی و نظامی قرار دارد.

وی افزود: حملات صورت گرفته در جریان جنگ ۴۰ روزه، برخلاف مفاد کنوانسیون شیکاگو، خسارات جدی به صنعت هوانوردی غیرنظامی ایران وارد کرده است.

نجفی با اشاره به روند پیگیری این موضوع در سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) گفت: با وجود تلاش ایران برای طرح موضوع و حتی خطاب قرار دادن رژیم اسرائیل در مجمع عمومی این سازمان، فضای حاکم بر ایکائو به شدت سیاسی است.

مدیرکل امور حقوقی سازمان هواپیمایی کشوری ادامه داد: در حالی که پرونده ایران در حال بررسی بود، برخی کشورهای عربی شکایتی علیه ایران مطرح کردند و در نهایت، شورای ایکائو با محکومیت ایران به دلیل نقض کنوانسیون شیکاگو موافقت کرد. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که اصل عدم

دولت‌ها با ایجاد شورای امنیت، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به این نهاد واگذار کردند. این شورا اساساً به دنبال تحقق عدالت نیست، بلکه مأموریت آن حفظ صلح است



اقتضاء می‌کند خسارات جنگ در روند داوری پیگیری شود.

صادقی ادامه داد: در مقابل، دیدگاه هنجاری بر شناسایی آغازگر جنگ و نقض‌کننده قواعد بین‌المللی تأکید دارد، هرچند راهکار عملی مشخصی برای جبران خسارت ارائه نمی‌دهد.

وی به رویکرد سوم، یعنی «تمرکز بر نوع خسارت» اشاره کرد و گفت: در این چارچوب، کنوانسیون‌هایی مانند مونترال ۱۹۷۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۸۸ می‌توانند مبنای پیگیری خسارات وارد شده به صنعت هوانوردی غیرنظامی باشند و مسیر داوری را به‌عنوان گزینه‌ای عملی پیش‌رو قرار دهند. این حقوقدان در پایان با اشاره به قطعنامه ۲۸۱۷ شورای امنیت و ادعای بی‌طرفی برخی کشورهای عربی گفت: شواهد نشان می‌دهد این کشورها نه تنها بی‌طرف نبوده‌اند، بلکه در برخی موارد مشارکت مستقیم در اقدامات نظامی داشته‌اند.

از این رو، امکان پیگیری حقوقی خسارات جنگی از مجاری مختلف حقوق بین‌الملل وجود دارد، هرچند تعیین سرنوشت نهایی جنگ همچنان با ابهام همراه است.

تبعض در ماده ۴۴ کنوانسیون مورد توجه قرار نگرفت.

نجفی تصریح کرد: با توجه به ابهامات موجود در ماده ۸۹ کنوانسیون و فقدان رویه روشن، در صورت تداوم این رویکرد سیاسی، ایران ناگزیر خواهد بود پس از طی مراحل مقرر در مواد ۵۴ و ۸۴ کنوانسیون، موضوع را در دیوان بین‌المللی دادگستری پیگیری کند.

■ واقع‌گرایی اقتضاء می‌کند خسارات جنگ در روند داوری پیگیری شود

در بخش پایانی این نشست، دکتر میلاد صادقی، وکیل پایه یک دادگستری و دکترای حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، با اشاره به پیچیدگی موضوع خسارات جنگی در حقوق بین‌الملل گفت: در این زمینه، دست‌کم چهار رویکرد نظری وجود دارد؛ یکی از این رویکردها، نگاه واقع‌گرایانه است که بر اساس آن، تعیین برنده و بازنده جنگ در مطالبه خسارت نقش تعیین‌کننده دارد. برنده و بازنده بودن دولت در جنگ، یک مسئله عرفی است. کشور ویران شده یا اشغال شده، قاعدتا بازنده است. دال مرکزی این دیدگاه، پایان جنگ است. واقع‌گرایی



برگزاری نشست «بررسی ابعاد حقوقی محاصره دریایی و جبران خسارت ناشی از آن» در کانون مرکز

در ابتدای این مراسم، دکتر رضا یزدی، دبیر کمیسیون بین‌الملل کانون، ضمن خیرمقدم به حاضران، به تبیین اهمیت اقتصادی موضوع محاصره دریایی برای ایران و سایر کشورها پرداخت و اظهار کرد: این پدیده می‌تواند با کاهش درآمدهای نفتی و ارزی، فشار مضاعفی بر اقتصاد ملی وارد کند و در سطح بین‌المللی نیز با افزایش هزینه‌های تجارت، نوسانات بازار انرژی به‌ویژه نفت و گاز و همچنین تأثیرگذاری بر صنعت بیمه و زنجیره تأمین، جایگاهی فراتر از یک مسئله صرفاً حقوقی یافته و به موضوعی با ابعاد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک تبدیل شود.

در ادامه این نشست، دکتر ابراهیم بیگ‌زاده، وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، با قدردانی از کانون وکلای دادگستری مرکز برای برگزاری این نشست، به بررسی ابعاد حقوقی و پیشینه تاریخی رژیم حقوقی تنگه‌ها با تمرکز بر تنگه هرمز از منظر حقوق بین‌الملل پرداخت. همچنین دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی، وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، با تمرکز بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در حوزه محاصره دریایی و با تأکید بر تنگه هرمز، به تحلیل ابعاد مختلف این پدیده و نیز پیامدهای احتمالی انسداد این تنگه راهبردی پرداخت.

نشست تخصصی «بررسی ابعاد حقوقی محاصره دریایی و جبران خسارات ناشی از آن در حقوق بین‌الملل» عصر روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ با حضور نایب رییس کانون وکلای دادگستری مرکز، جمعی از اساتید حقوق بین‌الملل و وکلای دادگستری در محل این کانون برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، در این نشست، وکیل بابک جعفری، نایب رییس کانون، با خوشامدگویی به حاضران، از دکتر ابراهیم بیگ‌زاده و دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی به‌عنوان سرمایه‌های علمی کشور در حوزه حقوق بین‌الملل یاد کرد.

وی در ادامه با اشاره به تحولات اخیر، محاصره دریایی را پیامد اقداماتی دانست که از منظر حقوق بین‌الملل فاقد مشروعیت بوده و در چارچوب یک اقدام خصمانه علیه ایران قابل تحلیل است.

جعفری همچنین با بیان اینکه بسیاری از صاحب‌نظران برجسته حقوق بین‌الملل، این نظام حقوقی را در عمل متأثر از موازنه قدرت می‌دانند، افزود: در شرایط بروز جنگ، اجرای قواعد بین‌المللی با چالش‌های جدی مواجه می‌شود؛ از این رو، بازتعریف و بازنگری در قواعد حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در موضوعاتی مانند محاصره دریایی، ضروری به نظر می‌رسد.



به همت کمیسیون آموزش کانون وکلای دادگستری مرکز؛

همایش «بررسی رژیم حقوقی تنگه‌هرمز و امکان‌سنجی اعمال حق حاکمیت سرزمینی ایران بر آن» برگزار شد

می‌نماید.

مهدیه درویش‌وند، عضو کمیسیون آموزش کانون نیز که دبیری این همایش را بر عهده داشت، در ابتدای جلسه اظهار کرد: با توجه به روابط تنش‌زایی که در مقاطع مختلف میان ایران و ایالات متحده تجربه شده است، بر آن شدیم تا به قید فوریت به موضوعی بپردازیم که برای جامعه حقوقی محل پرسش و ابهام بوده است؛ یعنی تنگه هرمز. از این‌رو، تصمیم گرفتیم با برگزاری این نشست، به بررسی و تبیین رژیم حقوقی حاکم بر این آبراهه بپردازیم. بر همین اساس، برگزاری این جلسه در دستور کار قرار گرفت. در ادامه این همایش نیز دکتر ابراهیم بیگ‌زاده، وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر حسین پناهی آذر، دیپلمات ارشد و سفیر سابق ایران در سوئد، هلند و ایرلند به بررسی رژیم حقوقی بر تنگه هرمز پرداختند و موضوع اعمال حق حاکمیت سرزمینی ایران بر این تنگه استراتژیک را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

همایش «بررسی رژیم حقوقی تنگه‌هرمز و امکان‌سنجی اعمال حق حاکمیت سرزمینی ایران بر آن»، عصر روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ به همت کمیسیون آموزش کانون وکلای دادگستری مرکز و با حضور اعضای هیئت مدیره کانون، جمعی از اساتید حقوق بین‌الملل، اعضای کمیسیون آموزش و نیز جمعی از وکلای و کارآموزان وکالت در سالن جلالی نایینی کانون برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری مرکز، در ابتدای این همایش، لیدا اسدی دبیر کمیسیون آموزش کانون با ارائه گزارشی از عملکرد این کمیسیون اظهار کرد: در کمیسیون به قید فوریت تصویب کردیم که به موضوعات روز و مسائل مورد نیاز جامعه حقوقی کشور ورود و زمینه برگزاری جلسات مرتبط را فراهم کنیم؛ از همین‌رو در نشست حاضر به بررسی رژیم حقوقی تنگه‌هرمز می‌پردازیم، شاهره‌ای که ابعاد حقوقی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی را به یکدیگر پیوند داده و معادلات منطقه‌ای و جهانی را بازتعریف





■ یادداشت‌ها



کانون مجتلی دادگستری مرکز

تحلیل و تبیین ابعاد تجاوز از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر دوستانه

اعلام کرد «تمدن ۲۵۰۰ ساله ایران را به عهد حجر برمی‌گرداند» بیانگر این است که او اصولاً حقوق نمی‌داند چیست تا چه رسد به حقوق مخاصمات مسلحانه! او فقط به بهانه حفظ منافع خود، که همان قلدری است، مدعی می‌شود «آمریکا ملتی استثنائی و رهبری خیراندیشانه دارد»!!!

۳- از منظر ترامپ، «حقوق بشر دوستانه» همان است که به صراحت اعلام کرد «آمریکا و اسرائیل در نظر دارند ذخایر نفتی خاورمیانه را در دست بگیرند». این اقدام او در شهادت رهبر معظم ملت ایران، با سبق تصمیم، جنایتی است آشکار که باید از سوی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی رسیدگی شود.

علاوه بر آن، دزدیدن مادورو، رئیس‌جمهور مردم ونزوئلا، ثابت کرد که ترامپ هیچ اطلاعی از حقوق بین‌الملل ندارد و خود را مالک نفت ونزوئلا می‌داند. به عقیده بنده، جنگ اخیر از سوی ترامپ و سگ زنجیری او نتانیا هو، در حالی که با ایران وقت مذاکره داشتند صرفاً بهانه‌ای بود برای تصرف نفت ایران و جزایر خلیج فارس، به عبارتی همان گاو شیرده آنان، که در مسافرت به جزایر مذکور یک فروند هواپیمای چهارصد میلیون دلاری قطر به او اهداء شد و با گشت‌وگذار در امارات، بحرین و کویت، درصد تصرف جزایر ایرانی ابوموسی،

سید محمد
چندقی کرمانی پور
رئیس ادوار کانون وکلای
دادگستری



به نام خداوند جان و خرد
کز این برتر اندیشه بر نگذرد

«تحلیل و تبیین ابعاد تجاوز از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر دوستانه» را می‌توان سه بخش کرد.

۱- تحلیل و تبیین دقیق ابعاد تجاوز
۲- حقوق مخاصمات مسلحانه
۳- از منظر حقوق بشر دوستانه
بدیهی است چنانچه بخواهیم، به صورت تفکیکی، به شرح کامل سه‌گانه فوق بپردازیم، هزار کلمه که سهل است «مثنوی هفتاد من کاغذ» می‌شود. ولی تلاش خواهد شد، نه در هزار کلمه، که در همین اندازه بسنده شود.

۱- تحلیل به معنای «ازهم‌گشادن چیزی، تجزیه کردن، فانی کردن (چیزی را)، حلال کردن، رواشمردن، رواداشتن» و تبیین: «پیدا کردن، آشکار کردن، روشن کردن، روشن گفتن و روشن گویی» (فرهنگ فارسی معین)...

۲- حقوق مخاصمات مسلحانه، وقتی ترامپ تاریخ نخوانده و بی‌سواد، صراحتاً



مذکور، در پایان کتاب آقای دکتر محمدعلی موحد چاپ شده و دو جلد نقشه‌های پیش‌گفته در زمان حکومت روسیه تزاری به چاپ رسیده است. امید است ریاست محترم کانون، توجه مخصوص و در حفظ آن‌ها دستور مقتضی صادر فرمایند.

همهٔ وکلای دادگستری - حتی اطفال دبستانی میناب، که از طرف دو جانی بشریت به خاک و خون کشیده شدند و تصاویر آنان در بزرگراه‌های کشور ایران برای همه قابل مشاهده است - به تاریخ وطن عزیز خود اشراف دارند و می‌دانند که جنگ تحمیلی و ناگهانی برای تصرف حوزهٔ خلیج فارس و پاره کردن وطن عزیز آنان بوده است و لاغیر. برای نمونه مطلب زیر را از کتاب «فرهنگ علوم سیاسی»، اثر روان شاد علی آقابخشی،

تنب بزرگ و تنب کوچک، که سال‌هاست شیخ‌های مذکور، بدون داشتن حقی، از این مرجع بین‌المللی به آن مرجع یقه دراندند و خشت بر آب زدند. هدف اصلی ترامپ و اعوان و یاران‌ش، در اختیار گرفتن نفت خلیج فارس و قطعه‌قطعه کردن ایران است و بارها با وقاحت تمام این هدف نامقدس را عنوان کرده‌اند:

«ایران خیلی بزرگ است». آری تخت‌جمشید، استوانهٔ حقوق بشر کورش بزرگ و هزاران اثر باستانی دیگر، گواه بر تمدن ایران از دوهزاروپانصد سال پیش است و چیزی نیست که دو جنگ طلب، که ملت خود را به فقر و فاقه کشیده‌اند، قادر باشند ایران را به عهد حجر برگردانند و این ادعائی بیش نیست مگر بی‌اطلاعی و بی‌سوادی ایشان.

آقای دکتر محمدعلی موحد نویسندهٔ کتاب چهارجلدی خواب آشفتهٔ نفت، محقق، فیلسوف برجسته و وکیل محترم دادگستری در کتابی به نام مبالغهٔ استعمار به بررسی مدارک مورد استناد شیوخ در ادعای بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی پرداخته‌اند و در صفحهٔ ۱۷۷، نقشهٔ استان هرمزگان چاپ شده است که نشان می‌دهد تنگهٔ هرمز و جزایر سه‌گانهٔ ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک جزء لاینفک ایران است.

در بایگانی کانون وکلای دادگستری مرکز دو جلد بزرگ نقشه‌های مختلف، از جمله دربارهٔ جزایر یادشده، موجود است که نقشهٔ

“

«ایران خیلی بزرگ است». آری تخت‌جمشید، استوانهٔ حقوق بشر کورش بزرگ و هزاران اثر باستانی دیگر، گواه بر تمدن ایران از دوهزاروپانصد سال پیش است و چیزی نیست که دو جنگ طلب، که ملت خود را به فقر و فاقه کشیده‌اند، قادر باشند ایران را به عهد حجر برگردانند و این ادعائی بیش نیست مگر بی‌اطلاعی و بی‌سوادی ایشان

”



همسر خانم مینو افشاری‌راد، وکیل محترم دادگستری جهت اطلاع همکاران محترم عیناً درج می‌نماید.

«پس از پایان جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) حملهٔ عراق به کشور دوست و همسایهٔ ما)، نیز جرج بوش رییس‌جمهور آمریکا، «استقرار یک نظام نوین جهانی» را نوید داد. او گفت که «نظام نوین جهانی منوط و وابسته به رهبری آمریکا، قدرت آمریکا و ارزش‌های آمریکاست».

نوام چامسکی، زبان‌شناس معروف و منتقد سیاست خارجی آمریکا، نیز نظام نوین را «قالبی عوام‌فریبانه برای تداوم بی‌عدالتی، نامی تازه برای توسل به زور، و دنیایی بدون مانع برای آمریکا خوانده است».

به نظر تونی بن، سیاست‌مدار بریتانیایی، «نظام نوین جهانی چیزی جز بازگشت به امپراتوری گذشته نیست. آنچه که در عراق اتفاق افتاد (۱۹۹۱)، ظهور مجدد امپریالیسم بود. آمریکا به بهانهٔ حفظ منافع خود با سوءاستفاده از ضعف شوروی سابق می‌خواست سلطهٔ خود را در خلیج فارس، یعنی یکی از عمده‌ترین مناطق تولید نفت برقرار کند»

همکاران محترم، ملاحظه می‌فرمایید به قول دانشمند، فیلسوف و سیاست‌مدار قرن پانزده و شانزدهم میلادی ماکیاولی: «هدف وسیله را توجیه می‌کند». گرچه هدف آمریکا در جنگ اخیر تصرف خلیج فارس، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی و از همه مهم‌تر تنگهٔ هرمز، این

شاهراه مهم برای عبور کشتی‌های بزرگ نفت‌کش بود، ولی با بهانهٔ اینکه ایران اورانیوم دارد و خواهان ساخت بمب اتم است، که به شکست او و یار وفادارش نتانیاها و پیروزی ایران منجر شد، به ایران حمله کرد و باتوجه به اینکه شروع‌کنندهٔ جنگ آمریکا و سگ زنجیری‌اش بوده‌اند، از نظر حقوق بین‌الملل مسئول پرداخت کلیهٔ خسارت‌هایی هستند که به مردم ایران و دولت ایران وارد کرده‌اند.

جالب است با اینکه ترامپ از تاریخ پرافتخار ایران هیچ اطلاعی نداشت، در مواقع مختلف به فرهنگ ایران و ملت بزرگ ایران، از هیچ توهینی فروگذار نکرد و خود را مسخرهٔ دنیا قرار داد. توجه همکاران گرامی را به سخنرانی دانشمند هندی تبار در این مورد را جلب می‌کنم که چکیده سخنرانی مفصل او این است:

«ترامپ دچار زوال عقل آشکار شده و باید کمی تاریخ بیاموزد. آمریکا تاریخی ندارد، چه رسد به اینکه تمدنی آمریکایی داشته باشد، در مقابل تمدن ایرانی هم‌تراز تمدن یونانی یا رومی است.

ترامپ صرفاً یک پیرمرد حسود است، او به ایران حسادت می‌کند که تمدن آن در زمانی شکوفا بود که اصلاً آمریکایی وجود نداشت و انسان اروپایی، هنوز از غار بیرون نیامده بود. دونالد ترامپ تو شکست‌خورده‌ای، تو نمی‌توانی به تمدنی دست بزنی».

با امید به پیروزی حق علیه باطل

در کشاکش جنگ تمدن و توحش

دکتر محمود عباسی

رئیس اندیشکدهٔ بین‌المللی
کرامت انسانی و رئیس
اتحادیهٔ انجمن‌های علمی
حقوقی ایران



خود قرار داد و سخنرانان دیگر کشورها به سخنان ایشان استناد می‌کردند، شخصی از لابه‌لای جمعیت با صدای بلند خطاب به رئیس کنفرانس گفت: اکنون که ایالات متحدهٔ آمریکا بر طبل جنگ می‌کوبد و در آستانهٔ حمله به عراق هستیم، چرا نمایندهٔ ایالات متحده را برای این کنفرانس که نام آن را امپراتوری صلح نهاده‌اید دعوت نکردید؟

رئیس کنفرانس در پاسخ به سؤال‌کننده گفت: ما برای برگزاری کنفرانس بین‌المللی صلح، نمایندگان کشورهای صاحب تمدن را دعوت کرده‌ایم ایران، مصر، یونان، چین و دیگر کشورهای صاحب تمدن. ایالات متحدهٔ آمریکا تمدنی ندارد که آن‌ها را برای کنفرانس دعوت کنیم و اگر هم دارد، متعلق به کشورهای اروپایی است که نمایندگان آن‌ها در این کنفرانس حضور دارند. این سخن نغز رئیس کنفرانس، به‌عنوان یک اندیشمند غربی، حکایت از آن دارد که ایالات متحده با گذشت قدمتی حدود پانصدساله، همچنان در دوران توحش به سر می‌برد و در زمان کشف آن تاکنون حداقل هر ساله به یک کشور تجاوز و لشکرکشی کرده است.

حملهٔ تجاوزکارانه و متوحشانهٔ اخیر آنان به ایران، آخرین جنگ متجاوزانهٔ آن‌هاست که تصویر واقعی جنگ تمدن و توحش را به نمایش می‌گذارد، اعلام

در آستانهٔ لشکرکشی ایالات متحده به عراق و در زمانه‌ای که نگارنده، دوران تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه سوربن می‌گذراند، در شهر علم و فناوری پاریس (Cité des Sciences et de l'Industrie) کنفرانس بین‌المللی برگزار شد که فرانسوی‌ها آن را امپراتوری صلح نام نهادند. در این کنفرانس وزین بین‌المللی، که با حضور نمایندگان رسمی کشورهای صاحب تمدن برگزار می‌شد، جناب آقای دکتر محقق داماد به‌عنوان نمایندهٔ رسمی فرهنگ و تمدن ایران نخستین سخنران کنفرانس بودند.

ایشان سخنرانی خود را با این جمله آغاز کردند که در اسلام، صلح یعنی سلام و ما مسلمانان هر روز و هر لحظه در برخورد‌های خود با هم‌نوعانمان به آنان سلام می‌کنیم و این سلام یعنی صلح و آشتی و این، فرهنگ و تمدن هزاران سالهٔ ایران‌زمین است. ایران هرگز به کشوری تجاوز نکرده و همیشه منادی صلح بین‌المللی بوده است.

پس از سخنرانی فاخر این استاد فرزانه، که تا سه روز کنفرانس را تحت‌الشعاع





نشانه‌های روشن این جنگ حکایت از این دارد که مردمان این نخستین تمدن بشری، سردمداران متوهم توحش غرب را به هزیمت خواهد کشاند؛ همان گونه که شهید والا مقام دکتر لاریجانی، از خاطره دیدار خود با کیسینجر می‌گفت که پس از جنگ جهانی دوم آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تمامی جغرافیای منطقه را دست‌کاری کردند، به‌جز ایران و مصر که مردمشان ریشه در خاک و فرهنگ و تمدنی دیرینه دارند و این، نشانه‌ای دیگر از کشاکش فرهنگ و تمدن یک ملت در برابر توحش کابویی آمریکایی است. اخیراً کتابی از مرحوم استاد محمد بهرامی، با عنوان برآمدن آفتاب تاریخ فرهنگ و ایران چاپ و منتشر شده که چهارده هزار خاستگاه و گاهواره فرهنگ و تمدن بشری را به نمایش می‌گذارد.

استاد فرزانه است و با دیباچه مبسوط این‌جانب منتشر شده، از زبان مستشرقین آمده و نویسنده کوشیده است نشان دهد که خاستگاه و گاهواره فرهنگ و تمدن بشری ایران است و هزاران مستند، از زبان مستشرقین و ایران‌پژوهان بر فرضیه خود ارائه کرده است که نه تنها ایران و ایرانی ریشه در خاک دارد، بلکه اثبات می‌کند که تمدن‌های دیگر بشری نیز از فرهنگ و تمدن ایران‌زمین ارتزاق کرده‌اند بنابراین مردمانی چنین سترگ، که ریشه در خاک و فرهنگ و تمدن بشری دارند، هرگز در قبال قومی وحشی و متوهم سر فرود نمی‌آورد و اراده پولادین خود را بر دشمن تحمیل و برای جهانیان صلح به ارمغان می‌آورد.

وقتی از توحش یک قوم سخن می‌گوییم منظورمان مردمان آن سرزمین نیست، بلکه سخن از سردمداران پلید جغرافیایی است که بر پایه ظلم و چپاول و غارتگری، ساختار خود را با قدرت بنا کرده و به هیچ قانون و

نشانه‌های روشن این جنگ حکایت از این دارد که مردمان این نخستین تمدن بشری، سردمداران متوهم توحش غرب را به هزیمت خواهد کشاند؛ همان گونه که شهید والا مقام دکتر لاریجانی، از خاطره دیدار خود با کیسینجر می‌گفت که پس از جنگ جهانی دوم آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تمامی جغرافیای منطقه را دست‌کاری کردند، به‌جز ایران و مصر که مردمشان ریشه در خاک و فرهنگ و تمدنی دیرینه دارند و این، نشانه‌ای دیگر از کشاکش فرهنگ و تمدن یک ملت در برابر توحش کابویی آمریکایی است. اخیراً کتابی از مرحوم استاد محمد بهرامی، با عنوان برآمدن آفتاب تاریخ فرهنگ و ایران چاپ و منتشر شده که چهارده هزار خاستگاه و گاهواره فرهنگ و تمدن بشری را به نمایش می‌گذارد.

تمامی منابع این کتاب فاخر، که حاصل چند دهه مطالعات ژرف و ارزشمند این



می‌اندیشند؟! هرگز فراموش نمی‌کنیم که ترامپ در دوره ریاست جمهوری پیشین خود، یک بار جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرد که به پانصد سایت فرهنگی تاریخی و تمدنی ایران حمله خواهد کرد و در این جنگ تجاوزکارانه، با همدستی صهیونیست‌ها، به بیش از یک صد مرکز فرهنگی تاریخی و موزه‌ها و آثار تمدنی ایران حمله کردند و درحالی‌که این آثارگران سنگ میراث مشترک بشری است، سکوتی مرگ‌بار مجامع بین‌المللی را فرا گرفته و در قبال این جرایم فاحش بین‌المللی حتی به محکومیت مرتکبین این جنایات هم نینجامیده است. این فجایع، نشان می‌دهد که وقتی قومی بی‌ریشه و وحشی در قامت سردمداران یک منطقه جغرافیایی این عالم قدرت را در دست می‌گیرند، چگونه با ارزش‌های فرهنگی و تمدنی بشری برخورد می‌کنند. در کشاکش این جنگ نابرابر، که همه قدرت‌ها در کنار جنگ‌افروزان آمریکایی-صهیونی ایستاده‌اند و به تعبیر نبی مکرم اسلام (ص) در جنگ خیبر همه کفر در برابر همه اسلام ایستاده بود، ملتی بزرگ با روحیه‌ای سترگ و پشتوانه عظیم فرهنگی و تمدنی خود ایستاده است تا به جهانیان ثابت کند که نصرت و پیروزی، از آن کسانی است که به قدرت لایزال الهی تکیه زده و روی پای خود ایستاده‌اند و نیک می‌دانند که دستی بالاتر از دست خدا نیست.

اخلاقی پایبند نیست و اراده متکبرانه خود را با قدرت بر دیگران تحمیل می‌کند و نظم و قوانین حاکم بر مناسبات بین‌المللی را به سخره می‌گیرد، هزاران سال تجربه زیسته جامعه بشری به این نتیجه رسیده است که برقراری صلح و امنیت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی تنها در سایه حقوق و اخلاق میسر است، اما سردمداران ایالات متحده که حاکمیتی بر پایه قتل عام و خونریزی بنا نهاده و از بدو تأسیس تاکنون، هزاران جنگ بر دیگر کشورها تحمیل کرده‌اند، قوانین و مقررات بین‌المللی را بر نمی‌تابند و برای تحمیل اراده مستکبرانه خود با نیپوستن به معاهدات بین‌المللی یا خروج آن‌ها از مجامع بین‌المللی، تنها سازوکار برقراری صلح و امنیت بین‌المللی را دور زده و برخلاف همه موازین حقوقی و اخلاقی، میان میز مذاکره لشکرکشی به دیگر کشورها را وجهه همت خود قرار می‌دهند؛ آیا به چیز دیگری جز حاکمیت قانون جنگل

“
هزاران سال تجربه
زیسته جامعه بشری به
این نتیجه رسیده است
که برقراری صلح و امنیت
در عرصه‌های ملی و
بین‌المللی تنها در سایه
حقوق و اخلاق میسر
است
”



ایران و تنگه هرمز؛

مدیریت ایمن‌ساز در چارچوب حقوق بین‌الملل

را تصویب نکرده است و از این جهت درباره الزام قراردادی ایران به رژیم عبور ترانزیتی بحث وجود دارد، اما در عمل هرگونه سیاست ایران درباره هرمز باید با این واقعیت سنجیده شود که دولت‌های استفاده‌کننده از تنگه، عبور آزاد و غیرمختل را بخشی از حقوق بین‌الملل حاکم بر تنگه‌های بین‌المللی می‌دانند. افزون بر این، حتی اگر موضع محدودتر ایران پذیرفته شود، یعنی ایران خود را فقط به قواعد عرفی عبور بی‌ضرر یا عدم اختلال غیرموجه در کشتی‌رانی بین‌المللی ملتزم بدانند، باز هم انسداد کلی، تبعیض آمیز یا نامحدود تنگه به سختی قابل دفاع خواهد بود. ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق دریاها نیز مقرر می‌کند، دولت‌های ساحلی تنگه نباید عبور ترانزیتی را مختل کنند و باید خطرات دریانوردی را به‌طور مناسب اعلام نمایند.

با این حال، نتیجه این قواعد آن نیست که ایران هیچ نقشی در مدیریت تنگه ندارد. برعکس، ایران به‌عنوان دولت ساحلی، حق و حتی تکلیف دارد در حوزه‌های ایمنی، نظم ترافیک، پیشگیری از آلودگی، امداد و نجات، اعلام خطرات دریایی، مقابله با تصادم، و مدیریت آثار جنگ یا بحران نقش آفرینی کند. تفاوت اساسی میان «مدیریت ایمن‌ساز عبور» و «کنترل مانع عبور» می‌باشد. اولی، در حقوق بین‌الملل



تنگه هرمز برای ایران صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست؛ نقطه اتصال امنیت ملی، حقوق دریاها، تجارت جهانی و سیاست انرژی است. حساسیت این تنگه، از آنجا ناشی می‌شود که بخش مهمی از صادرات نفت و گاز خلیج فارس از آن عبور می‌کند. برآوردهای بین‌المللی نشان می‌دهد، حدود بیست میلیون بشکه نفت در روز از هرمز عبور می‌کند و این تنگه یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است. بنابراین، هرگونه بحث درباره مدیریت، کنترل یا محدودسازی عبور از هرمز، بلافاصله از سطح صلاحیت ساحلی ایران و عمان فراتر می‌رود و به مسئله‌ای مربوط به جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود.

نقطه آغاز حقوقی اینکه تنگه هرمز، مورد استفاده کشتی‌رانی بین‌المللی است. در رژیم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، چنین تنگه‌هایی مشمول «عبور ترانزیتی» هستند؛ یعنی کشتی‌ها و هواپیماها حق عبور پیوسته، سریع و بدون مانع را دارند و دولت‌های ساحلی نباید این عبور را مختل کنند. ایران کنوانسیون ۱۹۸۲



سرخ، جامعه بین‌المللی بسته‌شدن مسیر را به عنوان قاعده نپذیرفت، بلکه به‌سوی اسکورت، هشدار دریانوردی، عملیات دفاعی، تغییر موقت مسیر، رهگیری تهدیدها و تلاش برای بازگرداندن عبور ایمن رفت. این تجربه برای هرزم مهم است: در نبود رژیم خاص مانند مونترو، واکنش پذیرفته‌شده بین‌المللی معمولاً «امن‌سازی عبور» است، نه «تعلیق عبور».

پرسش اصلی این است که اگر ایران بخواهد پس از جنگ یا بحران نوعی نظام مدیریتی برای تنگه هرمز پیشنهاد کند، این نظام باید در چه قالب حقوقی‌ای باشد تا در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود؟ پاسخ این است که هیچ قالب منفردی کافی نیست. نه اعلامیه یک‌جانبه ایران به‌تنهایی کافی است، نه توافق دوجانبه ایران و عمان، و نه توافق سه‌جانبه ایران، عمان و آمریکا می‌تواند به‌تنهایی رژیم حقوقی هرمز را تعریف کند. قالب مناسب، یک بسته چندلایه است.

لایه نخست، باید توافق دوجانبه ایران و عمان باشد. عمان دولت ساحلی دیگر تنگه است و هر ترتیبات پایدار درباره هرمز، بدون مشارکت عمان ناقص خواهد بود. ایران و عمان هم‌اکنون یک موافقت‌نامه رسمی درباره تحدید حدود مرز دریایی در دریای عمان دارند، اما آن موافقت‌نامه، معاهده مدیریت تنگه هرمز نیست. مفاد آن درباره تعیین مرز، فلات قاره، مناطق انحصاری اقتصادی، منابع مشترک،

پذیرفتنی است؛ دومی، می‌تواند به نقض حقوق عبور بین‌المللی و ایجاد مسئولیت بین‌المللی منتهی شود.

در نمونه‌های مشابه نیز همین تمایز دیده می‌شود. در تنگه‌های ترکیه، کنوانسیون مونترو ۱۹۳۶ یک رژیم خاص ایجاد کرده است که میان کشتی‌های تجاری و جنگی و میان زمان صلح، جنگ و وضعیت تهدید قریب‌الوقوع تفکیک می‌کند. اهمیت مونترو برای بحث هرمز این نیست که قابل انتقال مستقیم به هرمز باشد، بلکه در این است که نشان می‌دهد حتی در یک آبراه راهبردی، راه‌حل حقوقی موفق معمولاً تفکیک، تنظیم و مدیریت است، نه بستن مطلق. اما تفاوت اساسی این است که مونترو یک کنوانسیون خاص و دیرپا درباره همان تنگه‌هاست؛ درحالی‌که برای هرمز، چنین رژیم معاهده‌ای خاصی وجود ندارد.

باب‌المنذب نمونه نزدیک‌تری از حیث امنیتی است. در بحران‌های اخیر دریای

پیشنهاد حقوقی مناسب این است که ایران از ادبیات کنترل تنگه فاصله بگیرد و ایده رژیم مدیریت ایمن‌ساز هرمز را مطرح کند





توافقی، فقط زمانی پذیرفتنی است که هدفش تسهیل عبور، ایمنی، هماهنگی و رفع خطر باشد، نه محدودسازی حق عبور. لایه دوم، باید نقش سازمان بین‌المللی دریانوردی باشد. این سازمان نهاد تخصصی سازمان ملل در زمینه ایمنی و امنیت کشتی‌رانی و جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌هاست.

افزون بر این، تنگه هرمز از سال ۱۹۶۸ طرح تفکیک ترافیک دریایی یا کریدور دریایی، در چارچوب سازمان بین‌المللی دریانوردی داشته است.

دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی در سال ۲۰۲۶ نیز، بر وجود این طرح در تنگه هرمز از سال ۱۹۶۸ تأکید کرده است. بنابراین هر رژیم مدیریتی قابل قبولی باید به جای ایجاد ساختار موازی و سیاسی، از مسیر سازمان بین‌المللی دریانوردی بگذرد؛ اصلاح یا تکمیل طرح تفکیک ترافیک،

فعالیت‌های اکتشافی و حل‌وفصل اختلافات است و مقرره‌ای درباره عبور کشتی‌های تجاری یا جنگی، وضعیت جنگ، بازرسی، بستن تنگه یا اخذ عوارض ندارد.

بنابراین، اگر ایران به دنبال رژیم مدیریتی پذیرفته شده باشد، باید یک پروتکل تکمیلی با عمان درباره ایمنی و مدیریت بحران در تنگه هرمز طراحی شود.

اما توافق ایران و عمان، به تنهایی نمی‌تواند حقوق دولت‌های ثالث را محدود کند. طبق اصل نسبی بودن معاهدات، معاهده بدون رضایت دولت ثالث برایش تعهد ایجاد نمی‌کند و حقیقت را از بین نمی‌برد. ماده ۳۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ همین قاعده را بیان می‌کند. پس ایران و عمان نمی‌توانند با توافق دوجانبه، عبور کشتی‌ها را منوط به اجازه خود کنند یا حق عبور بین‌المللی را کاهش دهند. چنین



اضطراری را محدود، موقت و متناسب نگه می‌دارد؛ و ترتیبات فنی را با عمان و سازمان بین‌المللی دریانوردی هماهنگ می‌کند. چنین اعلامیه‌ای اگر با رفتار عملی همراه شود، می‌تواند در تقویت مشروعیت موضع ایران مؤثر باشد.

نتیجتاً، پیشنهاد حقوقی مناسب این است که ایران از ادبیات کنترل تنگه فاصله بگیرد و ایدهٔ رژیم مدیریت ایمن‌ساز هرمز را مطرح کند. این رژیم باید چهار پایه داشته باشد: پروتکل ایران و عمان، تأیید یا ثبت فنی در سازمان بین‌المللی دریانوردی، ضمیمهٔ دریایی توافق صلح یا آتش‌بس و اعلامیهٔ یکجانبهٔ ایران. محتوای آن باید شامل ایمنی، مین‌روبی، کریدور موقت، امداد و نجات، مقابله با آلودگی، اطلاع‌رسانی، تفکیک ترافیک و هماهنگی بحران باشد؛ نه مجوزدهی عمومی، اخذ عوارض عبور، بازرسی فراگیر، تبعیض پرچمی یا انسداد.

فرمول نهایی برای ایران چنین است: ایران می‌تواند در هرمز مدیر ایمنی، بحران و نظم دریانوردی باشد، اما مدیریت حق عبور بین‌المللی، که به معنای اجازه‌دهنده یا منع‌کنندهٔ عبور باشد در حقوق بین‌الملل کنونی به سختی قابل دفاع است. اگر این تمایز در قالبی چندلایه، شفاف، غیرتبعیض‌آمیز و هماهنگ با عمان و سازمان بین‌المللی دریانوردی طراحی شود، امکان پذیرش آن در حقوق بین‌الملل بسیار بیشتر خواهد بود.

ایجاد کریدور امن موقت پس‌اجنگ، سامانهٔ گزارش‌دهی ایمنی، پروتکل اعلام خطرات، ترتیبات مین‌روبی و مرکز اطلاع‌رسانی مشترک ایران و عمان.

لایهٔ سوم، می‌تواند ضمیمهٔ دریایی در توافق آتش‌بس یا صلح باشد. اگر جنگ یا بحران با توافقی خاتمه یابد، منطقی است که در همان سند یا ضمیمه‌اش، اصول فوری مربوط به هرمز درج شود: بازبودن تنگه برای کشتی‌های تجاری، توقف اقدامات خصمانه علیه عبور، اعلام مناطق خطر، مین‌روبی، همکاری با سازمان بین‌المللی دریانوردی، آزادی خروج کشتی‌های گرفتار، عدم تبعیض و موقتی‌بودن هر محدودیت اضطراری. اگر آمریکا طرف بحران یا توافق باشد، می‌تواند در این سند نقش ضامن، ناظر یا طرف تعهدات امنیتی را داشته باشد؛ اما نباید یکی از مدیران حقوقی دائمی تنگه معرفی شود، زیرا آمریکا دولت ساحلی هرمز نیست. مدیریت پایدار تنگه از حیث حقوق دریاها باید بر محور ایران، عمان و سازمان بین‌المللی دریانوردی سامان یابد. لایهٔ چهارم، اعلامیهٔ یکجانبه ایران است که می‌تواند مفید و اعتمادساز باشد، اما نباید سند اصلی تلقی شود.

ایران می‌تواند در اعلامیه‌ای رسمی، تعهد کند هدفش بستن تنگه نیست؛ عبور تجاری را مختل نمی‌کند؛ عوارض صرف عبور وضع نمی‌نماید؛ میان کشتی‌ها تبعیض غیرموجه اعمال نمی‌کند؛ اقدامات



تخریب میراث فرهنگی به مثابه جنایت جنگی

قه‌ری» که گاه بهانه‌ای برای توجیه حملات می‌شود، در پروتکل دوم ۱۹۹۹ به شدت محدود شده است. طبق این پروتکل، برای اموالی که ارزش استثنائی دارند، آستانه اثبات ضرورت نظامی چنان بالاست که صرف وجود یک مزیت نظامی احتمالی، هرگز مجوز حمله محسوب نمی‌شود.

علاوه بر این، ماده ۵۳ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو، هرگونه عمل خصمانه علیه بناهای تاریخی و اماکن مذهبی را به صراحت ممنوع کرده است. این قواعد، امروزه جزئی از «حقوق عرفی» محسوب می‌شوند؛ یعنی حتی کشورهایی هم که عضو برخی معاهدات نیستند، ملزم به رعایت آن‌ها به عنوان قواعد عام و جهانی (Erga Omnes) هستند.

۲. پیوند ناگسستنی حق بر فرهنگ و حق بر حیات

نکته کلیدی که در تحلیل این حملات نباید مورد غفلت قرار گیرد، پیوند مستحکم میان «حقوق فرهنگی» و «حقوق بشر» است. طبق ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دسترسی به میراث فرهنگی بخشی از حقوق بنیادین بشر است. وقتی حملات نظامی، موزه‌ها یا محوطه‌های تاریخی را هدف قرار می‌دهند، در واقع حق نسل‌های حاضر و آینده برای پیوند با ریشه‌های خود را نقض می‌کنند.

دکتر حسن گروسی
عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

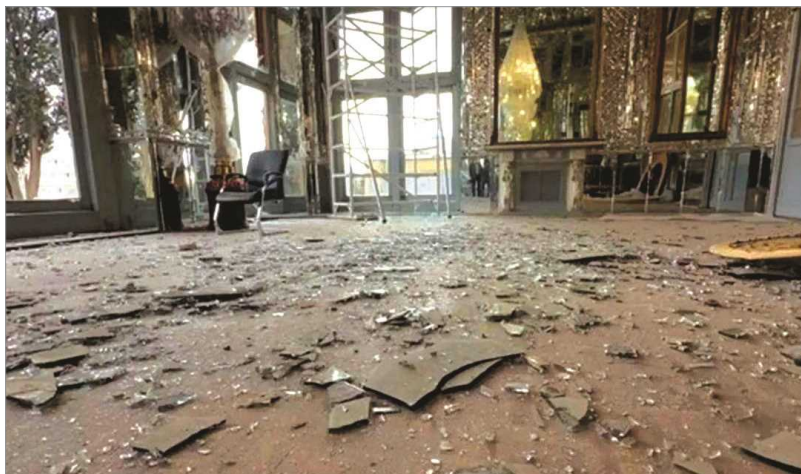


میراث فرهنگی، فراتر از بناهای سنگی و اشیای تاریخی، تجلی عینی هویت، حافظه جمعی و استمرار تمدنی یک ملت است و لذا در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این اموال از حمایتی «مضاعف» برخوردارند؛ چراکه تخریب آن‌ها نه تنها آسیب به یک دارایی مادی و فیزیکی، بلکه حمله به روح یک جامعه و میراث مشترک بشریت تلقی می‌شود. باین‌حال، شاهد حملات نظامی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا علیه خاک جمهوری اسلامی ایران هستیم، که به زیرساخت‌های فرهنگی و جان انسان‌های بی‌گناه آسیب رسانده و نشانه یک «نقض مضاعف» و نادیده گرفتن سیستماتیک قواعد بنیادین بین‌المللی است.

۱. حصار حقوقی: از کنوانسیون لاهه تا پروتکل‌های الحاقی

هسته مرکزی حمایت از این آثار، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه است. طبق ماده ۴ این معاهده، دولت‌ها مکلف به احترام به اموال فرهنگی و خودداری از هرگونه اقدام خصمانه علیه آن‌ها هستند. حتی استثنای «ضرورت نظامی





این موضوع، زمانی ابعاد فاجعه‌بارتری می‌یابد که با تلفات انسانی گره می‌خورد. گزارش‌های مربوط به شهادت هموطنان، به‌ویژه در موارد دردناکی چون حمله به مجموعه رفاهی-گردشگری ریتاج در اهواز که منجر به مجروحیت برخی هموطنان و شهادت کودکی بی‌گناه شد، نقض فاحش «اصل تفکیک» و «اصل تناسب» است. در ترازوی حقوق بین‌الملل، هیچ مزیت نظامی متصور نمی‌تواند کشتار غیرنظامیان و تخریب هویت فرهنگی یک منطقه را توجیه کند. دقت تسلیحات هدایت‌شونده مدرن نیز، احتمال «خطای غیر عمدی» را به حداقل می‌رساند و فرضیه «حملات عمدی» را تقویت می‌کند.

۴. فراتر از محکومیت: ضرورت پاسخ‌گویی

واکنش نهادهایی چون یونسکو و شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) از نظر سیاسی حایز اهمیت است، اما برای بازدارندگی کافی نیست. جامعه بین‌المللی باید از ابزارهای سخت‌گیرانه‌تری استفاده کند:

■ فعال‌سازی کمیته حمایت از اموال

۳. از مسئولیت دولت تا جنایت جنگی فردی
از منظر حقوقی، این اقدامات تنها یک



فرهنگی: یونسکو باید با اعزام هیئت‌های حقیقت‌یاب، خسارات وارده را مستند کند و گزارش رسمی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد.

■ صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction): دادگاه‌های ملّی در سراسر جهان طبق حقوق عرفی مجازند مرتکبان جنایات جنگی (اعم از آمران و عاملان حملات به غیرنظامیان و میراث فرهنگی) را تعقیب کنند.

■ دیجیتال‌سازی و حفاظت پیشگیرانه: تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای ثبت دقیق آثار در معرض خطر، به‌عنوان مدرک حقوقی در محاکم آتی.

■ نتیجه‌گیری

امروز شاهد تعرض به بنیان‌های اخلاقی و حقوقی جامعه جهانی، فراتر از یک مخاصمه نظامی معمولی، هستیم. تخریب میراث فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران و کشتار غیرنظامیان، دو روی یک سکه هستند که نظم بین‌الملل را تهدید می‌کنند. «نقض مضاعف» مستلزم «پاسخ مضاعف» است؛ پاسخی که نه در بیانیه‌های دیپلماتیک، بلکه بایستی در دادگاه‌های بین‌المللی و با تکیه بر حاکمیت قانون محقق شود تا از تکرار چنین فجایعی علیه بشریت ممانعت به عمل آید.

■ منابع و مآخذ

الف) معاهدات و اسناد بین‌المللی
■ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت

از اموال فرهنگی، در صورت مخاصمه مسلحانه و پروتکل‌های اول (۱۹۵۴) و دوم (۱۹۹۹) آن.

■ پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، به‌ویژه مواد ۵۲ و ۵۳.

■ اساسنامه رم (۱۹۹۸) مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، به‌ویژه بند ۴ ماده ۸.

■ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، به‌ویژه ماده ۱۵.

ب) رویه قضائی و بیانیه‌های تخصصی
۵. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): رأی پرونده Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (۲۰۱۶).

۶. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی (Customary IHL): قواعد ۳۸ تا ۴۰ (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ).

۷. بیانیه‌های رسمی یونسکو (UNESCO) و شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) در خصوص صیانت از میراث جهانی (۲۰۲۴-۲۰۲۶).

“

در ترازوی حقوق بین‌الملل، هیچ مزیت نظامی متصور نمی‌تواند کشتار غیرنظامیان و تخریب هویت فرهنگی یک منطقه را توجیه کند

”

صلاحیت جهانی و درس‌های حقوقی پینوشه

تفکیک «استوار است، که طرفین را به تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی ملزم می‌کند. تهاجم به زیرساخت‌های ایران تحت لوای دکترین مجعول «اهداف دومنظوره»، تجاوزی فاحش از حدود ضرورت نظامی و نمونه بارز جنایت جنگی است.

مهاجمان با تفسیر نادرست از ماده ۵۲ پروتکل الحاقی، زیرساخت‌هایی را که ماهیت و کاربری مدنی دارند، به بهانه «مشارکت غیرمستقیم در توان دفاعی» هدف قرار دادند؛ حال آنکه، صرف انتساب حدسی یک زیرساخت به توان دفاعی، ماهیت مدنی آن را سلب نمی‌کند و در صورت تردید، اصل بر «غیرنظامی بودن» آن است. وقتی حملات گسترده علیه جمعیت غیرنظامی هدایت می‌شود، ماهیت جرم از جنایات جنگی فراتر می‌رود و به عرصه سهمگین «جنایت علیه بشریت» وارد می‌شود. تهدیدهای ترامپ، مبنی بر امحای تمدن باستانی و بازگردان ایران به «عصر سنگی»، اعتراف پیشینی بر «قصد مجرمانه» ارتکاب این جرم است و تهاجم به زیرساخت‌ها، پیاده‌سازی رکن مادی همان سوءنیتی است که پیش‌تر بر زبان او جاری شده بود.

تخریب نیروگاه‌های برق، تلاشی آگاهانه برای نابودی کامل زیست‌جمعی است. قطع برق به معنای فلج‌سازی اتاق‌های

دکتر امیر یوسف وحدانی
مدرس دانشگاه وکیل
دادگستری



تهاجم گسترده به زیرساخت‌های ایران، شکاف عمیق میان «هنجارهای بشردوستانه» و «سازوکارهای ناکارآمد بین‌المللی» را آشکار کرد. در وضعیتی که مراجع فراملی در سیطره ملاحظات سیاسی و انسداد حق و تو قرار دارند، بازخوانی دکترین «صلاحیت جهانی» یگانه‌گریزگاه حقوقی برای درهم‌شکستن مصونیت جنایتکارانی است که وجدان بشری را به پیکار فراخوانده‌اند.

برخلاف پندار عمومی، مجاری دادخواهی در مراجع بین‌المللی با گره‌های کوری مواجه است. از یک سو دیوان بین‌المللی دادگستری، فقط صلاحیت رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها را دارد و از دیگر سو، دیوان کیفری بین‌المللی، به دلیل عدم عضویت ایران و طرف‌های متجاوز در اساسنامه رم، صلاحیت ورود مستقیم ندارد. یگانه مفر قانونی، «ارجاع وضعیت» از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان است؛ سازوکاری که به دلیل حضور یکی از متجاوزان در جایگاه اعضای دائم، پیشاپیش عقیم و بی‌اثر است. سنگ‌بنای حقوق مخاصمات بر «اصل



احیاء در بیمارستان‌ها، توقف پمپاژ آب آشامیدنی و نابودی ذخایر غذایی است. این تهاجم هدفمند، حمله‌ای «کورکورانه» و نقض فاحش حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. حمله به شریان‌های ارتباطی و هدف قراردادن مراکز تولید دارو و ده‌ها مرکز غیرنظامی، اعمال «کیفر دسته‌جمعی» علیه نود میلیون انسان است. همچنین، نابودی توان اقتصادی ملی، حمله به مجتمع‌های فولاد و پتروشیمی و محاصره بنادر، اسکله‌ها و تنگه هرمز به‌ویژه جلوگیری از صادرات نفت، نقض جبران‌ناپذیر «اصل تناسب» و اعمال غیرانسانی با ماهیت تحمیل رنج عظیم و صدمه شدید روحی است؛ چراکه هیچ «مزیت نظامی احتمالی‌ای» نمی‌تواند آسیب قطعی به معیشت یک ملت را توجیه کند و هیچ «ضرورت نظامی‌ای» نیز مجاز به نادیده گرفتن حقوق بنیادین غیرنظامیان نیست.

بر مبنای آمارهای رسمی کشتار نزدیک به چهارهزار انسان بی‌دفاع، در برابر تلفات نامتقارن متجاوزان، نشان از یک کشتار نابرابر و سازمان‌یافته دارد. تخریب بیش از یک‌صدهزار خانه در کنار انهدام چندین پل، بیمارستان، اورژانس، دانشگاه، مدرسه و کلانتری، جنایتی که مصداق بارز ماده ۷ اساسنامه رم (اعمال غیرانسانی که به قصد ایجاد رنج عظیم و صدمه شدید به سلامت روانی) و در زمره جنایات علیه بشریت قرار می‌گیرد.

در کشاکش بی‌عملی مراجع فرامشی، «صلاحیت جهانی» در مورد جنایات جنگی و علیه بشریت «صلاحیت اجباری» برای کشورها ایجاد می‌کند؛ همان گونه که ابتکار عمل آفریقایی جنوبی و اقدام متهورانه دادستان دیوان کیفری، به صدور احکام جلب تاریخی برای آمران جنایات غزه به اتهام جنایت علیه بشریت منجر گردید. بر این اساس، راهبرد کارآمد برای حقوق‌دانان ایران، بهره‌گیری از ظرفیت قانونی کشورهایمانند آلمان، سوئد و اسپانیاست که اصل صلاحیت جهانی را در نظام قضائی خود نهادینه کرده‌اند. گشایش پرونده‌های کیفری علیه آمران و عاملان، از جمله ترامپ و نتانیاهو بر پایه حقوق بین‌الملل، هیچ مرزی را بر نمی‌تابد.

نقطه عطف این دادخواهی، اقدام جسورانه قاضی اسپانیایی، در صدور حکم بازداشت پینوشه بود. رأی تاریخی مجلس لردهای بریتانیا در تأیید این بازداشت، مصونیت سران دولت‌ها در ارتکاب این جنایات را، پوشالی و در برابر وجدان‌های بیدار بشری، بی‌اثر کرد. اگرچه موازنه قوای سیاسی در کوتاه‌مدت ممکن است مانع از دسترسی به جنایتکاران شود، اما صدور احکام جلب بر پایه «صلاحیت جهانی»، به «انزوای حاکمیتی و سلب مصونیت عملی» آنان منجر خواهد شد. دیری نخواهد پایید که عاملان تهاجم به ایران نیز، به زندانیان جغرافیایی «در مرزهای خودساخته مبدل شوند.

جنگ علیه ایران و نقض حقوق بشر در پرتو منشور ملل متحد

بشر شود، مغایر با اهداف بنیادین منشور تلقی می‌شود.

مهرانگیز آزادی احمدآبادی
کارآموز وکالت

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

۲. نقض صلح و امنیت بین‌المللی و نقش

شورای امنیت

در فصل هفتم منشور، به‌ویژه ماده ۳۹، شورای امنیت این اختیار را دارد که وجود تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه را شناسایی و اقدامات لازم را اتخاذ کند. جنگ دوازده‌روزه اسرائیل علیه ایران، که به تلفات غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و بحران انسانی منجر شد، مصداق بارز تهدید علیه صلح و نقض آن است.

بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲، شورای امنیت می‌تواند در صورت عدم همکاری طرف متخاصم، اقداماتی اعم از تحریم‌های اقتصادی تا عملیات نظامی جمعی را برای بازگرداندن صلح انجام دهد. در این جنگ، عدم واکنش قاطع شورای امنیت می‌تواند به معنای ناکارآمدی سازوکارهای موجود در مقابله با نقض گسترده حقوق بشر باشد.

۳. اصل عدم مداخله و استثنای آن در موارد

نقض فاحش حقوق بشر

منشور بر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها تأکید دارد، اما در مواردی که نقض حقوق بشر به سطح تهدید

مقدمه

درگیری‌های نظامی، همواره یکی از اصلی‌ترین عوامل نقض گسترده حقوق بشر در سطح بین‌المللی به‌شمار می‌آیند. در سال‌های اخیر، جنگ‌های کوتاه‌مدت اما شدید، با پیامدهای گسترده انسانی و حقوقی همراه بوده‌اند. جنگ علیه ایران، نمونه‌ای بارز از تنش‌های منطقه‌ای است که نه تنها تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، بلکه به نقض سیستماتیک حقوق بشر در ابعاد مختلف انجامیده است. در این مقاله، این جنگ از منظر منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی می‌شود:

۱. اصول بنیادین منشور ملل متحد در

خصوص حقوق بشر و صلح

منشور ملل متحد، به‌ویژه در فصل اول، اهداف اساسی سازمان ملل را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه بر پایه احترام به حقوق بشر و همکاری در حل مشکلات بین‌المللی معرفی می‌کند. از این منظر، هرگونه اقدام نظامی که منجر به نقض حقوق

علیه صلح برسد، جامعه بین‌المللی مجاز به دخالت است. حملات هوایی به مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی و استفاده از تسلیحات ممنوعه، نمونه‌هایی‌اند که مداخله بین‌المللی را توجیه‌پذیر می‌سازند.

۴. نقض حقوق بشر در جریان جنگ

در جریان جنگ، گزارش‌های متعددی از سوی نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر منتشر شد که حاکی از موارد زیر بود:

- کشتار غیرنظامیان، از جمله کودکان و زنان.

- حمله به زیرساخت اساسی از جمله زیرساخت‌های درمانی، آموزشی و امدادبو

- استفاده از سلاح‌های ممنوعه یا غیرمترعارف.

این اقدامات نه تنها نقض حقوق بشرند، بلکه طبق کنوانسیون‌های ژنو، مصداق جنایات جنگی هستند.

۵. مسئولیت بین‌المللی و پاسخ‌گویی ناقضان حقوق بشر

بر اساس منشور و سایر اسناد بین‌المللی، دولت‌ها و فرماندهان نظامی مسئول اقدامات خود هستند و می‌توانند در دادگاه‌های بین‌المللی، از جمله دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) محاکمه شوند. سازمان ملل متحد موظف است،

طبق منشور، سازوکارهای تحقیق، مستندسازی و پاسخ‌گویی را فعال کند.

■ نتیجه‌گیری

جنگ علیه ایران نشان‌دهنده یکی از جدیدترین موارد نقض فاحش حقوق بشر، در چارچوب یک درگیری مسلحانه است.

منشور ملل متحد با تعیین وظایف روشن برای حفظ صلح و امنیت، جامعه بین‌المللی را موظف به واکنش در برابر چنین بحران‌هایی می‌داند. فقدان اقدام مؤثر از سوی شورای امنیت، می‌تواند به تضعیف نظام حقوق بین‌الملل و افزایش بی‌کیفرمانی در سطح جهانی منجر شود. از این رو، ضروری است که سازمان ملل، با اتکاء به ظرفیت‌های حقوقی خود، در راستای اجرای عدالت و حمایت از قربانیان، اقدامات قاطع و بی‌طرفانه انجام دهد.

“

در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی بر علیه ایران، عدم واکنش قاطع شورای امنیت می‌تواند به معنای ناکارآمدی سازوکارهای موجود در مقابل نقض گسترده حقوق بشر باشد

”

وقوع اکوساید (بوم زدایی) در جنگ آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران

دکتر شراره ابطی

وکیل دادگستری

چتر بزرگتری است» که کلیت تعادل بوم شناختی را پوشش می‌دهد. بیوساید، ژئوساید و اکوساید مفاهیم اصلی‌اند که بر حیات، بستر حیات و تعامل بین آن‌ها تأکید دارند.

هیدروساید، لیتوساید، اتموساید و کرایوساید ابزارهای تحلیلی جدیدی هستند که اجازه می‌دهند تا میزان دقیق آسیب وارده بر «اجزای فیزیکی محیط»، در چارچوب جرم بوم زدایی (یا اشکال پیش‌بینی‌شده آن) ارزیابی شود. اگر شدت آسیب به «آب» به حدی برسد که حیات آبی از بین برود و تعادل منطقه را مختل کند، آن عمل «هیدروساید» است و به‌طور کلی تحت عنوان «اکوساید» قابل تعقیب خواهد بود.

در ایران، قوانین و مقررات محیط‌زیست شامل مواردی چون حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از آلودگی‌ها و تخریب زیست بوم‌ها هستند، اما جرم‌انگاری بوم‌زدایی به‌عنوان یک جرم مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

«نابودی اکوسیستم (زیست‌بوم)‌ها مشکلی جدی و پیچیده است که در چند دهه گذشته، توجه بسیاری از جوامع بین‌المللی و ملی را به خود جلب کرده است. این معضل نه‌تنها بقای بشریت را به خطر می‌اندازد، بلکه مستقیماً مأموریت اصلی حقوق‌کیفری

در سال‌های اخیر، مسئله جرم‌انگاری بوم‌زدایی در حقوق بین‌الملل کیفری و جرم‌شناسی سبز توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. بوم‌زدایی به‌عنوان تخریب عمدی و گسترده محیط‌زیست، که تأثیرات غیر قابل‌جبرانی بر زیست‌بوم (اکوسیستم)‌ها دارد، به یکی از مباحث نوین در حقوق بین‌الملل تبدیل شده است.

در این راستا، علاوه بر سه اصطلاح بیوساید (زیست‌زدایی: زیست‌کشی)، ژئوساید (زمین‌زدایی: زمین‌کشی) و اکوساید (بوم‌زدایی: بوم‌کشی)، می‌توان حسب آسیب‌های وارد بر هر یک از بخش‌های گوناگون تشکیل‌دهنده یک اکوسفر (بوم‌سپهر)، چهار اصطلاح جنایی جدید ایجاد کرد که جلگی از مشتقات جنایت بوم‌زدایی هستند.

این چهار اصطلاح جدید خود برگرفته از چهار اصطلاح محیط‌زیستی «هیدروسفر: آب‌سپهر»، «لیتوسفر: سنگ‌سپهر»، «اتموسفر: هوا‌سپهر» و «کرایوسفر: یخ‌سپهر» هستند.

در این مدل مفهومی، «بوم‌زدایی





به منطقه‌ای با تنوع زیستی بالا تبدیل کرده است. با این حال، تغییرات سریع محیط زیستی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و انسانی، از جمله کشاورزی بی‌روبه، تخلیه منابع آبی، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، گسترش شهری، آتش‌سوزی جنگل‌ها و آلودگی هوا، آب و خاک، تهدیدی جدی برای زیست بوم‌های این کشور به شمار می‌رود. ایران با چالش‌های جدی محیط زیستی و تخریب سریع اکوسیستم (زیست‌بوم)‌ها مواجه است. برخی از این چالش‌ها ناشی از عوامل طبیعی هستند، اما بسیاری از آن‌ها ریشه در فعالیت‌های انسانی دارند. این تهدیدها نه تنها اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیبایی‌شناسی دارند، بلکه نگرانی‌های عمیق‌تری مانند نیاز به محیط زیستی سالم برای بقای انسان‌ها را نیز به همراه دارند. تخریب جامع زیست‌بوم‌های طبیعی، به‌عنوان یکی از جدی‌ترین معضلات محیط

بین‌المللی، یعنی حفاظت از منافع بشریت و حفظ ارزش‌های انسانی، را تضعیف می‌کند. حقوق بشر محیط زیست نیز به همین نکته اشاره دارد. در واقع، این حقوق مجموعه‌ای از حقوقی است که انسان‌ها برای برخورداری از زندگی سالم و رشد مناسب باید از آن بهره‌مند شوند، زیرا در محیط زیست زندگی می‌کنند. «تجربه تاریخی نشان داده است که تلاش‌های سیاسی کنونی و اهداف استراتژیک سازمان‌های بین‌المللی، همراه با اصول حقوق بین‌الملل، راه‌حل‌های کافی برای مقابله با تخریب زیست‌بوم‌ها ارائه نداده‌اند.»

«ایران، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین کشورهای مستقل جهان، با ثروتی بی‌نظیر از نظر تنوع زیستی روبه‌رو است. شرایط اقلیمی خاص این کشور، متأثر از عوامل زمین‌شناسی و عارضه‌نگاری، به وجود بیابان‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها و دشت‌ها منجر شده است و ایران را از لحاظ جغرافیایی،



دارد، اما کافی نیست. تحقق جرمی در سطح بوم‌زدایی، که در سطح بین‌المللی به‌عنوان پنجمین جرم اساسنامهٔ رم مطرح شده است، نیازمند تعریف دقیق و تعیین مجازات‌های متناسب با آستانه‌های لازم برای وقوع آن است. جرم‌انگاری بوم‌زدایی، به‌عنوان یک جرم مستقل، هنوز جایگاه مشخصی در حقوق کیفری ایران ندارد. عناصر کلیدی در قوانین ایران شامل موارد زیر است:

۳-۱- اصل پنجاهم قانون اساسی: به حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد و هرگونه فعالیت اقتصادی و توسعه‌ای را که موجب آلودگی یا تخریب غیر قابل جبران محیط‌زیست شود منع می‌کند.

۳-۲- قانون حفاظت و بهسازی

زیستی ایران مطرح شده است.»
بوجوداین، قانون ایران به طور صریح بوم‌زدایی را به رسمیت نمی‌شناسد. مقررات محیط زیستی ایران، که عمدتاً در قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحات بعدی آن آمده است، بیشتر بر کنترل آلودگی و حفاظت از منابع تمرکز دارد و به مسئلهٔ تخریب نظام‌مند زیست‌بوم‌ها کمتر توجه شده است. این شکاف در چارچوب قانونی، تلاش‌ها برای حفاظت از تنوع زیستی ایران، به‌ویژه در مناطق حساس محیط‌زیستی مانند دریای خزر و کوه‌های زاگرس را تضعیف کرده است. علاوه بر این، ایران امضاءکنندهٔ معاهدات بین‌المللی مختلفی است که بر حفاظت از محیط زیست، از جمله کنوانسیون تنوع زیستی، تأکید دارند. با این حال، ضعف در سازوکارهای اجرای قانون و عدم هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی، توانایی ایران را برای پاسخ‌گویی به عوامل آسب‌های محیط زیستی، از آلودگی صنعتی تا جنگل‌زدایی غیرقانونی، محدود می‌کند.

تاکنون، در قوانین ایران هیچ اقدامی رسمی‌ای برای جرم‌انگاری «بوم‌زدایی» صورت نگرفته است. نشانه‌هایی از آستانه‌های لازم برای تحقق این جرم، مانند «شدت، گستردگی و بلندمدت بودن» در اصل پنجاهم قانون اساسی و همچنین بند ۲ قسمت «ب» مادهٔ ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ وجود

“

تجاوز و حملهٔ عامدانهٔ جدید (۲۰۲۶) ایالات متحدهٔ آمریکا و حکومت اشغالگر اسرائیل به مخازن نفت تهران، که نتیجهٔ آن، انفجار گسترده و محصورشدن تهران در انواع آلودگی‌های محیط‌زیستی بود و همچنان ادامه دارد، بی‌شک مصداق بارز بوم‌زدایی و تخریب شدید، بلندمدت و پایدار محیط‌زیست است

”



محیط زیست (۱۳۵۳): بر حفاظت از منابع طبیعی تأکید می‌کند، اما ضمانت اجرای کیفی ضعیفی دارد.

۳-۳- قانون مجازات اسلامی: برخی مواد مربوط به تخریب محیط زیست را پوشش می‌دهد، اما همچنان بوم‌زدایی به‌عنوان یک جرم مستقل تعریف نشده است.

۳-۴- قانون جلوگیری از آلودگی هوا، قانون مدیریت پسماندها و قانون حفاظت از خاک: همگی به موضوعات محیط زیستی مرتبط هستند، اما مستقیماً بوم‌زدایی را جرم‌انگاری نکرده‌اند.

کنوانسیون انمود ۱۹۷۶ و پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، به موضوع حفاظت از محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، ماده ۸ (ب) (۲) (۴) اساسنامه رم نیز، صراحتاً آسیب‌رساندن به محیط زیست طبیعی را ممنوع می‌دارد و مقرر می‌کند:

«راه‌اندازی عمدی یک حمله، با علم به اینکه چنین حمله‌ای منجر به خسارات جانی یا جراحی به غیرنظامیان خواهد شد» ممنوع است، یا آسیب به اشیای غیرنظامی یا آسیب‌گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی که به‌وضوح در رابطه با مزیت نظامی، مشخص و مستقیم پیش‌بینی شده بیش از حد خواهد بود. ماده ۸، استانداردهای تناسب و ضرورت نظامی را به استناددارد جمعی سه‌گانه «گسترده، بلندمدت

و شدید» می‌افزاید. همچنین برای واجد شرایط بودن مزیت نظامی، وصف «کلی» را افزوده است. علاوه بر این، برای اثبات هر دو، فعل (فعل فیزیکی با ورود آسیب) و عنصر معنوی، یعنی عمد و علم به ایراد آسیب ناشی از حمله نیاز است.

اتحادیه اروپا نیز، در ۲۱ مارس ۲۰۲۳ با انتشار دستورالعملی تجدیدنظرشده در قوانین کیفی مرتبط با حفاظت از محیط زیست، گامی مهم در به‌رسمیت شناختن مفهوم «بوم‌زدایی» برداشت. این دستورالعمل، پس از بررسی چهار کمیته مشورتی قبلی، که مهم‌ترین آن‌ها کمیته امور حقوقی بود، تصویب شد. این کمیته به‌اتفاق آراء، شدیدترین جرایم محیط زیستی، از جمله بوم‌زدایی را در متن پیشنهادی جرم‌انگاری کرده است. تعریف ارائه‌شده در این متن پیشنهادی بسیار نزدیک به تعریف اجماع بین‌المللی هیئت کارشناسان مستقل در ژوئن ۲۰۲۱ است.

در تجاوز و حمله عامدانه جدید (۲۰۲۶) ایالات متحده آمریکا و حکومت اشغالگر اسرائیل به مخازن نفت تهران، که نتیجه آن، انفجار گسترده و محصورشدن تهران در انواع آلودگی‌های محیط زیستی بود و همچنان ادامه دارد، بی‌شک مصداق بارز بوم‌زدایی و تخریب شدید، بلندمدت و پایدار محیط زیست است. این اقدامات در کنار هدف‌گرفتن غیرنظامیان، کودکان، زنان و زیرساخت‌های ایران، مرتکبان را بدل به جنایت‌کاران جنگی می‌کند.

جنایت جنگی ارتكابی توسط متجاوز آمریکایی-صهیونی در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب

سپیده احمدیان فرد

وکیل دادگستری

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد که توسل به زور منع شده است و تجاوز آمریکا و اسرائیل به کشورمان ایران، اقدامی نامشروع و مغایر با اصل منع توسل به زور و قواعد حقوق بر جنگ (jus ad bellum) می باشد، لازم به ذکر است که دشمن آمریکایی-صهیونی در طی مخاصمه مسلحانه، قواعد مربوط به حقوق در جنگ (Jus in bello) و مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه از جمله رعایت حقوق غیرنظامیان را به وضوح نقض کرده اند.

طبق مقررات مندرج در کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷، در صورت بروز مخاصمه مسلحانه، به منظور انسانی کردن جنگ و تعدیل آثار مخرب آن، مواردی از جانب اطراف متخاصم می بایست رعایت شود که یکی از مهم ترین این موارد، حمایت از افراد و اموال غیرنظامی است.

اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، جرایم بین المللی ای را که امکان تعقیب آنها توسط دیوان مذکور فراهم است شرح داده و مصادیق این جرایم را احصاء کرده که یکی از مهم ترین این جرایم، جنایت جنگی است که در ماده ۸ اساسنامه مذکور، در دو دسته کلی جنایت جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی و

آمریکا و رژیم صهیونیستی در تاریخ ۹ اسفند ۱۴۰۴ طی تجاوزی به خاک وطن عزیزمان، ایران، به مدرسه شجره طیبه در شهر میناب استان هرمزگان حمله ای ددمنشانه کردند که در پی این تجاوز، ۱۶۸ دانش آموز دبستانی شهید شدند. طی اقدامات ارتكابی توسط دشمن آمریکایی-صهیونی نه تنها در جنگ رمضان، بلکه در طول تاریخ و به ویژه جنایات رژیم غاصب در غزه و ارتكاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، با کمک حامی همیشگی خود، آمریکا، به وضوح می توان دریافت که نظم بین المللی ناشی از عرف بین المللی و معاهدات بین المللی بسیار مهم تقنینی که نمونه برجسته آن منشور سازمان ملل می باشد، به سمت یک آرایش جدید قدرت محور و گزینشی، به دور از هرگونه حق و عدالت در حال حرکت است.

درحقیقت قدرت گرایی سیاسی، جانشین قواعد حقوقی الزام آور بین المللی و نیز تهدید و توسل به زور، جایگزین صلح و امنیت بین المللی شده است. فارغ از اینکه از منظر قواعد حقوق بین الملل، از جمله در





لازم به ذکر است که بند «ب» ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی را نیز در زمره جنایات جنگی محسوب کرده است که صراحتاً طبق آن، هدایت عمدی حملات بر ضد غیرنظامیان جنایت جنگی محسوب می‌شود. حال ممکن است پرسشی مطرح شود که آیا حمله به مدرسه شجره طیبه عمدی بوده است؟ چراکه در ماده مذکور، رکن روانی جنایت جنگی و لزوم عمدی بودن حمله قید شده است. در پاسخ، می‌بایست بیان کرد که حمله صورت‌گرفته در دو مرحله انجام شده و تردید سهوی بودن آن را از بین می‌برد. نتیجتاً نظر به ماده ۸ اساسنامه دیوان، مقررات کنوانسیون

غیر بین‌المللی بررسی شده است. طبق ماده فوق‌الشاره، نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرد. حال، با نقطه تلاقی این اسناد مهم مواجه خواهیم شد. کنوانسیون چهارم ژنو به صورت اختصاصی، از افراد غیرنظامی حمایت می‌کند؛ حال آنکه در ماده ۱۴ سند مذکور و ماده ۷۷ پروتکل الحاقی اول، بر حمایت از افراد زیر پانزده سال تأکید شده است که در اینجا علاوه بر مورد حمایت بودن دانش‌آموزان مدرسه شجره طیبه و لزوم امنیت‌داشتن آن‌ها در هنگام مخاصمه مسلحانه به دلیل غیرنظامی بودن، به عنوان افراد زیر پانزده سال، طبق کنوانسیون ژنو مؤکداً حمایت شده‌اند.

جنگی دانسته است. در نتیجهٔ موارد فوق‌الذکر، حملهٔ نظامی به مدرسه به‌عنوان یک مکان غیرنظامی و همچنین به‌شهادت‌رساندن ۱۶۸ دانش‌آموز بی‌گناه مینابی، به‌عنوان افراد غیرنظامی تحت حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جنایت جنگی محسوب می‌شود که متجاوزان در برابر این اقدامات مکلف به پاسخ‌گویی و مجازات‌اند.

لازم به ذکر است که جامعهٔ بین‌المللی بارها چنینی اقداماتی را محکوم کرده، اما موفق به توقف آن نشده است. به‌عنوان مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در پروندهٔ مطروحه از جانب آفریقای جنوبی، از اسرائیل توقف حمله به غیرنظامیان را خواستار شده است.

در پایان امید که این نوشتار ادای دینی ناچیز در حق تمامی شهدای بی‌گناه مدرسهٔ شجرهٔ طیبه باشد.

چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی و همچنین مطابق قوانین و عرف مسلم حقوق بین‌الملل، در خصوص شهادت دانش‌آموزان دبستان شجرهٔ طیبه که هیچ نقشی در مخاصمهٔ مسلحانه نداشتند و طبق مقررات بین‌المللی، افراد غیرنظامی محسوب می‌شوند، جنایت جنگی متجاوزان واضح و مبرهن است و همان طور که سخن‌گوی وزارت امور خارجهٔ ایران نیز بیان کردند، اینکه حمله به مدرسه را صرفاً یک جنایت جنگی بخوانیم، شرارت و تباهی محض چنین اقدامی را نمی‌توان به تصویر کشید.

در خصوص حمله و تجاوز دشمن به مدرسه، به‌عنوان یک مکان غیرنظامی که در زمرهٔ اموال غیرنظامی قرار می‌گیرد، لازم به ذکر است که در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن صراحتاً به اموال مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه اشاره نشده است، اما با دقت بیشتر به مقررات کنوانسیون‌های ژنو به‌خصوص مادهٔ ۵۳ کنوانسیون چهارم می‌توان استنباط کرد که تمامی اموال طرف مخاصمه مورد حمایت قرار دارند، مگر اینکه انهدام آن‌ها به جهت ضرورت‌های نظامی لازم باشد. مضافاً بند ۹ قسمت «ب» مادهٔ ۸ اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی، حملهٔ عمدی به ساختمان‌هایی را که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته باشند جنایت

“

یکی از مزایای رجوع به دیوان بین‌المللی کیفری، بهره‌مندی از امکان همراهی ۱۲۵ کشور عضو برای تحقیق و تعقیب جنایتکاران و تلاش برای شناسایی، ردیابی و مسدود کردن اموال آنان است

”



نحوه پیگیری حقوقی و اخذ غرامت در جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران

محمد امین اسماعیلی

وکیل دادگستری

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

دانشگاه شهید بهشتی

■ مقدمه

راه‌های پیشنهادی برای جبران خسارات وارده بر ایران، در جنگ اسفند و فروردین و همچنین جنگ دوازده‌روزه را می‌توان به راهکارهایی در چارچوب محاکم بین‌المللی و راهکارهایی خارج از این چارچوب دسته‌بندی کرد. با اینکه دیوان بین‌المللی کیفری عمدتاً ناظر به مسئولیت کیفری فردی است، در اساسنامه آن سازوکارهایی برای جبران خسارت نیز پیش بینی شده است. از سوی دیگر، قواعد موجود در حقوق مخاصمات مسلحانه شامل موضوعاتی از قبیل اخذ غنیمت از اموال دشمن می‌شود. با اینکه غنیمت به لحاظ مفهومی با غرامت و جبران خسارت تفاوت دارد، در عمل می‌تواند به راهی برای جبران خسارت تبدیل شود.

۱. اقدام از طریق دیوان بین‌المللی کیفری

نظر به اینکه ایران عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیست، پذیرش صلاحیت موردی دیوان به موجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه، می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. در این صورت ایران می‌تواند

در باره جنایات جنگ دوازده‌روزه، از امکانات اساسنامه دیوان بهره مند شود که یکی از این امکانات علاوه بر ابعاد کیفری، بحث جبران خسارت قربانیان مطابق ماده ۷۵ اساسنامه است. دیوان طبق بند ۱ ماده ۷۵، گستره و میزان خسارات، تلفات و مجروحی‌ها را تعیین و لحاظ خواهد کرد. درباره مسئولیت فردی مقامات آمریکا، این امر صرفاً منحصر به حملات مستقیم آمریکا به ایران نمی‌شود بلکه به موجب بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان، هر نوع معاونت، کمک، ترغیب، تسهیل و تهیه ابزارها و وسایل ارتکاب جرم، برای مرتکب مسئولیت کیفری به همراه دارد.

در این باره یکی از مزایای رجوع به دیوان بین‌المللی کیفری، بهره مندی از امکان همکاری ۱۲۵ کشور عضو، به خصوص در چارچوب ماده ۹۳، بند ۱ (k) اساسنامه می‌باشد. دیوان می‌تواند در تحقیق و تعقیب جنایات، از دولت‌های عضو درخواست کمک کند که یکی از این موارد، تلاش برای شناسایی، ردیابی، مسدود کردن و توقیف اموال، دارایی‌ها و عواید و در نهایت صادره نهایی آن‌هاست. مطابق ماده ۱۰۹ اساسنامه، دولت‌های عضو ملزم هستند که به دستورهای دیوان درباره مصادره اموال و دارایی‌ها ترتیب اثر دهند.



تجاری دشمن کرده است، از جمله کشتی‌های بی‌طرف با پرچم دشمن و کشتی‌های دشمن با پرچم کشورهای بی‌طرف و محموله‌های آن‌ها. اعلامیه مذکور، اموال خصوصی دشمن (اعم از کشتی و محموله آن) را مستثنا نکرده و این همان قاعده‌ای است که امروزه در حقوق بین‌الملل موضوعه پذیرفته شده است.

جواز غنیمت‌گیری اموال دشمن، هنگامی است که مخاصمات آغاز می‌شود و از نظر برخی صاحب‌نظران، تا زمان انعقاد معاهده صلح که حاکی از خاتمه رسمی حالت جنگ است، ادامه خواهد داشت. درباره اعمال این حق در دوران متارکه جنگ اختلاف نظر وجود دارد و عقیده غالب این است که این حق، در زمان متارکه به حالت تعلیق درمی‌آید. البته امروزه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، به‌ندرت با انعقاد معاهده صلح پایان می‌یابد. امروزه آتش‌بس‌های شکننده و بی‌ثبات، کاهش تدریجی شدت درگیری‌ها یا مداخله نیروهای حافظ صلح متداول است. در بسیاری از موارد، احتمال شروع مجدد مخاصمات قوی است. به همین دلیل مرز میان آتش‌بس‌های موقتی و معاهدات صلح مخدوش شده است. بنابراین تشخیص اینکه آیا مخاصمه مسلحانه پایان یافته است، بیش از اینکه منوط به معاهده صلح باشد، بستگی به احراز وقایع و اوضاع و احوال خارجی دارد.

در حقوق مخاصمات مسلحانه، مفهومی تحت عنوان «پایان کلی عملیات نظامی»

۲. غنیمت‌گیری اموال دشمن در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه

همه اشیاء منقول دشمن، که در حین مخاصمات به دست نیروهای طرف متخاصم بیفتد یا به نحوی برای پیشبرد اقدامات جنگی استفاده شود، غنیمت جنگی محسوب می‌شود و قابل تصرف و تملک از سوی طرف مقابل در مخاصمه است. اخذ غنیمت، با غارتگری و چپاول تفاوت دارد. چپاول در حقوق بین‌الملل غیر مجاز است درحالی‌که غنیمت‌گیری به منزله عملی دولتی، در حقوق بین‌الملل مجاز است. اموال موضوع غنیمت جنگی باید متعلق به دشمن یا کشور بی‌طرفی باشد که از حالت بی‌طرفی خارج شده و مستقیم یا غیر مستقیم طرف متخاصم را یاری کرده است. مقررات ۱۹۰۷ لاهه بر این قاعده تصریح دارد. در جنگ زمینی، همه اموال و اشیای منقول دشمن را می‌توان به‌عنوان غنائم جنگی ضبط و تملک کرد، به شرط آنکه متعلق به دولت و مؤسسات وابسته به آن باشد اما اموال خصوصی اتباع کشور دشمن را، جز در موارد خاص و استثنائی نمی‌توان به غنیمت گرفت.

با آنکه مالکیت خصوصی در جنگ زمینی مصون و تعرض ناپذیر است، در جنگ دریایی مصونیت ندارد. در نبرد دریایی، عرف قدیمی مشروعیت تصاحب مال غیر، همچنان حفظ شده است و در نتیجه اموال خصوصی دشمن، اعم از کشتی یا محموله آن را می‌توان به غنیمت گرفت. اعلامیه پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶، غنائم دریایی را محدود به اموال



وجود دارد. مطابق تفاسیر موجود، احراز تحقق چنین امری تنها معیار عینی برای تشخیص پایان مخاصمات مسلحانه است. پایان درگیری‌ها، باید با میزانی از ثبات و دوام همراه باشد تا بتوان گفت، مخاصمه مسلحانه خاتمه یافته است. در شرح کنوانسیون چهارم ژنو در سال ۱۹۵۸، پایان کلی عملیات نظامی «خاتمه نهایی تمامی درگیری‌ها میان همه طرف‌های مربوطه» تفسیر شده است. در سال ۱۹۸۷ در شرح بر پروتکل الحاقی اول، این استدلال مطرح شد که عبارت «پایان کلی عملیات نظامی»، چیزی بیش از صرف توقف مخاصمات فعال است زیرا عملیات نظامی با ماهیت خصمانه، ضرورتاً به معنای خشونت مسلحانه نیست و می‌تواند حتی در وضعیتی که درگیری مستقیم وجود ندارد نیز ادامه یابد. درحقیقت پایان کلی عملیات نظامی، نه فقط شامل پایان مخاصمات فعال، بلکه شامل پایان تحرکات نظامی نیز می‌شود که جنبه مقدماتی و تمهیداتی دارند، من جمله تحرکات و اقدامات ترمیمی، بازسازی، سازمان‌دهی مجدد و تجدید قوا. بنابراین اگر دشمن در وضعیت تجدید قوا باشد، احتمال حمله مجدد وجود دارد و چنین وضعیتی را نمی‌توان پایان مخاصمات تلقی کرد. اعمال تحلیل فوق بر وضعیت جنگ ایران، از آن جهت اهمیت دارد که آتش‌بس واقع شده شکننده و احتمال درگیری مجدد بسیار جدی است. بنابراین، پایان کلی عملیات نظامی احراز نمی‌شود. به خصوص در پروتوریدهای موجود، بقای حالت مخاصمه را می‌توان

استصحاب کرد و این استصحاب صرفاً جنبه فقهی ندارد بلکه با تحلیل‌ها و تفاسیر ارائه شده دربارهٔ پایان کلی عملیات نظامی که در اسناد بین‌المللی وجود دارد، منطبق است. دوام حالت مخاصمه، آثار حقوقی متعددی دارد و می‌تواند جواز اخذ غنیمت از دشمن را به خصوص در دریا توجیه کند.

نتیجه

باتوجه به اینکه حقوق بین‌الملل با ضعف جدی در ضمانت اجراء مواجه است، نمی‌توان به سازوکارهای موجود در محاکم و نهادهای بین‌المللی بسنده کرد. بنابراین، از قدرت و اهرم‌های موجود که در اختیار دولت قربانی قرار دارد، باید نهایت بهره را برد. واقعیت آن است که در عرصه بین‌الملل استیفای حق بدون تکیه بر قدرت ناممکن است. بنابراین، قوی‌ترین ضمانت اجراء همان قدرت نظامی و مزیت‌های ژئوپلیتیکی دولت قربانی می‌باشد. این سخن، لزوماً به این معنا نیست که همواره زور بر عرصه بین‌الملل حاکم است و چیزی به نام حقوق بین‌الملل وجود ندارد، بلکه بدین معناست که نوع نقش‌آفرینی حقوق در عرصه بین‌الملل با عرصه داخلی تفاوت‌های جدی دارد. به خصوص باتوجه به وجود استانداردهای دوگانه در برخی از نهادهای بین‌المللی، در بسیاری از موارد دولت قربانی ناچار است با تکیه بر قدرت خود، اقداماتی را برای صیانت از حقوق خویش انجام دهد. در چنین وضعیتی نقش حقوق‌دان بین‌المللی عمدتاً نقش تبیینی خواهد بود.

ساز و کارهای حقوقی مطالبه غرامت ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران

مینم امیری
وکیل دادگستری

حقوق بین الملل و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی یک کشور محسوب می‌شود. با آغاز مخاصمات مسلحانه ناشی از تجاوز دو نظام حقوقی مکمل، اما متمایز یا به صحنه عمل می‌گذارند: حقوق بشردوستانه (IHL) و حقوق بشردوستانه (IHRL). وقوع تجاوز و آغاز جنگ مرتبط با حقوق افرادی است که در جنگ شرکت ندارند، یعنی شهروندان عادی یک کشور. مطابق قوانین حقوق بشردوستانه باید افراد نظامی از غیرنظامی، مکان‌های نظامی از غیرنظامی تفکیک شوند و هرگونه حمله به غیرنظامیان یا محل‌های غیرنظامی، جنایت جنگی محسوب می‌شود. نمونه بارز و جان‌کاه این روزهای کشور عزیزمان، جنایت مدرسه شجره طیبه

طلیعه گفتار را با موضوع جنگ و تجاوز، با نگاه به خود واژه جنگ در برابر واژه مقدس جهاد به رشته تحریر درمی‌آورم. هر دو در معنای ظاهری واژه یعنی درگیری چند گروه و کشور در برابر هم، اما در جان کلام این کجا و آن کجا! جنگ با سوءنیت آغاز می‌شود، اما جهاد واژه مقدسی است که در برابر زورگویی و استعمار قد علم می‌کند. جنگ آغازکننده است و اما جهاد، همچو سدی در مقابل تهاجم می‌ایستد.

امروزه در کشورمان شاهد رویارویی ظالم و مظلوم هستیم، اما نه مظلومی که دست‌وپا بسته است؛ کشوری که همچو شیر می‌گرد و در برابر تجاوز پاسخ‌گوبنده می‌دهد. فردوسی پاکزاد می‌سراید: اگر سر به سرتن به کشتن دهیم، از آن به که خاک به دشمن دهیم. اما نسل امروز می‌سراید نه سر به دشمن دهیم و نه خاک، بلکه سر از دشمن جدا کنیم به چاک. تجاوز یک کشور به قلمرو هوایی دریایی و یا خاکی کشور دیگر، یکی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین قواعد بنیادین

وقوع جنگ باعث توقف حقوق بشر نمی‌شود، بلکه اهمیت خود را به عنوان دیواری حفاظتی در برابر تعدی علیه شهروندان عادی بیشتر می‌کند





گرفته است؟! وقوع جنگ باعث توقف حقوق بشر نمی‌شود، بلکه اهمیت خود را به عنوان دیواری حفاظتی در برابر تعدی علیه شهروندان عادی بیشتر می‌کند. حقوقی همچون حق حیات، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در پرتو حقوق بین‌الملل بشر تبلور می‌یابند و قابل محدودسازی نیستند. مثال‌هایی که در این تجاوز به وفور شاهد نقض آن‌ها در کشور هستیم.

دو مقوله حقوق بشردوستانه و حقوق بشر چنان اهمیتی دارند که حتی با وقوع تجاوز غیرقانونی یک کشور علیه کشور دیگر، بازهم باید رعایت شوند. تمرکز حقوق بشردوستانه بر تعدیل خشونت است و حقوق بشر بر حفظ کرامت انسانی. خلاصه‌مطلب آنکه از منظر قواعد بین‌المللی، شاهد نقض تمام قوانین انسانی از سوی متجاوزان در کشور عزیزمان هستیم.

میناب است؛ بر کسی پوشیده نیست که حمله به بیمارستان‌ها و منازل مسکونی در اقصی نقاط کشورمان، صراحتاً نمونه‌ای آشکار از جنایت جنگی و نقض قوانین حقوق بشردوستانه است. یکی دیگر از اصول حقوق بشردوستانه اصل تناسب می‌باشد؛ به دیگر کلام، کشورها مجاز نیستند، حملاتی انجام دهند که آسیب‌های جانبی و تخریب‌های غیرنظامی نسبت به مزیت نظامی مستقیم، ملموس و مورد انتظار بسیار فراتر باشد.

اصل دیگر ضرورت نظامی است. اقدامات نظامی تنها زمانی مجاز است که برای دستیابی به هدف مشروع نظامی و با رعایت سایر اصول حقوقی باشد. آیا ملتی که می‌خواهد مستقل باشد و منافع ملی خود را در نظر دارد، هدفی مشروع برای آغاز تجاوز است؟ به کدامین گناه ناکرده ایران مورد حمله دشمن قرار

جنایت در کلاس درس؛

فریاد عدالت علیه کودک‌کشی و تخریب رؤیایها

لیلی باقری و سعیده زارعی
وکیل دادگستری و مشاور حقوقی

مناطق تحت تجاوز، دیگر یک اتفاق تصادفی نیست؛ بلکه یک «راهبرد جنایت‌کارانه» است. طبق کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، هر کودکی حق ذاتی بر زندگی و امنیت دارد. هدف گرفتن عامدانه کودکانی که تنها جرمشان، حضور در سرزمین مادری‌شان است، لکه ننگی بر پیشانی مدعیان حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی ساکت می‌باشد.

۳. فراخوان برای پیگرد کیفری در لاهه: این اقدامات طبق ماده ۸ اساسنامه رم (ICC)، مصداق بارز «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» است. حمله به مدارس و کشتار غیرنظامیان، نباید بدون مجازات بماند. سکوت مجامع بین‌المللی در برابر این بربریت مدرن، چراغ سبزی به متجاوز برای ادامه خون‌ریزی است.

۴. ضمن محکومیت شدید این اقدام کثیف و غیرانسانی آمریکا و رژیم صهیونیستی، از تمامی آزادگان جهان و حقوق‌دانان می‌خواهیم که صدای مظلومیت کودکان باشند. خون‌های ریخته‌شده در مدرسه میناب، گواهی بر زوال اخلاقی متجاوزان است. عدالت ممکن است دیر اجراء شود، اما تاریخ ثابت کرده است که هیچ جنایت‌کاری از داوری نهایی بشریت و دادگاه الهی در امان نخواهد بود.

تاریخ بار دیگر، شاهد تکرار تراژدی هولناکی است که وجدان بیدار بشریت را به درد آورده است. حمله ددمنشانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به مراکز آموزشی، از جمله مدرسه میناب، نه تنها یک اقدام نظامی، بلکه اعلام جنگ علیه «آینده»، «آموزش» و «انسانیت» است. به عنوان یک حقوق‌دان، وظیفه خود می‌دانیم که این جنایت آشکار را از منظر وجدان بشری و موازین بین‌المللی محکوم کنیم.

۱. نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو: طبق کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی، مدارس و مراکز آموزشی مصداق بارز «اعیان غیرنظامی» هستند. حمله به مدرسه‌ای که پناهگاه کودکان معصوم است، نقض مستقیم اصل «تمایز» در حقوق بین‌الملل بشردوستانه شمرده می‌شود. بمباران محلی که مداد و کتاب در آن جاری است، هیچ توجیه نظامی‌ای ندارد و تنها نشان از خوی ضدبشری اشغالگران دارد.

۲. استمرار سیاست سیستماتیک کودک‌کشی: کودک‌کشی در غزه و سایر



■ مرثیه‌ای برای مدادهای شکسته؛ واکاوی حقوقی و انسانی جنایت در مدرسهٔ میناب

مدرسه در تمام فرهنگ‌ها و ادیان، حریم مقدس دانایی و امن‌ترین پناهگاه برای فرشته‌های زمینی است. اما امروز، در برابر دیدگان جهانی که ادعای تمدن دارد، چکمه‌های خون‌آلود و بمب‌های ویرانگر رژیم صهیونیستی این حریم مقدس را به تلی از خاکستر و خون تبدیل کرد. حمله به مدرسهٔ میناب، تنها یک هدف نظامی نبود؛ بلکه ترور سیستماتیک «لبخند» و «امید» در چشمان کودکانی بود که کتاب‌هایشان پیش از خودشان سوخت.

۱. از منظر حقوق بشر دوستانه

طبق مادهٔ ۵۲ پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷)، مدارس «اعیان غیرنظامی» مطلقاً محسوب می‌شوند. آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف گرفتن عمدی این مکان، اصل بنیادین «تمایز» را زیر پا گذاشته است. طبق مادهٔ ۸ اساسنامهٔ رم (دیوان کیفری بین‌المللی)، هدایت عمدی حملات علیه ساختمان‌های مذهبی، آموزشی و بیمارستان‌ها، مصداق قطعی «جنایت جنگی» است. این رژیم کثیف، قانون جنگ را به سخره گرفته و «کودک‌کشی» را به بخشی از دکتترین نظامی خود تبدیل کرده است.

۲. نقض کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)

کودکانی که در مدرسهٔ میناب شهید شدند، صاحبان حق ذاتی بر زندگی (طبق مادهٔ ۶ کنوانسیون حقوق کودک) بودند. رژیم اشغالگر با محروم کردن آن‌ها از حق حیات

و آموزش در محیطی امن، نه تنها معاهدات بین‌المللی، بلکه «قانون نانوشتهٔ انسانیت» را نقض کرد. هر قطرهٔ خون این کودکان، سندی است بر بطان ادعاهای حقوق بشری حامیان این رژیم.

۳. استمرار نسل‌کشی (Genocide) در

پوشش دفاع مشروع

آنچه در مدرسهٔ میناب رخ داد، بخشی از یک الگوی گسترده‌تر برای نابودی تدریجی یک نسل است. طبق کنوانسیون منع نسل‌کشی (۱۹۴۸)، وارد آوردن صدمات شدید جسمی یا روحی به اعضای یک گروه با قصد نابودی آن‌ها، «نسل‌کشی» محسوب می‌شود. کشتار سیستماتیک دانش‌آموزان، تلاش برای خشکاندن ریشه‌های یک ملت است که وجدان بیدار حقوق‌دانان جهان نباید در برابر آن سکوت کند.

۴. از شورای امنیت سازمان ملل و دیوان

کیفری بین‌المللی (ICC)، می‌خواهیم که از حصار بیانیه‌های بی‌اثر خارج شوند. صادر نکردن حکم جلب برای عاملان و آمران این کودک‌کشی، خیانت به میراث حقوق بشر است. خون کودکان مدرسهٔ میناب، لکهٔ ننگی است که تنها با اجرای «عدالت» و «مجازات متجاوز» پاک خواهد شد.

مدادهای شکستهٔ کودکان مدرسهٔ میناب، روزی به قلم‌های عدالت‌خواهی تبدیل خواهند شد که حکم سقوط این رژیم سفاک را امضاء می‌کنند. ما نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

ابعاد حقوقی تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران با هدف تغییر حکومت از منظر حقوق بین الملل

برای تغییر حکومت کشور دیگر از طریق زور یا مداخله، مستقیماً این دو اصل را نشانه گرفته است و در زمره جدی‌ترین جرایم بین‌المللی قرار می‌گیرد.

وقوع یک حمله گسترده نظامی از سوی رژیم اسرائیل و آمریکا علیه زیرساخت‌ها، مراکز نظامی و غیرنظامی و تأسیسات استراتژیک ایران، با هدف تغییر حکومت با چالش‌های زیادی در حقوق بین‌الملل معاصر مواجه است. پرسش محوری‌ای که در این یادداشت مطرح می‌شود این است که: آیا دولت‌های فوق می‌توانند با توجیه این حملات، ساختار سیاسی یا حکومت کشوری دیگر مثل ایران را تغییر دهند؟

حقوق بین‌الملل بین «تغییر رژیم از درون» (ناشی از اراده مردم همان کشور و کاملاً مشروع) و «تغییر رژیم از بیرون» (ناشی از اراده یک دولت قدرتمند) تفکیک قائل می‌شود. حق تعیین سرنوشت، که در منشور ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر تصریح شده است، صراحتاً بیان می‌کند که فقط مردم کشور حق دارند نظام سیاسی خود را برگزینند. هیچ دولت ثالثی حق ندارد با استفاده از زور، اراده خود را بر ملت دیگری تحمیل کند. مبنای حقوقی ممنوعیت تغییر رژیم در حقوق بین‌الملل عبارت‌اند از:

سمیه پناهی

وکیل دادگستری

کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی
بین‌المللی

آمریکا و اسرائیل در اسفند ۱۴۰۴ جنگ تحمیلی را علیه کشور عزیزمان ایران شروع کردند که منجر به کشته شدن مقامات عالی‌رتبه، حمله به زیرساخت‌ها، مراکز آموزشی و دانشگاهی و اهداف غیرنظامی از جمله کودکان دبستانی در میناب و هدف قرار گرفتن یک شناور دریایی غیرمسلح (ناو دنا) شد. با توجه به اهمیت رعایت قواعد بین‌الملل، به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی این موارد از منظر اصول و قواعد الزام‌آور بین‌المللی ضروری است. در این یادداشت به بررسی ابعاد حقوقی تجاوز، مداخله و تلاش برای تغییر حکومت در حقوق بین‌الملل با نگاهی به رفتار آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌پردازیم.

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، بنیاد روابط بین دولت‌ها بر دو اصل غیر قابل تخطی استوار است: «اصل حاکمیت ملی» و «اصل تساوی حاکمیت‌ها». بر اساس این اصول همه دولت‌ها فارغ از قدرت نظامی، اقتصادی یا سیاسی، حقوق و تکالیف یکسانی دارند. تلاش یک کشور



۱. اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها
بر اساس ماده ۲ بند ۷ منشور ملل متحد، هیچ کشوری حق ندارد در امور داخلی کشور دیگر مداخله کند. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در پرونده مشهور نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) به صراحت اظهار کرد: «حمایت مالی، تسلیحاتی، آموزشی و لجستیکی از گروه‌های مخالف حکومت، به‌منظور براندازی آن حکومت، نقض آشکار اصل عدم مداخله و سوءاستفاده از حق دخالت در امور داخلی است.»

۲. اصل ممنوعیت تجاوز و توسل به زور
ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد استفاده از نیروی نظامی یا تهدید به آن را علیه استقلال سیاسی یا تمامیت ارضی هر

کشور ممنوع کرده است. پرونده‌هایی مانند حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) برای سرنگونی صدام حسین، در مجامع حقوقی، تجاوز و نقض منشور ملل متحد شناخته می‌شود.

۳. نقض حق تعیین سرنوشت سیاسی:
تغییر حکومت توسط بیگانگان، مردم آن کشور را از حق تعیین سرنوشت خود محروم می‌کند. این اکنون به‌عنوان یک حق آمره در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود که هیچ قراردادی نمی‌تواند آن را نقض کند.

شیوه‌های تغییر رژیم و بررسی حقوقی آن‌ها
دولت‌های زورگو معمولاً از روش‌های مختلفی برای تغییر حکومت‌ها استفاده می‌کنند که هر یک بار حقوقی خاص خود را دارند:

۱. تجاوز نظامی مستقیم: مانند تجاوز به عراق، لیبی و حمله اخیر به ایران که قطعاً جرم تجاوز است.

۲. عملیات پنهان: مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه ایران که توسط آمریکا و بریتانیا طراحی شد. این اقدامات، هرچند پنهان، از منظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی‌اند و نقض حاکمیت محسوب می‌شوند.

۳. جنگ سایبری و ترور هدفمند: استفاده از ویروس‌ها (مانند استاکس‌نت علیه تأسیسات هسته‌ای ایران) یا ترور شخصیت‌های علمی و نظامی، نقض ممنوعیت استفاده از نیرو، نقض صریح

“
حق تعیین سرنوشت، که در منشور ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر تصریح شده است، صراحتاً بیان می‌کند که فقط مردم کشور حق دارند نظام سیاسی خود را برگزینند. هیچ دولت ثالثی حق ندارد با استفاده از زور، اراده خود را بر ملت دیگری تحمیل کند
”



بررسی کنیم، تصویر حقوقی زیر شکل می‌گیرد.

ایالات متحده آمریکا و متحدانش همواره از طریق ابزارهای مختلفی نظیر تحریم‌های یکجانبه و خارج از چارچوب شورای امنیت، ترور سردار قاسم سلیمانی در خاک یک کشور ثالث، جنگ سایبری و حمایت‌های مالی و اطلاعاتی از گروه‌های مخالف به دنبال تغییر رفتار یا تغییر ساختار قدرت در ایران بود.

رژیم اسرائیل نیز با ترورهای هدفمند دانشگاهیان، دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی در داخل خاک ایران، خرابکاری‌های مکرر در زیرساخت‌ها و حمایت از گروه‌های آشوب‌طلب، مکمل اقدامات آمریکا در جهت تغییر حکومت

حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. ۴. تحریم‌های اقتصادی گسترده: دولت‌ها می‌کوشند با فشار اقتصادی وحشتناک، مردم را علیه حکومت خود بشورانند. تحریم‌ها ابزار غیرنظامی‌اند، اما در حقوق بین‌الملل، استفاده از گرسنگی و محرومیت از دارو و نیازهای اساسی، ابزاری برای فشار سیاسی، نقض «حقوق بشر بین‌المللی» و در برخی موارد مصداق «مجازات جمعی» است.

■ جنبه‌های حقوقی اقدامات و تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران
اگر رفتارهای گذشته و تجاوز اخیر نظامی آمریکا و اسرائیل را در قبال جمهوری اسلامی ایران در چارچوب مفاهیم فوق



ایران بود. آخرین تلاش آن‌ها برای تغییر حکومت ایران، با تجاوز گسترده نظامی به خاک ایران در اسفند ۱۴۰۴ بدون اعلام جنگ و با ترور رهبر جمهوری اسلامی آغاز شد که پس از گذشت چهل روز با شکست مواجه و به آتش بس دوهفته‌ای منجر گردید.

مجموعه اقدامات فوق نقض صریح حقوق بین‌الملل از ابعاد مختلف محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه، ترور سردار سلیمانی نقض آشکار منشور ملل متحد و حاکمیت ایران و عراق بود. تحریم‌های فلج‌کننده به لحاظ حقوق بشردوستانه غیر قانونی ارزیابی می‌شوند. گفته‌های مقامات آمریکایی مبنی بر تغییر رژیم در ادبیات حقوقی مصداق تهدید به زور و تدوین سیاست برای نقض حاکمیت ایران است.

تجاوز نظامی اخیر آمریکا و متحدانش به ایران نیز بدون هیچ‌گونه مجوز شورای امنیت سازمان ملل و دلیل موجه قانونی آغاز شد. شورای امنیت سازمان ملل تنها مرجع دارای اختیار برای صدور مجوز استفاده از زور آن‌هم فقط در وضعیت خاص و محدود است. طبق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی نیز، حتی حملات محدود نظامی توسط یک دولت علیه دولت دیگر، در صورتی که با هدف آسیب‌رساندن به امنیت ملی و زیرساخت‌ها باشد، در زمره تجاوز تعریف می‌شود. لذا در نبود هیچ‌گونه حمله مسلحانه واقعی و حتی قریب‌الوقوع از سوی ایران به کشورهای فوق و نبود مجوز شورای امنیت، حمله اخیر

آن‌ها به ایران از مصادیق جنایت تجاوز محسوب می‌شود.

البته دولت‌های مداخله‌گر برای توجیه اقدامات خود، معمولاً به دو استثناء استناد می‌کنند که در حقوق بین‌الملل هر دو بسیار محدود و بی‌اساس هستند:

۱. دفاع مشروع: آمریکا و اسرائیل گاه مدعی می‌شوند که برای دفاع از خود در برابر تهدیدات آینده اقدام می‌کنند (دفاع پیشگیرانه). اما دیوان بین‌المللی دادگستری این تئوری را نپذیرفته و گفته که دفاع مشروع تنها در صورت وقوع «حمله مسلحانه فعلی» و تا زمان مداخله شورای امنیت مجاز است. تهدید، فرضی برای تغییر رژیم نیست.

۲. مسئولیت حفاظت: ادعاء می‌شود که برای نجات مردم از حکومت‌های ظالم مداخله می‌شود. حتی اگر این ادعاء درست باشد (که در مورد ایران از سوی مجامع بین‌المللی مسلم نیست) این اقدام تنها با مجوز قطعی شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شود که به هیچ وجه اجازه تغییر رژیم را نمی‌دهد، بلکه هدف آن صرفاً حفاظت از غیرنظامیان است.

لذا، بر اساس تحلیل حقوقی فوق، تلاش آمریکا و متحدانش برای تغییر حکومت ایران از طریق زور و مداخله نظامی، از منظر حقوق بین‌الملل کاملاً محکوم و ممنوع است و حق و حقوق ایران در مجامع بین‌المللی قابل پیگیری و خسارات وارده قابل وصول می‌باشد.

مشروعیت حمله و اصل منع توسل به زور در حقوق بین الملل

کیمیا ترهنده
وکیل دادگستری

و وظایف خویش است. این نهاد بین المللی، باید بدون اعمال معیارهای گزینشی و با رعایت اصل برابری میان دولت‌ها، در راستای تقبیح جنگ در عصر مدرن و تأکید بر حل اختلافات از طریق دیپلماسی ایفای نقش کند. در غیر این صورت، سکوت و انفعال چنین نهادهایی بی‌تردید راه را برای بازگشت به دوره‌هایی از تاریخ هموار می‌کند که در آن اصول بنیادین حقوق بین الملل و حقوق بشر به‌سادگی نقض می‌شدند.

در این چارچوب، حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را باید در پرتو اصول بنیادین حقوق بین الملل بررسی کرد. مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل، تمامی دولت‌ها از تهدید یا توسل به زور

با درود بر تمامی زخم‌خوردگانی که با وجود دردها و آلام بی‌شمار، بر پهنه این خاک سحرآمیز ایستادند و در آغوش مهربانش هرچند سخت روزگار گذراندند. امروز این مرز و بوم همچون گذشته، بار دیگر در یکی از حساس‌ترین لحظات تاریخی خویش ایستاده است. من، به‌عنوان یکی از فرزندان این سرزمین، بر خود لازم می‌دانم که در مقام حقوق‌دانی پایبند به اصول حرفه‌ای و اخلاقی و با احترام به سوگندی که برای عدالت یاد کرده‌ام، در این برهه تاریخی صدای گویای حق باشم.

امروز ایران موکل من است و جمهوری اسلامی، نماینده قانونی و وکیل مدنی او. از این رو تأکید می‌کنم در این یادداشت، صرفاً تجاوزات و نقض آشکار قواعد حقوق بین الملل از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشور ایران بررسی حقوقی می‌شود؛ مسائلی که از منظر حقوق بین الملل باید تحلیل و ارزیابی شوند.

هدف از نگارش این یادداشت، جلب توجه نهادهای بین المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد به ضرورت پایبندی واقعی به اهداف

سکوت در برابر نقض آشکار قواعد بین المللی، به‌ویژه هنگامی که چنین اقداماتی بارها توسط برخی قدرتها تکرار شده است، نه تنها توجیه‌پذیر نیست بلکه می‌تواند به تضعیف بیشتر نظام حقوقی بین المللی منجر شود





در چنین وضعیتی، آغاز جنگ و اقدامات بعدی از جمله حملات به مراکز غیرنظامی، مدارس، ورزشگاه‌ها و زیرساخت‌های عمومی نه تنها از منظر حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر نیست، بلکه می‌تواند در چارچوب قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به‌عنوان نقض جدی قوانین جنگ نیز بررسی شود. از این رو جامعه حقوقی کشور باید فارغ از اختلافات داخلی، این موضوع را صرفاً از منظر حقوق بین‌الملل تحلیل نماید و با محکوم کردن چنین اقداماتی، از مصادره این جنگ به نفع قدرت‌های متخاصم جلوگیری کند. سکوت در برابر نقض آشکار قواعد بین‌المللی، به‌ویژه هنگامی که چنین اقداماتی بارها توسط برخی قدرت‌ها تکرار شده است، نه تنها توجیه‌پذیر نیست بلکه می‌تواند به تضعیف بیشتر نظام حقوقی بین‌المللی منجر شود.

علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر کشورها منع شده‌اند. تنها استثنای این اصل، در ماده ۵۱ منشور پیش‌بینی شده است که به کشورها اجازه می‌دهد در صورت وقوع «حمله مسلحانه»، از حق ذاتی دفاع مشروع استفاده‌کنند.

با این حال، استفاده از عنوان «حمله پیش‌دستانه» بدون ارائه شواهد معتبر مبنی بر وجود تهدید فوری و قریب‌الوقوع، فاقد مبنای حقوقی است. حتی در داخل ساختار سیاسی ایالات متحده نیز در جلسات متعدد کنگره اعلام شد که هیچ نشانه‌ای از حمله قریب‌الوقوع ایران وجود نداشته است. بنابراین، آغاز عملیات نظامی علیه ایران نه تنها توجیه حقوقی ندارد، بلکه نقض آشکار اصول بنیادین منشور سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

بستن تنگه هرمز از نگاه کنوانسیون سازمان ملل و قانون دریایی ایران

علی توسلی
وکیل دادگستری

با یک نگاه اجمالی به قوانین ملی و فراملی حاکم بر تنگه هرمز، رژیم حقوقی خاصی برای این تنگه مشاهده نمی‌شود. دکنترین حقوق بین‌المللی از منظر حقوق حاکم بر دریاها و آبراه‌های بین‌المللی، عقیده دارند که از این آبراه و تنگه مهم، تاکنون به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی استفاده می‌شده است و افکار عمومی از آن تلقی یک آبراه آزاد را دارند، درحالی‌که موقعیت جغرافیایی تنگه، حکایت از آن دارد که، این تنگه جزء آب‌های سرزمینی ایران می‌باشد و در محدوده دو کشور ساحلی ایران و عمان واقع شده است. تلقی اینکه این تنگه، یک آبراه بین‌المللی باشد یا یک آبراه سرزمینی برای ایران، آثار متفاوت و مهمی برای کشور ما دارد.

زیرا آبراه‌های آزاد برای عبور همه ملل آزاد است و محدودیتی ندارد ولی آب‌های سرزمینی یا محدودهای قانونی ساحلی کشورها، حقوق ویژه و انحصاری برای کشور ساحلی و محدودیت‌هایی برای عبور سایر کشورهای غیر ساحل ایجاد می‌کند.

الف: اگر تنگه هرمز را جزء آبراه بین‌المللی تعریف کنیم، حق عبور و مرور کشتی‌های کشورهای دنیا در آن

بستن تنگه هرمز به یک بحران بین‌المللی تبدیل شده و برای کشورهای جهان، چالش‌های اقتصادی ایجاد کرده است. به جهت همین چالش جهانی، بازگشایی این تنگه تبدیل به یک مطالبه جهانی برای کشورهای جهان شده است. چون بازگشایی تنگه هرمز به مطالبه بین‌المللی تبدیل شده، عدم بازگشایی آن، ممکن است آثار حقوقی بین‌المللی داشته باشد و برای کشور ما نیز، مسئولیت حقوقی ایجاد کند و آثار سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای میهن ما تولید نماید.

به عبارت دیگر انسداد این تنگه، ممکن است بهانه یک جنگ منطقه‌ای یا تصویب یک قطعنامه بین‌المللی از طرف سازمان ملل، علیه ایران شود. نگاهی به قوانین بین‌المللی و قانون داخلی ایران، آگاهی بیشتری جهت داوری و قضاوت، در خصوص انسداد یا بازگشایی این تنگه مهم، می‌دهد.

۱. بستن تنگه هرمز از منظر قانون بین‌الملل



آزاد است. با این تلقی، انسداد تنگه، می‌تواند مشکلات و مخاطراتی، برای کشور ایران ایجاد کند. اگر تنگهٔ هرمز را جزء آب‌های سرزمینی ایران تعریف کنیم، که این تلقی درست به نظر می‌رسد، بازهم، مادهٔ ۱۷ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، بیان داشته است: «مطابق مقررات این کنوانسیون، کشتی‌های همهٔ کشورهای جهان، اعم از کشورهای ساحلی یا غیرساحلی، حق عبور بی‌ضرر، از میان آب‌های سرزمینی را، دارند»

به بیان دیگر تنگهٔ هرمز، حتی اگر یک آبراه سرزمینی ساحلی برای ایران باشد، بازهم، حق عبور بی‌ضرر به کشورهای جهان داده شده است.

مادهٔ ۱۹ همین کنوانسیون عبور بی‌ضرر را چنین تعریف کرده است: «عبور بی‌ضرر عبارت است از، عبوری که مُخل صلح،

نظم عمومی و یا امنیت کشور ساحلی نباشد»

ب: طبق مادهٔ ۲۴ همین کنوانسیون: «دولت ساحلی طبق این کنوانسیون مانع حق عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی از دریای سرزمینی نمی‌شود و حق ندارد علیه کشتی‌های کشورهای، تبعیض ظاهری یا واقعی قایل شود»

۲. تنگهٔ هرمز از منظر قانون داخلی مناطق دریایی ایران در خلیج فارس

مادهٔ ۵ قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس، بیان می‌کند: «عبور شناورهای خارجی از دریاهای سرزمینی ایران، مادامی که مُخل نظم، آرامش و امنیت کشور نباشد، تابع اصل عبور بی‌ضرر است» یعنی اگر عبور کشتی‌ها برای ایران ضرر و خطری نداشته باشد تردد آن کشتی‌ها، منعی ندارد.

از قوانین ملی و فراملی فوق‌الذکر، استنباط می‌شود چه تنگهٔ هرمز را یک تنگهٔ بین‌المللی تلقی کنیم چه یک تنگهٔ ملی و سرزمینی ساحلی برای ما، در هر دو فرض، کشتی‌های کشورهای جهان حق عبور بی‌ضرر آن را، دارند مگر اینکه احراز و اثبات شود تردد این کشتی‌ها برای ایران ضرر دارد و مُخل نظم و امنیت کشور ایران است.

به نظر می‌رسد تعیین یک رژیم حقوقی خاص، در خصوص این تنگه، می‌تواند راه‌گشا باشد.

“ تنگه هرمز تاکنون به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی استفاده می‌شده است و افکار عمومی از آن تلقی یک آبراه آزاد را دارند، درحالی‌که موقعیت جغرافیایی تنگه، حکایت از آن دارد که، این تنگه جزء آب‌های سرزمینی ایران می‌باشد ”

تحلیل دفاع مشروع،

حقوق بشر دوستانه و مسئولیت دولت‌های ثالث

متحد تثبیت شد. ماده ۲ بند ۴ این منشور، دولت‌ها را از هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگر کشورها منع می‌کند. این قاعده، امروزه در زمره قواعد آمره قرار گرفته است و نقض آن، تجاوز تلقی می‌شود. در این میان، تحلیل وضعیت ایران در چارچوب این قواعد، مستلزم بررسی دقیق استثنائات، محدودیت‌ها و پیامدهای حقوقی اقدامات دولت‌هاست.

۱. اصل منع توسل به زور و مفهوم تجاوز

اصل منع توسل به زور، به‌عنوان یک قاعده بنیادین، هرگونه اقدام نظامی بدون مجوز را ممنوع می‌داند. بر این اساس، حمله نظامی، اشغال سرزمین، بمباران یا حمایت از گروه‌های مسلح علیه ایران، در صورت فقدان مجوز از سوی شورای امنیت سازمان ملل، مصداق تجاوز محسوب می‌شود. این اصل، نه تنها در اسناد بین‌المللی، بلکه در رویه قضائی و دکترین حقوقی نیز تثبیت شده است.

۲. دفاع مشروع در چارچوب ماده ۵۱ منشور

ماده ۵۱ منشور، تنها استثناء بر اصل منع توسل به زور را در قالب «دفاع مشروع» پیش‌بینی کرده است. این حق، در صورت

دکتر کبری جعفری هرندی

وکیل دادگستری

چکیده

اصل منع توسل به زور به‌عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل، ستون فقرات نظم بین‌المللی معاصر را تشکیل می‌دهد. در این چارچوب، هرگونه اقدام نظامی علیه یک دولت، از جمله ایران، در صورت فقدان مجوز قانونی، مصداق تجاوز تلقی می‌شود. این مقاله با تمرکز بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد به بررسی مفهوم دفاع مشروع، تمایز آن با دفاع پیش‌دستانه و پیشگیرانه، الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قالب کنوانسیون‌های وین و مسئولیت دولت‌های ثالث، در مشارکت در اقدامات متخلفانه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفسیر موسع از دفاع مشروع و مشارکت دولت‌های دیگر در عملیات نظامی، می‌تواند موجب تضعیف نظم حقوقی بین‌المللی شود.

مقدمه

منع توسل به زور یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل است که پس از جنگ جهانی دوم، در قالب منشور ملل



۱۰۳

کانون وکلایی
دادگستری مرکز



احتمالی آینده می‌باشد، فاقد مشروعیت حقوقی تلقی می‌شود. پذیرش این مفهوم، می‌تواند اصل منع توسل به زور را بی‌اثر کند.

۳. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت از زیرساخت‌ها

در صورت وقوع مخاصمه، قواعد کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن حاکم می‌شوند.

۱-۳. اصول بنیادین

این قواعد بر سه اصل استوارند:

■ تفکیک (ماده ۴۸ پروتکل اول)،

■ تناسب (ماده ۵۱)،

■ احتیاط در حمله.

۲-۳. حمایت از زیرساخت‌های حیاتی

مطابق ماده ۵۲ پروتکل اول، اموال غیرنظامی از جمله بیمارستان‌ها، شبکه‌های

وقوع «حمله مسلحانه» قابل اعمال است و تا زمان مداخله شورای امنیت ادامه دارد.

۱-۲. شرایط تحقق دفاع مشروع

بر اساس رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (قضیه نیکاراگوئه)، دفاع مشروع مستلزم

تحقق شرایط زیر است:

■ وقوع حمله مسلحانه،

■ ضرورت (نبود راهکار جایگزین)،

■ تناسب (محدود بودن پاسخ)،

■ فوریت.

این معیارها، مانع از سوءاستفاده از مفهوم دفاع مشروع می‌شوند.

۲-۲. دفاع پیش‌دستانه و پیشگیرانه

دفاع پیش‌دستانه، ناظر بر تهدید

قربیب‌الوقوع می‌باشد و در برخی تفاسیر

محدود، قابل بررسی دانسته شده است.

اما دفاع پیشگیرانه که مبتنی بر تهدیدات

متخلفانه بین‌المللی باشد.
۱-۵. تعهدات ناشی از نقض قواعد آمره
در مواردی مانند تجاوز، سایر دولت‌ها
موظف‌اند:
■ وضعیت غیرقانونی را به رسمیت
نشناسند،
■ از کمک به تداوم آن خودداری کنند.

نتیجه‌گیری

تجاوز علیه ایران نشان می‌دهد که اصل منع
توسل به زور، ستون اصلی نظم بین‌المللی
است و تنها در چارچوب محدود دفاع
مشروع استثناء پذیر است. همچنین،
حتی در صورت وقوع مخاصمه، قواعد
سخت‌گیرانه‌ای برای حمایت از غیرنظامیان
و زیرساخت‌های حیاتی وجود دارد. افزون بر
این، مسئولیت چنین اقداماتی صرفاً متوجه
دولت مباشر نیست و دولت‌های ثالث نیز
در صورت مشارکت، در معرض مسئولیت
بین‌المللی قرار می‌گیرند. در نهایت، پایبندی
به این اصول، شرط اساسی حفظ صلح و
ثبات در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود.

منابع

■ منشور ملل متحد، ۱۹۴۵
■ کنوانسیون‌های ژنو، ۱۹۴۹ و پروتکل اول،
۱۹۷۷
■ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در
قضیه نیکاراگوئه، ۱۹۸۶
■ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها،
کمیسیون حقوق بین‌الملل

آب و برق و تأسیسات انرژی، نباید هدف
حمله قرار گیرند. همچنین، ماده ۵۶،
تأسیسات دارای خطرات شدید مانند سدها
و نیروگاه‌ها را تحت حمایت مضاعف قرار
داده است. نقض این قواعد، می‌تواند در
زمره جنایات جنگی قرار گیرد.

۴. اشکال نوین تجاوز

تحولات معاصر، اشکال جدیدی از تقابل را
ایجاد کرده است، از جمله:
■ حملات سایبری به زیرساخت‌ها،
■ تحریم‌های اقتصادی گسترده،
■ جنگ ترکیبی.
در صورت ایجاد آثار مخرب گسترده، این
اقدامات می‌توانند در چارچوب استفاده از
زور تحلیل شوند.

۵. مسئولیت دولت‌های ثالث

یکی از مهم‌ترین ابعاد تحلیل، نقش
دولت‌های ثالث است. بر اساس قواعد
تدوین‌شده توسط کمیسیون حقوق
بین‌الملل (ماده ۱۶)، هرگاه دولتی با علم به
غیرقانونی بودن یک اقدام، در آن مشارکت
یا مساعدت کند، در مسئولیت ناشی از آن
شریک خواهد بود. این مشارکت می‌تواند
شامل موارد زیر باشد:
■ ارائه پایگاه نظامی،
■ در اختیار گذاشتن فضای هوایی،
■ حمایت اطلاعاتی یا لجستیکی.
در فرض تجاوز علیه ایران، چنین اقداماتی
می‌تواند مصداق مشارکت در عمل



بررسی جرم ارسال هرگونه تصویر، اطلاعات یا فیلم به شبکه‌های ایران اینترنت‌نشال و من و تو

مهدی حاجی احمدی
وکیل دادگستری
عضو هیئت علمی دانشگاه

مکان ایست‌های بازرسی در سطح شهر. در صورتی که فیلم یا اطلاعاتی که به این شبکه‌ها یا صفحات مجازی آن‌ها ارسال شود مشمول هر کدام از تعاریف اقدام عملیاتی یا فعالیت اطلاعاتی باشد، با توجه به اینکه این شبکه‌ها از سمت مراجع قانونی تروریستی اعلام شده‌اند، مشمول مجازات ماده ۱ قانون صدرالذکر یعنی مصادره کلیه اموال و اعدام خواهند بود (هزینه‌های متعارف زندگی افراد تحت تکفل مجرم مستثناست).

درباره ارسال مطالب، فیلم یا تصویر توسط افراد به شبکه‌های فارسی‌زبان نظیر ایران اینترنت‌نشال و من و تو لازم به ذکر است، به موجب قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی مصوب ۱۴۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، دو رفتار واجد اثر تشدید مجازات است:

دوم: اگر مطلب یا فیلمی که برای این شبکه‌ها ارسال شده است شامل مصادیق اشاره شده نباشد، به عبارت دیگر ارسال فیلم یا تصاویر یا اطلاعات به این شبکه‌ها، صفحات مجازی آنان در صورتی که برخلاف امنیت ملی باشد و نیز ارسال موارد مذکور به این شبکه‌ها و صفحات مجازی چنانچه مشمول مجازات شدیدتری نباشد، بر اساس نوع اطلاعات یا تصاویر یا فیلم‌های ارسالی، حسب ماده ۴ قانون مزبور مستوجب حبس تعزیری درجه پنج (یعنی دو تا پنج سال) و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی خواهد بود.

اول، هرگونه اقدام عملیاتی که بتواند امنیت کشور را به خطر اندازد من جمله اقداماتی با قابلیت کشتار، تخریب اماکن یا اموال عمومی یا خصوصی، ایجاد رعب و وحشت عمومی، اخلال در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیرساخت‌های کشور، یا هرگونه فعالیت اطلاعاتی بدین معنا که هرگونه جمع‌آوری اطلاعاتی که بتواند امنیت کشور را به خطر اندازد، برای مثال اعلام مکان‌های نظامی و امنیتی یا ارسال فیلم تخریب این اماکن توسط دشمن متخاصم یا اعلام



مانیفست «اراده ملی و صیانت حقوقی»

به ابتدال کشانده است.

■ بخش اول: درآمدی بر ماهیت تجاوز

آن‌گاه که آتش تعدی از حدود جغرافیا گذشت و به حریب عالی‌ترین مقام رسمی کشور، به جان دانش‌آموزان بی‌پناه و به حرمت خانه‌های مردم رسید، وصف ماجرا دیگر در قالب یک عملیات نظامی متعارف نمی‌گنجد. شهادت رهبر کشور، سران نظامی، نخبگان سیاسی و علمی و ۱۶۸ دانش‌آموز، نقض فاحش قواعد آمره، کنوانسیون ۱۹۷۳ نیویورک و تجسم صریح توحش است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این یک «کشتار هدفمند» با مقصد فروپاشی ساختار روانی، ایجاد یأس و برهم‌زدن تعادل عقلانیت، اراده و انسجام جامعه است. متجاوز با نقض مصونیت مقامات تحت حمایت بین‌المللی، «آناشسی سازمان یافته» را جایگزین حاکمیت قانون کرده است.

مصونیت مقامات حاکمیتی، از مقتضیات دیرپای حقوق بین‌الملل عرفی و اصول بنیادین همزیستی دولت‌هاست. شکستن این سپر صیانت، طغیان علیه نظامات و منطقی است که روابط میان دولت‌ها را از مدار جنون به اقتدار قانون منتقل می‌سازد. اگر این دژ بین‌المللی فرو ریزد، امکان بیان، گفت‌وگو و هر قسم مذاکره از میدان رانده می‌شود و تنها زبان سلاح، بر کرسی

منیره حاجی‌امیری دماوندی

وکیل دادگستری

■ دیباچه

«وَمَنْ عَاقَبْ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيُنْصَرْتَهُ اللَّهُ»

هر که به همان اندازه که ستم دیده، تلافی کند و باز بر او ستم شود، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد. (سوره حج، آیه ۶۰)

تاریخ حقوق بین‌الملل، اساساً تاریخ کشاکش بی‌امان قدرت و قاعده است؛ تلاشی جان‌گناه برای آنکه دشنة زورمندی، برهنه و بی‌مهار نماند و «حرمت انسانی» در هیئت لفظی بی‌جان، به حاشیه تبعید نشود. اما حقوق بین‌الملل امروز، در بزنگاه یک فروپاشی معنایی عمیق ایستاده است. تهاجم اخیر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به خاک ایران، فراتر از یک تخاصم نظامی متعارف، به مثابه ترور اراده عمومی و شبیخون به بن‌مایه‌های تمدنی یک ملت است. در این میدان پرآشوب، هرگاه اراده سلطه، جامه الزام را بدرزد و هیبت قانون را در هیاهوی خشونت ذبح کند، دیگر با یک نزاع مقطعی روبه‌رو نیستیم؛ ما با یک گسست وجودی و شکافی عمیق در بنیاد نظم جهانی مواجهیم. فاجعه‌ای که نه تنها قواعد، بلکه مرزهای خردمندی، شعور و اخلاق بشری را



مناسبات می‌نشیند. و اینجاست که کارکرد فلسفه حقوق، در پیشگاه تاریخ، به محاکمه فراخوانده می‌شود!

■ بخش دوم: خشونت و تروریسم زیرساختی

آنچه در جغرافیا و کالبد ایران رخ داد، صرفاً انهدام اهداف سخت نبود؛ بلکه ما با یک آناتومی خشونت سازمان یافته روبه‌رو هستیم که عامدانه، نمادهای استمرار حیات را هدف گرفته است. حمله به مدرسه میناب و مراکز دانشگاهی، تلاش برای انقطاع تاریخی و کورکردن چشم آگاهی یک ملت است. وقتی کتاب می‌سوزد و کلاس به خاک و خون کشیده می‌شود، متجاوز در پی ویران‌سازی فضای زیست عقلانی است. تعدی به بیمارستان‌ها و مراکز تخصصی چون انستیتو پاستور، شلیک به قلب تپنده اراده یک ملت برای ماندن است؛ آنجا که علم در خدمت بقاء بود، اکنون بوی باروت می‌دهد.

هم‌زمان، خراشیدن چهره کاخ گلستان و سایر ابنیه کهن ملی، حکایت از یک نیهیلیسم تاریخی دارد؛ متجاوز با تهاجم به حافظه فرهنگی ملت، در پی «بی‌تاریخ کردن» ملیت ایرانی است. این تهاجم، نقض فاحش کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه (حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ) است؛ اقدامی که در دکتترین حقوقی، از آن به‌عنوان «جنایت علیه میراث مشترک بشریت» یاد می‌شود.

همچنین، تهدید و آسیب به نیروگاه اتمی

بوشهر و زیرساخت‌های انرژی، نقض فاحش ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های ژنو است. از منظر «حق بر حیات و بقای ملی»، حمله به زیرساخت یعنی فلج‌کردن زیست روزمره و حمله به نفس زندگی شهروندان. این اقدامات، مصداق بارز «تروریسم زیست‌محیطی» و تلاش برای سلب حق بر توسعه است. در فلسفه حقوق، حاکمیت، در توان دولت برای تأمین امنیت زیستی تجلی می‌یابد و فلج‌کردن شبکه‌های انرژی، حمله به «رگ‌های تپنده حاکمیت» است. اما فاجعه، تنها در تخریب‌ها خلاصه

“

امروز، قلم و کلامی دادگستری، سلاح بران عدالتی است که نباید در نیام سکوت بماند. بر اصحاب حق و عدل تکلیف است که با «جهاد قلم»، غبار تحریف را از چهره حقیقت بزایند و با تبیین عالمانه، پژواک مظلومیت ملتی باشند که اراده‌اش با ترور و وحشت، سست نخواهد شد. این «جهاد تبیین»، زکات دانشی است که باید در خدمت صیانت از آرمان‌های ملی و افشای چهره کریه استکبار قرار گیرد

”



این حضور سلطه‌جویانه، نه یک ضرورت امنیتی، که تکوین کانون‌های مولد آشوب و نقض آشکار حقوق ملت‌هاست. این تخاصم عریان و سکوت مصلحت‌اندیشانه، هر دو در حافظه تاریخی دنیا حک خواهند شد؛ تاریخی که روزی شهادت خواهد داد چگونه در بزنگاه تهاجم به هویت و حریت، برخی نظاره‌گر بودند و برخی دیگر، خانه خود را به زرادخانه دشمن بدل کردند.

■ بخش سوم: راهبرد دفاعی

در این میانه، وقتی تعرّض، هم‌زمان، جان غیرنظامیان، حرمت مراکز آموزشی، درمانی و مصونیت ارکان یک سرزمین را نشانه می‌رود، تبیین حقوقی «دفاع مشروع» بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، نه یک انتخاب سیاسی، که تجلی

نمی‌شود؛ فاجعه اصلی در «سکوت‌کرکننده» و انفعال نظام‌مندی می‌باشد که وجدان حقوقی جهان را بلعیده است. امروز، غرب در ترازوی اخلاق، با بحرانی روبه‌رو می‌باشد که تمامی ادعاهای حقوق بشری‌اش را به چالش می‌کشد. این سکوت مجامع بین‌المللی، نه یک بی‌طرفی ساده، که نوعی «همدستی پنهان» در جنایت است و تلخ‌تر از آن، نقش همسایگانی می‌باشد که جغرافیای خود را به دروازه‌ای برای هجوم متجاوز بدل کرده‌اند. کشورهایی در حوزه خلیج فارس، با میزبانی از پایگاه‌های نظامی آمریکا، عملاً نقش همسایگی بیرون آمده و در قامت «شریک جرم» ظاهر شده‌اند. آن‌ها باید بدانند که استقرار پایگاه‌های قدرت‌های مداخله‌گر، بستر ساز بی‌ثباتی نهادینه و تکثیر بحران در جغرافیای منطقه است و تداوم

حق اصیل صیانت از نفس و یک «ضرورت هستی‌شناختی» می‌باشد. وظیفه ما وکلای دادگستری است که این شکوه زخمی و صلابت جریحه‌دارشده را از صحن تاریخ به ساحت دادخواهی مقتدرانه پیوند بزنیم. اکنون ما وکلاء از طریق مدیریت راهبردی حقوقی، در پی دو مقصودیم:

نخست: پیگرد قضائی مسببان تصمیم‌ساز و عاملان تجاوز و کلیه مبادی ذی‌مدخل؛ مستندسازی جنایات جنگی جهت تعقیب قضائی از طریق سازوکارهای ترافعی بین‌المللی «در محاکم داخلی و خارجی».

دوم: مطالبه خسارات سنگین و غرامات بازدارنده تا با تحمیل هزینه‌های پیشیمان‌کننده بر ساختار سیاسی و اقتصادی متجاوز بهای هر خراش بر پیکره این مرزوبوم، از دولت‌های جهان‌خوار و متجاوز ستانده شود.

■ ره‌آورد: جنبش قلم در پیشگاه حقیقت

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»
این واقعه، آزمون وجدان حقوق بین‌الملل است.

ما بر این باوریم که در غیاب عدالت جهانی، انسانیت عاری از معنا گشته است. تهاجم به ایران، تکرار همان تراژدی مستمری می‌باشد که سال‌ها قلب غزه، لبنان و فلسطین را نشان گرفته است؛ اگر این طغیان بی‌پاسخ بماند، حقوق از جایگاه فرمان به مرتبه توصیه سقوط می‌کند. ما در کنار مدافعان غیور مرزها، پیمان

بسته‌ایم که نگذاریم خون پاک عزیزانمان، در هزارتوی انقیاد مرجعیت‌های نمادین و بن‌بست ساختارهای صلب و بوروکراتیک بین‌المللی پایمال شود. این کیفرخواستی علیه سکوت همدستانه است.

از این‌رو، وظیفه ماست که با تکیه بر «حقانیت مقتدرانه» خویش، مظلومیت این مرزوبوم را به «فریادی استوار» در پیشگاه وجدان جمعی بشریت بدل کنیم.

ما به یک «رستاخیز حقوقی» محتاجیم تا قواعد را از انفعال برهانیم. با سلاح قانون و منطق حق، تا مجازات نهایی و جبران کامل، ایستاده‌ایم. این ایستادگی، پاسداری از آخرین سنگ‌های اخلاق در جهان معاصر می‌باشد که شرافت را به مسلخ منفعت فرستاده است. امروز، قلم وکلای دادگستری، سلاح بزان عدالتی است که نباید در نیام سکوت بماند. بر اصحاب حق و عدل تکلیف است که با «جهاد قلم»، غبار تحریف را از چهره حقیقت بزدایند و با تبیینی عالمانه، پژواک مظلومیت ملّتی باشند که اراده‌اش با ترور و وحشت، سست نخواهد شد. این «جهاد تبیین»، زکات دانشی است که باید در خدمت صیانت از آرمان‌های ملی و افشای چهره‌گریه استکبار قرار گیرد.

الیوم، قلم وکیل باید روایتگر ایستادگی باشد. ما بر این باوریم که نگارش حقیقت، امتداد خون شهیدان است و وکلای آزاده با تبیین حقوقی این شبیخون، اجازه نمی‌دهند ظالم و مظلوم در پیشگاه تاریخ جابه‌جا شوند.

ابعاد حقوقی میزبانی از عملیات نظامی علیه دولت ثالث

مهدی حسینی بلوچی

وکیل دادگستری

براین اساس، مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان عمدتاً بر چند موضوع استوار است: نخست «کمک و معاونت» که در ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها بازتاب یافته است و مقرر می‌دارد، هر دولتی که «دانسته» به دولت دیگر در ارتکاب فعل بین‌المللی متخلفانه کمک کند، خود مسئول خواهد بود. دانستن صرفاً به آگاهی رسمی یا اطلاع‌رسانی مستقیم وابسته نیست، بلکه معیار «دانستن» یا «باید دانستن» که در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده، ناظر به آگاهی احتمالی نیز است. بنابراین اگر دولت میزبان بر اساس ماهیت مأموریت‌های نیروهای خارجی، گزارش‌های عمومی، رویه‌های عملیاتی گذشته یا اطلاعات امنیتی در دسترس، باید می‌دانست استفاده از قلمرو او با نقض قواعد بنیادینی چون منع توسل به زور همراه خواهد بود، عنصر ذهنی کمک برای انتساب مسئولیت تحقق می‌یابد. ضمناً در تشخیص مسئولیت دولت‌های میزبان، میزان مؤثر بودن کمک آن‌ها در تسهیل نقض قوانین بین‌المللی اهمیت دارد. نقش دولت میزبان نظیر فراهم‌سازی پایگاه، اجازه استفاده از باند پرواز، حمایت اطلاعاتی و حتی اجازه عبور هوایی، همگی می‌توانند مصداق کمک مؤثر باشند؛ زیرا عملیات بدون آن‌ها ممکن نمی‌بود یا

مسئله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال استفاده سایر دولت‌ها از قلمرو آنان برای انجام عملیات نظامی، در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز حقوق بین‌الملل تبدیل شده، زیرا ساختار همکاری‌های دفاعی، استقرار پایگاه‌های فرامرزی و افزایش عملیات‌های نظامی، الگوهای سنتی انتساب و مفهوم رفتار دولت را به چالش کشیده است. در چنین وضعیتی، نقش دولت میزبان صرفاً به اعطای اجازه استقرار یا انعقاد توافقات دفاعی محدود نمی‌شود، بلکه میزان آگاهی، نظارت، کنترل و حتی ظرفیت آن دولت برای جلوگیری از سوءاستفاده از قلمرو خود، بخشی از عناصر تحلیل حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شود. به همین دلیل، مفهوم «دولت پلتفرم» در ادبیات حقوقی اهمیت یافته است و نشان می‌دهد که دولت میزبان، ولو بدون مشارکت مستقیم از طریق فراهم‌سازی بستر عملیاتی، سوخت‌رسانی، دسترسی به زیرساخت‌ها، تسهیل لجستیکی و اطلاعاتی یا اعطای قلمرو یا پایگاه، می‌تواند در شکل‌گیری مسئولیت بین‌المللی سهیم باشد.





هزینه و زمان اجرای آن به طور چشمگیری افزایش می‌یافت. علاوه تجاوزه نظامی اخیر به ایران در مواردی چون عملیات نظامی علیه عراق یا افغانستان، پایگاه‌های منطقه‌ای نقشی حیاتی در هماهنگی، پشتیبانی و اجرای مأموریت‌ها ایفاء کرده‌اند که موضوع «کمک مؤثر» را تقویت می‌کند.

موضوع مهم دیگر، «تعهد مراقبت لازم» است که برخلاف کمک و معاونت، حتی در نبود قصد یا آگاهی، دولت‌ها را مکلف می‌کند از قلمرو خود برای اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل جلوگیری کنند. این تعهد، ماهیتی پیشگیرانه دارد و ناظر بر آن است که دولت‌ها باید اقدامات معقول، متناسب و متعارفی برای رصد فعالیت‌های نیروهای خارجی اتخاذ کنند؛ اقداماتی از قبیل ایجاد نهاد مشترک نظارت، کسب دسترسی اطلاعاتی، ارزیابی ریسک عملیات و تنظیم سازوکارهای کنترلی در توافقات نظامی. نکته مهم این است که تعهد مراقبت لازم، نه‌تنها یک تعهد قراردادی، بلکه تعهدی عرفی است؛ بنابراین دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به توافقات دو یا حتی چندجانبه، خود را از اجرای آن مبرا کنند. حتی توافقاتی که کنترل عملیاتی را کاملاً به دولت خارجی می‌سپارند، دولت میزبان را از مسئولیت احتمالی نمی‌رهانند، زیرا اصل اساسی حقوق بین‌الملل این است که دولت نمی‌تواند با توافق، از زیر بار تعهدات عرفی بین‌المللی

شانه خالی‌کند.

مطالعه وضعیت پایگاه‌های نظامی خارجی در خاورمیانه نشان می‌دهد ادعای عدم اطلاع یا کمک مؤثر دول میزبان نمی‌تواند موجه باشد. سوابق عملیات‌های منطقه‌ای، حجم بالای پروازها، نقش پایگاه‌ها در سوخت‌رسانی، ارتباطات الکترونیکی، همکاری‌های اطلاعاتی، حضور دائمی نیروها و حتی سابقه مخاصمات و درگیری‌های سیاسی، سطح آگاهی و باید دانستن دولت میزبان را تقویت می‌کند. حتی وقتی دولت میزبان از گزارش‌دهی کامل نیروهای خارجی مطمئن نیست، شرایط عینی عملیات معمولاً این سطح از عدم اطلاع را غیرقابل قبول می‌کند.

بنابراین از یک‌سو، هرچه واقعیت‌های موجود برای آگاهی دولت میزبان

دولت میزبان، پایگاه‌های نظامی و بدون مشارکت مستقیم از طریق فراهم‌سازی بستر عملیاتی، سوخت‌رسانی، دسترسی به زیرساخت‌ها، تسهیل لجستیکی و اطلاعاتی یا اعطای قلمرو یا پایگاه، می‌تواند در شکل‌گیری مسئولیت بین‌المللی سهیم باشد



باید راهبردی فعالانه‌تر در مدیریت ریسک نقض تعهدات بین‌المللی اتخاذ کنند. گنجاندن شروط محدودکننده در توافقات دفاعی، ایجاد نهادهای نظارت مشترک، تعیین حدود روشن عملیات مجاز و نامجاز، الزام نیروهای خارجی به گزارش‌دهی منظم، و پذیرش سازوکارهای منطقه‌ای برای مدیریت پایگاه‌ها، ابزارهایی هستند که می‌توانند ریسک مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان را کاهش دهند.

در نهایت، به نظر می‌رسد دولت‌ها نه تنها مسئول اعمال مستقیم خویش‌اند، بلکه مسئول پیامدهایی هستند که از اجازه‌دادن به دیگران، برای استفاده از قلمرو یا امکاناتشان ناشی می‌شود؛ واقعیتی که اهمیت بازنگری در سیاست‌گذاری دفاعی و تنظیم توافقات نظامی را دوچندان می‌سازد.

بیشتر باشد و شدت نقض به قواعد آمره نزدیک‌تر شود، آستانه مسئولیت تقویت می‌شود و از سویی دیگر، هرچه میزان کنترل عملیاتی دولت میزبان بر دول متخاصم کاهش یابد و نظارت مؤثر وجود نداشته باشد، احتمال قصور در اجرای تعهد مراقبت لازم بیشتر است.

همچنین هرچه زیرساخت‌های ارائه‌شده نقش حیاتی‌تری در عملیات داشته باشند، کمک مؤثر آسان‌تر احراز می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل معاصر، دولت میزبان را نه یک تابع منفعل، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از پیکره مسئولیت ناشی از عملیات نظامی می‌داند.

براین اساس، باید نظم حقوقی بین‌المللی به سمت تقویت «تعهدات پیشگیرانه» تابعان حرکت کند و دولت‌هایی که قلمرو یا امکانات در اختیار دیگران قرار می‌دهند،



تحلیل ابعاد حقوق بین‌الملل در قبال تجاوز علیه ایران

سیدجمال حیدری

وکیل دادگستری
پژوهشگر دکترای حقوق خصوصی

تعلیق کند (ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات، ۱۹۶۹). دوم، نقض این قاعده موجد تعهدات (Erga Omnes) است؛ یعنی تمامی دولت‌های جامعه بین‌المللی، ذی‌نفع در اجرای آن محسوب می‌شوند و حق دارند در برابر ناقض واکنش نشان دهند. دیوان در قضیه بارسلونا تراکشن (۱۹۷۰) این مفهوم را به روشنی تبیین کرد.

۲. تعریف تجاوز و احراز آن در وضعیت ایران
قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی (۱۹۷۴) که امروز واجد ارزش حقوق عرفی است، تجاوز را «استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر» تعریف می‌کند. ماده ۸ مکرر اساسنامه رم (الحاقی ۲۰۱۰، لازم‌الاجراء ۲۰۱۸) این تعریف را با افزودن عنصر «آشکاربودن نقض منشور» (Manifest Violation) تکمیل کرده است. احراز تجاوز مستلزم اثبات سه عنصر انباشته است:
عنصر مادی (Actus Reus): وقوع عمل مسلحانه در یکی از مصادیق مندرج در ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴، از جمله تهاجم زمینی، بمباران هوایی یا موشکی، محاصره، حمله به نیروهای مسلح، یا اعزام گروه‌های مسلح نیابتی.
عنصر معنوی (Mens Rea): قصد

تجاوز مسلحانه به‌عنوان شدیدترین نقض قواعد امره حقوق بین‌الملل، نه تنها موجد مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز است، بلکه در پرتو تحولات اساسنامه رم، وصف کیفی فردی نیز دارد. این یادداشت با رویکردی تحلیلی-انتقادی، ابعاد چندگانه تجاوز علیه ایران را از منظر حقوق بین‌الملل عرفی، معاهداتی و رویه قضائی بین‌المللی واکاوی و ظرفیت‌های موجود برای احقاق حقوق ایران را ارزیابی می‌کند.

۱. مبانی هنجاری: از اصل منع توسل به زور تا قاعده امره

اصل منع توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، امروزه فراتر از یک تعهد معاهداتی، جایگاه قاعده امره (Jus Cogens) را احراز کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری، در رأی مشورتی تهدید با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) و رأی توافقی نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، به صراحت بر این وصف تأکید کرده است. ماهیت امره این قاعده دو پیامد حقوقی بنیادین دارد:
نخست، هیچ معاهده، توافق یا اعلامیه‌ای نمی‌تواند آن را نقض یا



قابل اجراء؛
 ■ جبران کامل خسارت (ماده ۳۱): شامل Restitution (اعاده وضع به حالت سابق)، Compensation (غرامت مالی برای خسارات مادی و معنوی قابل ارزیابی) و Satisfaction (اعلام رسمی نقض، عذرخواهی دولتی، محاکمه مسئولان)؛
 ■ تعهدات ناشی از نقض قواعد آمره (ماده ۴۱): سایر دولت‌ها موظف‌اند که وضعیت ناشی از تجاوز را به رسمیت نشناسند و تداوم آن مشارکت نکنند.

۴. حق دفاع مشروع: قلمرو و محدودیت‌ها
 ماده ۵۱ منشور، حق ذاتی (Inherent Right) دفاع مشروع را در برابر «حمله مسلحانه» (Armed Attack) به رسمیت می‌شناسد. دیوان در نیکاراگوئه، میان «حمله مسلحانه» و «استفاده از زور» تمایز قائل شد و تنها نوع اول را مجوز دفاع

ارتکاب عمل مسلحانه، با علم به ماهیت تجاوزکارانه آن؛ این عنصر در سطح رهبری سیاسی و نظامی دولت متجاوز باید احراز شود.
 عنصر آستانه (Threshold): عمل ارتكابی باید به لحاظ ماهیت، شدت و مقیاس، «آشکارترین نقض منشور» را تشکیل دهد؛ معیاری که دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر ماده ۸ مکرر بر آن تأکید دارد.

۳. رژیم مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز
 مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها (ARSIWA ۲۰۰۱)، که امروز بازتاب‌دهنده حقوق عرفی است، چارچوب جامعی برای مطالبه حقوق ایران فراهم می‌آورد.

۱-۳. انتساب عمل به دولت
 عمل تجاوزکارانه باید به دولت منتسب باشد. این انتساب، می‌تواند از طریق ارگان‌های رسمی دولت (ماده ۴)، اشخاص یا نهادهایی که اختیارات دولتی را اعمال می‌کنند (ماده ۵)، یا گروه‌هایی که تحت کنترل مؤثر (Effective Control) دولت عمل می‌نمایند (ماده ۸ و معیار دیوان در نیکاراگوئه) صورت پذیرد.

۲-۳. محتوای مسئولیت
 مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز در برابر ایران واجد سه لایه است:
 ■ توقف و عدم تکرار (ماده ۳۰): تکلیف فوری و غیرمشروط به توقف اقدامات تجاوزکارانه و ارائه تضمین‌های معتبر و

ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت یا دولت‌های عضو، مسیر تعقیب کیفری مسئولان تجاوز را هموار می‌سازد. این مسیر اگرچه طولانی است، اثر بازدارنده و اعتباری بی‌بدیلی دارد



مشروع دانست.

اعمال مشروع این حق مستلزم رعایت معیارهای انباشته ذیل است:

■ ضرورت (Necessity): نبود راه حل مسالمت آمیز مؤثر و کافی؛

■ تناسب (Proportionality): محدود بودن واکنش به دفع حمله، نه مجازات یا انتقام؛

■ فوریت (Immediacy): عدم تأخیر غیرموجه در اقدام دفاعی؛

■ گزارش دهی به شورای امنیت: تکلیف فوری اطلاع رسانی به شورا پس از اقدام دفاعی؛

در خصوص دفاع مشروع پیشگیرانه (Anticipatory Self-Defence)،

اختلاف نظر جدی در دکتترین وجود دارد؛ اما دفاع مشروع پیش دستانه (Pre-

emptive Self-Defence) که ایالات متحده پس از ۲۰۰۱ مطرح کرد، فاقد پایه حقوقی معتبر در حقوق بین الملل است.

۵. مسئولیت کیفری فردی: جنایت تجاوز

با لازم الاجراء شدن اصلاحیه کامپالا (۲۰۱۸)، دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز را یافته است. این جنایت دو وجه متمایز دارد:

وجه دولتی: وقوع عمل تجاوز توسط دولت (عنصر پیش شرط).

وجه فردی: ارتکاب عمل توسط شخصی که «در موضع کنترل یا هدایت اقدامات سیاسی یا نظامی دولت» قرار دارد.

اهمیت این مسیر در آن است که مصونیت دیپلماتیک و دولتی، مانع تعقیب کیفری نمی شود (ماده ۲۷ اساسنامه رم) و مرور زمان در جنایات بین المللی جاری نیست.

۶. حقوق بین الملل بشردوستانه: تکالیف مطلق در مخاصمه

کنوانسیون های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل های الحاقی (۱۹۷۷)، تکالیفی را مقرر می کنند که حتی در غیاب معامله متقابل (Reciprocity) لازم الرعایه اند:

■ اصل تفکیک (Distinction): تمایز مطلق میان رزمندگان و غیرنظامیان

■ اصل تناسب (Proportionality): ممنوعیت خسارات جانبی غیرمتناسب

■ اصل احتیاط (Precaution): اتخاذ تمامی تدابیر ممکن برای کاهش آسیب به غیرنظامیان

■ ممنوعیت مطلق: شکنجه، گروگان گیری، حمله به اهداف فرهنگی و بهداشتی

نقض این تکالیف، جنایت جنگی محسوب می شود و تحت اصل صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction)، در هر دادگاه ملی یا بین المللی قابل تعقیب است. مستندسازی منظم این نقض ها از طریق گزارش های حقوق بشری، شهادت شهود و ادله دیجیتال، پیش شرط موفقیت در هر مرجع بین المللی است.

۷. سازوکارهای احقاق حق: ارزیابی راهبردی

۱-۷. دیوان بین المللی دادگستری

کیفری فردی مسئولان آن، و تعهدات Erga Omnes برای تمامی جامعه بین‌المللی می‌باشد. بهره‌گیری هوشمندانه از این ظرفیت‌ها، مستلزم سه رکن راهبردی است: مستندسازی منظم و حرفه‌ای نقض‌ها از همان لحظه وقوع، انسجام میان دیپلماسی حقوقی و سیاست خارجی و مشارکت فعال جامعه حقوقی در تدوین استراتژی ملی احقاق حق. کانون وکلای دادگستری به‌عنوان نهاد مستقل حرفه‌ای، ظرفیت و مسئولیت محوری در این مسیر دارد و این یادداشت گامی کوچک در ادای همین تکلیف ملی حرفه‌ای است.

■ منابع و مأخذ

اسناد بین‌المللی

۱. منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، به‌ویژه مواد ۲(۴) و ۵۱
۲. کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، ماده ۵۳
۳. قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۷۴) - تعریف تجاوز
۴. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم، ۱۹۹۸)، ماده ۸ مکرر
۵. اصلاحیه کامپالا اساسنامه رم (۲۰۱۰)، لازم‌الاجراء (۲۰۱۸)
۶. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷)
۷. مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (ARSIWA، ۲۰۰۱)

ایران سابقه موفقی در این مرجع دارد. در قضیه اموال ایرانی علیه ایالات متحده (۲۰۲۳)، دیوان صلاحیت خود را احراز کرد و به نفع ایران رأی داد. پایه‌های صلاحیتی قابل استناد عبارت‌اند از: معاهدات دوجانبه لازم‌الاجراء، کنوانسیون وین روابط دیپلماتیک و کنسولی، و اعلامیه اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری.

۲-۷. دیوان کیفری بین‌المللی

ارجاع وضعیت توسط شورای امنیت یا دولت‌های عضو، مسیر تعقیب کیفری مسئولان تجاوز را هموار می‌سازد. این مسیر اگرچه طولانی است، اثر بازدارنده و اعتباری بی‌بدیلی دارد.

۳-۷. مراجع داوری بین‌المللی

برای مطالبه خسارات اقتصادی، مراجع داوری بر اساس قواعد آنسیترال، ICSID یا داوری موردی ظرفیت‌های قابل‌توجهی دارند.

۴-۷. سازوکارهای غیرقضائی

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، گزارشگران ویژه سازمان ملل، و نهادهای حقوق بشری می‌توانند در مستندسازی، ایجاد فشار سیاسی و آماده‌سازی پرونده برای مراجع قضائی نقش مکمل ایفاء کنند.

■ نتیجه‌گیری

تجاوز علیه ایران نه تنها نقض فاحش منشور ملل متحد و قواعد آمره حقوق بین‌الملل است، بلکه موجب مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز، مسئولیت



Commentaries (Cambridge University Press, 2002)

16. Dinstein, Yoram, War, Aggression and Self-Defence, 6th ed. (Cambridge University Press, 2017)

17. Gray, Christine, International Law and the Use of Force, 4th ed. (Oxford University Press, 2018)

18. Cassese, Antonio, International Criminal Law, 3rd ed. (Oxford University Press, 2013)

19. Henckaerts, Jean-Marie & Doswald-Beck, Louise, Customary International Humanitarian Law (ICRC/ Cambridge University Press, 2005)

20. Shaw, Malcolm N., International Law, 8th ed. (Cambridge University Press, 2017)

21. Wilmshurst, Elizabeth (ed.), International Law and the Classification of Conflicts (Oxford University Press, 2012)

مقالات فارسی

۲۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین‌الملل عمومی»، چاپ هفدهم (گنج دانش، ۱۴۰۰)

۲۳. موسوی‌زاده، رضا، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» (میزان، ۱۳۹۸)

۲۴. آقای، بهمن، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل معاصر» (دادگستر، ۱۳۹۷)

آرای دیوان بین‌المللی دادگستری

8. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986

9. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), Second Phase, Judgment, I.C.J. Reports 1970

10. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996

11. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005

12. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2023

13. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2003

کتاب و مقالات تخصصی

14. Brownlie, Ian, International Law and the Use of Force by States (Oxford University Press, 1963)

15. Crawford, James, The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and

بررسی حقوقی تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران در چارچوب حقوق بین الملل

مهدی خسروی تازه قشلاق

وکیل دادگستری

است؛ از جمله حمله به مناطق مسکونی و همچنین فاجعه‌ای که در جریان آن، مدرسه‌ای در میناب هدف حمله قرار گرفت و شماری از کودکان بی‌گناه جان خود را از دست دادند. چنین رویدادهایی، در صورت احراز انتساب به نیروهای مهاجم، پیامدهای حقوقی مهمی در چارچوب حقوق بین‌الملل خواهند داشت.

بر اساس تعریف قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۴)، تجاوز عبارت است از «استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر». این قطعنامه حمله نیروهای مسلح به قلمرو دولت دیگر، بمباران سرزمین یک کشور و تخریب زیرساخت‌ها و تأسیسات آن را به‌عنوان نمونه‌های بارز عمل تجاوزکارانه معرفی می‌کند. با توجه به این معیارها، حملات نظامی مستقیم یا غیرمستقیم علیه خاک ایران، در صورت فقدان مجوز شورای امنیت و خارج از چارچوب دفاع مشروع، می‌تواند در چارچوب مفهوم حقوقی «تجاوز» تحلیل شود.

افزون بر نقض اصل منع توسل به زور، این اقدامات از نظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز قابل بررسی است.

اصل منع توسل به زور، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل معاصر، در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد تصریح شده است. بر اساس این اصل، تمامی دولت‌ها موظف‌اند از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌های دیگر خودداری کنند. این قاعده، امروزه در زمره قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار گرفته و نقض آن نه‌تنها تخلفی عادی در روابط بین‌المللی، بلکه تعرضی به یکی از ارکان اساسی نظم حقوقی بین‌المللی تلقی می‌شود.

در این چارچوب، حملات نظامی انجام‌شده توسط ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از منظر حقوق بین‌الملل ارزیابی دقیق کرد. گزارش‌ها و شواهد موجود حاکی از آن است که این حملات، نه‌تنها برخی اهداف نظامی و صنعتی را هدف قرار داده، بلکه در مواردی به تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی و وقوع تلفات در میان جمعیت غیرنظامی نیز منجر شده



حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل تبلور یافته، در پی محدودکردن آثار مخاصمات مسلحانه بر غیرنظامیان و اموال غیرنظامی است. یکی از اصول بنیادین این نظام حقوقی، اصل تفکیک (Principle of Distinction) می‌باشد. بر اساس این اصل، طرف‌های مخاصمه موظف‌اند در عملیات نظامی میان اهداف نظامی مشروع و اشخاص و اموال غیرنظامی، تمایز قائل شوند و از حمله به جمعیت غیرنظامی و زیرساخت‌های غیرنظامی خودداری کنند.

حمله به مدارس، مناطق مسکونی و سایر اماکن غیرنظامی، چنانچه فاقد هرگونه کاربری نظامی باشند، از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع تلقی می‌شود. در این چارچوب، هدف‌فرارگرفتن مدرسه‌ای در میناب و کشته‌شدن کودکان غیرنظامی، در صورت اثبات عمدی بودن یا بی‌مبالاتی شدید در انتخاب هدف، می‌تواند مصداق نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب شود. همچنین حملات علیه منازل مسکونی که به تلفات غیرنظامیان منجر می‌شود، می‌تواند در تعارض با تعهدات مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه قرارگیرد.

اصل تناسب نیز از دیگر قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه است. بر اساس این اصل، حتی در صورتی که یک هدف نظامی

مشروع مورد حمله قرارگیرد، اگر بیش‌بینی شود که خسارات جانبی به غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی بیش از حد و نامتناسب با مزیت نظامی مورد انتظار خواهد بود، چنین حمله‌ای ممنوع تلقی می‌شود. بنابراین حملاتی که منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی و آسیب شدید به زندگی روزمره جمعیت غیرنظامی می‌شود، باید از منظر رعایت یا عدم رعایت این اصل بررسی حقوقی شود.

علاوه بر این، تهدید یا تخریب زیرساخت حیاتی نظیر تأسیسات تولید و انتقال برق، شبکه‌های آبرسانی و سایر زیرساخت‌های اساسی، می‌تواند پیامدهای انسانی گسترده‌ای برای

“

حملات نظامی ایالات
متحدۀ آمریکا و اسرائیل
علیه ایران، به‌ویژه در
مواردی که به تخریب
مناطق مسکونی و
کشته‌شدن غیرنظامیان
از جمله کودکان مدرسه
میناب انجامیده، از منظر
حقوق بین‌الملل با
پرسش‌های جدی درباره
نقض اصل منع توسل به
زور، رعایت قواعد حقوق
بشردوستانه و مسئولیت
بین‌المللی دولت‌ها
مواجه است

”

مسرحانه علیه یک دولت، آن دولت حق دارد تا زمان اتخاذ اقدامات لازم از سوی شورای امنیت، از دفاع مشروع فردی یا جمعی برای دفع تجاوز استفاده کند، مشروط بر آنکه اقدامات دفاعی با اصول ضرورت و تناسب سازگار باشد.

همچنین دولت متضرر می‌تواند موضوع تجاوز و نقض قواعد حقوق بشردوستانه را در نهادهای بین‌المللی، از جمله شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مطرح کند و خواستار رسیدگی و پاسخ‌گویی دولت‌های مسئول شود. علاوه بر این، امکان پیگیری مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متجاوز و مطالبه جبران خسارات مادی و انسانی ناشی از این حملات در چارچوب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز وجود دارد.

در مجموع، حملات نظامی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به‌ویژه در مواردی که به تخریب مناطق مسکونی و کشته‌شدن غیرنظامیان از جمله کودکان مدرسه می‌ناب انجامیده، از منظر حقوق بین‌الملل با پرسش‌های جدی درباره نقض اصل منع توسل به زور، رعایت قواعد حقوق بشردوستانه و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مواجه است. بررسی دقیق این رویدادها در چارچوب قواعد و نهادهای حقوق بین‌الملل، برای حفظ اعتبار نظم حقوقی بین‌المللی و حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه اهمیت اساسی دارد.

غیرنظامیان داشته باشد. قطع گسترده برق و ازکارافتادن سیستم تأمین آب، بهداشت، حمل‌ونقل و توزیع مواد غذایی می‌تواند جامعه را با بحران‌های انسانی جدی مواجه کند و حتی زمینه‌ساز گسترش بیماری‌های واگیردار و بی‌خانمانی گسترده شود. چنین پیامدهایی، در چارچوب قواعد مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی و اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، قابل‌ارزیابی است.

در کنار مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق بین‌الملل کیفری نیز برای برخی از شدیدترین نقض‌های نظم بین‌المللی سازوکار پاسخ‌گویی پیش‌بینی کرده است. «جنایت تجاوز» در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه پس از اصلاحات کامپالا در سال ۲۰۱۰، یکی از جدی‌ترین جرایم بین‌المللی شناخته شده است. مطابق این مقررات، برنامه‌ریزی، تدارک یا اجرای عمل تجاوز توسط مقامات عالی‌رتبه سیاسی یا نظامی که توان هدایت یا کنترل اقدامات یک دولت را دارند، می‌تواند موجب مسئولیت کیفری فردی آنان در سطح بین‌المللی شود.

در چنین وضعیتی، حقوق بین‌الملل برای دولت مورد حمله ابزارهای حقوقی مشخصی پیش‌بینی کرده که مهم‌ترین آن حق ذاتی دفاع مشروع است که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد شناسایی شده است. مطابق این ماده، در صورت وقوع حمله



تبیین حقوقی تجاوز نظامی متجاوزان صهیونیست و آمریکایی علیه ایران بر پایه حقوق بین الملل

سیفاله راد

وکیل دادگستری
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

ارشد دولتی که کنترل مؤثری بر تصمیمات سیاسی و نظامی دارند، فاعل این جرم شناخته می‌شوند. در این پرونده، شخص رییس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به همراه فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، با برنامه‌ریزی قبلی دستور این تجاوز را صادر کرده‌اند.

■ عنصر مادی و معنوی: برنامه‌ریزی، تدارک و اجرای حمله مسلحانه توسط رژیم‌های مذکور، نشان‌دهنده وقوع قطعی جرم تجاوز است. این اقدام نقض آشکار اصول بنیادین منشور ملل متحد، از جمله «اصل حاکمیت و استقلال کشورها»، «اصل منع مداخله در امور داخلی» و «ممنوعیت توسل به زور علیه تمامیت ارضی» (بند ۴ ماده ۲ منشور) می‌باشد.

۲. بررسی ماهیت، شدت و گستره عمل یکی از ارکان اصلی جرم تجاوز، «شدت و گستره» آن است که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد. حمله اخیر، به دلیل هدف‌گرفتن عالی‌ترین مقام سیاسی و بمباران زیرساخت‌ها توسط یک عضو دائم شورای امنیت (آمریکا)، نه تنها ثبات منطقه، بلکه امنیت

در بامداد ۹ اسفند ۱۴۰۴ هجری شمسی، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با انجام حملات گسترده نظامی و ترور عالی‌ترین مقام رسمی کشور، رهبر معظم انقلاب، مرتکب جرایم بین‌المللی اعم از «تجاوز»، «جنایت علیه بشریت» و «مداخله نظامی غیرقانونی» در قلمرو حاکمیتی ایران شدند.

۱. تبیین جرم تجاوز بر اساس بند ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

مطابق ماده ۸ مکرر اساسنامه، جرم تجاوز عبارت است از: «برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط شخصی که به طور مؤثر بر اقدامات سیاسی یا نظامی یک دولت کنترل یا هدایت دارد و ماهیت، شدت و گستره آن، نقض فاحش منشور ملل متحد محسوب شود.»

بر اساس این تعریف، ارکان جرم مذکور در واقعاً اخیر به شرح زیر قابل تطبیق است:

■ عنصر فاعل (مرتکب): تنها مقامات





۴. تعدد جرایم؛ جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت

هرچند «تجاوز» جرمی مستقل است، اما در بطن خود منجر به وقوع جرایم دیگری نیز شده است:

■ جنایت جنگی: ترور مقامات رسمی، کشتار غیرنظامیان و حمله به اماکن غیرنظامی (مانند مدارس، بیمارستان‌ها و مجتمع‌های مسکونی)، نقض فاحش «اصل تفکیک» در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مصداق بارز جنایات جنگی است.

■ جنایت علیه بشریت: با توجه به گستردگی و سازمان‌یافته بودن حملات علیه جمعیت غیرنظامی، این اقدامات تحت عنوان جنایت علیه بشریت نیز قابل تعقیب در محافل بین‌المللی خواهد بود.

جهانی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی با چالشی بی‌سابقه مواجه کرده است.

۳. تطبیق با مصادیق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی

بند ۲ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان، با ارجاع به قطعنامه ۳۳۱۴ (مصوب ۱۹۷۴)، هفت مصداق برای تجاوز برمی‌شمارد. «بمباران سرزمین یک کشور» و «کاربرد نیروی مسلح علیه حاکمیت و تمامیت ارضی دیگری»، از بارزترین مصادیق تطبیق‌یافته در این حمله است. طبق ماده ۵ این قطعنامه، هیچ‌گونه ملاحظه سیاسی، اقتصادی یا نظامی نمی‌تواند توجیه‌گر عمل تجاوز باشد.



تأملی بر چالش‌های تقنینی و اجرایی قانون تشدید مجازات جاسوسی ۱۴۰۴

مهسا رحمانیان
کارآموز وکالت

مؤثر بازدارنده عمل می‌کند. این رویکرد، به‌ویژه در مقابله با جرایم سازمان‌یافته و شبکه‌هایی که انگیزه‌های مالی در بطن اقداماتشان قرار دارد، حائز اهمیت است و امکان ضربه‌زدن به منابع مالی دشمن را تسهیل می‌بخشد. الحاق این کیفر به مجازات اعدام، سطح بازدارندگی را به طور قابل توجهی افزایش داده و در جهت ممانعت از ارتکاب جرایم جاسوسی تلاش کرده است.

با این همه، پیوند دادن مجازات مصادره کل اموال به اعدام، به‌رغم ظاهر قاطع و بازدارنده خود، چالش‌های جدی را در مقام اجراء به همراه دارد. این رویکرد، اعمال اصل بنیادین تناسب جرم و مجازات را محدود می‌سازد؛ چراکه در بسیاری از پرونده‌های عملی، میزان خسارت وارده یا منفعت حاصل از جرم، ممکن است با مصادره کل اموال، تناسب لازم را نداشته باشد. این وضعیت می‌تواند به اتخاذ رویکردهای تفسیری در تناقض با مَر قانون و در مقام اجراء منجر شود. از سوی دیگر هرچند قانونگذار با استناد به تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، تلاش کرده است تا با مستثنا کردن هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل وی، از شدت این مجازات بکاهد، اما ابهامات موجود

جاسوسی، به‌ویژه در مقتضیات پیچیده معاصر و در مواجهه با تهدیدات چندوجهی، نیازمند چارچوب‌های تقنینی قاطع، شفاف و با قابلیت اعمال مؤثر است. قانون تشدید مجازات جاسوسی مصوب ۱۴۰۴، به‌عنوان یکی از ابزارهای بنیادین در راستای ارتقای قابلیت‌های قانونی مقابله با این جرم، با وجود نوآوری‌ها و رویکردهای بازدارنده خود، در معرض تحلیل‌های عمیق‌تر در خصوص جنبه‌های تقنینی و اجرایی قرار دارد. این مقاله، با رویکردی علمی و هدف ارزیابی سازنده، ضمن برجسته‌سازی نوآوری‌های قانونی و مؤلفه‌های بازدارنده این قانون، موانع احتمالی در مسیر اجرای صحیح، عادلانه و کارآمد آن را شناسایی و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه می‌کند.

یکی از نوآوری‌های برجسته در ساختار تقنینی قانون ۱۴۰۴، توجه به وضعیت خاص حقوقی دوران منازعه و ضرورت تدوین ابزارهای قانونی متناسب با الزامات این دوران است. در این راستا، مجازات مصادره اموال، فراتر از کارکرد صرف جبران خسارت، به مثابه یک ابزار مستقل و



قضائی جهت رفع این ابهام است. یکی از نقاط قابل تأمل در قانون تشدید مجازات جاسوسی ۱۴۰۴، تفاوت در رویکرد تقنینی میان دو ماده کلیدی آن است. ماده ۱، هرگونه اقدام عملیاتی را که در راستای منافع کلیه دول متخاصم صورت گیرد، حتی بدون شرط حصول نتیجه مشخص (مانند وارد کردن خسارت یا کسب منفعت برای دشمن)، مشمول اشد مجازات‌ها از جمله صادره کل اموال و اعدام قرار داده است. این رویکرد، ماهیت پیشگیرانه و بازدارنده قانون را برجسته می‌سازد و هرگونه همکاری عملیاتی با دشمنان را، فارغ از موفقیت یا عدم موفقیت آن، جرم‌انگاری می‌کند.

در تعریف «متعارف» و تعیین معیارهای دقیق برای این استثنائات، همچنان فضای تفسیر و اعمال سلیقه را فراهم می‌آورد و ضرورت شفاف‌سازی بیشتر را ایجاب می‌کند.

قانون تشدید مجازات جاسوسی ۱۴۰۴، همچنین با ابهاماتی در خصوص «محدوده اجرائی حکم مصادره اموال» مواجه است. نکته کلیدی در این زمینه، تعیین محل قرارگیری اموال مورد حکم است. آیا دامنه شمول این قانون، صرفاً به اموال واقع در قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران محدود شده یا اموال متعلق به مجرم در خارج از حوزه قضائی ایران را نیز دربرمی‌گیرد؟ در صورت فقدان سازوکارهای حقوقی بین‌المللی کارآمد و یا معاهدات دوجانبه برای شناسایی، توقیف و انتقال اموال از حوزه‌های قضائی خارجی، اجرای مؤثر حکم مصادره در مورد اموال واقع در خارج از کشور، عملاً با موانع جدی اجرائی مواجه خواهد شد. لیکن در صورت فراهم کردن سازوکارهای مرتبط و برقراری روابط متقابل با سایر کشورها، می‌توان آسیب جدی‌تری به مخلین امنیت ملی وارد و بازدارندگی قوی‌تری ایجاد کرد. لذا این خلأ تقنینی، ظرفیت قانون را در ضربه‌زدن به منابع مالی دشمنان یا شبکه‌های جاسوسی که بخش قابل‌توجهی از دارایی‌های خود را در خارج از کشور متمرکز کرده‌اند، محدود ساخته است که نیازمند توجه ویژه از سوی مقنن و مقامات

“

تدوین دستورالعمل‌های اجرائی شفاف برای قضات و ضابطان قضائی، به‌ویژه درباره نحوه اجرای مجازات مصادره با در نظر گرفتن محل اموال و رعایت اصل تناسب، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه شناسایی و توقیف اموال مجرمان، از جمله راهکارهای اجرائی مهم برای افزایش کارآمدی قانون در وضعیت پیچیده کنونی خواهد بود

”



در مقابل ماده ۲، که به طور خاص به اقدامات در راستای منافع رژیم صهیونیستی می‌پردازد، رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است. در این ماده، اقدامات «امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی و فناوریانه» به‌رغم اهمیت بالقوه خود، برای اعمال اشد مجازات، مشروط به حصول نتایج خاصی مانند «تحکیم، مشروعیت‌بخشی، یا هرگونه منفعت ملموس برای آن رژیم» شده‌اند. این شرط‌گذاری، یک تناقض ظاهری در نظام مجازات‌گذاری ایجاد می‌کند؛ چراکه اقدامات علیه یکی از مشخص‌ترین دشمنان، برای اعمال مجازات‌های سنگین‌تر، نیازمند اثبات تحقق نتیجه است، درحالی‌که در مورد کلیت «دول متخاصم»، هرگونه اقدام عملیاتی حتی بدون حصول نتیجه قطعی، مشمول همان مجازات‌ها قرار می‌گیرد. این تفاوت در رویکرد، پرسش‌هایی را در خصوص مبانی حقوقی این تمایز و همچنین اولویت‌دهی متفاوت به انواع تهدیدات و یا ملاحظات اثباتی در مورد هر دسته از دشمنان مطرح می‌سازد.

به‌منظور رفع این چالش‌ها، پیشنهاد می‌شود اصلاحات تقنینی شفاف‌تری صورت پذیرد. درباره «محل قرارگیری اموال» مورد حکم صادره، لازم است صراحتاً تکلیف قانونی روشن و سازوکارهای حقوقی لازم برای اجرای احکام علیه اموال واقع در خارج از کشور

پیش‌بینی شود. همچنین، تعیین معیارهای دقیق‌تر برای «هزینه‌های متعارف زندگی» و «بازنگری در شرایط احراز جرم» در ماده ۲، به‌منظور ایجاد هماهنگی بیشتر با ماده ۱ و پرهیز از ایجاد ظاهری ناهماهنگ در مجازات‌گذاری، می‌تواند به انسجام حقوقی قانون بیفزاید. علاوه بر این، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی شفاف برای قضات و ضابطان قضائی، به‌ویژه درباره نحوه اجرای مجازات‌ها با در نظر گرفتن محل اموال و رعایت اصل تناسب، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه شناسایی و توقیف اموال مجرمان، از جمله راهکارهای اجرایی مهم برای افزایش کارآمدی قانون در وضعیت پیچیده کنونی خواهد بود.

در نهایت، قانون تشدید مجازات جاسوسی ۱۴۰۴ گامی اساسی در جهت تقویت امنیت ملی محسوب می‌شود. با این حال، پرداختن به چالش‌های اجرایی مطرح‌شده، از جمله ابهام در اجرای حکم صادره نسبت به اموال خارج از کشور، و همچنین لزوم ایجاد انسجام تقنینی در نحوه مجازات‌گذاری، از طریق اصلاحات تقنینی و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی دقیق، امری ضروری است تا این قانون بتواند به طور عادلانه، مؤثر و با انطباق کامل با اصول بنیادین حقوقی، در دوران حساس کنونی به کار گرفته شود.

بررسی ابعاد حقوقی تجاوز علیه ایران در چارچوب حقوق بین الملل

مرضیه رسولی
وکیل دادگستری

علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به هر شکلی که با منشور ملل متحد مغایر باشد. این تعریف به معنای حقوقی سخت الزام آور نیست، اما به طور گسترده به عنوان تبیین معتبر مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل استناد می شود.

■ اشکال مختلف تجاوز

در چارچوب این تعریف، اشکال مختلفی از تجاوز قابل تصور است. یکی از آشکارترین مصادیق آن حمله نظامی مستقیم نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر است. این حمله می تواند شامل تهاجم زمینی، حملات هوایی یا عملیات دریایی علیه قلمرو یا نیروهای مسلح کشور هدف باشد. چنین اقداماتی، در صورت فقدان مجوز شورای امنیت یا نبود شرایط دفاع مشروع، نقض آشکار اصل منع توسل به زور محسوب می شوند.

نوع دیگر تجاوز می تواند محاصره نظامی بنادر یا سواحل یک کشور باشد. محاصره دریایی، که مانع ورود یا خروج کشتی ها شود، در صورتی که در چارچوب محاصره مشروع و با مجوز حقوقی مناسب صورت نگیرد، می تواند مصداق اقدام تجاوزکارانه تلقی شود. در حقوق بین الملل، محاصره ابزاری نظامی شناخته می شود که آثار گسترده ای

در نظام حقوق بین الملل معاصر، اصل منع توسل به زور یکی از بنیادی ترین قواعد حاکم بر روابط میان دولت ها به شمار می رود. این اصل که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد تصریح شده است، دولت ها را از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر کشورها منع می کند. در این چارچوب، مفهوم «تجاوز» شدیدترین شکل نقض این اصل شناخته می شود. بررسی ابعاد حقوقی تجاوز علیه هر کشور، از جمله ایران، مستلزم توجه به منابع مختلف حقوق بین الملل، از جمله منشور ملل متحد، قطعنامه های مجمع عمومی، رویه شورای امنیت و اصول عرفی بین المللی است.

■ تعریف تجاوز در حقوق بین الملل

نخستین گام در تحلیل حقوقی موضوع تجاوز، تعریف آن در حقوق بین الملل است. مهم ترین سند در این زمینه، قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل مصوب ۱۹۷۴ است که تجاوز را تعریف می کند. بر اساس این قطعنامه، تجاوز عبارت است از استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت

بر اقتصاد، تجارت و امنیت یک کشور دارد و از این رو می‌تواند نقض جدی حاکمیت آن محسوب شود. همچنین قطعنامه تعریف تجاوز، به مواردی مانند بمباران قلمرو یک کشور توسط نیروهای مسلح دولت دیگر اشاره می‌کند. در دنیای معاصر که فناوری‌های نظامی پیشرفته‌تر شده‌اند، این مفهوم می‌تواند شامل حملات موشکی یا استفاده از سلاح‌های دوربرد نیز شود. حتی در برخی مباحث جدید حقوق بین‌الملل، این پرسش مطرح شده است که آیا حملات سایبری گسترده که آثار مخرب مشابه عملیات نظامی دارند، می‌توانند در برخی شرایط در زمره اشکال جدید تجاوز قرار گیرند.

■ استفاده از نیروهای نیابتی

بعد دیگر موضوع تجاوز، استفاده از نیروهای نیابتی یا گروه‌های مسلح غیردولتی است. طبق برخی تفاسیر حقوقی، اگر دولتی گروه‌های مسلح را سازمان‌دهی، حمایت یا هدایت کند تا علیه دولت دیگر عملیات نظامی انجام دهند، ممکن است این اقدام نیز در وضعیت خاص تجاوز یا حداقل نقض اصل منع توسل به زور تلقی شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در برخی آرای خود، به این موضوع پرداخته و معیارهایی برای انتساب اعمال گروه‌های مسلح به دولت‌ها مطرح کرده است.

■ پیامدهای تجاوز در سطح بین‌المللی

از منظر حقوقی، در صورت وقوع تجاوز به

یک کشور، چندین پیامد مهم در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شود. نخستین پیامد، فعال شدن حق دفاع مشروع است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد به دولت‌ها اجازه می‌دهد در صورت وقوع حمله مسلحانه، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را انجام دهد، از خود دفاع کنند. این دفاع باید مطابق اصول ضرورت و تناسب انجام شود و صرفاً برای دفع تهدید و بازگرداندن وضعیت به حالت عادی به کار رود. پیامد دیگر تجاوز، مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز است. در حقوق بین‌الملل، برای دولتی که تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند، مسئولیت بین‌المللی ایجاد می‌شود. این مسئولیت می‌تواند شامل الزام به توقف عمل غیرقانونی، تضمین عدم تکرار و جبران خسارات وارد شده باشد. جبران خسارت ممکن است به شکل غرامت مالی، اعاده وضعیت سابق یا اشکال دیگر جبران صورت گیرد.

■ نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد

در سطح نهادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد نقش اصلی را در رسیدگی به موارد تجاوز دارد. این شورا می‌تواند بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، وقوع تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را تشخیص دهد و اقدامات لازم را برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. این اقدامات، می‌تواند از تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک گرفته تا مجوز استفاده از نیروی نظامی توسط جامعه بین‌المللی را شامل شود.

تحلیل حقوقی ادعای «تهدید قریب الوقوع» ترامپ

نظامی در خارج از کشور، تا چه حد است.

حسین زینعلی
وکیل دادگستری

لازلز - بازویربایی

برای رفع این مسئله، کنگره آمریکا در سال ۱۹۷۳ قانون War Powers Resolution را تصویب کرد که طبق مفاد قانون مذکور، اختیار رییس جمهور در اعمال دستور حمله نظامی در مدت و منطقه محدود، بدون مصوبه کنگره برای شروع جنگ، منوط به وجود شرایط اضطراری شده و مدت عملیات نظامی فقط تا دو ماه است و باید مصوبه کنگره برای ادامه آن، اخذ شود.

مصادیق وضعیت اضطراری، در مواردی مثل پاسخ به حمله عملی نظامی به کشور آمریکا، بیان شده است (مربوط به دوران جنگ سرد و احتمال حمله اتمی شوروی و عدم امکان تشکیل کنگره و...)؛ لکن طبق رویه حقوقی دیگری، که دفاع در مقابل «حمله شروع شده» مجاز شناخته می شود، اغلب رؤسای جمهور آمریکا، با ادعای «حمله قریب الوقوع»، برای خود، حق استفاده از نیروی نظامی را، حتی به صورت جنگ تمام عیار بدون مجوز کنگره، مجاز می شناسند و البته در توجیه عجیب دیگری، مصادیق حمله را نیز شامل «تهدید قریب الوقوع» می دانند که حسب قواعد حقوقی، مغایر قاعده ضرورت تناسب دفاع با حمله است زیرا تهدید مصداق حمله نیست و حمله برای

همگی می دانیم که تمسک به الزامات حقوقی در روابط بین الملل، بسته به منافع کشورهای قدرتمند، دارای تعابیر دوگانه می شود. لذا تحلیل حقوقی حاضر، بررسی نادرستی ادعای ترامپ، حسب مبانی حقوقی خودشان است و در صحنه عملی، باید از طریق نیروی نظامی، به حملات آن ها پاسخ داده شود. ترامپ به ادعای تهدید حمله قریب الوقوع از طرف ایران، جنگ فعلی را، به همراهی اسرائیل، علیه کشور ایران آغاز کرد.

طبق اصل اول قانون اساسی ایالات متحده (Article I) اختیار «اعلام جنگ» در آمریکا، نیاز به مصوبه کنگره دارد. البته رییس جمهور، سمت فرماندهی کل قوا و اجازه شروع عملیات نظامی را، طبق اصل دوم قانون اساسی (Article II) آمریکا، در اختیار دارد. لذا از حیث قواعد کلی حقوقی، شروع به جنگ ترامپ علیه ایران، طبق قواعد امره حقوق اساسی آمریکا، نیست. به علاوه در بین دو قاعده، اختیار جنگ و صلح برای کنگره و فرماندهی ارتش برای رییس جمهور آمریکا، نوعی تعارض وجود دارد و مشخص نیست که سطح اختیار فرماندهی کل قوا در آمریکا، برای عملیات



رفع صرف تهدید، دفاع مشروع نمی‌باشد. ترامپ برای توجیه دستور حمله به ایران، مدعی شد که ایران با داشتن و احتمال شلیک موشک قاره‌پیما با بمب اتمی به آمریکا، در وضعیت حملهٔ قریب‌الوقوع قطعی است! درحالی‌که در خصوص بمب اتم، طبق نتایج تحقیقات مؤسسات آمریکایی و حتی گزارش‌های سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، هیچ‌گونه دلیلی بر داشتن بمب اتمی یا حتی حرکت به سمت ساخت آن، در داخل ایران، اثبات نشده و وجود نداشته است. بدیهی است بین وضعیت داشتن دانش و توان صنعتی ساخت بمب اتم که با سایر حوزه‌های دانش هسته‌ای، قرابت نزدیک دارد با ساختن خود بمب اتم، تفاوت حقوقی و عملیاتی وجود دارد و یکی دانستن این دو مقوله توسط آمریکا و اسرائیل، لفاظی برای مقاصد سیاسی است.

به‌علاوه برد موشکی ایران زیر ۲۵۰۰ کیلومتر است و حملهٔ موشکی به آمریکا، با موشک‌های موجود، ممکن نیست. البته تلاش ایران برای ساخت ماهواره‌بر و استفاده در صنعت فضائی، مشابه وضعیت دانش هسته‌ای، یعنی توان ساخت موشک قاره‌پیما، برای کشوری که امکان ساخت موشک ماهواره‌بر دارد، دو مقولهٔ جداگانه است و یکی قلمداد کردن آن‌ها، آن‌هم در وضعیت نداشتن سلاح هسته‌ای، توجیهی برای عملیات خلاف

موازن است.

پس، از حیث قواعد امرهٔ حقوقی داخل آمریکا، ادعای ترامپ، هیچ‌گونه مستند حقوقی‌ای ندارد و ادعای تهدید یا حملهٔ قریب‌الوقوع ایران، کذب محض و فقط برای توجیه حملهٔ توافق‌شدهٔ قبلی بین ترامپ و اسرائیل، مطرح شده است. ترامپ بعد از شروع حمله، برای توجیه صحت ادعای خویش، نیازمند اثبات و نشان دادن تخریب و انهدام مراکز منشأ تهدید ادعائی است! درحالی‌که در خصوص مراکز هسته‌ای ایران، یعنی نطنز، اصفهان و ... قبلاً در حملهٔ جنگ دوازده‌روزه، به‌صراحت انهدام آن‌ها را اعلام کرده است! لذا مرکزی که قبلاً منهدم شده و هیچ گزارشی برای بازسازی آن‌ها اثبات نشده است و وجود خارجی ندارد، چگونه می‌توانست تهدید قریب‌الوقوع باشد؟

“
مباران آگاهانهٔ آمریکا
و اسرائیل، علیه مردم
بی‌گناه و مراکز غیرنظامی،
تخریب مراکز زیرساختی و
ادعای نابودی کامل تمدن
و فرهنگ ایران‌زمین،
مصادق کامل جنایت
جنگی و حتی نسل‌کشی
و جنایت علیه بشریت
است
”

جنایت علیه بشریت است. باید در نظر داشت که در این جنگ، انتخاب اهداف بر اساس داده‌های سیستم‌های هوش مصنوعی صورت گرفته و این مراکز، با جمع‌آوری همه اطلاعات آشکار و باز و محرمانه و سری قبلی، به‌علاوه گزارش مزدوران داخلی آن‌ها، از موقعیت همه اهداف بمباران شده، اطلاع کامل داشته‌اند.

حال توجه به برخی از آن‌ها، مثل مدرسه میناب، بیمارستان گاندی، ورزشگاه آزادی، پارک، پل و خانه‌های مسکونی، ادارات و ... نشان‌دهنده صحت بمباران‌های مراکز غیرنظامی و مصداق کامل جنایات جنگی و مغایر توافق نامه ژنو است که متفقین به همین جهت برخی از سران نظامی آلمان را محاکمه و مجازات کردند.

با فرض عدم اطلاع و عدم موافقت کنگره با جنایات جنگی ترامپ، نمایندگان کنگره می‌توانستند با مصوبه محدودیت اختیارات جنگی، برای اثبات نداشتن مسئولیت حقوقی، اقدام کنند.

لکن تا تاریخ نگارش این یادداشت، چهار بار رأی‌گیری در کنگره، به رأی اکثریت، برای توقف جنایات جنگی نینجامیده است که به نوعی مجوز استمرار و همراهی با جنایات جنگی، قلمداد می‌شود و از این حیث، مسئولیت حقوقی و جمعی برای همه اعضای کنگره آمریکا، در همه اقدامات مجرمانه ترامپ، حتی از حیث حقوق داخلی آمریکا، وجود دارد.

در خصوص مراکز موشکی نیز، هیچ‌گونه گزارش از بین بردن موشک قاره‌پیما، اعلام و اثبات نشده است.

بدیهی است حمله به مراکز و لانچرهای موشک‌های دیگر، که برای دفاع کشور علیه آمریکا و اسرائیل استفاده شده، مغایر ادعای قبلی ترامپ است و از حیث حقوقی، هیچ‌گونه ارزشی برای توجیه ادعای اولیه وی، ندارد.

ضمن آنکه، بعد از شروع جنگ نیز، ادعای انهدام مراکز هسته‌ای ایران، توسط ترامپ بیان شد. در این صورت ادامه جنگ و حمله نظامی، هیچ‌گونه توجیه ادعائی ندارد.

حمله آمریکا به طیف گسترده مراکز متعارف نظامی ایران شامل پادگان‌ها و تجهیزات زمینی، راداری، دریایی، هوایی، پاسگاه‌های پلیس و حتی ایستگاه‌های ایست و بازرسی و ... به دلیل عدم رعایت قواعد تناسب بین دفاع با حمله ادعائی قریب‌الوقوع پایگاه موشک قاره‌پیمای اتمی، مصداق جنایت جنگی است. ضمناً در این حملات، شرط مجوز عملیات محدود، رعایت نشده و از حیث حقوقی، این جنگ خارج از اختیارات قانون اساسی آمریکاست.

به‌علاوه بمباران آگاهانه آمریکا و اسرائیل، علیه مردم بی‌گناه و مراکز غیرنظامی، تخریب مراکز زیرساختی و ادعای نابودی کامل تمدن و فرهنگ ایران زمین، مصداق کامل جنایت جنگی و حتی نسل‌کشی و



واکاوی حقوقی ابعاد تجاوز علیه ایران در پرتو حقوق بین الملل

رضا سبزه‌علیان
وکیل دادگستری

۲. نقض قواعد آمره و مسئولیت بین‌المللی: تجاوز به خاک ایران، نقض «قاعده منع توسل به زور» است که از والاترین قواعد حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بر اساس طرح مواد مسئولیت دولت‌ها (مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱)، دول متجاوز (ایالات متحده و رژیم صهیونیستی) «مسئولیت بین‌المللی» دارند. این مسئولیت شامل موارد زیر است:

■ توقف فعل زیان‌بار: لزوم توقف فوری تمامی عملیات‌های نظامی.

■ جبران خسارت: اعاده وضعیت به حالت پیشین (Restitution) و پرداخت غرامت (Compensation) برای تمامی خسارات جانی و مادی وارده.

■ تضمین عدم تکرار: ارائه تعهدات رسمی برای عدم تکرار چنین اقداماتی.

۳. حق دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور): در پاسخ به تجاوز مسلحانه، حق ذاتی ایران برای «دفاع مشروع» (Self-defense) فعال می‌شود. بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح انجام نداده باشد، ایران حق دارد برای دفع تجاوز از نیروی نظامی استفاده کند. این دفاع باید واجد دو شرط اساسی باشد:

حق بر صلح و امنیت بین‌المللی، سنگ‌بنای منشور ملل متحد است. اقدام به تجاوز نظامی نه تنها نقض فاحش حاکمیت ملی یک کشور، بلکه نقض قواعد آمره (Jus Cogens) حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، با وقوع حملات مستقیم علیه تمامیت ارضی ایران، ضرورت بازخوانی حقوقی ابعاد این تجاوزات از منظر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و حق دفاع مشروع دوچندان شده است.

۱. تعریف تجاوز و مبانی قانونی: طبق قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۴)، تجاوز عبارت است از به‌کارگیری نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر. حملات صورت گرفته علیه ایران در فوریه ۲۰۲۶، مصداق بارز «تجاوز نظامی» اند. این اقدامات بر اساس ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد که بر ممنوعیت تهدید یا توسل به زور تأکید دارد، غیرقانونی و جرم بین‌المللی تلقی می‌شوند.



دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) است. محدودیت‌هایی در صلاحیت این دیوان وجود دارد، اما از طریق سازوکارهای دیگر مانند تشکیل دادگاه‌های ویژه یا استفاده از صلاحیت جهانی در محاکم داخلی سایر کشورها، پیگرد قانونی ممکن است. نتیجه‌گیری: تجاوزات اخیر علیه ایران، نظم حقوقی بین‌المللی را با چالشی جدی مواجه کرده است. از منظر حقوقی، ایران نه تنها حق دفاع همه‌جانبه را دارد، بلکه می‌تواند از تمامی ظرفیت‌های دیپلماتیک و قضائی (از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری - ICJ) برای اثبات غیرقانونی بودن این حملات و مطالبه خسارت استفاده کند. سکوت یا انفعال نهادهای بین‌المللی در قبال این تجاوزات، به معنای تضعیف حاکمیت قانون در عرصه جهانی و بازگشت به عصر «جنگل» است که در آن قدرت نظامی جایگزین منطق حقوقی می‌شود.

■ ضرورت: یعنی راهی جز توسل به زور برای دفع حمله وجود نداشته باشد.
 ■ تناسب: اقدامات دفاعی باید متناسب با ابعاد و شدت حمله متجاوز باشد.
 ۴. ترور مقامات عالی‌رتبه و جنایت بین‌المللی: حملات هدفمند علیه مقامات رسمی (نظیر شهادت آیت‌الله خامنه‌ای در فوریه ۲۰۲۶) علاوه بر نقض حاکمیت، از منظر حقوق بین‌الملل کیفری نیز قابل پیگرد است. این اقدامات، نوعی «تجاوز هدفمند» محسوب می‌شوند که هدف آن‌ها فروپاشی ساختار سیاسی کشور است و می‌تواند در زمره جنایات علیه بشریت یا جنایت تجاوز (طبق اساسنامه رم) دسته‌بندی شود.
 ۵. مسئولیت کیفری فردی و نقش دیوان‌های بین‌المللی: علاوه بر مسئولیت دولت‌ها، فرماندهان و آمران این حملات «مسئولیت کیفری فردی» دارند. تجاوز یکی از چهار جنایت اصلی تحت صلاحیت



بررسی حمله ایالات متحده به ایران در پرتو دکترین دفاع مشروع

مهدی سلیمانی حاتمی

پذیرفته شده در آزمون وکالت
دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق بین الملل دانشگاه تهران

■ مقدمه

اصل منع توسل به زور در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، قاعده‌ای بنیادین در حقوق بین‌الملل است. تنها استثنائات آن به‌طور محدود، شامل مجوز شورای امنیت یا دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور می‌شود. در سناریوی تحلیل حاضر که به بررسی حقوقی حمله نظامی ایالات متحده علیه ایران می‌پردازد، تنها مسیری که یک دولت می‌تواند برای توجیه اقداماتش ادعاء کند، دفاع مشروع است.

باین‌حال، عناصر دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضائی، الزامات سخت‌گیرانه‌ای دارند و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که توجیه اقدام مذکور با این نهاد حقوقی سازگار نیست.

عصر نخست دفاع مشروع؛ وقوع «حمله مسلحانه»: دفاع مشروع، فقط در پاسخ به یک «حمله مسلحانه» امکان‌پذیر است؛ مفهومی که در رأی نیکاراگوئه، توسط دیوان بین‌المللی دادگستری تبیین شد. دیوان میان «استفاده از زور» و «حمله مسلحانه» تمایز می‌گذارد و تنها شدیدترین اشکال

خشونت مسلحانه را در طبقه دوم قرار می‌دهد. درزمینه ایران و ایالات متحده، اثبات وقوع حمله‌ای با سطح شدت لازم و انتساب آن به دولت ایران دشوار است. اقدامات پراکنده یا تنش‌های محدود (اگر رخ داده باشند)، به آستانه حمله مسلحانه نمی‌رسند. علاوه بر آن، انتساب اقدامات احتمالی گروه‌های غیردولتی به ایران بدون اثبات «کنترل مؤثر» یا «کنترل کلی» به دلیل استانداردهای سخت‌گیرانه دیوان در پرونده‌های نیکاراگوئه و نسل‌کشی بوسنی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، عنصر نخست، یعنی وجود حمله مسلحانه، برای آغاز دفاع مشروع احراز نمی‌شود.

عصر ضرورت؛ نبود جایگزین معقول برای دفع حمله: معیار ضرورت بر اساس آزمون مشهور Caroline فقط زمانی برقرار است که تهدید «فوری، قاطع و فاقد هرگونه انتخاب معقول دیگر» باشد. حقوق بین‌الملل دولت‌ها را مکلف می‌کند پیش از توسل به زور، از راهکارهای دیپلماتیک، سازوکارهای منطقه‌ای، و ابزارهای سازمان ملل بهره بگیرند. در وضعیتی که نه حمله مسلحانه‌ای در حال وقوع و نه تهدیدی فوری و اجتناب‌ناپذیر قابل اثبات است، دفاع مشروع بر مبنای ضرورت قابل استناد نیست. به علاوه، دکترین‌هایی مانند دفاع



چنین رویکردی با ماده ۵۱ و رویه قضائی بین‌المللی همخوانی ندارد.

الزام گزارش‌دهی به شورای امنیت: ماده ۵۱ دولت‌ها را مکلف می‌کند که بلافاصله، دفاع مشروع خود را به شورای امنیت گزارش دهند. اما این گزارش‌دهی، صرفاً یک الزام شکلی است و نمی‌تواند فقدان عناصر ماهوی دفاع مشروع را جبران کند. لذا حتی در صورت گزارش‌دهی، اگر سه عنصر حمله مسلحانه، ضرورت و تناسب احراز نشده باشد، توسل به زور همچنان غیرقانونی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به معیارهای حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای، توجیه حمله ایالات متحده به ایران تحت عنوان دفاع مشروع با موانع جدی و اساسی روبه‌روست:

- حمله مسلحانه قبلی قابل اثبات نیست.
- ضرورت اقدام فاقد مبنای معتبر است.
- تناسب در حمله‌ای گسترده رعایت نمی‌شود.
- دفاع پیشگیرانه و پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده‌اند.
- الزامات شکلی ماده ۵۱ نمی‌توانند خلأهای ماهوی را رفع کنند. بنابراین، ارزیابی حقوقی نشان می‌دهد که توسل به زور در این سناریو، در چارچوب دفاع مشروع توجیه‌پذیر نیست و در تعارض با بند ۴ ماده ۲ منشور و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد.

پیشگیرانه و پیش‌دستانه (اگر در برخی محافل سیاسی مطرح شوند)، در حقوق بین‌الملل عرفی و رویه دیوان جایگاهی ندارند. فقدان فوریت و وجود گزینه‌های جایگزین، عنصر ضرورت را از بین می‌برد.

عنصر تناسب؛ محدودبودن پاسخ به دفع تهدید: تناسب ناظر به این است که میزان و نوع نیروی به‌کاررفته صرفاً در حد لازم برای دفع حمله باشد. اقدامات تنبیهی، بازدارندگی بلندمدت یا ضربات راهبردی گسترده با معیار تناسب ناسازگارند. هرگونه حمله گسترده به زیرساخت‌ها یا مراکز نظامی بدون ارتباط مستقیم با دفع یک حمله در حال وقوع نامتناسب ارزیابی می‌شود. حتی اگر تهدیدی محدود وجود داشته باشد، حمله‌ای وسیع یا با ابزارهای سنگین نمی‌تواند با هدف دفع همان تهدید توجیه شود. در نتیجه عنصر تناسب نیز احراز نمی‌شود.

بُعد زمانی؛ عدم پذیرش دفاع پیشگیرانه و پیش‌دستانه: استناد احتمالی به «خنثی‌سازی حمله قریب‌الوقوع»، نیازمند اثبات فوریت است؛ موضوعی که دیوان و اغلب دولت‌ها، آن را تنها در وضعیتی بسیار استثنائی می‌پذیرند. حمله پیشگیرانه (برای جلوگیری از تهدیدهای بلندمدت)، تقریباً به‌طور کامل در حقوق بین‌الملل رد شده است. حمله پیش‌دستانه نیز جایگاه عرفی معتبر ندارد و دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به «احتمال» یک حمله آینده، از نیروی نظامی استفاده کنند.



تحلیل جامع ابعاد حقوقی اقدام نظامی علیه ایران در پرتو حقوق بین الملل معاصر

مهسا سلیمانیان

پذیرفته شده در آزمون وکالت سال ۱۴۰۴

به این معنا که هیچ معاهده یا رویه خلاف آن نمی‌تواند اعتبار داشته باشد. اقدام نظامی علیه ایران، در صورتی که فاقد مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد (مطابق فصل هفتم منشور) یا مبنای دفاع مشروع (مطابق ماده ۵۱ منشور) باشد، مستقیماً ناقض این قاعده بنیادین تلقی خواهد شد. «دفاع مشروع» تنها در وضعیتی قابل استناد است که حمله‌ای مسلحانه علیه دولت صورت گرفته باشد و تدابیر دفاعی اتخاذ شده، «ضروری» و «متناسب» باشند. اقدامات نظامی که مبتنی بر «تحلیل تهدید» صرف و پیش‌بینی حملات آتی صورت می‌گیرد، بدون تحقق حمله مسلحانه بالفعل، از حمایت حقوق بین‌الملل برخوردار نیست.

اقدام نظامی علیه یک دولت مستقل، خصوصاً کشوری چون ایران که از اعضای فعال جامعه بین‌المللی و دارای سوابق حقوقی مدون است، مجموعه‌ای پیچیده از چالش‌های حقوقی را در عرصه بین‌المللی مطرح می‌سازد. این تحلیل، ابعاد حقوقی چنین اقدامی را با اتکاء به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بین‌الملل بشر و قواعد مربوط به منع توسل به زور، بررسی می‌کند.

۱. مشروعیت توسل به زور: اصل منع تهدید و

استفاده از زور و استثنائات آن

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، یکی از مترقی‌ترین دستاوردهای حقوق بین‌الملل قرن بیستم، توسل به هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی را اکیداً ممنوع اعلام کرده است. این قاعده، به دلیل اهمیت حیاتی‌اش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، یک «قاعده آمره» در نظام حقوقی بین‌المللی شناخته می‌شود،

۲. ماهیت حقوقی اقدام نظامی: تجاوز یا

مداخله؟

تعریف «تجاوز» در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل، فهرست اعمالی را برمی‌شمرد که از سوی یک دولت علیه دولت دیگر تجاوز محسوب می‌شوند؛ از جمله حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین، هواپیماها یا کشتی‌های دولت دیگر، یا محاصره بنادر و سواحل. پس، اقدام نظامی مستقیم علیه ایران، در



تجاوز، جبران خسارات مادی و معنوی، و تضمین عدم تکرار است.

۳. پرداخت غرامت: خسارات وارده به زیرساخت‌ها، دارایی‌ها و سرمایه‌های اقتصادی و انسانی.

در صورت عدم جبران، جامعه بین‌المللی می‌تواند از طریق سازوکارهای مختلف، از جمله تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و ارجاع به نهادهای قضائی بین‌المللی، دولت متجاوز را تحت فشار قرار دهد.

۴. حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) در زمان مخاصمه

اگر اقدام نظامی منجر به «مخاصمه مسلحانه» بین ایران و مهاجم شود، دامنه وسیعی از قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) اعمال خواهد شد. این قواعد، که برای کاهش رنج انسانی در جنگ تدوین شده‌اند، بر اصول کلیدی ذیل استوارند:

■ اصل تفکیک: الزام طرفین مخاصمه به تفکیک صریح، میان اهداف نظامی و اشخاص یا اماکن غیرنظامی. هدف‌گیری عمدی غیرنظامیان یا مراکز خدماتی حیاتی (مانند بیمارستان‌ها، مدارس، تأسیسات آبرسانی و برق‌رسانی) که جزء اهداف نظامی محسوب نمی‌شوند، «جنایت جنگی» تلقی می‌گردد و ما در این جنگ تحمیلی بارها بارها شاهد این جنایت جنگی از سوی کشورهای متجاوز بودیم.

صورت فقدان دلایل توجیه‌کننده قانونی، ذیل این تعریف قرار می‌گیرد، این تعریف کامل روشن‌گر این موضوع است که اقدام نظامی صورت گرفته از سوی ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران یک تجاوز آشکار و نقض آشکار قوانین بین‌الملل است.

در برخی موارد، دولت‌ها ممکن است ادعای «مداخله بشردوستانه» را مطرح کنند. این مفهوم، هرچند در عرصه سیاسی بحث‌برانگیز است، در حقوق بین‌الملل معاصر فاقد مبنای حقوقی مشخص و پذیرفته شده‌ای است، به‌ویژه زمانی که با اصل تمامیت ارضی و منع توسل به زور در تعارض قرار گیرد. بنابراین، توسل به این توجیه بدون اجماع شورای امنیت، مشروعیت حقوقی ندارد.

۳. مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز

هرگونه اقدام نظامی غیرقانونی، چه مستقیم چه غیرمستقیم (مانند حمایت از گروه‌های مسلح غیردولتی برای حمله به ایران)، مسئولیت بین‌المللی دولت مسبب (ایالات متحده آمریکا و اسرائیل) را در پی دارد. این مسئولیت، که مبتنی بر اصول «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال‌شان» است، تعهدات زیر را دربر می‌گیرد:

۱. توقف فوری عمل متخلفانه: پایان دادن به کلیه اقدامات نظامی غیرقانونی.
۲. جبران کامل خسارات: این جبران شامل بازگرداندن وضعیت به حالت پیش از





■ اصل تناسب: حملاتی که انتظار

می‌رود منجر به تلفات جانبی یا خسارات غیرنظامی نامتناسب با مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار شوند، ممنوع هستند.

۵. حقوق بین‌الملل بشر (IHRL) در وضعیت اضطراری

حتی در زمان مخاصمه مسلحانه، تعهدات دولت‌ها ذیل حقوق بین‌الملل بشر (مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی - ICCPR و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - ICESCR) کماکان برقرار است. برخی حقوق مانند «حق حیات»، «منع شکنجه و رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز»، «منع بردگی» و «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» غیر قابل تعلیق هستند و در هیچ شرایطی قابل نقض نیستند. دولت در زمان حمله نظامی، حتی اگر

■ اصل احتیاط در حملات: طرفین مخاصمه مکلف‌اند، کلیه تدابیر احتیاطی ممکن را برای اجتناب یا به حداقل رساندن تلفات و خسارات غیرنظامی اتخاذ کنند. این شامل تأیید اهداف، هشدار به غیرنظامیان (در صورت امکان)، و انتخاب وسایل و روش‌های جنگی مناسب است.

■ ممنوعیت سلاح‌های خاص: استفاده از سلاح‌هایی که ذاتاً «کور» عمل می‌کنند یا باعث رنج غیرضروری می‌شوند (مثل سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، مین‌های

را صادر کند. همچنین، ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری (در صورت پذیرش صلاحیت توسط طرفین) می‌تواند بستری برای احقاق حقوق و عدالت بین‌المللی فراهم آورد.

اقدام نظامی صورت گرفته علیه ایران، مبنای حقوقی روشن و مستند ندارد و موجد مسئولیت‌های سنگین بین‌المللی برای دولت‌های متجاوز ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است. این مسئولیت‌ها جنبه مدنی (جبران خسارت) و کیفری (مسئولیت فردی) را در بر می‌گیرد، هدف قراردادن مکان‌های غیرنظامی از جمله حمله به مدرسه شجره طیبه میناب و به‌شهادت رساندن مظلومانه دانش‌آموزان مینابی جنایت جنگی محسوب می‌شود.

حملات آشکار این متجاوزین به مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و پژوهشی نقض آشکار قوانین بین‌الملل و هدف قراردادن آینده کشورمان است، و هزاران جنایت‌های جنگی دیگر که به‌رشته‌تحریر درآوردن آن موجب اطاله کلام می‌شود، نقض آشکار گسترده قوانین بین‌الملل از سوی این متجاوزین است و باید جامعه بین‌المللی با محکوم کردن این اقدامی نظامی صورت گرفته علیه ایران از شدت درد و رنج وارده به مردم ایران بکاهد و با این اقدام پایه‌های نظم حقوقی بین‌المللی را حفظ کند.

مجبور به اعلام «وضعیت اضطراری» شود، همچنان مکلف به رعایت این حقوق بنیادین است. مسئولیت رعایت این اصول، نه تنها متوجه دولت مهاجم، بلکه دولت مورد حمله نیز می‌باشد تا از حقوق شهروندان خود محافظت کند.

۶. مسئولیت کیفری فردی

فراتر از مسئولیت دولت، اقدام نظامی غیرقانونی می‌تواند به مسئولیت کیفری فردی فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی بینجامد. جنایت تجاوز خود به تنهایی، یکی از جرایم اصلی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است. علاوه بر این، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و در صورت نقض قوانین بنیادین، حتی نسل‌کشی نیز می‌تواند از طریق دادگاه‌های بین‌المللی یا ملی تعقیب شود. اصل مسئولیت فرماندهی، اطمینان می‌دهد که رهبران نظامی به دلیل چشم‌پوشی از جنایات نیروهای تحت امرشان یا عدم اقدام برای جلوگیری از آن‌ها، مجازات شوند.

۷. نقش جامعه بین‌المللی و نهادهای قضائی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در صورت احراز وقوع تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز، می‌تواند اقدامات قاطعی چون صدور قطعنامه‌های الزام‌آور (مانند فصل هفتم)، اعمال تحریم‌ها، یا اجازه استفاده از «تمام ابزارهای لازم»



خلاصه‌ای بر شرح جنایات آمریکایی-اسرائیلی از منظر حقوقی؛ اصل ممنوعیت مطلق توسل به زور

مصادیق نقض ادعائی:

۱- حمله به مدرسه میناب: در صبح روز ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (نخستین روز جنگ)، یک موشک به مدرسه دخترانه شجره طیبیه میناب اصابت کرد که به کشته شدن حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ نفر، عمدتاً کودک انجامید. دیده‌بان حقوق بشر پس از بررسی شواهد ویدئویی و ماهواره‌ای، اعلام کرد این مدرسه در نزدیکی یک پایگاه دریایی سپاه بود، اما حصار و ورودی مجزا داشت و از نظر فیزیکی کاملاً از منطقه نظامی تفکیک شده بود. این سازمان خواستار تحقیق درباره این حمله به عنوان جنایت جنگی شد. یونسکو نیز این حمله را نقض شدید حقوق بشردوستانه خواند.

۲- حمله به منطقه مسکونی ارومیه: در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۲۶، حمله موشکی به خیابان شهرداری ارومیه منجر به تخریب کامل یک ساختمان مسکونی و کشته شدن پنج غیرنظامی (از جمله دو کودک) شد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که «هیچ کاربری نظامی قابل اثباتی» در این منطقه وجود نداشته است.

۳- تخریب گسترده سیستماتیک زیرساخت‌های غیرنظامی: بر اساس گزارش

شجاع سیف
کارآموز وکالت

ماده ۲ (۴) منشور ملل متحد صراحتاً مقرر می‌دارد: «کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود، از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری خودداری خواهند نمود...». این ماده، قاعده‌های آمره در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود. کمیته سیاست‌گذاری وکلای هسته‌ای (LCNP)، در بیانیه‌ای اعلام کرد که بمباران ایران «به‌وضوح قواعد اساسی حقوق بین‌الملل را نقض کرده، حاکمیت ایران را مورد تعرض قرار داده و ناقض ماده ۲ (۴) منشور در خصوص ممنوعیت توسل به زور، علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور است.» انجمن وکلای اروپایی برای دموکراسی و حقوق بشر در جهان (ELDH)، نیز تأکید کرد که این قاعده به نقض اصل تفکیک (Distinction) می‌پردازد.

ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، مقرر می‌دارد که طرفین متخاصم باید همواره بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قابل شوند.





آشامیدنی شده، نشان‌دهندهٔ عدم تناسب آشکار میان خسارت‌های جانبی و مزیت نظامی ادعائی است.

■ نقض اصل احتیاط (Precaution)

مادهٔ ۵۷ پروتکل اول، طرف مهاجم را ملزم به اتخاذ «کلیهٔ اقدامات احتیاطی عملی» برای اجتناب از تلفات غیرنظامیان می‌کند. تحقیقات مقدماتی پنتاگون درمورد حادثهٔ میناب، به «اطلاعات قدیمی» اشاره داشت. اگر مشخص شود که حمله با آگاهی از وجود مدرسه اما با سهل‌انگاری در به‌روزرسانی اطلاعات صورت گرفته است، این امر مصداق «بی‌پروایی (Recklessness)» و نقض اصل احتیاط خواهد بود.

■ نقض ممنوعیت «امان‌ندادن (No Quarter)»

هلال احمر ایران، بیش از هفتاد هزار واحد غیرنظامی از جمله ۲۵۱ مرکز درمانی، ۴۹۸ واحد آموزشی و ۱۳ پایگاه امدادی هلال احمر آسیب دیده‌اند. این اماکن تحت حمایت ویژهٔ حقوق بشردوستانه قرار دارند.

■ نقض اصل تناسب (Proportionality)

بند ۵ (ب) مادهٔ ۵۱ پروتکل اول، حملاتی را که «به طور تصادفی موجب تلفات جانبی غیرنظامیان، جراحت آنان، خسارت به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از آن‌ها شود که در قیاس با مزیت نظامی مستقیم و مشخص پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد» ممنوع می‌کند.

کشته شدن بیش از ۱,۷۵۰ غیرنظامی، آوارگی ۳.۵ میلیون نفر و تخریب تأسیساتی نظیر نیروگاه اتمی بوشهر و پالایشگاه‌ها که منجر به باران اسیدی و تهدید دسترسی به آب



بیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در جریان مناقشه علناً اظهار داشت که به دشمن «امان نمی‌دهد». حقوق بشردوستانه بین‌المللی (و حتی کتابچه راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا)، امتناع از پذیرش تسلیم شدن نیروهای دشمن یا امدادسانی به مجروحان آن‌ها را صراحتاً ممنوع کرده است.

■ نقض فراسرزمینی حقوق بشر

کارشناسان سازمان ملل تأکید کرده‌اند که حق حیات مندرج در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ، در زمان مداخلات مسلحانه نیز تعلیق‌پذیر نیست. آن‌ها هشدار دادند که استفاده از هوش مصنوعی در حملات هوایی در مناطق شهری متراکم خاورمیانه، به «نابودی نامتناسب غیرنظامیان» خواهد انجامید.

■ ارزیابی در چارچوب اساسنامه رم (جنایات جنگی)

بر اساس ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، «حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا اهداف غیرنظامی» مصداق جنایت جنگی است. نامهٔ بیش از یک صد حقوق‌دان آمریکایی، صراحتاً اعلام کرد که اقدامات نظامی آمریکا و اسرائیل «ممکن است مصداق جنایت جنگی باشد». در چارچوب حقوق بین‌الملل، آمریکا و اسرائیل با مسیرهای زیر برای پاسخ‌گویی

مواجه‌اند:

۱. مسئولیت دولت‌ها: طبق طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، آنان موظف به توقف عمل متخلفانه، پرداخت غرامت کامل و ارائه تضمین و اطمینان‌های کافی مبنی بر عدم تکرار هستند.

۲. دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): لازم به ذکر است که دیوان کیفری بین‌المللی، پیش‌تر در نوامبر ۲۰۲۴ برای نخست‌وزیر و وزیر دفاع وقت اسرائیل (در رابطه با مناقشهٔ غزه)، قرار بازداشت صادر کرده بود. سخن‌گوی وزارت خارجهٔ ایران نیز اعلام کرده که ایران به دنبال پیگرد قانونی عاملان ترور رهبران خود در این نهاد است.

۳. سازوکارهای تحقیق سازمان ملل: کارشناسان سازمان ملل، خواستار انجام تحقیقات مستقل درمورد حملات مشخص از جمله حمله به مدرسهٔ میناب، پالایشگاه‌ها و تأسیسات آب شیرین‌کن شده‌اند.

■ نتیجه‌گیری

تام فلچر، مسئول امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در مصاحبه با بی‌بی‌سی شاید گویاترین جمع‌بندی را ارائه داد: «قواعد بسیار شفاف و بسیار قدرتمند هستند. مشکل در اجراء است. این جنگ، «بی‌پروایانه» است.» سخن طولانی‌کردن در این مجال بی‌بهره است چرا که هر انسان آزادهٔ بهره‌مند از عقل سلیم، توحش و جنایات آمریکایی-صهیونیستی به فرماندهی ترامپ-نتانیاهورامی ببیند و محکوم می‌کند.

ابعاد حقوقی محاصره دریایی و امکان ارتکاب جنایت علیه بشریت طبق معاهده روم و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

محمد رضا شاکری
وکیل دادگستری

مقدمه

محاصره دریایی یکی از ابزارهای سنتی مخاصمات در حقوق بین الملل کلاسیک شناخته می شود. با این حال، تحول حقوق بین الملل معاصر، به ویژه پس از تصویب منشور ملل متحد (United Nations Charter – UN Charter)، حقوق بین الملل بشردوستانه (Humanitarian Law – IHL) و حقوق بین الملل کیفری، موجب شده است مشروعیت محاصره دریایی تنها بر اساس قواعد سنتی قابل ارزیابی نباشد. در این مختصر سعی شده است با تکیه بر اسناد الزام آور بین المللی، امکان مطابقت برخی گونه های محاصره دریایی با «جنایت علیه بشریت» طبق معاهده روم (Rome Statute of the International Criminal Court – ICC Statute) بررسی شود.

۱. چارچوب سنتی مشروعیت محاصره دریایی، رویه کلاسیک حقوق مخاصمات دریایی، از جمله اعلامیه لندن ۱۹۰۹ (London Declaration concerning the Laws of Naval

War ۱۹۰۹)، شرایطی را برای مشروعیت محاصره تعیین کرده است. مهم ترین این شرایط عبارتند از: اولاً، اعلان رسمی محاصره؛ ثانیاً، مؤثر بودن (Effectiveness). یعنی حضور نیرو و تجهیزات کافی برای اجرای واقعی محاصره وجود داشته باشد؛ ثالثاً، عدم تبعیض نسبت به کشتی های بی طرف. با وجود این، مشروعیت سنتی کافی نیست و محاصره باید با قواعد آمره حقوق بین الملل معاصر به شرحی که خواهد آمد نیز سازگار باشد.

“

محاصره دریایی که فاقد مبنای مشروع در منشور ملل متحد باشد، موجب گرسنگی یا محرومیت غیرنظامیان از حقوق اساسی بشر شود، اصول تمایز و تناسب را نقض کند و مانع از آزادی گشتیرانی با عبور کمک های بشردوستانه شود، می تواند مغایر حقوق بین الملل، حقوق بشر و کنوانسیون بین المللی حقوق دریاها باشد

”



۱۴۳

کانون وکلای
دادگستری مرکز



۲. محاصره دریایی در پرتو منشور ملل متحد

استفاده از زور در روابط بین‌الملل بر اساس ماده ۲(۴) منشور ملل متحد ممنوع است. از بعد حقوقی شاید محاصره دریایی، به‌عنوان شکلی از «استفاده از زور» (Use of Force) را تنها در دو وضعیت بتوان مشروع قلمداد کرد. اولاً، از موارد دفاع مشروع (Self-Defence) مطابق ماده ۵۱ منشور باشد؛ در ثانی، با اجازه شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد باشد. در غیر این صورت، محاصره دریایی می‌تواند از موارد نقض صریح منشور تلقی شود. افزون بر این، حتی در صورت وجود مجوز، در اجرای محاصره باید مطابق قوانین بین‌الملل بشردوستانه عمل شود.

۳. محاصره دریایی در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه (International Humanitarian)

(Law

مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه، به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ (Additional Protocol I – AP I) محدودیت‌های کلیدی برای محاصره تعیین می‌کنند. مهم‌ترین قیود آن عبارت‌اند از:

۳.۱. ممنوعیت گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان: ماده ۵۴ پروتکل الحاقی، اعلام می‌کند: «گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان، به‌عنوان روش جنگی ممنوع است.» همچنین نابودسازی یا مسدودسازی اقلام ضروری برای بقای غیرنظامیان ممنوع است. محاصره‌ای که موجب کمبود دارو، غذا یا آب آشامیدنی شود، نقض صریح حقوق بشر است.

۳.۲. اصل تمایز (Principle of Distinction): بر اساس ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی، طرفین مخاصمه باید میان اهداف نظامی و

محاصره دریایی ممکن است در این دسته قرار گیرند:

۵.۱. محروم‌سازی عمدی از نیازهای اساسی: ماده ۷ (۱) (ک)، اعمال غیرانسانی را شامل رفتارهایی می‌داند که موجب «رنج شدید» یا «آسیب جدی» به جمعیت غیرنظامی شود. محروم‌سازی از غذا، دارو، تجهیزات پزشکی یا آب آشامیدنی، در صورتی که آگاهانه و سیستماتیک باشد.

۵.۲. حمله گسترده یا سیستماتیک: نمونه‌هایی از تفسیرهای دیوان کیفری بین‌المللی (International Criminal Court - ICC) وجود دارد که یک «حمله»، می‌تواند شامل اعمالی غیر از حمله نظامی مستقیم نیز باشد، از جمله ایجاد شرایط زیستی و انسانی غیرقابل تحمل (به‌عنوان مثال تفاسیری که در پرونده‌های Prosecutor Vs. Katanga و Prosecutor Vs. Bemba شد).

۵.۳. عنصر معنوی (Mens Rea): تحقق جنایت علیه بشریت، منوط به علم و آگاهی مقامات به آثار غیرانسانی اقداماتشان است و محاصره‌ای که با هدف تأثیرگذاری بر جمعیت غیرنظامی یا با علم به پیامدهای آن اجراء شود، واجد عنصر معنوی جرم قلمداد می‌شود.

۶. تعارض محاصره دریایی با حقوق دریاها (UNCLOS)

بر اساس کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها ۱۹۸۲ (United Nations Convention on the Law of the Sea - Freedom of)، آزادی کشتیرانی (UNCLOS)،

غیرنظامیان تمایز قائل شوند. محاصره‌ای که ماهیت یا اثر آن، متوجه جمعیت غیرنظامی باشد، نقض این اصل مهم است.

۳.۳. اصل تناسب (Principle of Proportionality): ماده ۵۱ (۵) (ب) پروتکل اول الحاقی، حملات یا اقداماتی را که «تلفات غیرنظامی بیش از حد» نسبت به مزیت نظامی مورد انتظار ایجاد کنند، ممنوع می‌داند. محاصره‌ای که آثار انسانی زیست‌محیطی شدید داشته باشد، نامتناسب است.

۴. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

در صورت نقض IHL، مسئولیت بین‌المللی دولت بر اساس پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها (ILC Articles on State Responsibility) ۲۰۰۱ مطرح می‌شود. نقض تعهدات آمره مانند حق حیات، حق دسترسی به غذا، اعمال رفتارهای غیرانسانی و تحمیل گرسنگی از جمله شایع‌ترین نگرانی‌هاست که موجب مسئولیت دولت محاصره‌کننده خواهد شد.

۵. امکان تطبیق محاصره دریایی با «جنایت علیه بشریت» طبق معاهده رم

معاهده رم ۱۹۹۸ بعدتر منجر به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی شد. بر اساس ماده ۷ اساسنامه دیوان، «جنایت علیه بشریت» عبارت است از ارتکاب اعمال مشخص علیه جمعیت غیرنظامی، در قالب «حمله گسترده یا سیستماتیک». برخی اعمال ناشی از



عامدانه بودن، در کنار آمران (رهبران) حتی فرماندهان نظامی مجری تصمیمات نیز طبق ماده هفت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است مرتکب «جنایت علیه بشریت» قلمداد شوند.

■ فهرست منابع

1. UN Charter (1945) arts 2(4), 51.
2. London Declaration concerning the Laws of Naval War (1909).
3. UN Charter, Chapter VII.
4. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I) (1977) art 54.
5. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/rome-statute-international-criminal-court>
6. International Law Commission, Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).
7. Rome Statute of the International Criminal Court (1998) art 7(1)(k).
8. Prosecutor Vs. Germain Katanga (ICC-01/04-01/07) Judgment (2014).
9. Prosecutor Vs. Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05-01/08) Judgment (2016).
10. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS) (1982) arts 87, 90.
11. Rome Statute, art 28.
12. <https://www.icc-cpi.int/resource-library>

(Navigation) از اصول بنیادین است (مواد ۸۷ و ۹۰). محاصره‌های که مانع عبور کشتی‌های بی‌طرف یا امدادی شود، ممکن است ناقض این اصول باشد. همچنین ایجاد خطر برای محیط‌زیست دریایی و یا استفاده از زور علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای ساحلی (ماده ۱۹) می‌تواند نقض تعهدات زیست‌محیطی UNCLOS محسوب می‌شود.

۷. مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت فرماندهی

معاهده رم در ماده ۲۸، مسئولیت فرماندهی (Command Responsibility) را مطرح می‌کند. مقامات نظامی یا سیاسی که توانایی جلوگیری از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را دارند ولی اقدامی نمی‌کنند، ممکن است مسئول شناخته شوند. اگر محاصره دریایی در قالب طرح‌ریزی شده و با علم به آثار آن اجراء شود، مسئولیت مقامات ارشد محتمل است.

■ نتیجه‌گیری

محاصره دریایی در حقوق بین‌الملل، تنها در شرایط محدود ممکن است مشروع شمرده شود. محاصره‌ای که فاقد مبنای مشروع در منشور ملل متحد باشد، موجب گرسنگی یا محرومیت غیرنظامیان از حقوق اساسی بشر شود، اصول تمایز و تناسب را نقض کند و مانع از آزادی کشتیرانی یا عبور کمک‌های بشردوستانه شود، می‌تواند مغایر حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها باشد و در صورت ارتکاب و احراز

مسئولیت بین‌المللی و کیفرشناسی تجاوز به ایران؛ از دکترین ضرورت نظامی تا جنایات علیه بشریت

دکتر آرمان شرافقی‌زنگنه

استاد دانشگاه

وکیل دادگستری

دکترای حقوق جزاء و جرم‌شناسی

توجیه حملات خود استفاده می‌کنند. طبق ماده ۲ منشور ملل متحد، اصل بر «ممنوعیت تهدید و توسل به زور» است. از این رو، هرگونه تهاجم نظامی علیه ایران که فاقد مجوز شورای امنیت یا خارج از چارچوب «دفاع مشروع» (ماده ۵۱) باشد، از همان لحظه نخست نه یک ضرورت نظامی، بلکه یک «جنایت تجاوز» است. در اینجا، ضرورت نظامی نمی‌تواند مجوزی برای نقض قواعد آمره باشد؛ چراکه هدف قراردادن زیرساخت‌های حیاتی به بهانه فلج‌کردن دولت، نقض صریح اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان است.

۲. از تهدید تا وحشت؛ جنایت علیه بشریت یکی از ابعاد نادیده‌گرفته‌شده در تجاوزهای نظامی، «تروریسم روانی» است. زمانی که مقامات یک قدرت متخاصم، ملتی را به بازگرداندن به «عصر حجر» تهدید می‌کنند، آن‌ها در حال ارتکاب عملی هستند که در حقوق بشردوستانه مدرن (مانند پروتکل اول الحاقی ژنو، ماده ۵۱) صراحتاً منع شده است: «اقداماتی که هدف اصلی آن‌ها گسترش ترس و وحشت میان جمعیت غیرنظامی باشد».

در جهان معاصر، حقوق بین‌الملل دیگر صرفاً ابزاری برای تنظیم روابط دیپلماتیک نیست، بلکه به‌عنوان «وجدان بیدار بشریت» در برابر بدترین فجایع انسانی، قد علم کرده است. وقتی که سخن از تجاوز نظامی به کشوری با پیشینه و جایگاه ایران به میان می‌آید، مفاهیم حقوقی از لایه‌های تئوریک خارج می‌شوند و با واقعیت‌های خشن جنگ یعنی خون، تخریب و وحشت‌گره می‌خورند. این یادداشت این پرسش را واکاوی می‌کند که چگونه می‌توان از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه، تجاوز نظامی را تحلیل و مسئولیت کیفری آمران و عاملان آن را تبیین کرد.

۱. بن‌بست دکترین «ضرورت نظامی»

در حقوق مخاصمات مسلحانه، اصلی تحت عنوان «ضرورت نظامی» وجود دارد که به دولت‌ها اجازه می‌دهد در وضعیت خاص، اقداماتی را برای دستیابی به پیروزی انجام دهند. اما متجاوزان اغلب از این دکترین به‌عنوان پوششی برای





حقوق بشردوستانه بر دو پایه استوار است: «تفکیک» و «تناسب». در هرگونه تجاوز نظامی علیه ایران، هرگونه حمله‌ای که منجر به آسیب جانبی مفرط به غیرنظامیان شود (مانند حمله به شبکه‌های برق، آب و بیمارستان‌ها تحت عنوان اهداف دوگانه)، به طور خودکار در زمره «جنايات جنگی» قرار می‌گیرد. کيفرشناسی این اقدامات، نشان می‌دهد که آمران این حملات حتی در بالاترین سطوح سیاسی - «مسئولیت کيفری فردی» دارند. مصونیت‌های سیاسی در حقوق بین‌الملل کيفری مدرن، دیگر سپری در برابر جنايات جنگی نیستند. تجربه دادگاه‌های نورنبرگ، یوگسلاوی سابق و رواندا ثابت کرده

وقتی تهدید به عمل تبدیل و بمباران‌ها آغاز می‌شود، این «ایجاد وحشت» از یک تخلف ساده به سطح «جنايت علیه بشریت» ارتقاء می‌یابد. جنايت علیه بشریت، نیازی به وجود جنگ رسمی ندارد؛ بلکه طبق اساسنامه رم، هرگونه حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی، مصداق این جنايت است. رنج عظیم روانی ناشی از تهدید به نابودی کل زیرساخت‌های زیستی یک کشور، زخمی است که فراتر از جراحات فیزیکی، بنیان‌های حقوق بشر را هدف قرار می‌دهد.

۳. نقض فاحش حقوق بشردوستانه و جنايات جنگی

تهاجمی و تهدید به نابودی غیرنظامیان، مقدمه نادیده گرفتن کرامت انسانی است. جامعه بین‌المللی موظف است نه تنها از منظر سیاسی، بلکه از منظر حقوقی، هزینه تجاوز را برای متجاوز بالا ببرد. استفاده از ظرفیت‌های «صلاحیت جهانی»، در دادگاه‌های ملی کشورهای مختلف و پیگیری در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، مسیرهایی هستند که می‌توانند تهدیدکنندگان را به پاسخ‌گویی وادارند.

نتیجه‌گیری

تجاوز نظامی به ایران، صرفاً یک رویارویی سخت میان دو ارتش نیست؛ بلکه آزمونی بزرگ برای قواعد حقوق بین‌الملل است. اگر دکترین «ضرورت نظامی» بتواند جنایت علیه غیرنظامیان را توجیه کند، حقوق بین‌الملل شکست می‌خورد. اما حقیقت حقوقی آن است که هیچ هدفی، هرچند استراتژیک، نمی‌تواند مشروعیت بخش ایجاد وحشت عمومی و نابودی تمدنی یک ملت باشد. مسئولیت بین‌المللی متجاوزان، مشمول مرور زمان نخواهد شد و سایه عدالت، دیر یا زود، بر سر کسانی که «عصر حجر» را برای دیگران آرزو می‌کنند، سنگینی خواهد کرد. اراده حقوقی جهان باید بر این اصل استوار بماند: «جنگ هرگز نباید بهانه‌ای برای دفن حقوق انسان‌ها باشد.»

است که ادعای «اجرای دستورات مافوق» یا «ضرورت‌های راهبردی»، نمی‌تواند مانع از صدور حکم بازداشت بین‌المللی برای کسانی شود که فرمان نابودی زیرساخت‌های غیرنظامی را صادر کرده‌اند.

۴. پارادایم حقوق بشر در قلب مخاصمه

امروزه تفکیک سنتی میان «حقوق جنگ» و «حقوق بشر» فروپاشیده است. حتی در میانه نبرد، دولت‌ها متعهد به حفظ «حق بر زندگی» و «حق بر سلامت» شهروندان هستند. تجاوز نظامی به ایران، که منجر به آوارگی میلیونی، قطع دسترسی به دارو و نابودی محیط زیست شود، نقض سیستماتیک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. از منظر حقوق بشر، هر بمبی که فرود می‌آید، تنها یک هدف نظامی را منهدم نمی‌کند، بلکه زنجیره‌ای از حقوق بنیادین بشر را پاره می‌کند. اینجاست که مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز مطرح می‌شود؛ مسئولیتی که شامل جبران خسارت و اعاده وضعیت به پیش از تهاجم است.

۵. مسئولیت کیفری و لزوم دادرسی بین‌المللی

در نهایت، کیفرشناسی تجاوز به ایران ما را به سوی یک ضرورت‌گریزناپذیر سوق می‌دهد: پایان بخشیدن به «فرهنگ معافیت از مجازات». لفاظی‌های



مبنای قانونی مصوبات شورای عالی امنیت ملی

صفر صادقی
وکیل دادگستری

موارد، هم‌زمان رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را به نمایندگی رهبری در شورا منصوب می‌کند تا حق رأی داشته باشد.

دبیران شورای عالی امنیت ملی تاکنون عبارت بودند از:

- دکتر حسن روحانی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴
- شهید دکتر علی لاریجانی سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶
- دکتر سعید جلیلی سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲
- شهید علی شمخانی سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲
- علی‌اکبر احمدیان سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴
- شهید دکتر علی لاریجانی از مرداد ۱۴۰۴ تا شهادت
- محمدباقر ذوالقدر از سال ۱۴۰۴ تاکنون

بخش دوم - جایگاه، وظایف و ترکیب شورای عالی امنیت ملی

■ جایگاه شورا
در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ شورای عالی امنیت ملی پیش‌بینی نشده بود، ولی در اصل ۱۱۰ ضمن بیان اختیارات و وظایف رهبر، تشکیل شورایی به نام شورای عالی دفاع مرکب از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران و دو مشاور به تعیین رهبر پیش‌بینی شده بود. در قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۶۸ با الحاق اصلی به شماره ۱۷۶ به قانون اساسی، نهادی به نام

■ بخش اول - تاریخچه

شورای عالی امنیت ملی (با نام اختصاری ش‌عام)، برای تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی ایران و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران در تاریخ بیستم مهرماه سال ۱۳۶۸ تأسیس شده است. این شورا، مهم‌ترین وزنه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و امور دفاعی و امنیتی کشور است. اعضای این شورا را مقامات عالی‌رتبه سیاسی، نظامی و اطلاعاتی ایران تشکیل می‌دهند. ریاست این شورا برعهده رئیس‌جمهور است و مصوبات آن پس از تأیید رهبر جمهوری اسلامی ایران، لازم‌الاجراء است و تنها رهبر حق دارد بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری صرفاً مصوبات را لغو کند.

مهم‌ترین اقدام دبیرخانه شورا در گذر زمان، بررسی اجرای قطعنامه ۵۹۸ و مسئله آزادی اسراء بوده است. دبیر شورا با حکم رئیس‌جمهور منصوب و مسئولیت اداره دبیرخانه و نظارت بر اجرای صحیح تصمیمات و مصوبات شورا و امور اداری و اجرائی را به عهده دارد. دبیر شورا حق رأی ندارد، اما مطابق روال مرسوم در اغلب



رئیس‌جمهوری که از اعضای شورای عالی است تعیین می‌شوند، حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آن‌ها به تصویب شورای عالی می‌رسد و مصوبات آن پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.

اعضای شورای عالی امنیت ملی - اعضای شورا عبارت‌اند از: رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و حسب مورد وزیر مربوطه و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملی پیش‌بینی شد. هدف از تشکیل شورای عالی امنیت ملی در این اصل، تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ذکر شده است. عمده فعالیت شورای عالی امنیت ملی، تصمیم‌گیری اجرائی است و با ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود، اما کاملاً جزء قوه مجریه محسوب نمی‌شود چراکه رؤسای سه قوه از اعضای آن هستند و تصمیمات آن با تأیید رهبری اجراء می‌شود، بنابراین نهاد خاصی است که با ترکیب و وظایف خاصی طبق قانون اساسی تشکیل شده است.

■ وظایف شورای عالی امنیت ملی

فصل سیزدهم قانون اساسی و در اصل ۱۷۶ قانون اساسی وظایف شورای عالی امنیت ملی را بیان کرده است:

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
 ۲. هماهنگی فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی.
 ۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.
- شورای عالی به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور را تشکیل می‌دهد و ریاست هر یک از شوراهای فرعی از طرف

■ بخش سوم - اختیارات و تعیین سیاست در شورای عالی امنیت ملی

“ مستندات حقوقی مهمی چون نظریات شورای نگهبان و آرای برخی مراجع قضائی مؤید آن است که مصوبات شورای عالی امنیت ملی چنانچه در چارچوب صلاحیت موضوعی آن تصویب شوند، عملاً در جایگاهی هم‌تراز و حتی در مواقعی بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند ”



اختیارات شورای عالی امنیت ملی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور و هماهنگی امور کشور با تدابیر دفاعی-امنیتی، بهره‌گیری از امکانات کشور برای مقابله با تهدیدات خارجی و تعیین سیاست در شورای عالی امنیت ملی.

نقش تعیین سیاست در شورای عالی امنیت ملی، به منظور اعمال حکمرانی امنیتی مطلوب در یک تقسیم‌بندی کلان به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- تدوین سیاست‌های امنیت ملی (راهبردها): تدوین سیاست، فرایند جمعی تصمیم‌گیری ملی در حوزه امنیت است. مطالعه این فرایند نشان می‌دهد که در گردآوری داده‌ها و شکل‌گیری برداشت‌ها چه عواملی مؤثر است و سازمان‌ها و مقامات در فضای فکری و اندیشه‌ای برای تصمیم‌گیری چه نقشی ایفاء می‌کنند. این نوع سیاست بیانگر امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌های ملی برای تأمین اهداف و آرمان‌هاست و در ادبیات رایج شورای عالی امنیت ملی ایران به این نوع از سیاست‌گذاری‌ها «راهبرد» گفته می‌شود. با این رویکرد شورای عالی امنیت ملی به دنبال عملیاتی است که از طریق به‌کارگیری و استخدام منابع، اهداف مدنظر را محقق کند براین‌اساس راهبرد عبارت است از یک طرح کلی برای استفاده از توان و قدرت سیاسی-نظامی در رابطه با عوامل اقتصادی، دیپلماتیک و روانی قدرت که

با ابزار پنهان، ضمنی یا آشکار از سیاست داخلی و خارجی حمایت می‌کند.

۲- تدوین سیاست‌های مدیریت امنیت ملی (میان‌ه و خرد): این نوع سیاست‌گذاری بیانگر راهکارهای اجرایی سیاست‌های امنیت ملی می‌باشد. بدیهی است این راهکارها دربرگیرنده دو نقش دیگر شورای عالی، هماهنگی بازیگران عرصه حکمرانی امنیتی و بسیج منابع است. شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، به اقتضای وضعیت کشور و قانون اساسی در هر دو سطح نقش ایفاء می‌کند. شاید نتوان از نظر فرایند اجرایی تفاوت چندانی با نوع اول برای آن تصور کرد، ولی از نظر محتوایی تفاوت‌هایی با سیاست‌گذاری امنیت ملی دارد و برجسته‌ترین آن اینکه این گونه سیاست‌گذاری با پیشنهاد اولیه نهادهای اجرایی و بازیگران عرصه حکمرانی امنیت ملی جریان می‌یابد.

■ بخش چهارم - تعارض مصوبات

شورای عالی امنیت ملی با قوانین عادی

باتوجه به اصول قانون اساسی، وضع و اصلاح قوانین یا تفسیر آن برعهده مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی دیده نشده است. لذا می‌توان قائل به عدم امکان ورود شورای عالی در این حیطه بود. ولی از سوی دیگر، همان‌گونه که بیان شد، اتخاذ تصمیمات این شورا عموماً در حالت اضطراری انجام می‌شود. لذا می‌تواند در

مصوبات شورای عالی بر قوانین عادی داده شده است.

به عبارت دیگر مستندات حقوقی مهمی چون نظریات شورای نگهبان و آرای برخی مراجع قضائی مؤید آن است که مصوبات این شورا چنانچه در چارچوب صلاحیت موضوعی آن تصویب شوند، عملاً در جایگاهی هم‌تراز و حتی در مواقعی بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند و به دلیل ساختار مستقل نهاد تصویب‌کننده آن، با وضع قوانین و مقررات بعدی قابل نسخ یا تغییر نیستند.

■ منابع گردآوری:

■ حسین مهرپور. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ ۳. دادگستر، ۱۳۹۱.

■ منصور اباذری فومشی. ترمینولوژی حقوق نوین (جلد اول). چاپ ۱. کیان، ۱۳۹۲.

■ عبدالرضا باقری (۱۴۰۱). «نقش شورای عالی امنیت ملی در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی».

■ حسین باقری زرین‌قبائی (۱۴۰۰). «حدود صلاحیت قانونی شورای عالی امنیت ملی در امنیت اقتصادی، با تأکید بر امنیت ملی».

■ مقدسی، مهدی؛ اکبری، احسان (۱۳۹۶). «جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در نظام حقوق اساسی ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران.

قالب هماهنگ کردن فعالیت‌های اقتصادی، با تدابیر کلی دفاعی‌امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی (بندهای ۲ و ۳ اصل ۱۷۶)، مصوباتی داشته باشد که پس از تأیید رهبری قابل اجراء است.

پس، مشروط به ارتباط مصوبات با تدابیر دفاعی‌امنیتی و سیاست‌های کلی مربوطه و وجود اضطرار در تصمیم‌گیری، باید پذیرفت که این شورا می‌تواند درباره انعقاد قراردادهای تجاری و اقتصادی یا موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یا در خصوص نحوه اجراء یا عدم اجراء یک قانون، موقتاً تارفع وضعیت اضطراری، تصمیم بگیرد.

خاصه آنکه در اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت قانونگذاری مجلس محدود به رعایت حدود مقرر در قانون اساسی شده که یکی از این حدود همان صلاحیت‌های شورای عالی امنیت ملی در اصل ۱۷۶ است. علاوه بر این، واژگان «تدابیر» و «مصوبات» در اصل مذکور می‌توانند مؤید ضابطه‌گذاری از سوی این شورای عالی باشند که در این بخش، به قانونگذاری نزدیک می‌شوند.

باتوجه به این موضوع و در وضع موجود، تا زمانی که مرجع تفسیر قانون اساسی (شورای نگهبان) این واژگان را تفسیر نکرده است، باید پذیرفت که این شورا امکان ضابطه‌گذاری و وضع مقرراتی برخلاف مصوبات مجلس را دارد. در نظریات تفسیری شورای نگهبان نیز حکم به برتری



واکاوی مفهوم جنایت جنگی در پرتو حقوق بین الملل بشر دوستانه و اساسنامه رم

مهران صادقیان

وکیل دادگستری

پژوهشگر دوره دکتری حقوق عمومی

دانشگاه علامه طباطبائی

که برای کاهش رنج انسانی در زمان جنگ ایجاد شده‌اند. هدف این قواعد حمایت از افرادی است که در جنگ مشارکت ندارند یا دیگر قادر به مشارکت نیستند، مانند غیرنظامیان، مجروحان، بیماران و اسیران جنگی. همچنین این قواعد محدودیت‌هایی برای روش‌ها و ابزارهای جنگ تعیین می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین منابع تعریف جنایت جنگی، ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی است که فهرست گسترده‌ای از اعمالی را که در چارچوب یک مخاصمه مسلحانه جنایت جنگی محسوب می‌شوند ارائه می‌دهد. از جمله این اعمال، می‌توان به قتل عمد افراد تحت حمایت، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، وارد کردن رنج شدید جسمی یا روانی، تخریب گسترده اموال بدون ضرورت نظامی، گروگان‌گیری و محروم کردن افراد از محاکمه عادلانه اشاره کرد.

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه بر چند اصل بنیادین استوار می‌باشد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها اصل تفکیک است که بر اساس آن، طرف‌های درگیر در مخاصمه، باید همواره میان اهداف نظامی و افراد یا اموال غیرنظامی تمایز قائل شوند. حمله عمدی به غیرنظامیان یا اهداف

جنایت جنگی، یکی از مفاهیم اساسی در حقوق بین‌الملل معاصر است که با هدف محدودیت خشونت در زمان مخاصمات مسلحانه و حمایت از افرادی که در جنگ مشارکت مستقیم ندارند شکل گرفته است. تجربه جنگ‌های گسترده قرن بیستم، به‌ویژه فجایع و جنایات ناشی از جنگ جهانی دوم، نشان داد که بدون وجود قواعد حقوقی مشخص، جنگ می‌تواند به خشونت‌های گسترده علیه غیرنظامیان، اسیران جنگی و زیرساخت‌های حیاتی منجر شود.

به همین دلیل جامعه بین‌المللی مجموعه‌ای از اسناد و قواعد حقوقی را برای تنظیم رفتار طرف‌های درگیر در جنگ ایجاد کرده است. این قواعد، عمدتاً در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و اسنادی مانند کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ شکل گرفته‌اند. در حقوق بین‌الملل، جنایت جنگی به نقض‌های جدی قواعدی گفته می‌شود



آگاهی لازم دست به ارتکاب عمل زده باشد.

در حقوق کیفری بین‌المللی مفهوم مهم دیگری نیز وجود دارد که به آن مسئولیت فرماندهی گفته می‌شود. بر اساس این اصل، فرماندهان نظامی یا مقامات بالاتر، در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که از ارتکاب جنایت توسط نیروهای تحت فرمان خود آگاه بوده یا باید آگاه می‌بودند و با این حال، برای جلوگیری از آن یا مجازات عاملان اقدامی نکرده باشند. این اصل برای جلوگیری از مصونیت مقام‌های ارشد در زمان جنگ اهمیت زیادی دارد.

در کنار نظام حقوق بین‌الملل، برخی کشورها قوانین داخلی برای رسیدگی به جنایات جنگی تصویب کرده‌اند. ایالات متحده آمریکا نیز در نظام حقوقی خود مقرراتی در این زمینه دارد. مهم‌ترین قانون داخلی در این حوزه، «قانون جنایات جنگی» مصوب ۱۹۹۶

غیرنظامی از مهم‌ترین مصادیق جنایت جنگی محسوب می‌شود. همچنین حمله به بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، مدارس، اماکن مذهبی و کاروان‌های امدادی که ماهیت غیرنظامی دارند معمولاً نقض جدی قوانین جنگ به شمار می‌آید.

اصل دیگر، تناسب است. بر اساس این اصل، حتی زمانی که هدف حمله یک هدف نظامی مشروع باشد، اگر خسارت مورد انتظار به غیرنظامیان بیش از حد و نامتناسب با مزیت نظامی مورد نظر باشد، چنین حمله‌ای غیرقانونی تلقی می‌شود. در کنار آن، اصل ضرورت نظامی بیان می‌کند که استفاده از زور باید تنها در حدی باشد که برای دستیابی به هدف نظامی ضروری است.

برای اثبات جنایت جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی معمولاً چند عنصر اساسی باید وجود داشته باشد. نخست، وجود یک مخاصمه مسلحانه است، زیرا حقوق بشردوستانه تنها در وضعیت جنگ یا درگیری مسلحانه اعمال می‌شود. دوم، باید میان عمل ارتكابی و مخاصمه مسلحانه ارتباط وجود داشته باشد، به این معنا که جرم در بستر جنگ رخ داده باشد. سوم، وقوع عمل مادی جرم باید اثبات شود، یعنی یکی از رفتارهایی که در اسناد حقوقی به عنوان جنایت جنگی تعریف شده است واقعاً انجام شده باشد. چهارم، عنصر روانی جرم نیز باید احراز شود؛ یعنی مرتکب با قصد یا

“

در مجموع، جنایت جنگی یکی از ارکان مهم حقوق بین‌الملل معاصر است که هدف آن محدود کردن خشونت در زمان جنگ و حمایت از کرامت انسانی است

”



می‌باشد که در ماده ۱۸ § 2441 U.S.C. قانون کیفری فدرال درج شده است. بر اساس این قانون، هر عضو نیروهای مسلح آمریکا یا هر شهروند آمریکایی که مرتکب جنایت جنگی شود، می‌تواند تحت تعقیب کیفری قرار گیرد. مجازات این جرایم بسیار سنگین است و می‌تواند شامل حبس طولانی‌مدت یا حبس ابد باشد و در صورتی که جنایت منجر به مرگ قربانی شود، حتی مجازات اعدام نیز ممکن است اعمال شود.

با وجود این سازوکارهای داخلی، نقش دادگاه‌های بین‌المللی در مورد شهروندان آمریکایی محدود است، زیرا ایالات متحده عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست.

با این حال در برخی اوضاع خاص، مانند ارجاع شورای امنیت سازمان ملل یا وقوع جرم در قلمرو کشوری که عضو دیوان است، امکان دارد این دادگاه صلاحیت رسیدگی پیدا کند.

در مجموع، جنایت جنگی یکی از ارکان مهم حقوق بین‌الملل معاصر است که هدف آن محدود کردن خشونت در زمان جنگ و حمایت از کرامت انسانی است.

قابل تأمل اینکه در جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بسیاری از اهدافی که مورد اصابت قرار گرفت در فهرست جرایم جنگی قرار دارد و از آن جمله جنایت بیرحمانه و کشتار کودکان مدرسه میناب، بمباران منازل مسکونی و کشتار وسیع

غیرنظامیان، بمباران عمدی و گسترده بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، زیرساخت‌های اقتصادی کشور از جمله کارخانجات، پتروشیمی‌ها، صنایع فولاد، نیروگاه‌های برق، صنایع نفت و گاز، پل‌ها، وسایل حمل‌ونقل و بسیاری دیگر از اهداف که ماهیتاً هدف غیرنظامی‌اند.

اندک تحلیل‌گرانی بدون دانش تخصصی درصدد توجیه این جنایات برآمده‌اند، لکن واضح و مبرهن است که این جنایات به‌طور قطع و یقین در زمره جنایات جنگی قرار دارند چه آنکه اولاً در وقوع فعل مادی این جنایات و انتساب آن به دشمن تردیدی نیست، فرماندهان آن‌ها پذیرفته‌اند و به آن افتخار می‌کنند. ثانیاً، عنصر روانی محرز است چراکه نه تنها دشمن زحمت موجه‌سازی چنین اعمالی را به خود نمی‌دهد بلکه زبان تهدید به تکرار وسیع‌تر این جنایات گشوده است. ثالثاً، اصول تفکیک و تناسب نیز هرگونه توجیهی را در این باره ناممکن می‌سازد.

با این حال، صرف نظر از آنکه مرتکبان جنایت جنگی در محاکم بین‌المللی یا محاکم داخلی (مشابه مجازات مرتکبان جنایات مرتبط با زندان ابوغریب) به سزای اعمال خود برسند یا خیر، تاریخ و افکار عمومی در سطح جهان به نظاره نشست‌اند و قطع به یقین اعتبار و مشروعیت نظام سیاسی و نظام حقوق اساسی این کشورها در سنجه معیارهای مشروطه‌گرایی فراملی قرار خواهد گرفت.

هرمز؛ گذرگاه حق یا ابزار فشار؟

فرهاد صدیقی
وکیل دادگستری

سرزمینی، قواعد مسئولیت دولت‌ها در قبال آسیب به محیط‌زیست دریایی و امنیت دریانوردی؛ اما نقطهٔ اختلاف اصلی، در تنگه‌هاست. کنوانسیون ملل متحد دربارهٔ حقوق دریاها برای تنگه‌های مورد استفاده جهت کشتیرانی بین‌المللی، رژیم «عبور ترانزیت» را پیش‌بینی می‌کند که از عبور بی‌ضرر گسترده‌تر است. چون ایران عضو این کنوانسیون نیست، از منظر معاهداتی الزام کامل به آن رژیم ندارد؛ هرچند ممکن است برخی عناصر آن به عرف نزدیک شده باشد.

در نتیجه ایران می‌تواند با تکیه بر حقوق عرفی و حقوق داخلی خود، چارچوب اجرائی و انتظامی دقیق‌تری برای عبور از تنگه تدوین کند، بی‌آنکه الزاماً در چارچوب تفسیری کشورهای غربی از کنوانسیون پیش‌گفته محصور شود.

۲) آیا ایران «حق دریافت عوارض عبور» از تنگهٔ هرمز را دارد؟ در اینجا باید تفکیک حقوقی انجام داد: دریافت «عوارض صرف عبور» از کشتی‌هایی که فقط عبور می‌کنند، در حقوق بین‌الملل (به‌ویژه در تنگه‌ها) محل مناقشهٔ جدی است و در بسیاری از تفاسیر، قابل دفاع نیست؛ مگر آنکه عنوان عوارض، در واقع هزینهٔ خدمات باشد. اما آنچه قابل دفاع‌تر و مستدل‌تر است:

■ دریافت هزینهٔ خدمات واقعی مانند

در روزگاری که ژئوپلیتیک خلیج فارس با سرعتی بی‌سابقه در حال دگرگونی است، یک گزارهٔ حقوقی ساده می‌تواند به اهرمی راهبردی تبدیل شود: ایران، عضو کنوانسیون ملل متحد دربارهٔ حقوق دریاها ۱۹۸۲ (UNCLOS) نیست. این کنوانسیون با درج ملاحظاتی توسط نمایندهٔ اعزامی دولت ایران امضاء شده، اما تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است و ظاهراً آمریکا و اسرائیل نیز عضو این کنوانسیون نیستند. این واقعیت، اگر درست فهم و مدیریت شود، می‌تواند در بحث تنگهٔ هرمز و قواعد عبور و مرور، به نفع ایران نقش‌آفرینی کند اما نه با شعار، بلکه با استدلال حقوقی مستند و سیاست‌گذاری دقیق.

۱) عدم عضویت یعنی بی‌قانونی؟ خیر؛ یعنی تکیه بر «حقوق بین‌الملل عرفی»، عدم عضویت در کنوانسیون پیش‌گفته، به معنای خروج از حقوق بین‌الملل نیست. بخش مهمی از قواعد دریاها امروز عرفی شده‌اند؛ یعنی حتی دولت‌های غیرعضو نیز در اصل به آن‌ها پایبندند، از جمله: اصل آزادی کشتیرانی در دریاهای آزاد، اصل عبور بی‌ضرر در دریای



راهنمایی (Pilotage)، یدک‌کشی، خدمات ایمنی، کنترل ترافیک دریایی (VTS)، امداد و نجات، مقابله با آلودگی و اقدامات پیشگیرانه.

■ وضع مقررات فنی و ایمنی برای عبور (سرعت، مسیر، اعلام قبلی، ممنوعیت حمل برخی مواد در وضعیت خاص)، مشروط به اینکه غیرتبعیض‌آمیز و ضروری برای امنیت و ایمنی باشد. در

ادبیات حقوقی، میان "toll for passage" و "fee for service" تفاوتی تعیین‌کننده است. ایران اگر به‌جای شعار عوارض عبور، روی سامانه جامع خدمات ایمنی-دریایی با نرخ‌نامه شفاف و استانداردهای بین‌المللی تمرکز کند، دست بالا را در افق حقوقی و افکار عمومی خواهد داشت.

۳) چرا «عدم عضویت آمریکا» نیز اهمیت دارد؟ آمریکا سال‌هاست این کنوانسیون را تصویب نکرده است، اما گزینشی به آن استناد می‌کند؛ هرچا را به نفعش باشد «عرف» می‌خواند و هرچا محدودش کند، از پذیرش رسمی می‌گریزد. این دوگانگی در خلیج فارس به شکل افزایش حضور نظامی، ائتلاف‌سازی دریایی و فشار سیاسی بروز یافته است. در چنین وضعی، ایران می‌تواند با طرح این پرسش حقوقی کلیدی، ابتکار عمل را به دست گیرد: اگر قرار است قواعد تنگه‌ها الزام‌آور باشد، چرا دولتی که خود عضو کنوانسیون نیست دیگران را به تفسیری خاص الزام می‌کند؟

۴) تحولات منطقه‌ای: هرمز از «نقطه بحران» به «نقطه تنظیم‌گری» تبدیل می‌شود، واقعیت میدانی این است که امنیت انرژی جهان، بدون ثبات خلیج فارس ممکن نیست و تنگه هرمز شریان آن است. با افزایش تنش‌های منطقه‌ای، هر طرحی برای امنیت پایدار، ناگزیر به پذیرش نقش ایران است.

■ پیشنهاد حقوقی

۱) تدوین و اعلام «نظام‌نامه ایمنی و خدمات عبور هرمز» با اتکاء به عرف، حقوق داخلی و استانداردهای سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO).

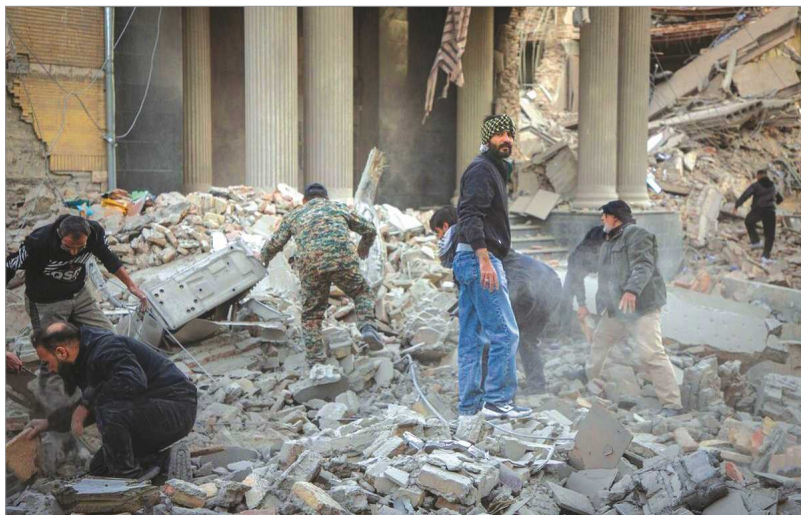
۲) ایجاد مرکز منطقه‌ای مدیریت ترافیک و امداد دریایی و ارائه خدمات واقعی.

۳) اعلام نرخ‌نامه خدمات به صورت شفاف و غیرتبعیض‌آمیز.

۴) پیوند دادن این نظام‌نامه با ایده امنیت منطقه‌ای توسط کشورهای منطقه (بدون هژمونی خارجی).

جمع‌بندی اینکه ایران، آمریکا و اسرائیل عضو کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاهای هستند و این به معنای هرچومرج حقوقی نیست؛ بلکه فرصتی است برای طراحی نظم اجرائی هوشمندانه در تنگه هرمز: نظمی که از یک سو آزادی کشتیرانی را نفی نکند و از سوی دیگر، هزینه امنیت و خدمات واقعی را به بازیگران تحمیل کند. نه با ادعاهای شکننده، بلکه با مقررات دقیق، خدمات مستند و منطبق حقوقی.

بررسی حقوقی نقض قواعد آمره حقوق بین الملل و سازوکارهای حقیقت‌یابی در جنگ تحمیلی سوم



اشکان صفایی‌مقدم

وکیل دادگستری
پژوهشگر دکترای حقوق بین‌الملل

این نوشتار با رویکردی تحلیلی و با استناد به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، ضمن بررسی وضعیت اخیر، به ارزیابی نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در مستندسازی نقض‌ها و زمینه‌سازی برای پاسخ‌گویی بین‌المللی می‌پردازد.

مخاصمات مسلحانه معاصر، به‌ویژه در بستر تنش‌های منطقه‌ای، به‌گونه‌ای فزاینده با آسیب‌های گسترده به غیرنظامیان همراه شده است. در این میان، تحولات اخیر مرتبط با جمهوری اسلامی ایران و حملات منتسب به

تحولات اخیر در مخاصمات مسلحانه مرتبط با ایران، بار دیگر چالش‌های اساسی در اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی را برجسته ساخته است. گزارش‌ها از تخریب گسترده اموال غیرنظامیان و آوارگی جمعیت غیرمشارکت‌کننده در مخاصمه، ضرورت بازخوانی اصول بنیادین همچون تمایز، تناسب و احتیاط در حمله را دوچندان می‌کند.



اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، نمونه‌ای قابل تأمل از چالش‌های اجرای حقوق بشر در دوستانه بین‌المللی به شمار می‌رود. بر اساس گزارش‌های موجود تا تاریخ ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، بیش از چهار هزار واحد مسکونی متعلق به غیرنظامیان تخریب یا آسیب دیده است و شمار قابل توجهی از شهروندان غیرمشارکت‌کننده در محاصمه، ناگزیر به ترک محل سکونت خود و آوارگی در مناطق دیگر شده‌اند.

این وضعیت، در پرتو ماده مشترک ۳ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، که بر لزوم رفتار انسانی با اشخاص غیرمشارکت‌کننده در محاصمه تأکید دارد، قابل ارزیابی است. هرگونه حمله‌ای که به آسیب مستقیم یا غیرمستقیم به غیرنظامیان بینجامد، در صورت عدم رعایت اصول بنیادین حقوق بشر در دوستانه، می‌تواند ناقض تعهدات بین‌المللی تلقی شود.

اصل تمایز، مندرج در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، طرف‌های محاصمه را ملزم می‌سازد که همواره میان اهداف نظامی و اموال و اشخاص غیرنظامی تمایز قائل شوند. تخریب گسترده واحدهای مسکونی، که فاقد کاربری نظامی هستند، در صورت اثبات، می‌تواند نشانه‌ای از نقض این اصل بنیادین تلقی شود. همچنین، ماده ۵۲ این پروتکل، اموال غیرنظامی را از حمله مصون می‌داند و تأکید می‌کند که این اموال نباید هدف عملیات نظامی قرار گیرند، مگر آنکه به طور

مؤثر در خدمت اقدامات نظامی باشند. در تکمیل این چارچوب، اصل تناسب، مندرج در ماده ۵۱(ب) پروتکل الحاقی اول، هرگونه حمله‌ای را که منجر به خسارات بیش از حد به غیرنظامیان در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار شود، ممنوع اعلام می‌کند. تخریب ده‌ها هزار واحد مسکونی و پیامدهای آن، از جمله آوارگی گسترده، می‌تواند در تحلیل تناسب عملیات‌های نظامی مورد توجه جدی قرار گیرد.

اصل احتیاط در حمله، موضوع ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، نیز ایجاب می‌کند که طرف‌های درگیر، تمامی تدابیر ممکن را برای کاهش آسیب به غیرنظامیان اتخاذ کنند. انتخاب اهداف، ابزار و زمان حمله باید به گونه‌ای باشد که کمترین آسیب ممکن به جمعیت غیرنظامی وارد شود. در صورتی که این تدابیر رعایت نشده باشد، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهدات احتیاطی قابل طرح خواهد بود.

پیامدهای انسانی این مخاصمات، به ویژه آوارگی داخلی، از منظر حقوق بین‌الملل

“
حمایت از غیرنظامیان
همچنان یکی از
چالش‌های اساسی حقوق
بین‌الملل معاصر است
”

بیگرد مؤثر باقی بماند. این امر، خطر تداوم فرهنگ مصونیت از مجازات را تقویت می‌کند.

در نهایت، وضعیت اخیر ایران نشان می‌دهد که شکاف میان هنجارهای حقوقی و واقعیت‌های میدانی، همچنان عمیق است. قواعد حقوق بشردوستانه، به‌ویژه اصول تمایز، تناسب و احتیاط، چارچوبی روشن برای حمایت از غیرنظامیان فراهم می‌کنند، اما تحقق این حمایت‌ها مستلزم ارادهٔ سیاسی، تقویت سازوکارهای نظارتی و افزایش نقش نهادهای حقیقت‌یاب است.

فرجام سخن آنکه؛ تحلیل وضعیت مخاصمات اخیر مرتبط با ایران، مؤید آن است که حمایت از غیرنظامیان همچنان یکی از چالش‌های اساسی حقوق بین‌الملل معاصر است. تخریب گستردهٔ اموال غیرنظامی و آوارگی جمعیت، در صورت احراز نقض اصول بنیادین، می‌تواند مصداق نقض جدی حقوق بشردوستانه باشد. در این میان، تقویت کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، افزایش شفافیت و ایجاد پیوند مؤثر میان مستندسازی و تعقیب کیفری، از جمله راهکارهای اساسی برای کاهش شکاف میان هنجار و اجراء به شمار می‌رود. جامعهٔ بین‌المللی باید با رویکردی مسئولانه‌تر، در جهت تضمین احترام به قواعد آمره و حمایت از کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه گام بردارد.

نیز اهمیت دارد. اصول راهنمای آوارگان داخلی (Guiding Principles on Internal Displacement)، ماهیت الزام‌آور قراردادی ندارند، اما به‌عنوان بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌ها و طرف‌های درگیر را ملزم به حمایت از افراد آواره و تأمین نیازهای اساسی آنان می‌دانند.

در این چارچوب، نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب بین‌المللی اهمیت دوچندانی می‌یابد. مطابق مادهٔ ۹۰ پروتکل الحاقی اول، کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یابی می‌تواند ادعاهای نقض جدی حقوق بشردوستانه را بررسی کند. با این حال، محدود بودن صلاحیت این نهاد به پذیرش دولت‌ها، از کارایی آن در بسیاری از موارد کاسته است.

در کنار این سازوکار، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از طریق ایجاد هیئت‌های مستقل تحقیق، می‌تواند نقض‌ها را در وضعیت‌های خاص، از جمله ایران، مستندسازی کند. این نهادها با جمع‌آوری شواهد، مصاحبه با قربانیان و تحلیل داده‌ها، زمینه را برای پیگیری‌های حقوقی در مراجع بین‌المللی یا داخلی فراهم می‌کنند.

با وجود این، چالش اصلی همچنان در مرحلهٔ اجرای عدالت و پاسخ‌گویی باقی است. ملاحظات سیاسی، عدم همکاری برخی دولت‌ها و محدودیت‌های صلاحیتی نهادهای بین‌المللی، موجب شده است که بسیاری از موارد نقض، بدون



واکاوی ابعاد تجاوز علیه ایران

الهه طاهائی
وکیل دادگستری

مجرمانه تجاوز را زائل کنند؛ همان گونه که در حقوق داخلی، ادعای سارق مبنی بر «بخشیدن مال مسروقه به فقرا»، ماهیت عمل سرقت را تغییر نمی‌دهد.

بنابراین، حمله نظامی علیه ایران، حتی اگر تحت لوای فریبنده‌ترین شعارها صورت گیرد، از منظر حقوقی کماکان مصداق بارز نقض صلح و جنایت علیه بشریت است که مسئولیت بین‌المللی قطعی برای عاملان آن به همراه دارد.

نگاهی به نقشه جغرافیای فقر و گرسنگی، بطلان این ادعای بشردوستانه را فاش می‌کند. چرا این تمرکز و هزینه، صرف کشورهایی نظیر سومالی نمی‌شود که مردمانش در طبقه اول مازلو (نیازهای زیستی و فیزیولوژیک) و در ابتدائی‌ترین نیازهای انسانی یعنی نان و آب درمانده‌اند؟ انتخاب ایران، نشان‌دهنده یک «رفتار گزینشی» است. اگر «بشردوستی» و «نیاز» معیار کمک بودند، جغرافیاهای دیگری اولویت داشتند. پس وقتی حمله به ایران انتخاب می‌شود، مشخص است که هدف، نه انسان‌ها، بلکه «موقعیت ژئوپلیتیکی» و «قدرت ملی» ایران است که باید به نفع متجاوز تغییر کند و قرار است چندین برابر این هزینه‌ها به خزانه متجاوز برگردد، بزرگ‌ترین تناقض در نقض «حق بر حیات» است؛

در حقوق بین‌الملل، «تجاوز» یک عنوان عینی (Objective) است، نه ذهنی (Subjective)؛ یعنی به محض اینکه گلوله‌ای شلیک یا مرزی نقض شود، عمل تجاوز محقق شده است. قواعد آمره بین‌المللی، از جمله ممنوعیت توسل به زور، «مطلق» هستند. هیچ استثنائی در منشور ملل متحد وجود ندارد. در این حمله با طرح نیت‌های بشردوستانه سعی شده است ماهیت سخت و خشن تجاوز نرم نشان داده شود.

این فرایند توجیه‌سازی و مفهوم «استعمار نوین» در پوشش کمک به مردم، در واقع استفاده ابزاری از مفاهیم والای انسانی (مثل آزادی و حقوق بشر) برای مشروعیت‌بخشی به یک عمل نامشروع است. لذا، توسل به ادبیات «آزادی‌بخش» و «کمک بشردوستانه» توسط متجاوز، چیزی جز یک توجیه فراحقوقی نیست.

در حقوق بین‌الملل، تجاوز بر اساس معیارهای مادی نظیر نقض حاکمیت و تمامیت ارضی تعریف می‌شود، نه بر پایه ادعاهای اخلاقی متجاوز. نیت‌های فریبکارانه، نمی‌توانند وصف



بنابراین ادعای «کمک به مردم» با ابزار نظامی، دچار یک بن‌بست منطقی و حقوقی است. متجاوز در حالی شعار حمایت از حقوق بشر است و طبق اسناد بین‌المللی (از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حتی در زمان جنگ هم نمی‌توان آن را به حالت تعلیق درآورد.

تجاوز نظامی به بهانه آزادی، در واقع «حق بودن» را فدای «چگونه بودن» (ادعای آزادی) می‌کند. در حقوق بین‌الملل نیز در بحث حق تعیین سرنوشت، تنها مرجع صالح برای تصمیم‌گیری درباره ساختار سیاسی و اجتماعی یک کشور، مردم همان کشورند. دخالت نظامی خارجی، حتی با ادعای کمک، بزرگ‌ترین توهین و نقض حق تعیین سرنوشت است. در واقع متجاوز با این کار، بلوغ سیاسی یک ملت را نادیده می‌گیرد و خود را در جایگاه قیم می‌نهد.

چطور می‌توان با گرفتن جان انسان‌ها (از طریق حمله نظامی)، ادعای حمایت از حقوق آن‌ها را داشت؟ حق بر حیات، بنیادین‌ترین حق بشر است و طبق اسناد بین‌المللی (از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حتی در زمان جنگ هم نمی‌توان آن را به حالت تعلیق درآورد.

تجاوز نظامی به بهانه آزادی، در واقع «حق بودن» را فدای «چگونه بودن» (ادعای آزادی) می‌کند. در حقوق بین‌الملل نیز در بحث حق تعیین سرنوشت، تنها مرجع صالح برای تصمیم‌گیری درباره ساختار سیاسی و اجتماعی یک کشور، مردم همان کشورند. دخالت نظامی خارجی، حتی با ادعای کمک، بزرگ‌ترین توهین و نقض حق تعیین سرنوشت است. در واقع متجاوز با این کار، بلوغ سیاسی یک ملت را نادیده می‌گیرد و خود را در جایگاه قیم می‌نهد.

از سوی دیگر، تخریب زیرساخت‌های حیاتی (نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی) بخش دیگری از این تجاوز است. تخریب زیرساخت‌ها (برق، آب، بیمارستان‌ها و راه‌ها) یعنی نقض حق بر سلامت و حق بر رفاه. متجاوزی که ادعای کمک دارد، با تخریب زیرساخت‌ها، زندگی روزمره همان مردمی را که ادعای حمایت از آن‌ها را دارد، به سمت ابتدائی‌ترین سبک زندگی سوق می‌دهد.

این یادداشت، صرفاً بر مبنای بدیهیّت حقوق بین‌الملل و با تمرکز بر ماهیت این تجاوز نگارش شده است. به نظر می‌رسد زمانی که اساسی‌ترین حقوق بین‌المللی نقض می‌شود غرق‌شدن در جزئیات فنی اسناد، نوعی بیراهه رفتن است و نیازی به واکاوی اسناد حقوق بین‌الملل با جزئیات بیشتر نباشد. بررسی مسئولیت کیفری و سازوکار جبران خسارات نیز جهت رعایت ایجاز، نیازمند نوشتار مستقلی است.

از سوی دیگر، تخریب زیرساخت‌های حیاتی (نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی) بخش دیگری از این تجاوز است. تخریب زیرساخت‌ها (برق، آب، بیمارستان‌ها و راه‌ها) یعنی نقض حق بر سلامت و حق بر رفاه. متجاوزی که ادعای کمک دارد، با تخریب زیرساخت‌ها، زندگی روزمره همان مردمی را که ادعای حمایت از آن‌ها را دارد، به سمت ابتدائی‌ترین سبک زندگی سوق می‌دهد.



بررسی حقوقی اقدامات ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

مهدی عابدی
وکیل دادگستری

اقدامات نظامی رژیم اسرائیل ارائه تسلیمات، اطلاعات، پشتیبانی لجستیکی و حمایت سیاسی از عملیات مغایر با حقوق بین‌الملل، که موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت حامی می‌شود.

■ ایجاد اختلال در امنیت انسانی و زندگی غیرنظامیان: اقداماتی که منجر به ناامنی، بی‌ثباتی و آسیب گسترده به جمعیت غیرنظامی می‌شود، مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر است.

■ نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها: اعمال فشارهای سیاسی و امنیتی با هدف تأثیرگذاری بر تصمیمات حاکمیتی ایران، در تعارض با اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل عرفی.

■ بی‌اعتنایی به سازوکارهای مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات: خودداری از بهره‌گیری مؤثر از روش‌های مسالمت‌آمیز پیش‌بینی‌شده در منشور سازمان ملل، از جمله مذاکره و میانجیگری پیش از توسل به اقدام.

■ توسل به زور و تهدید نظامی: انجام یا حمایت از اقدامات نظامی علیه تمامیت ارضی ایران و تهدید مستمر به استفاده از زور، مغایر با بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد.

■ حمله یا مشارکت در حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی: هدف قراردادن یا حمایت از حملات علیه پل‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، تأسیسات خدمات عمومی و سایر زیرساخت‌های حیاتی، ناقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

■ حمله به اماکن آموزشی و مسکونی: حمله به مدرسه میناب و مناطق مسکونی پیرامون آن به‌عنوان اموال غیرنظامی، نقض آشکار کنوانسیون‌های ژنو و مصداق جنایت جنگی وفق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. حمایت مستقیم و غیرمستقیم از



ضرورت پیگیری قضائی جنایات جنگی و حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی

فرناز عبداله‌زاده‌نرزمیس

وکیل دادگستری

مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۷۰) در مورد اصول حقوق بین‌الملل در زمینه منع مداخله است. بنابراین، تجاوز مذکور، نقض دوگانه اصول کتبی و عرفی بین‌المللی می‌باشد.

مطابق ماده ۵۱ منشور، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، حق دفاع مشروع فردی یا جمعی محفوظ است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (۱۹۸۶) نیز، بر مشروعیت دفاع در برابر حمله مسلحانه تأکید کرده است. اقدام دفاعی کشور در پاسخ به این تجاوز، کاملاً در چارچوب این موازین حقوقی قرار می‌گیرد.

تجاوز در عصر حاضر، تنها به حملات نظامی کلاسیک محدود نمی‌شود. حمله به زیرساخت‌های حیاتی سایبری یک کشور، می‌تواند مطابق چارچوب تالین ۲.۰ و گزارش‌های گروه کارشناسان دولتی سازمان ملل (GGE) «استفاده از زور» تعبیر گردد. همچنین، اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه فراسرزمینی که فاقد مجوز شورای امنیت باشد، می‌تواند مصداقی از «مداخله قهری» شمرده شود. باتوجه به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این تعرض، علاوه بر نقض حاکمیت، ناقض اصول بنیادین حقوق

این یادداشت، با استناد به اصول مسلم حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد، اصل عدم مداخله و حق دفاع مشروع، به تحلیل حقوقی تجاوزات آمریکا و رژیم صهیونیستی به حاکمیت ملی ایران می‌پردازد. در پایان، پیشنهاد تشکیل کارگروه تخصصی برای مستندسازی و پیگیری این موارد در مراجع قضائی بین‌المللی ارائه می‌شود.

حاکمیت ملی به مثابه قاعده آمره در نظام حقوق بین‌الملل معاصر: «حاکمیت ملی» و «اصل برابری حاکمیت دولت‌ها» که در ماده ۲ منشور ملل متحد تصریح شده، از جایگاهی آمره برخوردار است. هرگونه تعرض به تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور، تخطی از یک قاعده بنیادین نظم بین‌المللی محسوب می‌شود.

نقض اصل منع توسل به زور و عدم مداخله: ماده ۲ منشور ملل متحد، به ضرورت دول عضو را از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری منع می‌کند. این اقدام، همچنین ناقض قطعنامه ۲۴۲۵





بین‌الملل بشر دوستانه، به‌ویژه اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اصل تناسب مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ بوده است. خسارات وارده به غیرنظامیان، قابل پیگیری در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز است.

واکنش جامعه در برابر این تجاوز، تجلی عینی حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست. این تاب‌آوری، که در وحدت ملی و حفظ کرامت انسانی متجلی شد، خود پاسخی زنده و حقوقی به اقداماتی است که هدفشان سلب این حق بنیادین بود. با عنایت به مراتب بالا، به کانون وکلای دادگستری پیشنهاد می‌شود ضمن تشکیل کارگروه تخصصی حقوق بین‌الملل برای مستندسازی دقیق تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی، دادخواست یا شکوائیه نمونه برای طرح در دیوان بین‌المللی دادگستری تهیه کند و بانک اطلاعاتی از آرای قضائی بین‌المللی مرتبط، برای استفاده و کلاء ایجاد نماید و در این راستا دوره‌های آموزشی تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی و دفاع از حاکمیت ملی برگزار کند.

هیچ تجاوزی، صرف‌نظر از مقیاس آن، نمی‌تواند مشروعیت حقوقی بیابد. وظیفه جامعه حقوقی، تبدیل این اصل مسلم به اقدامی ملموس در دفاع از حقوق ملت و حاکمیت ملی است. کانون وکلای دادگستری مرکز می‌تواند با هدایت این مسیر، نقش تاریخی خود را در استیفای حقوق کشور ایفاء کند.

واکنش جامعه در برابر این تجاوز، تجلی عینی حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست. این تاب‌آوری، که در وحدت ملی و حفظ کرامت انسانی متجلی شد، خود پاسخی زنده و حقوقی به اقداماتی است که هدفشان سلب این حق بنیادین بود. با عنایت به مراتب بالا، به کانون وکلای دادگستری پیشنهاد می‌شود ضمن تشکیل کارگروه تخصصی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، به‌ویژه اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و اصل تناسب مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ بوده است. خسارات وارده به غیرنظامیان، قابل پیگیری در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز است.

نزوم و فرآیند مستندسازی خسارت‌های جنگی

الف - تشکیل ستاد مستندسازی خسارت‌ها
برای اینکه مطالبهٔ غرامت در آینده «محکم، قابل دفاع و محکمه‌پسند» باشد، باید از همین ابتداء پرونده را مثل یک پروژهٔ حقوقی-فنی چندلایه طراحی کرد، نه فقط یک فهرست کلی از خسارت‌ها. به این منظور، تشکیل ستاد مستندسازی با ارکان زیر ضروری است.

■ ستاد مرکزی مستندسازی

برای ایجاد وحدت رویه و بهره‌گیری از استانداردهای واحد، ستاد مرکزی مستندسازی با عضویت مقامات و نمایندگان از قوهٔ قضائیه، مجلس شورای اسلامی، وزارتخانه‌های مرتبط، هلال احمر، ستاد مدیریت بحران، کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلاء و مشاوران قوهٔ قضائیه، سازمان شهرداری‌ها و نهادها و سازمان‌های مرتبط و مؤثر زیر نظر ریاست جمهوری یا معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود.

■ کمیته‌های تخصصی

کمیته‌های تخصصی بر مبنای خسارت‌های موضوعی به‌عنوان بخش اجرائی مستندسازی زیر نظر مستقیم ستاد مرکزی تشکیل می‌شود. این کمیته‌ها می‌تواند متناسب با طبقه‌بندی

دکتر بداله عسگری

وکیل دادگستری

در پی تجاوزهای نظامی و تمام‌عیار ایالات متحدهٔ آمریکا و رژیم صهیونیستی و دیگر شرکای آن‌ها به کشور جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین موضوعات، تعیین میزان خسارت‌های واردشده به کشور و مطالبهٔ غرامت و جبران آن است. این خسارت‌ها می‌تواند شامل هزینه‌های نظامی دفاعی، تلفات انسانی، تخریب اموال خصوصی، تخریب اموال عمومی، تخریب زیرساخت‌ها، آسیب به اقتصاد ملی، لطمه‌های زیست‌محیطی، هزینه‌های اعادهٔ وضع به قبل از وقوع تجاوز و حتی آثار بلندمدت اجتماعی و فرهنگی باشد. از آنجاکه اثبات این خسارت‌ها در مراجع حقوقی و بین‌المللی نیازمند مستندسازی دقیق، ارزیابی کارشناسی و مبنای حقوقی روشن است، هرگونه اقدام در این زمینه باید از همان ابتداء بر پایهٔ ثبت منظم داده‌ها و تنظیم پرونده‌های جامع و قابل استناد انجام شود. در این نوشتار، به مهم‌ترین الزامات مستندسازی خسارت، شیوهٔ برآورد غرامت و مسیرهای حقوقی مطالبهٔ آن پرداخته می‌شود.



خسارت‌ها یا باتوجه‌به اهمیت موضوعی ایجاد شوند. فهرست برخی از این کمیته‌ها به شرح زیر پیشنهاد می‌شود: کمیته تخصصی هزینه‌های نظامی و دفاعی، کمیته تخصصی تلفات انسانی، کمیته تخصصی تخریب اموال عمومی، کمیته تخصصی تخریب اموال خصوصی، کمیته تخصصی تخریب اموال شهری و شهرداری‌ها، کمیته تخصصی تخریب زیرساخت‌ها، کمیته تخصصی هزینه‌های خدمات درمانی و بهداشتی، کمیته تخصصی خسارت‌های زیست‌محیطی.

■ کارگروه مستندسازی

کارگروه‌های مستندسازی در تمام وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها، شرکت‌ها، شهرداری‌ها، اصناف، اتاق‌های تعاون و ... که به‌نوعی در فهرست زبان‌دیدگان جنگ‌اند تشکیل می‌شوند. این کارگروه‌ها به‌عنوان شبکه‌های مرتبط با هر کمیته تخصصی، در جمع‌آوری مستندات و برآورد خسارت‌ها، کمیته مربوطه را همراهی می‌کنند. دستورالعمل‌های مورد نیاز توسط ستاد مرکزی تهیه، تصویب و ابلاغ می‌شود.

ب- الزامات مستندسازی و ثبت خسارت‌ها
ابتداء باید به این نکته اشاره کرد که،

هرچند در برخی متون حقوق بین‌الملل دو واژه «غرامت» و «خسارت» به‌جای یکدیگر به‌کار رفته‌اند، اما از حیث ماهیت یکسان نیستند. خسارت ناظر به نفس زیان یا ضرر واردشده است، درحالی‌که غرامت به جبران زیان اشاره دارد. به بیان دیگر، خسارت، بیانگر ضرر تحقق‌یافته و غرامت سازوکار جبرانی آن است. بنابراین در این مرحله عنوان خسارت مدنظر است نه غرامت.

مهم‌ترین الزامات مستندسازی و ثبت خسارت‌ها به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

■ طبقه‌بندی خسارت‌ها

بہتر است همه چیز در چند سرفصل مستقل ثبت شود:

■ خسارت‌های جانی: کشته‌ها، مجروحان، نقص عضو و آسیب‌های روانی

■ خسارت‌های مالی مستقیم: تخریب

“

هرچند در برخی متون حقوق بین‌الملل دو واژه «غرامت» و «خسارت» به‌جای یکدیگر به‌کار رفته‌اند، اما از حیث ماهیت یکسان نیستند. خسارت ناظر به نفس زیان یا ضرر واردشده است، درحالی‌که غرامت به جبران زیان اشاره دارد

”



- خانه، زمین، کارخانه، دام، تجهیزات و زیرساخت
- خسارت‌های اقتصادی غیرمستقیم: توقف تولید، افت صادرات، بیکاری و ازدست‌رفتن درآمد
 - خسارت‌های زیست‌محیطی: آلودگی خاک، آب و هوا و نابودی پوشش گیاهی
 - خسارت‌های دولت و حاکمیت: هزینه دفاع، بازسازی، خدمات اضطراری، درمان و اسکان
 - خسارت‌های فرهنگی و اجتماعی: مهاجرت اجباری، گسست اجتماعی و آسیب به میراث فرهنگی
 - تشکیل پرونده مستقل برای هر خسارت
 - هر مورد خسارت باید یک پرونده مستقل داشته باشد که متضمن اطلاعات و مستندات زیر باشد:
 - تاریخ و محل دقیق
 - شرح واقعه
 - عامل یا عوامل منتسب
 - شاهدان با ذکر مشخصات کامل و نشانی (شهادت‌نامه‌های کتبی-مصاحبه)
 - عکس و فیلم
 - گزارش‌های روزنامه‌ای و رسانه‌ای داخلی و خارجی در خصوص موضوع
 - اظهارات مقامات کشورهای متجاوز در خصوص موضوع
 - گزارش رسمی
 - گزارش‌های سازمان‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی
 - برآورد اولیه و نهایی
 - مستند مالکیت یا انتفاع
 - لینک به پرونده‌های مرتبط
 - مشخصات کامل تهیه‌کننده مستندات
 - تاریخ تهیه مستندات
 - محل نگهداری نسخه اصلی مستندات
 - استفاده از روش «مقایسه وضعیت قبل و بعد از تخریب» با بهره‌گیری از تصاویر ماهواره‌ای قبل/بعد، صورت‌های مالی قبل/بعد، آمار تولید قبل/بعد و ارزش روز دارایی قبل/بعد
 - نظر کارشناسی صلاحیت‌دار با ذکر «متدولوژی ارزیابی» که مشخص باشد خسارت‌ها با چه فرمولی محاسبه شده‌اند.
 - ثبت آثار غیرمستقیم خسارت از قبیل منافع ازدست‌رفته، هزینه تأخیر اعاده وضع به سابق، هزینه جایگزینی، هزینه فرصت و سود ازدست‌رفته
 - شاخص ارزیابی و برآورد خسارت
 - مسئله دیگر این است که مبلغ خسارت، با چه پولی برآورد شود؟ پیشنهاد عملی و حقوقی این است که برآورد خسارت در سه لایه یورو، ریال و طلا بر مبنای روز ارزیابی شود. در دعاوی بین‌المللی، بهترین مرجع معمولاً ارزش‌های باثبات و شناخته‌شده مثل دلار یا یورو است. لکن، برآورد به طلا برای حفظ ارزش بلندمدت مفید است، هرچند برای متن حقوقی معمولاً گزینه اول نیست.

حمله به شجره طیبه؛ استثناء یا قاعده سیستماتیک؟

از هرگونه مقاومت سازمان یافته. نقطه عزیمت استفاده این چنینی از استراتژی «شوک و هراس»، ایجاد فلج روانی و ازهم گسیختگی اجتماعی است. گرچه گاهی شر به معنای عام خود، به ویژه هنگام محاصره، فقط در موارد استثنائی «بی فکر» و «بی معنا» عمل می کند، اما متأسفانه در مورد این «شر» خاص یعنی صهیونیسم، این اقدام، نشان دهنده عقلانیتی است شوروانه و قاعده مند که ظرافت های روانی و نمادین را هدف می گیرد.

رژیمی که نسل کشی سبعانه غزه را در کارنامه دارد، موجودیتی است مبتنی بر ترور و ارباب. لذا اعمال خشونت عربان در خصوص غیرنظامیان بی گناه در مدرسه، کاملاً منطبق بر گفتمان حکومتی است که موتور محرک آن ریختن خون انسان های بی گناه پیش پای دجالان می باشد. از این رو خطایی است شناختی، اگر اقدام شقاوت مندانه حمله به مدرسه شجره طیبه را صرفاً یک «استثناء» یا «نقض قاعده» بدانیم، بلکه مصداقی بارز و عربان از نظم بنیادین جنگی است که توسط دشمن تروریست و تبعاً روح تروریستی حاکم بر آن آغاز شده است.

عقبه آپاراتوس نفرت بار صهیونیستی، به جهنمی می رسد که خشونت علیه غیرنظامیان و کودکان را مشروع و حتی

فرهاد قربان زاده ربی

وکیل دادگستری

اولین روز جنگ تحمیلی سوم، روزی سیاه برای بشریت است؛ روزی که تاریکی و ویرانی می کوشد بر نور و امید سایه افکند. حمله غافل گیرانه نیروهای متخاصم صهیونیستی و آمریکایی به مدرسه شجره طیبه میناب، نه تنها یک اقدام نظامی، بلکه گسستی عمیق در تار و پود اخلاق انسانی و نمادی از ویرانگری است. آمار کشته شدگان این واقعه غمانگیز، فراتر از یک عدد و رقم ساده، بازتابی است از خصلت های بنیادین منازعات مسلحانه، خاصه در عصر حاضر که مرزهای میان غیرنظامی و نظامی رنگ می بازد و نمادها به اهداف اولیه بدل می شوند.

از منظر نمادین، مدرسه، به ویژه مدرسه دخترانه، حامل بار معنایی عمیقی است. نهاد مدرسه نه تنها مرکز آموزش و پرورش، بلکه تجسم امید به آینده، سرمایه انسانی مولد و بستر شکل گیری هویت های نسلی محسوب می شود. حمله به این مجموعه، در اولین ساعات جنگ، بیش از هر چیز، تلاشی است برای نابودسازی نمادین؛ یعنی تلاشی برای ضربه زدن به روح و اراده جامعه، پیش





و انفعال تبدیل می‌کند. این کشتار خشن با هدف قراردادن جمعیت و توان بالقوه آن، ترس و وحشت را در جامعه تزریق می‌کند. به این ترتیب خشونت عریان بی‌حد و حصر، تمایل دارد تا به سمت مراکز نمادین و مقدس نشانه رود تا بتواند خود را بازآفرینی کند. لذا، روی سر دخترکانی که هنوز در اوتوپییای کودکی و معصومیت محض به سر می‌برند، چنان حجمی از آتش می‌ریزد که پیکرهای نازنین تعدادی از آن‌ها متلاشی و رؤیت‌ناپذیر می‌شود.

حمله به مدرسه شجره طیبه را از منظر جامعه‌شناسی جنگ نیز، می‌توان واکاوی کرد. بر اساس جامعه‌شناسی جنگ، جنگ نه تنها یک درگیری نظامی، بلکه فرایندی است اجتماعی که در آن گروه‌های اجتماعی، ساختارها، هنجارها

ضروری جلوه می‌دهد. این گفتمان، ای بسا خود را در قالب ایدئولوژی‌های افراطی، تفاسیر نادرست از متون مذهبی یا سیاسی، و روایت‌های شیفتگی‌آمیز از خشونت پی افکنده شده است. این ایدئولوژی، توانسته است سربازان را به ماشین‌های جنگی کینه‌توز بدل کند که حتی تابلوی مدرسه را نیز دشمنی بالقوه تلقی کنند.

با شناختی که از این جرثومه صهیونیستی دارم، نمی‌توانم به خود بقولانم که این مدرسه دخترانه به صورت هدفی تصادفی، مورد حمله قرار گرفته باشد. این انتخاب تصادفی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده نوعی هدف‌گیری نمادین است. این حمله، نه تنها جان انسان‌ها را می‌گیرد، بلکه بدنی را که نماد آینده، رشد و امید است، به صحنه نمایش وحشت



و ارزش‌ها درگیر هستند. این حمله وحشیانه به مدرسه و کودکان دبستانی، نشان‌دهنده عمق جامعه‌ستیزی، فقدان ارزش‌های بنیادین اجتماعی و افول اخلاق و انسانیت در میان عاملان این جنایت است. این اقدام، مبین شکاف عمیق اجتماعی و ایدئولوژیکی است که منجر به غیرانسانی‌سازی «دیگری» و توجیه خشونت علیه آن‌ها می‌شود. اما اقدامی که از نظر دشمن، برای ایجاد هراس و وحشت فراگیر بین مردم و گسستگی توده‌ها و افزایش یأس و نومیدی طراحی شده بود، نتیجه عکس داد. واکنش مردم طور دیگری رقم خورد. این حمله وحشیانه، توانست هم‌بستگی و همدردی عمومی را برای قربانیان و خانواده‌هایشان افزایش دهد و منجر به بسیج اجتماعی برای حمایت و کنش‌گری مردم شود.

بناء به موارد معنونه، حتی اگر به فرض بسیار بعید، به جایگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و امکان دادخواهی در مراجع بین‌المللی به‌عنوان کورسویی دور و تار باور داشته باشیم و بخواهیم از این نگرگاه به ماجرا بنگریم، باید به عرض برسانم که در این حمله وحشیانه، اصول اولیه و بسیار بنیادین حقوق بشر واضحاً نقض شده است. از منظر حقوق در جنگ، که یکی از بخش‌های اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و مبین تلاش برای تحدید دامنه جنگ

است اصولی چون اصل تمایز، اصل تناسب و اصل احتیاط در این حمله به طور فاحش نقض شده است. اصل تمایز به طور ساده، بر تفکیک بین نیروهای نظامی و غیرنظامیان تأکید دارد. طبق اصل تناسب، حمله نظامی نباید منجر به تلفات غیرنظامی شود. وفق اصل احتیاط نیز طرفین باید تمامی اقدامات احتیاطی ممکن را برای پرهیز یا به حداقل رساندن تلفات و خسارات غیرنظامی، در حملات نظامی انجام دهند. این حمله، نه تنها استانداردهای بشردوستانه بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد، بلکه نشان‌دهنده پوچی و فروپاشی اخلاقی در دل منازعه است. به‌طور کلی حمله به غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان و اماکن آموزشی، نقض صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. مدارس، بیمارستان‌ها و اماکن مذهبی، به‌عنوان اماکن غیرنظامی، باید محترم و از هرگونه حمله مصون باشند.

این حمله، مصداق بارز «جنایت جنگی» است و باید محکوم شود. هدف قراردادن دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانانی که در حال یادگیری و کسب علم هستند، نه تنها نقض روح کنوانسیون‌های ژنو، بلکه تجاوز به اساسی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق حیات، حق تحصیل و حق امنیت است. سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری باید این جنایت را محکوم کنند و عاملان آن را در پیشگاه عدالت قرار دهند.

تبیین مشروعیت دفاع در برابر تجاوزات فرامرزی

حاجتعلی قلی‌پور
وکیل دادگستری

توسل به زور را تعیین می‌کند. مهم‌ترین اصل در این زمینه، «اصل منع توسل به زور» است که در ماده ۲ بند ۴ منشور تصریح شده است و هرگونه استفاده از زور، علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌ها را ممنوع می‌داند. این اصل به‌مرور زمان به‌عنوان یک قاعده آمره (Jus Cogens)، در حقوق بین‌الملل تثبیت شده است و نقض آن تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست.

اصل بنیادین دیگر، «برابری حاکمیت دولت‌ها» (ماده ۲ بند ۱ منشور) است که بر تساوی حقوقی تمامی دولت‌ها تأکید دارد و هرگونه مداخله یا اعمال زور از سوی یک دولت علیه دولت دیگر را مردود می‌داند. این اصول، مبنای نظری تحلیل مفاهیمی چون تجاوز، مداخله و دفاع مشروع را تشکیل می‌دهند.

۲. تجاوز (Aggression): شدیدترین نقض نظم بین‌المللی

۲.۱ تعریف و چارچوب حقوقی

تجاوز شدیدترین شکل نقض اصل منع توسل به زور شناخته می‌شود. منشور ملل متحد تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نکرده، اما مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۳۳۱۴ (مصوب ۱۹۷۴) تجاوز را «استفاده از زور توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی

اسفندماه گذشته، آمریکا و اسرائیل حملاتی گسترده و سازمان‌یافته به جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرده‌اند. این اقدامات، از نظر حقوق بین‌الملل، مصداق بارز «تجاوز» و از جهات ذیل قابل بررسی و تأمل است:

نظام حقوق بین‌الملل بر مجموعه‌ای از قواعد بنیادین استوار است که هدف اصلی آن، تنظیم رفتار دولت‌ها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در این میان، مفهوم «تجاوز» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال شدیدترین موارد نقض این قواعد، آثار و پیامدهای گسترده و زیان‌باری دارد. درک دقیق این مفهوم برای تبیین مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات دولت‌ها ضروری است و به دولت‌ها، پژوهشگران و نهادهای حقوقی امکان می‌دهد تا رفتارهای فرامرزی را در چارچوب حقوق بین‌الملل تحلیل کنند.

۱. اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد

منشور ملل متحد، به‌عنوان سند بنیادین نظم حقوقی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، چارچوب اصلی قواعد ناظر بر

یا استقلال سیاسی دولت دیگر» تعریف کرده است. این تعریف در اسناد بعدی از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامهٔ رم) نیز تأیید شده است.

۲.۲ مصادیق تجاوز

بر اساس قطعنامهٔ مذکور، اقداماتی نظیر حملهٔ نظامی، بمباران سرزمین یک کشور، محاصرهٔ بندر، اشغال سرزمینی *even* به صورت موقت و اعزام نیروهای مسلح بدون رضایت دولت میزبان، از مصادیق بارز تجاوز محسوب می‌شوند. همچنین استفاده از نیروهای نیابتی یا گروه‌های مسلح غیرمنظم، جهت انجام عملیات نظامی نیز می‌تواند در قالب «تجاوز غیرمستقیم» ارزیابی شود.

۲.۳ ویژگی‌های تجاوز

تجاوز معمولاً با هدف تغییر وضعیت سیاسی یا سرزمینی یک کشور، از طریق زور، صورت می‌گیرد. از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به یک‌جانبه‌بودن، ماهیت خشونت‌آمیز، نقض صلح و امنیت بین‌المللی و عدم توجیه بر مبنای ملاحظات سیاسی، اقتصادی یا امنیتی اشاره کرد. چنین اقدامی موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌های متجاوز می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات شورای امنیت، اعمال تحریم‌ها یا رسیدگی در دیوان بین‌المللی دادگستری شود.

۳. مسئولیت‌ها و راهکارهای حقوقی

علاوه بر اصل تجاوز، هدف‌قراردادن غیرنظامیان و زیرساخت‌های حیاتی از جمله مدارس، نیروگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، اسکله‌های نفتی، پل‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل و راه‌آهن، در صورت اثبات، می‌تواند در زمرهٔ «نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و حتی «جنایات جنگی» قرار گیرد.

در چنین وضعیتی، دولت جمهوری اسلامی ایران، ضمن بهره‌گیری از حق «دفاع مشروع» وفق مادهٔ ۵۱ منشور ملل متحد، می‌تواند اقدامات حقوقی لازم را در سطوح بین‌المللی پیگیری کند. این اقدامات شامل طرح شکایت در مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری، و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های بین‌المللی مستقل برای اطلاع‌رسانی و مستندسازی وقایع می‌باشد.

“

ماده ۲ بند یک منشور ملل بر تساوی حقوقی تمامی دولت‌ها تأکید دارد و هرگونه مداخله یا اعمال زور از سوی یک دولت علیه یک دولت دیگر را مردود می‌داند

”

حکمرانی اقتصادی بر شاهراه هرمز

مرتضی قیصری نجف‌آبادی

وکیل دادگستری

کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی

بین‌المللی

است که صلاحیت نظارتی ایران را بر تمامی مسیرهای ترافیک دریای (TSS) که عمدتاً در آب‌های سرزمینی ایران اند، تثبیت می‌کند.

۲. تحلیل هنجاری آنچه باید باشد (Normative Analysis)

تحلیل هنجاری بر این پرسش متمرکز است که «کارآمدترین رژیم حقوقی کدام است؟». از منظر اقتصادی، وضعیت فعلی که در آن ایران هزینه‌های سنگین پایش و امنیت را می‌پردازد اما منتفع نمی‌شود، «ناکارآمد» است.

■ درونی‌سازی پیامدهای خارجی (Internalizing Externalities): عبور

نفت‌کش‌ها، پیامدهای منفی نظیر ریسک آلودگی محیط‌زیست و تهدیدات امنیتی، برای ایران دارد. هنجار اقتصادی ایجاب می‌کند که این هزینه‌ها «درونی» شوند؛ یعنی شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی، باید «مالیات سبز» یا عوارض «تأمین امنیت ناوبری» را به ایران بپردازند تا تراز هزینه‌فایده‌مندی مثبت شود.

۳. پارامترهای هزینه‌فایده (CBA) در ترازوی حاکمیت

در مدیریت تنگه هرمز، ایران با یک موازنه هزینه‌فایده‌روبروست:

■ هزینه‌ها: شامل هزینه‌های عملیاتی مرکز، هدایت ترافیک دریایی (VTS)، عملیات جست‌وجو و نجات (SAR) و لایروبی مسیرهای بین‌المللی است. این‌ها

تنگه هرمز، به‌عنوان حیاتی‌ترین شریان انرژی جهان، فراتر از یک معبر جغرافیایی، یک «دارایی راهبردی» (Strategic Asset) است. درحالی‌که رژیم حقوقی کانال سوئز بر «حاکمیت مطلق مصر» و تنگه بسفر بر «کنوانسیون مونترلو» استوار است، تنگه هرمز در فضایی میان دو رژیم حقوقی و محاسبات پیچیده اقتصادی نوسان می‌کند. این مقاله با رویکرد «تحلیل اقتصادی حقوق»، به کالبدشکافی منافع ایران در این آبراه می‌پردازد.

۱. تحلیل اثباتی (Positive Analysis) رژیم حقوقی موجود

در تحلیل اثباتی، ما با واقعیت‌های مستند سروکار داریم. برخلاف تنگه باب‌المندب که مشمول رژیم «عبور ترانزیت» است، ایران به دلیل عدم الحاق به کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاهای ۱۹۸۲ همچنان بر رژیم «عبور بی‌ضرر» مبتنی بر کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو تأکید دارد.

مستند قانونی: طبق قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲)، عبور شناورهای جنگی و زیردریایی‌های بیگانه منوط به موافقت قبلی و حرکت در سطح آب است. این، یک «قاعده بازی» مستند



در علم اقتصاد «کلای عمومی» محسوب می‌شوند.

■ **فایده:** در حال حاضر، فایده ایران عمدتاً «ژئوپلیتیک» است. اما برای رسیدن به بهره‌وری اقتصادی، ایران باید از مدل «ارائه خدمات رایگان» خارج شود. طبق اصل «استفاده‌کننده می‌پردازد»، هر کشتی که از خدمات راهنمایی، علائم کمک‌ناوبری و امنیت تولیدشده توسط ایران بهره می‌برد، باید سهم خود از هزینه‌ها را بپردازد.

۴. **تحلیل بر اساس نظریه بازی‌ها و «تعادل ناش»**

در بازی میان ایران و کاربران بین‌المللی (کشورهای غربی و خریداران انرژی) ما در «تعادل ناش» قرار داریم.

■ **وضعیت فعلی:** ایران از تهدید به بستن تنگه برای بازدارندگی، استفاده می‌کند و طرف مقابل از حضور نظامی برای عبور رایگان. این تعادل، پرهزینه و شکننده است.

■ **تغییر استراتژی:** ایران می‌تواند با تغییر «قاعده بازی» از تقابل نظامی به «الزام حقوقی-اقتصادی»، تعادل جدیدی ایجاد کند. اگر ایران هزینه‌های عبور را تحت عنوان «حق‌الزحمة خدمات ایمنی و محیط‌زیستی» فرموله کند، هزینه مخالفت برای طرف مقابل (از نظر حقوقی) بسیار بیشتر از پرداخت هزینه خواهد بود. این یعنی انتقال از یک بازی «پرداخت نظامی» به یک بازی «نظم‌محور اقتصادی».

۵. **تنگه هرمز به مثابه یک «انحصار طبیعی»**

از منظر اقتصاد خرد، تنگه هرمز یک «انحصار طبیعی» است. در هر بازار انحصاری، صاحب حق مالکیت می‌تواند «رانت مکانی» (Location Rent) خود را مطالبه کند. ایران می‌تواند، با ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در دهانه تنگه، تمامی خدمات لجستیکی، بیمه‌ای و سوخت‌رسانی دریایی را اجباری کند و از قدرت جغرافیایی خود برای تولید ثروت ملی بهره برد، بی‌آنکه صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد.

■ **جمع‌بندی و راهبرد پیشنهادی**

تحلیل جامع اقتصادی-حقوقی نشان می‌دهد که حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، نباید صرفاً در ابعاد نظامی تعریف شود. راهبرد برنده ایران باید بر سه پایه استوار باشد:

۱. **تثبیت حقوقی:** پافشاری بر رژیم عبور بی‌ضرر و نظارت بر رعایت استانداردهای فنی توسط کشتی‌های جنگی بیگانه.

۲. **اقتصادی‌سازی:** دریافت عوارض خدمات ناوبری و پایش محیط‌زیستی بر اساس مدل‌های هزینه‌فایده.

۳. **دیپلماسی بازی‌ها:** حرکت از تعادل شکننده فعلی به سمت تعادلی که در آن، امنیت آبراه توسط ذی‌نفعان آن (و به نفع دولت ساحلی) تأمین مالی می‌شود.

در نهایت، تنگه هرمز برای ایران یک «بنگاه بزرگ حاکمیتی» است که مدیریت علمی آن بر اساس قواعد حقوق دریایی و منطق اقتصادی، می‌تواند بالاترین سطح منافع ملی را در سده جدید تضمین کند.

واکاوی حقوقی مخاصمات مسلحانه اخیر؛ صیانت از حاکمیت ملی در ترازوی حقوق بین الملل

نخست با سد مستحکم بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد روبه‌رو می‌شود. در دکترین حقوق بین‌الملل، دایره شمول دفاع مشروع (موضوع ماده ۵۱ منشور) بسیار مضیق و منوط به وقوع یک «حمله مسلحانه بالفعل» است. رویه قضائی بین‌المللی، دکترین‌هایی نظیر «دفاع مشروع پیش‌دستانه» یا استفاده از نیروی نظامی به بهانه «بازدارندگی» را به رسمیت نمی‌شناسد. از این‌رو، نقض حریم هوایی و حمله به زیرساخت‌های داخل قلمرو حاکمیتی ایران، از منظر حقوقی یک تخلف بین‌المللی محسوب شده و تحت تعاریف مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، مصداق نقض صلح و عمل تجاوزکارانه است که مسئولیت بین‌المللی دولت یا ائتلاف متخاصم را به همراه دارد.

۲. الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه و

حفاظت از غیرنظامیان

هنگامی که مخاصمه‌ای آغاز می‌شود، فارغ از آنکه کدام طرف آغازگر بوده، رعایت حقوق جنگ برای تمامی طرفین الزامی است. بیکره اصلی این شاخه از حقوق، بر حفاظت از انسان‌ها استوار می‌باشد. اقدامات نظامی در این مخاصمه، باید با دو اصل بنیادین «تفکیک» و «تناسب»

زهرا کریمی

وکیل دادگستری

■ مقدمه

آغاز هرگونه مخاصمه مسلحانه، پیش از آنکه یک رویداد ژئوپلیتیک باشد، چالشی عمیق برای نظم حقوقی بین‌المللی و اسناد بنیادین ناظر بر صلح و امنیت جهانی است. در بررسی تنش‌های نظامی اخیر علیه حاکمیت سرزمینی ایران، رسالت نهاد وکالت و حقوق‌دانان، عبور از روایت‌های سیاسی طرفین درگیر و ارزیابی عینی وقایع بر مدار قواعد امره حقوق بین‌الملل است. این یادداشت، فارغ از سوگیری‌های ایدئولوژیک، ابعاد این مخاصمه را از سه منظر «حقوق توسل به زور»، «حقوق بشردوستانه» و «حقوق بشر» تحلیل می‌کند.

۱. حاکمیت ملی و خطوط قرمز حقوق توسل

به زور

نخستین اصل در معماری حقوق بین‌الملل مدرن، مصونیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌هاست. هرگونه اقدام نظامی فرامرزی، صرف‌نظر از توجیحات سیاسی دولت‌های مهاجم، در وهله





خطر قرار داده است؛ حتی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان یک حق غیر قابل تخطی شناخته شده است. علاوه بر تهدیدات جانی، سایه جنگ و ناامنی نظامی، موجب نقض سیستماتیک حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم می‌شود. اخلال در امنیت روانی جامعه، ضربه به زنجیره تأمین نیازهای اساسی شهروندان و ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی بر اثر تهدیدات نظامی، مصداق بارز نقض «حق بر استانداردهای مناسب زندگی» و «حق بر توسعه» است.

سنجیده شوند. هرگونه حمله‌ای که تعمداً یا از روی بی‌احتیاطی مناطق مسکونی یا زیرساخت‌های دوگانه (مانند شبکه‌های انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل که شهروندان عادی از آن‌ها استفاده می‌کنند) را هدف بگیرد، نقض صریح کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن است. حقوق بشردوستانه، هیچ‌گونه توجیه نظامی را برای ورود آسیب نامتناسب به بافت غیرنظامی یک کشور نمی‌پذیرد و چنین اعمالی، مستعد پیگرد تحت عنوان جنایات جنگی در محاکم بین‌المللی است.

۳. تبعات مخاصمه بر حقوق بنیادین بشر

■ نتیجه‌گیری
دفاع از تمامیت ارضی و حقوق ملت ایران، نیازمند اتکاء به موازین متقن حقوقی است، نه صرفاً تقابل‌های سیاسی. تجاوز به حریم یک کشور، نقض بنیادین قراردادهای

حقوق بشر در زمان جنگ به حالت تعلیق در نمی‌آید. مهم‌ترین قربانیان هر مخاصمه‌ای، نه دولت‌ها، بلکه شهروندان و آحاد ملت‌اند. تنش نظامی اخیر، مستقیماً «حق حیات» شهروندان ایرانی را در معرض



غیرنظامیان: مواد ۴۸ و ۵۱ از پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (Art, Additional Protocol I, ۴۸ & ۵۱).

تعریف اهداف نظامی و منع حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی: ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول.

اصل تناسب (Proportionality) در حملات: بند ۵ (b) از ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول.

مسئولیت کیفری (جنایت جنگی): اساسنامه رم (دیوان کیفری بین‌المللی - ICC)، ماده ۸، بند ۲ (b) شامل حملات عمدی به مردم غیرنظامی یا اهداف غیرنظامی.

■ بخش سوم: حقوق بشر در زمان جنگ

حق حیات (غیر قابل تعلیق حتی در جنگ): ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و همچنین بند ۲ ماده ۴ همان میثاق که تأکید می‌کند حق حیات تحت هیچ شرایط اضطراری‌ای قابل لغو نیست.

حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی (امنیت اقتصادی و روانی): ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR).

عدم تعلیق حقوق بشر در زمان جنگ: رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در پرونده مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) که صراحتاً اعلام کرد معاهدات حقوق بشری در زمان مخاصمات مسلحانه نیز به قوت خود باقی هستند.

اجتماعی جامعه جهانی است. وظیفه نهاد مستقل وکالت در این عرصه، مستندسازی دقیق نقض مقررات بین‌المللی، دفاع از جان و مال شهروندان غیرنظامی به‌عنوان قربانیان اصلی این مخاصمات، و تأکید بر حاکمیت قانون به‌عنوان تنها راهکار بازگشت ثبات به نظم بین‌المللی است.

■ رفرنس‌ها و مستندات حقوقی

بخش اول: حقوق توسل به زور (Jus ad Bellum)

منع توسل به زور: بند ۴ از ماده ۲ منشور ملل متحد (Art, UN Charter, ۲, Para. ۴).

محدودیت دفاع مشروع (فقط در صورت حمله بالفعل): ماده ۵۱ منشور ملل متحد (Art, UN Charter, ۵۱).

تعریف تجاوز نظامی: قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۷۴ (UNGA Resolution ۳۳۱۴).

رد شدن دفاع مشروع پیش‌دستانه در رویه قضائی: آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، از جمله در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (۱۹۸۶) و پرونده سکوه‌ای نفتی (ایران علیه ایالات متحده) (۲۰۰۳) که دیوان تأکید کرد استفاده از زور، تنها در پاسخ به حمله مسلحانه قطعی جایز است و بهانه‌های امنیتی توجیه‌گر حمله پیش‌دستانه نیستند.

بخش دوم: حقوق بشردوستانه (Jus in Bello)

اصل تفکیک (Distinction) و منع حمله به



مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل و آثار آن

الیاس کلانتری
وکیل دادگستری

دولت متجاوز بر اساس پیش نویس مسئولیت دولت‌ها ۲۰۰۱، موظف است فوراً عمل متخلفانه را متوقف کند، تضمین دهد که این عمل تکرار نمی‌شود و خسارات وارده را از طریق بازگرداندن وضعیت به حالت سابق، پرداخت غرامت یا رضایت‌جویی جبران کند. در صورت وقوع حمله عمدی به غیرنظامیان یا کودکان، این رفتار علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت، ممکن است در صورت صلاحیت‌پذیری، مسئولیت کیفری فردی نیز ایجاد کند و جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا نقض فاحش حقوق بشردوستانه شناخته شود.

در کنار دولت مهاجم، حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌هایی را که آگاهانه خاک یا امکانات خود را برای حمله به کشور دیگری در اختیار یک قدرت ثالث قرار می‌دهند نیز شناسایی می‌کند. بر اساس بند (f) ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، «اجازه‌دادن به استفاده از قلمرو یک دولت برای ارتکاب حمله مسلحانه علیه دولت دیگر، خود یک مصداق تجاوز است».

همچنین ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها، مقرر می‌کند هر دولت که آگاهانه به دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی یاری رساند، در همان عمل شریک مسئولیت است؛ به شرطی که کمک‌کننده از ماهیت عمل آگاه باشد، کمک او در وقوع عمل نقش مؤثر داشته و بین کمک و عمل

مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، شدیدترین نقض اصل منع توسل به زور شناخته می‌شود و هرگونه حمله به سرزمین یک کشور، تخریب زیرساخت‌های حیاتی آن یا کشته‌شدن غیرنظامیان و کودکان، در صورت وقوع، از مهم‌ترین مصادیق نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حتی جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود.

مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک کشور، آن کشور از حق ذاتی دفاع مشروع برخوردار است. تحقق این حق مستلزم وجود حمله مسلحانه، ضرورت اقدام دفاعی، رعایت تناسب، موقتی بودن اقدامات تا زمان رسیدگی شورای امنیت و گزارش فوری اقدام دفاعی به شورای امنیت است.

حمله مسلحانه در حقوق بین‌الملل شامل هرگونه استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یک کشور، زیرساخت‌های حیاتی آن یا جمعیت غیرنظامی می‌شود و اگر چنین حمله‌ای موجب مرگ غیرنظامیان، دانش‌آموزان یا تخریب تأسیسات غیرنظامی شود، می‌تواند مصداق نقض جدی کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی باشد.



در چنین وضعیتی، وقوع حمله علیه غیرنظامیان یا اماکن غیرنظامی، شرط «حمله مسلحانه» برای اعمال دفاع مشروع را به طور کامل محقق می‌کند و دولت قربانی می‌تواند با رعایت ضرورت و تناسب، اقدامات دفاعی لازم را برای دفع حمله انجام دهد و موضوع را به شورای امنیت گزارش کند.

در نتیجه، بر مبنای اصول تثبیت شده حقوق بین‌الملل، هرگونه حمله مسلحانه، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی یا کشته شدن مردم و دانش‌آموزان در صورت وقوع نه تنها تجاوز محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی دولت مهاجم و حتی دولت‌هایی شود که خاک یا امکانات خود را در اختیار آن گذاشته‌اند. همچنین وقوع چنین اعمالی، حق دفاع مشروع کشور هدف را فعال می‌کند و مسیر پیگیری مسئولیت دولت‌ها در مجامع حقوقی بین‌المللی را هموار می‌سازد.

متخلفانه رابطه سببیت برقرار باشد. بر پایه یک تحلیل کاملاً فرضی و حقوقی، اگر دولت‌هایی مانند بحرین، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، اردن یا کویت به دولت ثالثی اجازه دهند از پایگاه‌های نظامی، فضای هوایی، بنادر، سامانه‌های راداری یا زیرساخت‌های پشتیبانی آن‌ها برای حمله به ایران یا هر کشور دیگر استفاده شود، این اقدام می‌تواند از منظر حقوق بین‌الملل به عنوان مشارکت در تجاوز، همدستی در عمل متخلفانه بین‌المللی یا نقض تعهد جلوگیری از استفاده خصمانه از قلمرو تلقی شود. این مسئولیت، حتی در صورتی برقرار است که این دولت‌ها خود مستقیماً حمله‌ای انجام نداده و صرفاً امکانات یا خاک خود را در اختیار دولت مهاجم قرار داده باشند.

در بخش مربوط به آثار حمله بر جمعیت غیرنظامی، باید تأکید کرد که حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی مانند مدارس، بیمارستان‌ها، نیروگاه‌ها و تأسیسات آب و برق، و نیز کشته شدن مردم، کودکان یا دانش‌آموزان در صورت وقوع و اثبات از جدی‌ترین مصادیق نقض اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه است.

کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل اول الحاقی و اصول عرفی حقوق جنگ به طور مطلق حمله علیه افراد غیرنظامی و کودکان را ممنوع کرده‌اند. هرگونه حمله عمدی به آنان یا استفاده نامتناسب از زور، که به تلفات غیرنظامیان بینجامد، می‌تواند جنایت جنگی شناخته شود.

“

بر اساس بند (f)
ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴
مجمع عمومی سازمان
ملل متحد، «اجازه دادن
به استفاده از قلمرو یک
دولت برای ارتکاب حمله
مسلحانه علیه دولت
دیگر، خود یک مصداق
تجاوز است»

”



مشروعیت حمله و اصل منع توسل به زور در حقوق بین الملل

علی کیا

وکیل دادگستری

تمامی دولت‌ها از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر کشورها منع شده‌اند. تنها استثنای این اصل، در ماده ۵۱ منشور پیش‌بینی شده است که به کشورها اجازه می‌دهد در صورت وقوع «حمله مسلحانه»، از حق ذاتی دفاع مشروع استفاده کنند.

با این حال، استفاده از عنوان «حمله پیش‌دستانه» بدون ارائه شواهد معتبر مبنی بر وجود تهدید فوری و قریب‌الوقوع، فاقد مبنای حقوقی است. حتی در داخل ساختار سیاسی ایالات متحده نیز در جلسات متعدد کنگره اعلام شد که هیچ نشانه‌ای از حمله قریب‌الوقوع ایران وجود نداشته است. بنابراین، آغاز عملیات نظامی علیه ایران نه تنها فاقد توجیه حقوقی بوده است، بلکه نقض آشکار اصول بنیادین منشور سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

در چنین وضعیتی، آغاز جنگ و اقدامات بعدی از جمله حملات به مراکز غیرنظامی، مدارس، ورزشگاه‌ها و زیرساخت‌های عمومی نه تنها از منظر حقوق بین‌الملل قابل توجیه نیست، بلکه می‌تواند در چارچوب قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به عنوان نقض جدی قوانین جنگ نیز بررسی شود.

از این رو جامعه حقوقی کشور باید فارغ از اختلافات داخلی، این موضوع را صرفاً از منظر حقوق بین‌الملل تحلیل و با محکوم کردن چنین اقداماتی، از مصادره این جنگ به نفع

امروز ایران موکل من است و جمهوری اسلامی، نماینده قانونی و وکیل مدنی او. از این رو، تأکید می‌کنم در این یادداشت، صرفاً تجاوزات و نقض آشکار قواعد حقوق بین‌الملل از سوی ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشور ایران بررسی حقوقی می‌شود؛ مسأله‌ای که از منظر حقوق بین‌الملل باید تحلیل و ارزیابی شوند.

هدف از نگارش این یادداشت، جلب توجه نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد به ضرورت پایبندی واقعی به اهداف و وظایف خویش است. این نهاد بین‌المللی، باید بدون اعمال معیارهای گزینشی و با رعایت اصل برابری میان دولت‌ها، در راستای تقبیح جنگ در عصر مدرن و تأکید بر حل اختلافات از طریق دیپلماسی ایفای نقش کند. در غیر این صورت، سکوت و انفعال چنین نهادهایی بی‌تدرید راه را برای بازگشت به دوره‌هایی از تاریخ هموار می‌کند که در آن اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حقوق بشر به سادگی نقض می‌شدند.

در این چارچوب، حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را باید در پرتو اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بررسی کرد. مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل،



سیاسی یا نظامی یک کشور مطرح می‌شود، انتظار می‌رود این اتهامات در چهارچوب سازوکارهای حقوقی و از طریق دادگاه‌های صالح بین‌المللی بررسی شود. در مقابل، اقدام به ترور رهبران یا مقامات رسمی یک کشور بدون طی هیچ‌گونه روند قضائی، نه تنها با اصول دادرسی عادلانه سازگار نیست، بلکه در بسیاری از موارد می‌تواند مصداق نقض جدی حقوق بین‌الملل و حتی جنایت جنگی تلقی شود. چنین اقداماتی در صورت تداوم، می‌تواند به رویه‌ای خطرناک در روابط بین‌الملل تبدیل شود؛ رویه‌ای که در آن قدرت‌های نظامی به جای مراجعه به سازوکارهای حقوقی، از ابزار ترور برای حذف مخالفان سیاسی یا نظامی استفاده می‌کنند. افزون بر این، به حملات نظامی گسترده علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و مراکزی مانند مدارس، ورزشگاه‌ها و بیمارستان‌ها نیز در چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی توجه می‌شود. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن صراحتاً بر ضرورت حمایت از غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی در زمان جنگ تأکید دارند. از این‌رو، رسیدگی به چنین مواردی مستلزم پیگیری حقوقی نهادهای مسئول در سطح بین‌المللی است. دولت‌ها و نهادهای حقوقی می‌توانند از طریق سازوکارهایی، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی خواستار بررسی این اقدامات شوند تا مشخص شود آیا قواعد حقوق بین‌الملل در این موارد نقض شده است.

قدرت‌های متخاصم جلوگیری کند. سکوت در برابر نقض آشکار قواعد بین‌المللی، به ویژه هنگامی که چنین اقداماتی بارها توسط برخی قدرت‌ها تکرار شده است، نه تنها توجیه‌پذیر نیست بلکه می‌تواند به تضعیف بیشتر نظام حقوقی بین‌المللی منجر شود.

در بررسی ابعاد حقوقی منازعات بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین اصول پذیرفته شده در نظام حقوقی جهان اصل «دادرسی عادلانه» است. بر اساس این اصل، حتی افراد متهم به سنگین‌ترین جنایات نیز باید در برابر دادگاه‌های صالح و با رعایت حق دفاع محاکمه شوند. این اصل نه تنها در حقوق داخلی کشورها، بلکه در حقوق بین‌الملل نیز یکی از ارکان بنیادین عدالت شناخته می‌شود. تجربه تاریخی دادگاه نورنبرگ، پس از جنگ جهانی دوم نمونه‌ای روشن از پایبندی جامعه بین‌المللی به این اصل بود. در سال ۱۹۴۵ و پس از شکست آلمان نازی، قدرت‌های پیروز جنگ، دادگاهی بین‌المللی در شهر نورنبرگ تشکیل دادند تا رهبران حزب نازی به اتهام جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت علیه صلح محاکمه شوند. حتی بر افرادی که جهان آنان را مسئول بزرگ‌ترین فجایع انسانی می‌دانست، اصل محاکمه عادلانه و حق دفاع رعایت شد. همین موضوع نشان‌دهنده احترام نظام حقوقی بین‌المللی به قواعد بنیادین عدالت بود.

با این حال، آنچه در وضعیت کنونی مشاهده می‌شود فاصله‌ای قابل توجه با این اصول دارد. در مواردی که اتهاماتی علیه رهبران



ارزیابی حقوقی تهاجم آمریکا و اسرائیل به ایران در پرتو قواعد منشور ملل متحد و حقوق بین الملل بشر دوستانه

دکتر سینا گمار

وکیل دادگستری

دانش آموخته حقوق کیفری و جرم‌شناسی

به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴، پرسش اصلی آن است که آیا چنین اقدامی می‌تواند به اتکای ماده ۵۱ و «وجود حمله مسلحانه قریب الوقوع» توجیه‌پذیر باشد. باتوجه به معیارهای شناخته‌شده، اقداماتی که فاقد تحقق حمله مسلحانه پیشینی باشند یا بر برداشت موسع از دفاع پیشگیرانه استوار شوند، مشروعیت ندارند. بنابراین، حملات هوایی انجام‌شده علیه ایران نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و کنوانسیون ۱۹۶۹ وین محسوب می‌شود و مصداق بارز تجاوز مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران است.

در مقابل واکنش دفاعی ایران طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد دفاع مشروع است، زیرا در صورتی که حمله‌ای مسلحانه به یک دولت رخ دهد، آن دولت مجاز است تا رفع تهدید اقدامات دفاعی با رعایت اصول ضرورت و تناسب انجام دهد و مطابق رویه بین‌المللی حمله به منابع و پایگاه‌هایی که مستقیماً در انجام حملات نقش داشته‌اند، می‌تواند ذیل مفهوم دفاع مشروع قرار گیرد {۳}. نحوه اداره جنگ نیز تابع حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است.

طبق کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها (۱۹۷۷)، به

نظام حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم بر چهار اصل کلیدی بناء شده است: منع توسل به زور، ممنوعیت تجاوز، احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها. این اصول در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی تیلور یافته‌اند و چارچوب اصلی ارزیابی مشروعیت هرگونه اقدام نظامی میان دولت‌ها را تشکیل می‌دهند.

مطابق این قواعد، استفاده از زور در روابط بین‌المللی اساساً ممنوع است مگر در دو حالت: اقدامات مجاز شورای امنیت ذیل فصل هفتم و دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور. دفاع مشروع نیز، تنها زمانی معتبر است که حمله مسلحانه بالفعل رخ داده باشد و پاسخ دفاعی از نظر ضرورت و تناسب توجیه‌پذیر باشد. دکتترین دفاع پیشگیرانه یا پیش‌دستانه، در حقوق بین‌الملل الزام‌آور جایگاهی ندارد {۱}. همچنین منع توسل به زور مطابق با مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، یک قاعده آمره است {۲}. بر اساس همین مبانی در حمله آمریکا-اسرائیل



فرهنگی {۶}. در این میان حملات بسیاری به مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی شده است. حمله به مراکز علمی و دانشگاهی مطابق مواد ۸ و ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ممنوع است و در صورت ارتکاب، مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود. ولی حملات اسرائیل و آمریکا به دانشگاه‌ها و مراکز علمی، مکرر انجام شد که نمونه آن حملات فروردین ۱۴۰۵ به دانشگاه شهید بهشتی، صنعتی شریف و علم و صنعت در تهران بود {۷}.

از جمله مهم‌ترین اهداف غیرنظامی در این حملات، می‌توان به حمله عمدی به مدرسه دخترانه شجره طیبه در میناب و قتل‌عام حدود ۱۷۰ دختر بچه دانش‌آموز {۸}، حمله

غیرنظامیان و تمام کسانی که در نبرد مشارکت ندارند، نباید تحت هیچ شرایطی حمله شود و باید مصون و مورد حمایت باشند {۴}. مهم‌ترین این اصول، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی است که حمله به جمعیت غیرنظامی، مناطق مسکونی یا اموال فاقد ماهیت نظامی را منع می‌کند. همچنین بر اساس اصل تناسب، حتی در حمله به اهداف نظامی، اقداماتی که خسارات آن برای غیرنظامیان در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار بیش از حد باشد ممنوع است {۵}.

باین‌همه، در چهل روز حمله آمریکا و اسرائیل به ایران شمار بسیاری غیرنظامی (بیش از ۳۳۷۵ تن) کشته (شهید) و مصدوم و زیرساخت‌های غیرنظامی تخریب شدند؛ از جمله ۳۳۹ واحد بهداشتی و درمانی، ۱۵ واحد استراتژیک و زیرساختی، ۵ واحد مخزن سوخت، ۹۹۳ واحد آموزشی و دانشگاهی، ۱۰۰ هزار واحد مسکونی، ۲۳۵۰۰ واحد تجاری، ۴۹ دستگاه خودرو امدادی، ۴۳ دستگاه آمبولانس، ۳ فروند بالگرد امدادی، ۲۰ مرکز هلال احمر، ۲۲۱ شهید زیر هجده سال، ۲۵۸ شهید زن، ۲۱۱۵ مصدوم زیر هجده سال، تعداد مصدومین غیرنظامی در مجموع ۴۹۹۲ نفر، ۲۶ شهید از اعضای کادر درمان، ۱۱۸ مصدوم کادر درمان، ۴ شهید از اعضای هلال احمر و ۲۸۷ شهید دانش‌آموز و ۶۷

“

ارزیابی حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به ایران نشان می‌دهد که استفاده از زور در حمله به ایران فاقد مبنای مشروع است و حملات عامدانه به غیرنظامیان، زیرساخت‌ها، اماکن درمانی، آموزشی، هسته‌ای و میراث فرهنگی قابلیت بررسی ذیل عناوین «تجاوز» و «جنایت جنگی» را دارد

”



عمدی به بیمارستان‌های گاندی، خاتم‌الانبیاء، مطهری، ولی‌عصر، شهید رجایی، بیمارستان تروما و سوختگی، مرکز مراقبت از نوزادان آمنه در تهران و چندین بیمارستان در شهرستان‌های دیگر اشاره کرد {۹}. همچنین در این تهاجم به طرز خطرناکی مراکز و اماکن هسته‌ای ایران هدف قرار گرفتند، این در صورتی است که بر اساس ماده ۵۶ پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ژنو، تأسیسات هسته‌ای حتی در زمان جنگ به دلیل خطر تشعشعات رادیواکتیو مورد حمایت ویژه‌اند. طبق ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای نیز، حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورهای عضو ممنوع است {۱۰}. این در حالی است که تأسیسات و مراکز هسته‌ای ایران مانند نیروگاه هسته‌ای بوشهر، تأسیسات هسته‌ای نطنز، کارخانه تولید آب سنگین در خنداب و سایت فرآوری اورانیوم شهید احمدی‌روشن بارها هدف قرار گرفتند {۱۱}. برخی از نیروگاه‌های برق، صنایع پتروشیمی، فرودگاه‌ها، تصفیه‌خانه‌های آب، پل‌ها، راه‌آهن و ... نیز مورد هدف و حمله قرار گرفتند که این حملات با ماده ۵۴ کنوانسیون‌های ژنو، که حمله به غیرنظامیان و امکانات حیاتی آن‌ها را ممنوع می‌کند، مغایر است. راه‌آهن سراسری ایران در سال ۲۰۲۱ در فهرست میراث جهانی توسط یونسکو ثبت شده است و تعرض به آن طبق

کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، جنایت جنگی محسوب می‌شود {۱۲}. بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول، حتی تهدیدهای خشونت‌آمیز با هدف ایجاد وحشت در میان غیرنظامیان را ممنوع شمرده است. با این همه رییس‌جمهور آمریکا ایران را به بازگرداندن به عصر حجر و نابودی تمدن این کشور تهدید کرد {۱۳}.

در مجموع، ارزیابی حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به ایران نشان می‌دهد که استفاده از زور در حمله به ایران فاقد مبنای مشروع است و حملات عامدانه به غیرنظامیان، زیرساخت‌ها، اماکن درمانی، آموزشی، هسته‌ای و میراث فرهنگی قابلیت بررسی ذیل عناوین «تجاوز» و «جنایت جنگی» را دارد.

همچنین اصول بنیادین تفکیک، تناسب و احتیاط معیارهای اصلی سنجش مشروعیت عملیات نظامی است و نقض آن‌ها می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری اشخاص را به همراه داشته باشد. بر این اساس چنین اقداماتی می‌توانند در چارچوب سازوکارهای بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و سازوکارهای معاهده‌ای مربوطه قابل پیگیری و رسیدگی حقوقی باشند.

■ مراجع

۱- قاسمی، علی، بارین چهاربخش،

بهشتی پس از حمله»، کد خبر: ۹۵۹۶۲۸،
قابل دسترسی در: <https://fararu.com/fa/959628/news>

۸- خبرگزاری نورنیوز (۱۴۰۴/۱۲/۱۱)، «آخرین
آمار شهدای حمله موشکی به دبستان
دخترانه میناب»، شناسه خبر: ۲۷۸۳۹۶،
قابل دسترسی در: <https://nournews.ir/fa/278396/news>

۹- اعتماد (۱۴۰۴/۱۲/۱۱)، «آخرین وضعیت
بیمارستان گاندی تهران در پی حمله
جنایت‌کارانه آمریکا و اسرائیل»، کد خبر:
۷۶۳۵۴۰، قابل دسترسی در: <https://www.etemadonline.com>

۱۰- کربلایی حسینی، علی (۱۴۰۴)،
«ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای
در حقوق بین‌الملل و پیامدهای تخلف
از آن»، شورای راهبردی روابط خارجی،
۱۴۰۴/۴/۷، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa/344655/30101300/>

۱۱- خبر آنلاین (۱۴۰۵/۱/۱۷)، «حمله به
نیروگاه اتمی بوشهر مصداق جنایت
جنگی است»، کد مطلب: ۲۲۰۲۲۶۳، قابل
دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/2202263>

۱۲- ایلنا (۱۴۰۵/۱/۱۸)، «میراث ریلی جهانی
هدف گرفته شد»، کد خبر: ۱۷۷۰۶۹۹، قابل
دسترسی در: <https://www.ilna.ir/>

۱۳- ایلنا (۱۴۰۵/۱/۱۳)، «واکنش تهران
به تهدید ترامپ برای بازگرداندن ایران
به عصر حجر»، کد خبر: ۱۷۶۸۶۱۸، قابل
دسترسی در: <https://www.ilna.ir/>

ویکتور (۱۳۹۱)، «تهدید به زور و حقوق
بین‌الملل»، پژوهش حقوق عمومی،
۱۴(۳۶)، ص ۱۵۱.

۲- فولادی، عباس، مرادی، مریم، دیانت،
محسن (۱۴۰۲)، «قاعده توسل به زور
در روابط بین‌الملل»، سیاست پژوهی
ایرانی، ۱۰(۴)، ص ۱۵۳.

۳- الهویی نظری، حمید (۱۳۹۴)،
«ارتباط‌های سیستماتیک ماده ۵۱
منشور ملل متحد»، مطالعات حقوق
عمومی، ۴۵(۲)، ص ۲۰۰.

۴- هاشمی، وحید، جوادی، محمدحسن،
جعفرزاده، سیامک (۱۴۰۲)، «حقوق
آسیب‌دیدگان غیرنظامی در جنگ از
منظر اخلاق اسلامی و اسناد بین‌المللی»،
اخلاق در علوم و فناوری، ۱۸(۳)، ص ۷.

۵- شریفی طرازکوهی، حسین، زمانی،
قاسم، یعقوبی، مسلم (۱۴۰۲)، «اصول
حقوق بشردوستانه بین‌المللی در مواجهه
با تسلیحات نوین نظامی: چالش‌ها
و راهکارها»، پژوهش‌های حقوقی،
۲۲(۵۴)، ۲۲-۲۰.

۶- مؤمن حقیقی، مائده (۱۴۰۵/۱/۲۴)،
«آمار ۴۰ روزه حملات دشمنان
آمریکایی-صهیونی به مناطق غیرنظامی
کشورمان طی جنگ رمضان»،
شهرآرانیوز، کد خبر: ۴۰۶۳۵۵، قابل
دسترسی در: <https://shahraranews.ir/406355/fa/news>

۷- خبرگزاری فرارو (۱۴۰۵/۱/۱۲)،
«تصاویری از پردیس دانشگاه شهید

ابعاد تجاوز نظامی اخیر علیه ایران از منظر حقوق بین الملل و حقوق مخاصمات مسلحانه

اصغر لطفعلی پور
کارآموز وکالت

به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری نمایند». این اصل ماهیت آمره دارد و نقض آن، مستلزم مسئولیت بین المللی دولت متجاوز خواهد بود. هرگونه حمله نظامی مستقیم به قلمرو یک دولت مستقل اعم از حمله هوایی، موشکی، پهپادی یا عملیات نیروهای نظامی - در چارچوب تعریف «تجاوز» مندرج در قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل، قابل ارزیابی است.

ماده ۳ این قطعنامه «حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر» را صریحاً مصداق تجاوز شناخته است. حتی حملات محدود و کوتاه مدت نیز از شمول این تعریف خارج نیستند. لذا اقدام اخیر، صرف نظر از ادعاهای سیاسی و امنیتی طرف مقابل، از حیث حقوقی نقض صریح اصل منع توسل به زور تلقی می شود.

۲. **حق ذاتی دفاع مشروع:** مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در صورت وقوع «حمله مسلحانه»، دولت مورد تعرض حق دارد از خود دفاع کند، مشروط بر آنکه اقدامات دفاعی:

- ضرورت داشته باشد؛
- متناسب با تهدید باشد؛

تحلیل رفتار دولت‌ها در مخاصمات مسلحانه و ارزیابی مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل به زور، نیازمند استناد دقیق به قواعد آمره حقوق بین الملل، به ویژه اصول منشور ملل متحد، مقررات عرفی بین المللی، اسناد حقوق بشردوستانه و رویه قضائی بین المللی است.

در تجاوز نظامی اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، چند محور اساسی می تواند مبنای تحلیل حقوقی قرار گیرد: اول، ارزیابی ماهیت اقدام انجام شده از منظر منع توسل به زور؛ دوم، بررسی اعمال قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه؛ سوم، تحلیل پیامدهای حقوق بشری و مسئولیت بین المللی دولت متجاوز؛ و چهارم، امکان سنجی پیگیری حقوقی در مراجع بین المللی.

۱. **منوعیت توسل به زور در حقوق بین الملل و احراز وقوع تجاوز نظامی:** اصل اساسی منشور ملل متحد در ماده ۲ بند ۴ مقرر می دارد که «اعضای سازمان باید در روابط بین المللی خود از تهدید یا توسل



■ اصابت به مناطق غیرنظامی، امکانات عمومی، مراکز مسکونی یا منجر به تلفات غیرنظامی شده باشد، این امر می‌تواند مصداق تخلف جدی از حقوق بشردوستانه باشد و حتی در زمره جنایات جنگی تلقی شود. در این خصوص، مواد ۸ و ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) معیارهای روشنی برای تشخیص حملات غیرقانونی ارائه کرده است.

۴. مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز:

مطابق پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱)، هر عمل متخلفانه بین‌المللی مستلزم سه پیامد است:

- الزام به توقف تخلف؛
 - تعهد به جبران خسارت؛
 - مسئولیت بین‌المللی نسبت به پیامدهای نقض.
- اگر اثبات شود یک دولت معین حمله

■ بلافاصله پس از وقوع حمله صورت گیرد.

رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (به‌ویژه در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، ۱۹۸۶) نشان می‌دهد که دفاع مشروع باید در پاسخ به یک «حمله مسلحانه» واقعی باشد، نه صرف تهدید ادعائی. لذا وقوع تجاوز اخیر، حق دفاع مشروع را برای ایران مستقر می‌سازد و اعمال این حق باید در چارچوب اصول ضرورت و تناسب ارزیابی شود.

۳. اعمال قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه (IHL):

در صورتی که حمله نظامی اخیر منجر به شکل‌گیری وضعیت «مخاصمه مسلحانه بین‌المللی» شود، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ قابل اعمال خواهند بود. قواعد بنیادین این حوزه شامل موارد زیر است:

- تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی؛
 - تناسب میان منافع نظامی و خسارات جانبی؛
 - منع حملات کور، بی‌هدف یا مبتنی بر رعب و وحشت؛
 - حفاظت از غیرنظامیان، اموال عمومی و زیرساخت‌های حیاتی؛
 - احترام به اصول انسانیت و موازین بشردوستانه.
- چنانچه حمله انجام‌شده متضمن

“

هرگونه حمله‌ای که موجب مرگ غیرنظامیان، آوارگی، اختلال در خدمات حیاتی یا نقض سایر حقوق ذاتی افراد شود، می‌تواند موضوع پیگیری حقوق بشری باشد

”



اخیر را برنامه‌ریزی، هدایت یا اجراء کرده است، آن دولت موظف به جبران خسارات وارده بر ایران، شامل خسارات مادی، جانی، اقتصادی و خسارات ناشی از نقض حاکمیت ملی است.

۵. آثار حقوق بشری تجاوز نظامی: در کنار حقوق مخاصمات مسلحانه، تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در زمان مخاصمه همچنان پابرجاست. کمیته حقوق بشر سازمان ملل، در تفسیر عمومی شماره ۳۱، تأکید کرده است که دولت‌ها حتی در وضعیت اضطراری یا جنگ نیز مکلف‌اند از حقوق بنیادین افراد حمایت کنند. هرگونه حمله‌ای که موجب مرگ غیرنظامیان، آوارگی، اختلال در خدمات حیاتی یا نقض سایر حقوق ذاتی افراد شود، می‌تواند موضوع پیگیری حقوق بشری باشد.

۶. امکان‌سنجی پیگیری در مراجع بین‌المللی: باتوجه به ماهیت اقدام انجام‌شده، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مسیرهای حقوقی متعددی را دنبال کند:

- طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در صورت وجود مبنای صلاحیتی؛
- ارائه شکایت رسمی به شورای امنیت، مجمع عمومی یا دبیرکل سازمان ملل؛
- استناد به قطعنامه ۳۷۷ «اتحاد برای صلح» در صورت بی‌عملی شورای امنیت؛

■ تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی؛
■ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت متجاوز از طریق سازوکارهای حقوق بشری.

رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌هایی نظیر بوسنی علیه صربستان، گرجستان علیه روسیه و اوکراین علیه فدراسیون روسیه نشان می‌دهد که حتی در وضعیت پیچیده سیاسی نیز، پیگیری حقوقی قابل انجام است، مشروط بر ارائه ادله کافی و رعایت مسیرهای صلاحیتی.

۷. جمع‌بندی: بر اساس اصول مسلم حقوق بین‌الملل، حمله نظامی اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، چنانچه با ادله کافی احراز شود، مصداق روشن «تجاوز» محسوب می‌شود و مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب را به همراه دارد.

همچنین قواعد حقوق بشردوستانه در تمامی مراحل مخاصمه لازم‌الاجراء است و نقض آن، حسب مورد، می‌تواند عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت پیدا کند. بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی، در کنار مستندسازی دقیق وقایع، می‌تواند زمینه طرح دعاوی رسمی و احقاق حقوق ملت ایران را فراهم سازد. باتوجه به اهمیت موضوع و آثار حقوقی بلندمدت آن، تحلیل جامع ابعاد تجاوز اخیر، نه تنها یک ضرورت علمی بلکه مسئولیتی حرفه‌ای برای جامعه حقوقی کشور محسوب می‌شود.

نقش نظریه‌بازی‌ها در تحلیل تجاوز نظامی آمریکا و صهیونیست‌ها و طراحی الگوهای بازدارندگی

افشین مداح
وکیل دادگستری

چکیده

نه تنها به درک بهتر رفتار آمریکا و اسرائیل کمک می‌کند، بلکه می‌تواند ابتکار عمل را در هر مرحله از چرخه بحران از دست مهاجم خارج کند و زمینه را برای طراحی واکنش‌های هوشمندانه و کاهش مخاطرات انسانی و راهبردی در بستر قواعد حقوق بین‌الملل فراهم سازد.

این پژوهش با هدف توسعه یک چارچوب نوآورانه و میان‌رشته‌ای، به بررسی تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه کشور ایران می‌پردازد و آن را هم‌زمان از سه منظر حقوقی، مباحثات مسلحانه، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و همچنین نظریه بازی‌ها به‌عنوان ابزار تحلیل رفتار راهبردی دولت‌ها تحلیل می‌کند.

بخش نخست مطالعه، به ارزیابی مشروعیت توسل به زور و آثار حقوقی آن اختصاص دارد. در این بخش، نشان داده می‌شود که تجاوز نظامی یک‌جانبه، در غیاب مجوز شورای امنیت یا در خارج از محدوده دفاع مشروع، با اصول بنیادین منشور ملل متحد و قواعد امره حقوق بین‌الملل ناسازگار است. چنین اقدامی نه تنها منع توسل به زور را نقض می‌کند، بلکه مجموعه‌ای از تعهدات حقوقی را برای دولت مهاجم فعال می‌سازد، از جمله لزوم رعایت اصول

نظریه بازی‌ها، به‌عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای تحلیل رفتار راهبردی دولت‌ها، می‌تواند در سه مقطع پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ نقش پیشگیرانه و بازدارنده اساسی ایفاء کند. این رویکرد با مدل‌سازی تعاملات و رقابت‌های راهبردی میان کنش‌گران، امکان پیش‌بینی سناریوهای محتمل، شناسایی نقاط ضعف و قوت طرف مقابل و تحلیل انگیزه‌ها، محاسبات و سیگنال‌دهی‌های رفتاری کشورهای متخاصم را فراهم می‌آورد. به همین دلیل، نظریه بازی‌ها قادر است پیش از آغاز درگیری با ارائه الگوهای بازدارندگی، از احتمال وقوع جنگ بکاهد و در خلال محاصره با افزایش قدرت فرماندهی و کنترل، به مدیریت مؤثر جبهه‌های عملیاتی و تصمیم‌گیری بهینه یاری رساند و پس از جنگ با سامان‌دهی رفتار بازیگران و مهار چرخه‌های انتقام یا تشدید تنش، از بازتولید محاصره جلوگیری کند. بدین ترتیب، استفاده از نظریه بازی‌ها





یک دولت ممکن است به این نتیجه برسد که حمله نظامی، رفتار بهینه است. به‌ویژه زمانی که تصور کند دولت هدف از بازدارندگی کافی برخوردار نیست. واکنش آن پیش‌بینی‌پذیر است، یا هزینه‌های بین‌المللی اقدام نظامی پایین خواهد بود. برای این منظور، مدل‌هایی همچون بازی مرغ (Chicken Game)، بازی بازدارندگی (Deterrence Game)، بازی جنگ محدود (Limited War) و مدل‌های تعادل ناش استفاده می‌شوند. این تحلیل نشان می‌دهد که رفتار مهاجم الزماً نتیجه‌انگیزه‌های صرفاً نظامی نیست، بلکه اغلب برآیند ادراکات متقابل، سیگنال‌دهی‌های سیاسی، محاسبات پرستیژی، برداشت از توان دفاعی طرف مقابل و پیش‌بینی احتمال مداخله بازیگران ثالث است. بخش سوم پژوهش، به پیوند میان

تمایز، تناسب، ضرورت نظامی و اتخاذ احتیاطات لازم برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی. همچنین پیامدهای حمله برای حقوق بشر، به‌ویژه حق حیات، منع شکنجه، امنیت شخصی و دسترسی به خدمات ضروری، بررسی و نشان داده می‌شود که تعهدات حقوق بشری بعد فرامرزی دارند و حتی در وضعیت محاصره نیز کاملاً ساقط نمی‌شوند.

در بخش دوم مقاله، نظریه بازی‌ها به‌عنوان ابزار تحلیل تصمیم‌گیری مهاجم و دولت مورد حمله در وضعیت بحران به کار گرفته می‌شود. در این چارچوب، محاصره بین‌المللی به مثابه «بازی راهبردی» با کنش‌گران عقلانی مدل‌سازی می‌شود که در جست‌وجوی بیشینه‌سازی منافع و کمینه‌سازی هزینه‌ها هستند. پژوهش توضیح می‌دهد که چرا و چگونه

واکنش نظامی دولت هدف، بدون عبور از مرزهای حقوق بین‌الملل.

سه- بازدارندگی دیپلماتیک: تقویت ائتلاف‌ها، حمایت‌های منطقه‌ای و مکانیسم‌های هشدار زود هنگام برای افزایش هزینه سیاسی تجاوز.

چهار- بازدارندگی انسانی و اطلاعاتی: مستندسازی پیوسته وضعیت غیرنظامیان و نقض‌ها و انتشار اطلاعات معتبر برای افزایش هزینه reputational و اخلاقی مهاجم.

پژوهش نشان می‌دهد که این راهبردهای بازدارنده، اگر هماهنگ و یکپارچه طراحی شوند، می‌توانند ساختار بازی را به گونه‌ای تغییر دهند که تجاوز نظامی برای مهاجم نه تنها پرخطر و پرهزینه، بلکه غیرعقلانی شود.

در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که ترکیب حقوق بین‌الملل و نظریه بازی‌ها چارچوبی قوی، دقیق و انعطاف‌پذیر برای تحلیل مخاصمات مسلحانه در اختیار می‌گذارد.

این پیوند میان رشته‌ای، اجازه می‌دهد تا رفتار دولت‌ها بهتر پیش‌بینی و الگوهای بازدارندگی مؤثرتر طراحی شود.

از این منظر، پژوهش حاضر نه تنها به فهم دقیق‌تر منطق تجاوز نظامی کمک می‌کند، بلکه راهکارهایی عملی برای کاهش احتمال وقوع جنگ، حفظ کرامت انسانی و ارتقای نظم حقوقی بین‌المللی ارائه می‌دهد.

نظام حقوقی و ساختار بازی می‌پردازد. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که چارچوب حقوق بین‌الملل به‌خصوص حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر صرفاً مجموعه‌ای از محدودیت‌ها نیست، بلکه می‌تواند در قالب «ابزار بازدارندگی حقوقی» ساختار بازی را تغییر دهد. برای نمونه، اگر مهاجم بداند که حمله به غیرنظامیان، هدف قراردادن مقامات غیرنظامی، یا تخریب زیرساخت‌های حیاتی می‌تواند منجر به مسئولیت‌گیری بین‌المللی یا هزینه reputational شدید شود، رفتار خود را تغییر خواهد داد. در این چارچوب، توصیف دقیق قواعد حقوق بشردوستانه، ثبت و مستندسازی نقض‌ها، فعال‌سازی سازوکارهای نظارتی و اعلام آمادگی برای طرح دعوا، می‌تواند پیام واضحی برای بازدارندگی حقوقی ارسال کند.

در بخش چهارم، مقاله وارد حوزه طراحی الگوهای بازدارندگی هوشمند می‌شود و رویکردی پیشنهادی برای کاهش احتمال حمله یا محدودسازی خسارت‌های آن ارائه می‌دهد. این الگوها شامل چهار دسته راهبرد مکمل‌اند:

یک- بازدارندگی حقوقی: افزایش هزینه حقوقی اقدام مهاجم، از طریق تهدید معتبر به پیگیری قضائی و فعال‌سازی نهادهای بین‌المللی.

دو- بازدارندگی راهبردی: ایجاد عدم قطعیت در محاسبات مهاجم درباره



ابعاد مختلف تجاوز اخیر به ایران با نگاهی به حقوق بین الملل بشر دوستانه

معصومه مصطفائی

وکیل دادگستری

هنوز در نظام حقوقی بین المللی جاری است. در قلب این معاهدات، اصل احترام به کرامت انسانی جای گرفته است؛ اصلی که در جنگ، یعنی جایی که کرامت نخستین قربانی می شود، بیش از همیشه نیازمند ضمانت حقوقی است.

از منظر این کنوانسیون ها، اشخاصی که در میدان نبرد بی دفاع شده اند از جمله مجروحان، بیماران، کشتی شکستگان، و اسیران جنگی به عنوان «افراد حمایت شده» شناخته می شوند و برخورد با آنان باید از هرگونه تبعیض، رفتار موهن یا خشونت غیر ضروری میزا باشد.

کنوانسیون اول ژنو تأکید می کند که زخمیان و بیماران، صرف نظر از وابستگی نظامی یا جغرافیایی شان، مستحق امداد رسانی فوری و بی قید و شرط اند. علامت جهانی «هلال احمر» یا «صلیب سرخ» نه نمادی از یک نهاد، بلکه سپری قانونی است که هرگونه تعرض به آن، نقض آشکار حقوق بین الملل به شمار می آید.

کنوانسیون دوم با همان روح حمایتی، قلمرو دریا را در برمی گیرد؛ جایی که آب، انسان مجروح را بیش از دشمن تهدید می کند. این سند، شناورها و کارکنان پزشکی را از تعرض مصون می داند و به آنان مأموریت امداد رسانی فارغ از

حقوق بشر دوستانه بین المللی، یا آنچه در ادبیات حقوقی از آن با عنوان «حقوق مخاصمات مسلحانه» یاد می شود، مجموعه ای از قواعد الزام آور است که در دل تاریخ جنگ، وظیفه ای روشن بر عهده دارد: تحدید خشونت، صیانت از انسان و مهار قدرت نابسامان سلاح ها.

این حقوق، نه برای تأیید جنگ، بلکه برای کاستن از رنج انسان ها در هنگامه درگیری شکل گرفته است؛ و اوج تکوین آن را می توان در «سه گانه ژنو» و پروتکل های الحاقی جست و جو کرد. سه گانه ژنو، شامل کنوانسیون اول درباره بهبود حال زخمیان و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی، کنوانسیون دوم در عرصه دریا، و کنوانسیون سوم در باب اسیران جنگی است که ستون های دیرپای حقوق بشر دوستانه معاصر را تشکیل می دهند.

کنوانسیون چهارم ژنو (حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ) نیز به صورت مکمل، بعدها به این بناء افزوده شد، اما سه گانه نخستین، اساس شاکله قواعد حمایتی را شکل می دهد و گستره آن



نباید به گونه‌ای باشد که در مقایسه با مزیت نظامی مورد انتظار، بی‌تناسب تلقی شود.

اصل ضرورت نظامی (military necessity)، استفاده از قوه قهریه را تنها زمانی مجاز می‌شمارد که برای دستیابی به هدف مشروع نظامی لازم باشد. و سرانجام، اصل منع رنج غیرضروری (unnecessary suffering) تأکید دارد که حتی علیه رزمندگان نیز نمی‌توان از ابزارهایی استفاده کرد که موجب آلام شدید و بی‌فایده شود.

ابعاد کیفری حقوق بشردوستانه، در هیئت «جرایم جنگی» متجلی می‌شود؛ جرایمی که فهرستشان در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، پروتکل‌های الحاقی ژنو و عرف‌های بین‌المللی منعکس شده است. جرایمی مثل کشتار غیرنظامیان، شکنجه، گروگان‌گیری، حمله به تأسیسات درمانی، استفاده از سپر انسانی، تخریب بی‌دلیل اموال، انتقال اجباری جمعیت یا محروم‌سازی عمدی از امداد رسانی همگی در قلمرو مسئولیت کیفری فردی‌اند.

ویژگی مهم در این حوزه آن است که مسئولیت کیفری نه فقط متوجه ارتکاب‌کنندگان مستقیم، بلکه متوجه آمران، فرماندهان و کسانی است که با علم به وقوع جرم، از جلوگیری یا مجازات آن خودداری کرده‌اند. این اصل که «فرمان مافوق توجیه‌کننده جرم نیست»، میراث

جانب‌گیری سیاسی می‌دهد.

کنوناسیون سوم ژنو، که به اسیران جنگی اختصاص یافته، از نظر گستره موضوعی یکی از مفصل‌ترین معاهدات موجود است. این سند اسارت را به معنای سلب کرامت نمی‌داند؛ بلکه آن را وضعیتی حقوقی تلقی می‌کند، که دستگاه‌های نظامی موظف‌اند در آن، حیثیت انسانی فرد را پاس دارند. ممنوعیت شکنجه، تحقیر، اجبار به اعتراف، تهدید، آزمایش‌های پزشکی و هر اقدام خلاف انسانیت در این معاهده صراحت یافته است. افزون بر این، اسیر باید در وضعیت بهداشتی مناسب نگهداری گردد، به او امکان مکاتبه با خانواده داده شود و پس از پایان مخاصمه، آزادسازی او باید بدون تأخیر صورت گیرد.

در کنار متن آشکار معاهدات، اصول کلی حقوق بشردوستانه نیز همچون نخ‌هایی ناپیدا اما قدرتمند، همه ساختار حقوق جنگ را به هم پیوند می‌دهند. اصل تفکیک (distinction)، دستور می‌دهد که میان رزمندگان و غیرنظامیان فرق نهاده شود و سلاح و خشونت، تنها علیه نیروهای نظامی به کار رود. اصلی که در تجاوز آشکار دشمن آمریکایی-صهیونیستی به مدرسه شجره طیبه میناب به وضوح لگدمال شد. اصل تناسب (proportionality) حکم می‌کند که حتی در حمله به اهداف نظامی، زیان جانبی بر غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی



تجربه‌های تلخ تاریخ است. در کنار مسئولیت کیفری، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز مطرح است. هر دولت در صورت نقض کنوانسیون‌های ژنو، حتی اگر بدون قصد قبلی باشد، ملزم به جبران خسارت است.

جبران می‌تواند به شکل ترمیم، غرامت یا تضمین عدم تکرار باشد. افزون بر این، تعهدات کنوانسیون‌ها ماهیت «ارگا امنس» دارند؛ یعنی همه دولت‌ها، ذی‌نفع رعایت آن‌ها هستند و نقض آن‌ها امری خصوصی میان دو دولت نیست. هر دولت حق دارد به نقض حقوق بشردوستانه اعتراض کند و جامعه بین‌المللی نیز، می‌تواند به اشکال مختلف، از جمله ارائه کمک‌های بشردوستانه مانند اقدام شایسته تقدیر که کشور تاجیکستان انجام داد و یا اعمال ضمانت‌های حقوقی، واکنش نشان دهد.

حقوق بشردوستانه بر دوش نظامیان و سیاست‌گذاران نمی‌نشیند؛ بلکه امدادگران، سازمان‌های بین‌المللی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و نهادهای حقوق بشری نیز، بخشی از این منظومه‌اند. آنان چشم‌های بیدار حقوق‌اند؛ کسانی که در میانه نبرد، بر رفتار طرفین نظارت می‌کنند، گزارش می‌نویسند، هشدار می‌دهند، میانجیگری می‌کنند و امدادسازان را حق ممانعت‌ناپذیر افراد

می‌دانند. مأموریت آنان سیاسی نیست؛ انسان‌دوستانه است و تنها معیار آنان، رنج انسانی.

با وجود همه این ضمانت‌ها، حقوق بشردوستانه در تحقق آرمان خویش با دشواری‌های فراوان روبه‌روست. از یک سو سرعت و پیچیدگی فناوری‌های نظامی، از پهپادها و تسلیحات هوشمند گرفته تا جنگ‌های سایبری و عملیات‌های ترکیبی، مرزهای سنتی حقوق جنگ را به چالش می‌کشد؛ از سوی دیگر، ماهیت درگیری‌ها، که روزبه‌روز به سوی مخاصمات نامتقارن و حضور بازیگران غیردولتی می‌رود، اجرای قواعد تثبیت‌شده را دشوارتر می‌سازد. با این‌همه، ارزش حقوق بشردوستانه در همین پایداری آن است؛ اینکه حتی اگر جنگ تغییر کند، کرامت انسان تغییر نمی‌کند و قانون باید آن را پاس بدارد.

نتیجتاً سه‌گانه ژنو و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، نه صرفاً سندی تاریخی و اخلاقی، بلکه مجموعه‌ای کارآمد از قواعد الزام‌آورند که به سبب اتکاء بر عرف، نیاز انسان و اجماع جهانی هنوز معتبر و ضروری‌اند. این حقوق با تمام کاستی‌های اجرائی و چالش‌های تفسیری، هنوز مهم‌ترین سپر قانونی در برابر ویرانی جنگ است. نگاه بشری‌اش نه تنها با گذر زمان کمرنگ نشد، بلکه ضرورتش با پیچیده‌تر شدن مخاصمات، روزبه‌روز آشکارتر می‌شود.

تجاوزگری آمریکا و تهدید امنیت انرژی

قدسیه ملکیان نائبی

وکیل دادگستری

کاهش تمایل شرکت‌های بین‌المللی به فعالیت در مناطق پرتنش و نوسان شدید قیمت‌ها در بازارهای جهانی، از جمله پیامدهای قابل‌پیش‌بینی چنین وضعیت‌هایی است.

تحلیل حقوقی این مسئله و در وضعیت فعلی تجاوز آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، در حقوق بین‌الملل عمومی از اصل بنیادین منع توسل به زور آغاز می‌شود. ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، دولت‌ها را در روابط بین‌المللی خود، ملزم به خودداری از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر دولت‌ها می‌کند.

این اصل یکی از هنجارهای آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و هدف اصلی آن، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از بی‌ثباتی نظام جهانی است.

اهمیت این قاعده، صرفاً به جلوگیری از جنگ محدود نمی‌شود، بلکه تضمین‌کننده ثبات در سایر حوزه‌های حیاتی، از جمله اقتصاد جهانی و تجارت بین‌المللی، نیز هست.

زمانی که یک دولت برخلاف این قاعده بنیادین، به اقدام نظامی متوسل می‌شود و چنین اقدامی فاقد توجیحات شناخته‌شده حقوقی، مانند دفاع مشروع یا مجوز شورای امنیت، باشد، می‌تواند

امنیت انرژی در نظام بین‌الملل معاصر، جایگاهی بنیادین دارد و یکی از ارکان اصلی ثبات اقتصادی جهانی شناخته می‌شود. اقتصاد جهانی به جریان مستمر، امن و قابل‌پیش‌بینی منابع انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، وابسته است و هرگونه اختلال در تولید، انتقال یا توزیع این منابع می‌تواند آثار گسترده‌ای بر بازارهای مالی، تجارت بین‌المللی و توسعه اقتصادی کشورها بر جای گذارد. از این منظر، امنیت انرژی صرفاً یک مسئله اقتصادی یا فنی نیست، بلکه مفهومی چندبعدی است که با صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی پیوندی عمیق دارد.

یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه امنیت انرژی، بروز درگیری‌های مسلحانه در مناطق انرژی‌خیز یا مسیرهای راهبردی انتقال انرژی است. تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد صرف وقوع محاصره مسلحانه، حتی بدون هدف‌گرفتن مستقیم تأسیسات انرژی، می‌تواند وضعیتی ناامن و بی‌ثبات ایجاد کند که جریان عادی انتقال انرژی را مختل سازد. افزایش ریسک‌های امنیتی، بالا رفتن هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل،





مواجه کنند. نکته قابل توجه آن است که این اختلال لزوماً ناشی از تخریب فیزیکی زیرساخت‌های انرژی نیست، بلکه اغلب پیامد غیرمستقیم فضای بی‌ثباتی و نااطمینانی ناشی از جنگ است.

از منظر حقوق بین‌الملل، این وضعیت را می‌توان در چارچوب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تحلیل کرد. بر اساس طرح تدوین‌شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل، هر فعل یا ترک فعل قابل انتساب به یک دولت که ناقض تعهدات بین‌المللی آن باشد، یک عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود و مسئولیت آن دولت را به دنبال دارد.

از «تجاوز» سخن گفت. این رفتار نه تنها تعهدات منشوری دولت مزبور را نقض می‌کند، بلکه معمولاً زنجیره‌ای از پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی را به دنبال دارد که آثار آن فراتر از طرف‌های مستقیم درگیری گسترش می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که به طور مستقیم از چنین اقداماتی متأثر می‌شود، امنیت مسیرهای تجارت جهانی انرژی است.

در وضعیت مخاصمه مسلحانه، ناامنی عمومی، تهدیدات بالقوه علیه کشتیرانی، محدودیت‌های عملیاتی و افزایش هزینه‌های جانبی، همگی می‌توانند جریان عادی انتقال انرژی را با اختلال

در امنیت انرژی در جغرافیای مهم خلیج فارس و دریای عمان شده و از این نظر، مسئولیت بین‌المللی آن قابل بررسی است.

در این چارچوب تحلیلی، امنیت انرژی را می‌توان بخشی از منافع جمعی جامعه بین‌المللی دانست که حفظ آن مستلزم احترام به قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل منع توسل به زور، است. هرگونه تضعیف این اصل، نه تنها بر خطر گسترش مخاصمات مسلحانه می‌افزاید، بلکه به طور ساختاری امنیت انرژی و ثبات بازارهای جهانی را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که رابطه میان تجاوزگری آمریکا و تهدید امنیت انرژی مستقیم، منطقی و حقوقی است. تجاوز به‌عنوان نقض یکی از اساسی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل، زمینه‌ساز بی‌ثباتی و ناامنی می‌شود و این بی‌ثباتی به طور قابل‌پیش‌بینی‌ای بر جریان انتقال انرژی و تجارت جهانی اثر می‌گذارد.

از نظر حقوق بین‌الملل، چنین پیامدهایی را می‌توان بخشی از نتایج همان رفتار متخلفانه دانست که مسئولیت بین‌المللی آمریکا را به همراه دارد. بدین ترتیب، حفظ امنیت انرژی در سطح منطقه‌ای و جهانی، بیش از هر چیز، مستلزم پایبندی دولت‌ها به قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل و پرهیز از توسل غیرقانونی به زور است.

تحقق مسئولیت مستلزم احراز رابطه‌ای میان رفتار غیرقانونی و پیامدهای زیان‌بار ناشی از آن است.

در این چارچوب، نکته کلیدی مسئله «رابطه سببیت» میان اقدامات آمریکا در تجاوز به ایران و تهدید یا اختلال در امنیت انرژی می‌باشد که پیامد منطقی، قابل‌پیش‌بینی و متعارف تجاوز و نتایج همان رفتار متخلفانه است. درگیری‌های مسلحانه، به طور معمول با افزایش ناامنی منطقه‌ای همراه هستند و تأثیر آن‌ها بر تجارت، حمل‌ونقل و بازارهای انرژی امری قابل‌پیش‌بینی برای هر دولت معقولی است. از این رو، تهدید امنیت انرژی را نمی‌توان صرفاً یک پیامد تصادفی یا مستقل از اقدام نظامی اولیه تلقی کرد.

افزون بر این، حقوق بین‌الملل معاصر به طور فزاینده‌ای بر مفهوم «پیامدهای فرامرزی» اعمال دولت‌ها تأکید دارد. اقدام نظامی غیرقانونی، به‌ویژه در مناطق حساس اقتصادی و تجاری، می‌تواند منافع دولت‌های ثالث و حتی کل جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد.

در چنین وضعیتی، مسئولیت آمریکا صرفاً محدود به روابط دوجانبه با دولت هدف نیست، بلکه ابعاد گسترده‌تری می‌یابد که به نظم اقتصادی و ثبات جهانی مربوط می‌شود.

آمریکا در اقدامی خودسرانه و بدون مجوز، با تجاوز به ایران و نقض اصل منع توسل به زور مسبب ایجاد اختلال



منشور ملل متحد؛ از انتزاع قانونی تا واقعیت‌های ملموس زندگی

فرشته مومنی
وکیل دادگستری

نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این تجربه جمعی، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که چرا حقوق بین‌الملل تا این اندازه بر پیشگیری از جنگ و محدودسازی آثار آن تأکید دارد.

قطعه‌نامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تجاوز را به‌عنوان یکی از جدی‌ترین نقض‌های حاکمیت دولت‌ها تعریف می‌کند. اقداماتی مانند بمباران قلمرو یک کشور یا ورود نیروهای نظامی به خاک آن، در این چارچوب مصادیق آشکار تجاوز محسوب می‌شوند. چنین اقداماتی نه تنها روابط میان دولت‌ها را متأثر می‌کند، بلکه زندگی میلیون‌ها انسان را نیز در معرض بی‌ثباتی و نگرانی قرار می‌دهد؛ واقعیتی که این روزها، بسیاری از شهروندان ایرانی آن را با تمام وجود لمس می‌کنند.

حال ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق دفاع مشروع را برای دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد. با این حال، این حق تابع معیارهای مشخصی می‌باشد. دفاع مشروع تنها زمانی استنادپذیر است که حمله‌ای مسلحانه رخ داده باشد و پاسخ باید با دو معیار اساسی «ضرورت» و «تناسب» سنجیده شود. این مفاهیم حقوقی، در نگاه نخست شاید انتزاعی به نظر برسند، اما در عمل یعنی حتی

اصل منع توسل به زور، که در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد تأکید شده است، از بنیادی‌ترین قواعد نظم حقوقی بین‌المللی به شمار می‌آید. این اصل، پس از تجربه ویرانگر جنگ‌های جهانی، برای جلوگیری از تکرار همان چرخه خشونت در روابط میان دولت‌ها شکل گرفت. با این حال، واقعیت آن است که هرگاه درگیری‌های نظامی رخ می‌دهد، نخستین کسانی که آثار آن را لمس می‌کنند، مردم عادی هستند؛ کسانی که نقشی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی یا نظامی ندارند، اما زندگی روزمره‌شان به سرعت دستخوش تغییر می‌شود.

در روزهای اخیر، بسیاری از خانواده‌های ایرانی با نوعی نگرانی دائمی زندگی می‌کنند. اخبار لحظه‌به‌لحظه دنبال می‌شود، تماس‌های تلفنی میان اعضای خانواده بیشتر از همیشه شده، و پرسش‌های کودکان از والدین خود گاه پاسخی ساده ندارد. حتی در شهرهایی که از صحنه مستقیم درگیری فاصله دارند، احساس ناامنی و بی‌ثباتی به‌گونه‌ای در فضای عمومی جریان یافته که



وضعیت عادی تصور می‌شود. از نگاه حقوق بشر نیز، چنین اوضاع و احوالی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را حتی در وضعیت اضطراری ملزم می‌کند که از حقوق بنیادینی مانند حق حیات و امنیت شخصی محافظت کنند. در واقع، فلسفه شکل‌گیری این قواعد آن است که حتی در سخت‌ترین وضعیت نیز کرامت انسانی و ارزش جان انسان‌ها در مرکز توجه باقی بماند.

برای یک حقوق‌دان، تحلیل این تحولات صرفاً به معنای بررسی مواد قانونی نیست. حقوق بین‌الملل زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند، در برابر رنج‌ها و نگرانی‌های واقعی انسان‌ها پاسخی ارائه دهد. امروز که بسیاری از مردم ایران روزهای پراضطرابی را پشت سر می‌گذارند، بازگشت به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل از منع توسل به زور گرفته تا ضرورت حمایت از غیرنظامیان - بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد.

این نوشتار تلاشی است برای یادآوری همین واقعیت، که قواعد حقوق بین‌الملل نه صرفاً برای نظم میان دولت‌ها، بلکه برای حفاظت از انسان‌ها وضع شده‌اند. انسان‌هایی که در هر نقطه از جهان، از جمله در جامعه ما، بیش از هر چیز به امنیت، آرامش و حفظ کرامت انسانی نیاز دارند.

در وضعیت جنگی باید از گسترش بی‌ضابطه خشونت جلوگیری شود. همه می‌دانیم که با آغاز هر محاصره، حقوق بین‌الملل بشردوستانه نقش اساسی در کاهش آسیب‌های انسانی ایفاء می‌کند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها، مجموعه‌ای از قواعد را برای حمایت از غیرنظامیان و محدودسازی شیوه‌های جنگ وضع کرده‌اند. اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی، یکی از مهم‌ترین این قواعد می‌باشد. هدف از این اصل، آن است که کسانی که در جنگ نقشی ندارند از کودکان و سالمندان گرفته تا کارکنان خدمات عمومی - تا حد امکان از آسیب‌های مستقیم درگیری مصون بمانند.

با این حال، تجربه نشان داده که حتی زمانی که درگیری‌ها به طور مستقیم به مناطق مسکونی کشیده نمی‌شود، آثار آن در زندگی اجتماعی به وضوح دیده می‌شود. نگرانی خانواده‌ها، اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و فضائی از اضطراب عمومی که در گفت‌وگوهای روزمره مردم مشاهده‌پذیر است، همگی بخشی از پیامدهای غیرمستقیم محاصرات محسوب می‌شوند. در روزهای اخیر، بسیاری از شهروندان ایرانی این احساس مشترک را تجربه کرده‌اند که امنیت، مفهومی بسیار شکننده‌تر از آن چیزی است که در



جستاری حقوقی بر تجاوز ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران

اشکان نقدی
وکیل دادگستری

مستقل به رسمیت نمی‌شناسد و به درستی همواره از آن به‌عنوان رژیم صهیونیستی یاد می‌کند.

مطابق با بند ۱ از ماده ۱، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» مهم‌ترین شرط امنیت و ثبات آن آمده است که تک‌تک کشورهای عضو ملزم به رعایت آن هستند.

علی‌القاعده، هر کشوری به هر علت که این مهم را نقض کند، مرتکب تخلف بین‌المللی شده و اصول بنیادین منشور ملل متحد را نقض کرده است.

ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم، باتوجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود و نیز نظر به خسارات وارده به کشورهای درگیر جنگ مذکور، توانست قدرتی نسبی بین کشورهای جهان پیدا کند و باتوجه به سیاست چپ‌اولگرانه‌ای که در پیش گرفت، بارها و بارها در طول قرن اخیر اصول حقوقی منشور ملل متحد را در خصوص ویتنام، افغانستان، عراق و جمهوری اسلامی ایران نقض کرده است.

بر اساس بند ۱ از ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد که اشعار می‌دارد «سازمان بر اساس تساوی حاکمیت بین همه کشورهای تشکیل شده است»، علناً و مستقیماً این اصل را نیز نقض کرده است که باتوجه به لابی بسیار عظیمی که در

در مقدمه، لازم است نگاهی کوتاه بر مقدمه منشور ملل متحد بیندازیم که آمده است «مدارا کردن و زیستن در صلح با یکدیگر با حسن همجواری کشورها با هدف صلح بین‌المللی...». آنچه برداشت می‌شود و شالوده و اساس زیست بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به دور از هرگونه تجاوز و نقض حاکمیت کشورهای عضو خواهد بود.

مطابق اصول مهم بین‌المللی، کشورهای عضو در صحنه بین‌الملل، به دو طریق یکدیگر را شناسایی می‌کنند:

۱. شناسایی صریح: کشورها صراحتاً یکدیگر را شناسایی می‌کنند همانند تریک مستقیم به ایجاد، اعلام رسمی و ...

۲. شناسایی ضمنی: همانند اینکه سفیر کشور مذکور را می‌پذیرند و برای آن کشور سفیر می‌فرستند یا با کشور مورد شناسایی قرارداد بین‌المللی منعقد می‌کنند.

باتوجه به توضیحات ذکر شده، جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را یک کشور





حل مسالمت‌آمیز از قبیل داوری و میانجیگری اقدام کنند که این مهم، خود نمونه دیگری از سرپیچی ایالات متحده از روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات بوده که در حین مذاکرات تجاوز و حمله نظامی کرده است.

التهایه، باتوجه به اصول مهم بین‌المللی نظیر اصل احترام متقابل، حفظ حاکمیت کشورها، اصل تساوی کشورهای عضو بین‌الملل، حفظ و تلاش جهت ایجاد صلح در صحنه بین‌الملل، ایجاد ثبات به‌خصوص در خاورمیانه، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی مرتکب نقض آشکار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و مرتکب جنایت جنگی شده‌اند و اقدامات مناسب حقوقی در دیوان بین‌المللی لاهه از طرف جمهوری اسلامی ایران محفوظ خواهد بود.

سازمان ملل دارد به دیگر کشورهای عضو اجازه درخواست تحریم نمی‌دهد. در بند ۴ از ماده مذکور صراحتاً تجاوز و نقض حاکمیت بین‌المللی نهی شده است.

ناگفته پیداست باتوجه به مستندات فوق، تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی هیچ‌گونه توجیه معقول بین‌المللی‌ای ندارد و نقض آشکار حاکمیت کشور خواستار صلح عضو سازمان، همانند جمهوری اسلامی ایران، است و بهانه‌های واهی که متجاوزان اعلام می‌کنند جز شرایط سلب مسئولیت نیست و اسباب توجیه محسوب نمی‌شود.

طبق بند ۱ از ماده ۳۳ فصل ششم منشور ملل متحد در صورت بروز اختلاف نخست، کشورها باید بر اساس روش‌های



بررسی نظام حقوقی آمریکا در برخورد با حقوق بشر

سید نورالدین نورالدینی
وکیل دادگستری

■ تبعیض علیه سیاه‌پوستان و اقلیت‌ها، از جمله نابرابری در اشتغال، آموزش، عدالت‌کیفری.

■ خشونت پلیس علیه اقلیت‌ها، به‌ویژه در جریان قتل‌کسانی مانند جورج فلوید (۲۰۲۰) که اعتراضات جهانی را به دنبال داشت.

■ نابرابری در احکام قضائی: افراد سیاه‌پوست یا لاتین‌تبار برای جرایم مشابه مجازات‌های شدیدتری می‌گیرند.

■ زندانی‌کردن گسترده (Mass Incarceration)، به‌ویژه نسبت به اقلیت‌ها.

■ وضعیت غیرانسانی در برخی زندان‌ها، از جمله سلول انفرادی طولانی‌مدت.

■ اجرای مجازات اعدام با وجود مخالفت نهادهای بین‌المللی و نگرانی از احکام اشتباه.

■ نقض حقوق مهاجران و بازداشت دسته‌جمعی کودکان مهاجر و جداکردن آن‌ها از خانواده‌ها (به‌ویژه در دوران ترامپ).

■ سوءرفتار با پناهجویان در مرز مکزیک و ممانعت از ورود قانونی.

■ نقض آزادی‌های مدنی و نظارت گسترده و تهاجمی بر شهروندان توسط نهادهایی مانند آژانس امنیت ملی (افشاشده توسط ادوارد اسنودن).

■ سرکوب اعتراضات مدنی، مانند

در آمریکا، نظام حقوقی بر اساس قانون اساسی و متمم‌های آن به طور گسترده‌ای بر حفاظت از حقوق فردی تأکید دارد. اما در عمل، مشاهده می‌شود که در مواردی مانند برخورد با اقلیت‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی و همچنین تبعیض‌های ساختاری، استقلال قضات زیر سؤال می‌رود.

گاه دادگاه‌ها به‌جای داوری منصفانه، به صحنه مناقشات سیاسی و اقتصادی تبدیل می‌شوند که نتیجه آن تحریف واقعیت‌ها، اعمال زور و نقض مقررات قانونی است. این موارد به‌وضوح نشان می‌دهد که حتی در نظامی که خود را مدافع حقوق بشر می‌داند، قانون اساسی کامل رعایت نمی‌شود و نهاد قضائی با چالش‌های جدی روبه‌روست.

آمریکا به‌رغم ادعای دفاع از حقوق بشر، بارها به نقض آن متهم شده است؛ چه در داخل کشور چه در خارج از مرزها. در ادامه، مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا را در دو حوزه داخلی و بین‌المللی بیان می‌کنم:

الف) نقض حقوق بشر در داخل کشور:

■ تبعیض نژادی و خشونت پلیس.

آسیب جدی به غیرنظامیان، بیماران و اقشار ضعیف شده و برخلاف حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و «مجازات جمعی» محسوب می‌شود.

■ حمایت از رژیم کودک‌کش ناقض حقوق بشر صهیونیستی در قبال فلسطینیان، با وجود نقض مکرر حقوق بشر.

■ همکاری نظامی با عربستان سعودی در جنگ یمن، که به یک فاجعه انسانی انجامیده است.

■ حمایت از دیکتاتوری‌ها در دهه‌های گذشته در آمریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه.

■ نقض حقوق کارگران مهاجر، به‌ویژه در صنایع کشاورزی و خدماتی.

■ جالب اینکه آمریکا با این همه دم‌زدن از حقوق بشر تاکنون به این کنوانسیون‌ها ملحق نشده است:

■ کنوانسیون حقوق کودک (CRC).

■ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه

استفاده از زور علیه معترضان در جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است».

ب (نقض حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا:

■ شروع جنگ تحمیلی غیرانسانی علیه کشور جمهوری اسلامی ایران (جنگ رمضان).

■ تجاوز به جمهوری اسلامی ایران با حمله به مراکز هسته‌ای ایران در جنگ دوازده‌روزه.

■ جنگ عراق (۲۰۰۳): حمله بدون مجوز سازمان ملل، منجر به کشته‌شدن صدها هزار نفر، تخریب زیرساخت‌ها و گسترش تروریسم شد.

■ جنگ افغانستان: استفاده گسترده از بمب‌افکن‌ها و حملات هوایی با بدون سرنشین (پهپاد)، همراه با تلفات غیرنظامی.

■ حملات پهپادی در یمن، پاکستان و سومالی: بدون دادرسی، با کشتار غیرنظامیان و کودکان.

■ شکنجه و بازداشت‌های غیرقانونی در زندان گوانتانامو با بازداشت بدون محاکمه، شکنجه، نگهداری طولانی‌مدت بدون تفهیم اتهام.

■ اجرای برنامه‌های شکنجه در «مراکز سیاه» در کشورهای ثالث (سایت سیاه).

■ استفاده از روش‌های غیرانسانی مانند غرق مصنوعی (القای حس غرق‌شدن).

■ تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه علیه ایران، سوریه، کوبا، ونزوئلا و ... که موجب

“
آمریکا به‌رغم ادعای دفاع از حقوق بشر، بارها به نقض آن متهم شده است؛ چه در داخل کشور چه در خارج از مرزها
”

زنان (CEDAW).

■ پیمان رم (تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی-ICC).

مجموعاً، تجربه کشور یادشده بیانگر آن است که نمی‌تواند ادعاء کند قانون اساسی‌اش در همه ابعاد رعایت می‌شود یا نهاد قضائی‌اش کاملاً مستقل و توانمند است. تحریف حقایق، زورگویی‌های قضائی و نقض مقررات قانونی از چالش‌های این نظام است که به کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی می‌انجامد.

نهایتاً باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت: ساختارهای حقوقی آمریکا پیشرفته و مدرن می‌باشد، اما عملاً با چالش‌هایی روبه‌روست که به اصلاحات اساسی در نهادهای قضائی و نظارتی نیاز دارد. رعایت‌نکردن مقررات قانونی و تحریف حقایق در دادگاه‌ها نشان‌دهنده ضعف در حاکمیت قانون و نبود شفافیت کافی است.

تنها با افزایش شفافیت، اعمال نظارت دقیق بر عملکرد قضات، کاهش دخالت‌های سیاسی و اقتصادی و تقویت حقوق متهمان می‌توان به استقلال واقعی نهاد قضائی دست یافت. تحقق این اهداف موجب افزایش اعتماد عمومی به عدالت قضائی و تقویت حاکمیت قانون خواهد شد.

بی‌تردید، عدالت و حقوق بشر زمانی واقعاً تحقق می‌یابد که نهاد قضائی، فارغ

از هرگونه فشار و نفوذ، بتواند بی‌طرفانه و مستقل، وظایف خود را انجام دهد و قانون اساسی را به بهترین شکل ممکن رعایت کند. در داخل از آزادی‌های اساسی شهروندان محافظت و فضاء را برای توسعه دموکراسی بازتر کند. نظام‌های حقوقی داخلی کشورها، به‌عنوان کانون اصلی تحقق حقوق بشر، در تعامل دائمی و پیچیده‌ای با نظام بین‌المللی حقوق بشرند.

این تعامل از یک‌سو متکی بر تعهدات حقوقی ناشی از پیوستن کشورها به معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی است، و از سوی دیگر، متأثر از ساختارهای حقوقی، سیاسی و فرهنگی داخلی است که تعیین می‌کند چگونه و تا چه اندازه این تعهدات اجراء می‌شوند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای این تعامل، الحاق معاهدات بین‌المللی به حقوق داخلی است. کشورها، پس از امضای یک معاهده بین‌المللی حقوق بشری، معمولاً مکلف‌اند آن را در چارچوب نظام حقوقی داخلی خود تصویب و نهادینه کنند تا ضمانت اجرای آن فراهم شود. در نظام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران معاهدات پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، به‌طور مستقیم قابل اجراء می‌شوند. این امر، تضمین می‌کند که حقوق مندرج در معاهدات، نه صرفاً تعهدی بین‌المللی، بلکه حقی قابل استناد در دادگاه‌های داخلی باشند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حمایت از غیرنظامیان در زمان محاصرات و جنگ

دریا، اسرای جنگی و غیرنظامیان در زمان جنگ تدوین شده‌اند.

خسرو نوروزی
کارآموز وکالت

■ پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷: این پروتکل‌ها دامنهٔ حمایت‌ها را گسترش داده‌اند، قواعدی که دولت‌ها به صورت رویه پذیرفته‌اند.

■ عرف بین‌المللی جنگ: حفاظت از غیرنظامیان در کنوانسیون چهارم ژنو و همچنین در پروتکل‌های الحاقی به طور گسترده‌تری بیان شده است.

حقوق بشردوستانه از غیرنظامیان در موارد زیر حمایت می‌کند:

■ ممنوعیت حمله به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی: این مراکز و کارکنان آن‌ها از حمایت ویژه‌ای برخوردارند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که در زمان جنگ و محاصرات مسلحانه اجراء می‌شود. هدف اصلی این حوزه، محدود کردن آثار جنگ و حمایت از کسانی است که در درگیری‌ها شرکت مستقیم نداشته یا دیگر توان شرکت ندارند. این افراد شامل غیرنظامیان، مجروحان، بیماران، اسیران و نیروهای امدادی هستند.

اصل تفکیک: بر اساس این اصل، طرف‌های درگیر باید همواره بین افراد و اهداف نظامی و غیرنظامی تفاوت قائل شوند. نتیجهٔ این اصل اینکه: حملهٔ عمدی به غیرنظامیان ممنوع است. منابع اصلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شامل موارد زیر است:

■ کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو ۱۹۴۹: این کنوانسیون‌ها ستون فقرات این حوزه را تشکیل می‌دهند و به طور خاص برای حمایت از زخمی‌ها و بیماران در میدان جنگ، زخمی‌ها، بیماران و غریقان در

“ حقوق بشردوستانه به معنای تأیید جنگ نیست، بلکه فلسفهٔ آن این است که حتی جنگ هم باید حد و مرز داشته باشد

”





غیر نظامی به هر شخصی اطلاق می‌شود که عضو نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح سازمان‌یافته نباشد و مستقیماً در محاصره و جنگ شرکت نکند. حقوق بشردوستانه به معنای تأیید جنگ نیست، بلکه فلسفه آن این است که حتی جنگ هم باید حد و مرز داشته باشد. در نتیجه، ضروری است که بین نیروهای نظامی و غیرنظامیان تمایز قائل شد. محالست نباید خسارت غیرنظامی بیش از حد و نامتناسب ایجاد کنند. تنها اقداماتی مجاز هستند که واقعاً برای دستیابی به یک هدف نظامی ضروری باشند. حتی در وضعیت جنگی نیز نباید رفتار غیر انسانی و شکنجه وجود داشته باشد.

■ ممنوعیت استفاده از گرسنگی دادن به عنوان روش جنگ: ایجاد قحطی و گرسنگی برای جمعیت غیرنظامی ممنوع است.

■ ممنوعیت حمله به کاروان‌های امدادی و بشردوستانه: این کاروان‌ها که برای رساندن کمک به آسیب‌دیدگان فعالیت می‌کنند، باید در امان باشند.

■ حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر: کودکان، زنان باردار، سالمندان و افراد ناتوان از حمایت‌های مضاعف برخوردارند.

■ نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان جنگ

موارد زیر خلاصه کرد:

■ حفاظت از قربانیان جنگ: شامل حفاظت از غیرنظامیان، مجروحان، بیماران، کشتی‌شکستگان، اسرای جنگی و افرادی که در وضعیت جنگ قرار و از منازعه کناره گرفته‌اند.

■ محدودکردن ابزار و روش‌های جنگ: ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و تاکتیک‌هایی که باعث رنج غیرضروری یا تلفات بیش از حد می‌شوند.

■ حفاظت از اموال و اماکن غیرنظامی: اطمینان از اینکه به اماکن و دارایی‌های غیرنظامی مانند بیمارستان‌ها، مدارس و منازل مسکونی حمله نشود.

■ حمایت از محیط‌زیست: جلوگیری از تخریب گسترده و بی‌رویه محیط‌زیست در زمان جنگ.

■ پنج اصل مهم حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر پایه اصول بنیادینی استوار است که در تمام اوضاع جنگی، حتی در نبود قوانین مشخص، باید رعایت شوند. پنج اصل کلیدی این حوزه عبارت‌اند از:

۱. اصل تفکیک: این اصل، بر تمایز میان رزمندگان و غیرنظامیان و نیز اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید دارد. طرفین درگیر موظف‌اند به طور مداوم، میان این دو گروه تمایز قائل شوند و تنها اهداف

لیلا نوروزی

وکیل دادگستری

■ مقدمه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که گاهی حقوق جنگ یا حقوق منازعات مسلحانه نیز نامیده می‌شود، مجموعه‌ای از قواعد می‌باشد که هدف آن، محدودکردن اثرات درگیری‌های مسلحانه به دلایل بشردوستانه است. این حقوق، به‌ویژه به حمایت از افرادی که در جنگ دخیل نیستند یا دیگر قادر به شرکت در جنگ نیستند (مانند غیرنظامیان، مجروحان و اسرای جنگی) و همچنین محدودکردن ابزار و روش‌های جنگ می‌پردازد. در این نوشتار، به بررسی تعاریف، اهداف، اصول بنیادین، اسناد کلیدی و چالش‌های اجرائی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان جنگ خواهیم پرداخت.

■ تعریف و اهداف حقوق بشردوستانه

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که در زمان وقوع درگیری‌های مسلحانه به کار می‌آید و هدف اصلی آن، کاهش رنج انسانی در جنگ و حفاظت از کسانی است که مستقیماً در عملیات خصمانه مشارکت ندارند. اهداف این حقوق را می‌توان در

نظامی را هدف بگیرند. نباید به اهداف غیرنظامی حمله شود.

۲. اصل تناسب: این اصل، ایجاب می‌کند در حملاتی که ممکن است تلفات غیرنظامی یا خسارت به اهداف غیرنظامی را به همراه داشته باشد، منافع نظامی مورد انتظار باید به‌طور کلی بیشتر از خسارات جانبی احتمالی باشد. به عبارت دیگر، تلفات غیرنظامی نباید بیش از حد انتظار در مقایسه با منفعت نظامی مستقیم و ملموس باشد.

۳. اصل احتیاط: طرفین درگیر در جنگ باید در اجرای حملات، تمامی احتیاط‌های ممکن را برای اجتناب یا حداقل کاهش تلفات غیرنظامی و خسارت به اهداف غیرنظامی به عمل آورند که شامل اقداماتی مانند تفتیش و اطمینان از نظامی بودن اهداف، انتخاب زمان و روش حمله مناسب، و دادن اخطار پیشین در صورت امکان است.

۴. اصل ممنوعیت حمله کور: حملاتی که ماهیت آن‌ها نتواند میان رزمندگان و غیرنظامیان یا میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شود، ممنوع هستند. این اصل شامل حملاتی است که از سلاح‌های بدون قابلیت هدایت دقیق بهره می‌برند یا اهدافی را بمباران می‌کنند که به‌طور نامشخص پراکنده شده‌اند.

۵. اصل احترام به کرامت انسانی: این اصل بر حفظ کرامت ذاتی تمام افراد، حتی

در وضعیت جنگی، تأکید دارد که شامل ممنوعیت رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز، شکنجه، گروگان‌گیری و دیگر اعمالی است که شأن انسانی افراد را نقض می‌کند.

■ نقش کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی

اسناد اصلی و بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷) به آن هستند. این اسناد چارچوب حقوقی جامعی را برای رفتار در زمان جنگ فراهم می‌کنند.

■ کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹): این مجموعه شامل چهار کنوانسیون است:

■ کنوانسیون اول: برای بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح در میدان جنگ.

■ کنوانسیون دوم: برای بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان نیروهای مسلح در دریا.

■ کنوانسیون سوم: درباره رفتار با اسیران جنگی.

■ کنوانسیون چهارم: درباره حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ.

■ پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷): این پروتکل‌ها، به‌منظور تکمیل و توسعه کنوانسیون‌های ژنو و همچنین پوشش دادن درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تصویب

به جنایات جنگی را دارند، اما محدودیت‌های مربوط به صلاحیت، اثبات جرم، و همکاری دولت‌ها، اجرای عدالت را دشوار می‌سازد.

■ **ناتوانی در بازدارندگی:** قوانین بشردوستانه به تنهایی قادر به بازدارندگی کامل از وقوع جنایات جنگی نیستند، به‌خصوص زمانی که طرف‌های درگیر عزم راسخی به نقض آن‌ها دارند.

■ **پیچیدگی درگیری‌های مدرن:** درگیری‌های مسلحانه، پیچیده‌تر شده‌اند و حضور بازیگران غیردولتی، تروریسم و استفاده از فناوری‌های جدید، اعمال نظارت و اجرای قوانین را دشوارتر می‌کند.

■ **ضعف نهادهای نظارتی:** نهادهای نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای، غالباً قدرت اجرائی لازم برای اجبار دولت‌ها به رعایت قوانین را ندارند و بیشتر نقش گزارش‌دهی و هشداردهنده را ایفاء می‌کنند.

در نهایت، درحالی‌که قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور مداوم در حال تکامل و تقویت هستند، موفقیت واقعی آن‌ها به ارادهٔ سیاسی، تلاش‌های مستمر جامعهٔ جهانی برای تقویت سازوکارهای اجرائی و نظارتی، و تعهد طرفین درگیر به حفظ انسانیت در دل وحشت جنگ بستگی دارد. تمرکز باید از صرف تدوین قوانین به سمت تضمین اجرای واقعی آن‌ها معطوف شود.

شدند:

■ **پروتکل الحاقی اول:** مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانهٔ بین‌المللی.

■ **پروتکل الحاقی دوم:** مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانهٔ غیر بین‌المللی.

این اسناد، تعهدات مشخصی را برای دولت‌ها تعیین می‌کنند و مبنای حقوقی محکمی برای پیگرد قضائی جنایات جنگی فراهم می‌آورند.

■ **نتیجه‌گیری: ضعف سازوکارهای اجرائی و نظارتی به‌جای قوانین**

باوجود چارچوب حقوقی گسترده و اصولی مستحکم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اجرای مؤثر و نظارت بر رعایت این قوانین در زمان جنگ، همواره با چالش‌های جدی مواجه بوده است. این ضعف بیشتر در سازوکارهای اجرائی و نظارتی نمایان می‌شود تا در خود قوانین.

■ **عدم ارادهٔ سیاسی:** در بسیاری از موارد، فقدان ارادهٔ سیاسی از سوی دولت‌ها برای اجرای کامل و بدون تبعیض حقوق بشردوستانه، مانع اصلی است. منافع ملی و ملاحظات نظامی اغلب بر تعهدات حقوقی اولویت می‌یابند.

■ **نقص در سازوکارهای پیگرد قضائی:** دادگاه‌های بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های ملی صلاحیت رسیدگی



امکان سنجی حقوقی پیوستن ناتو به تجاوز نظامی علیه ایران با تمرکز بر پیمان آتلانتیک شمالی

امیررضا نیکخواه بهرامی
حقوقدان

۱۹۴۹: «دولت‌ها توافق دارند که حمله مسلحانه به یک یا چندی از آن‌ها در اروپا و آمریکای شمالی، به معنای حمله به تمامی آن‌ها تلقی خواهد شد و در نتیجه آن‌ها موافقت می‌نمایند در صورتی که این چنین حمله‌ای اتفاق افتد، هریک از آن‌ها در راستای عمل به حق دفاع انفرادی یا دسته‌جمعی از خود بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دولت یا دولت‌های مورد حمله قرار گرفته را از طریق اقدامات آنی، هر آنچه ضروری می‌نماید، به صورت انفرادی یا به اتفاق دیگر دولت‌ها، مساعدت نمایند تا امنیت را در منطقه آتلانتیک شمالی بازگردانده و برقرار کنند که می‌تواند شامل استفاده از نیروهای مسلح نیز باشد».

از زمان تصویب پیمان آتلانتیک شمالی، ماده ۵ اصلاحیه رسمی نداشته، اما از طریق رویه‌های بعدی و اسناد راهبردی ناتو، دامنه آن توسعه یافته است. از این رو، مطالعه و بررسی رویه‌های مؤخر یا اسناد راهبردی مشارالیه که بر توسعه ماده ۵ پیمان تأثیر دارد، از جهت امکان‌سنجی حقوقی ورود ناتو به تجاوز نظامی اخیر لازم است.

مهم‌ترین توسعه تفسیری ماده ۵، در رویه، فعال‌سازی آن پس از حملات

شاید زمانی که جورج اورول کتاب مزرعه حیوانات را تحت تأثیر فضای جنگ سرد می‌نوشت، هرگز فکر نمی‌کرد روزی آن شعار معروف بر دیوار مزرعه، که همه باهم برابرند اما بعضی برابرترند طعنه‌ای به رفتار سیاسی ایالات متحده آمریکا نسبت به حقوق بین‌الملل تلقی شود. با این حال، ایالات متحده آمریکا و درکنار آن رژیم اسرائیل، با بی‌اعتنایی به اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل تهاجمی غیر قانونی به ایران را آغاز کرده‌اند. در این یادداشت به طور خاص، به بررسی درخواست رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از اعضای ناتو جهت پیوستن به این تجاوز نظامی، با مبنای قرارداد پیمان آتلانتیک شمالی خواهیم پرداخت.

پیمان آتلانتیک شمالی سند مادر و مهم‌ترین سند حقوقی ناتوست. این پیمان چهارده ماده‌ای، در سال ۱۹۴۹ در واشنگتن تصویب شد. قلب این پیمان بی‌شک ماده ۵ آن است، که تمرکز اصلی این نوشته نیز بر این ماده خواهد بود. مستند به ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی



۱- ماهیت پیمان آتلانتیک شمالی

با بررسی تاریخچه پیمان، درمی یابیم که ماهیت و هدف اصلی آن، دفاع جمعی است و نه تهاجم جمعی؛ در واقع، پیمان آتلانتیک شمالی به دنبال دفاع از کشورهای عضو در قبال حملات مسلحانه متجاوزانه بود. این هدف و ماهیت را می توان در مقدمه پیمان هم مشاهده کرد که مقرر می کند: «...دولت ها تصمیم دارند تلاش های خود را برای دفاع دسته جمعی و حفاظت از صلح و امنیت متحد کنند...». بنابراین، در فرضی که یکی از کشورهای عضو تهاجمی به یک کشور دیگر آغاز کند، نمی توان انتظار داشت که پیمان ناتو ماهیتاً استعداد چنین کارکردی را داشته باشد. لذا، اصل بر آن است که این پیمان یک تعهد دفاعی می باشد نه تهاجمی و استثنائاً در رویه عملی این اصل با استثنائاتی روبرو بوده است؛ همچون حمله به لیبی و جنگ کوزوو که در ادامه

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه ایالات متحده بود. این تصمیم، مفهوم «حمله مسلحانه» را به فعالیت های بازیگران غیردولتی نیز گسترش داد. در دهه های بعد، اسناد راهبردی ناتو شامل سند لیسبون (۲۰۱۰)، اعلامیه ولز (۲۰۱۴) و سند مادرید (۲۰۲۲)، حملات سایبری و جنگ هیبریدی را نیز مشمول عنوان حملات مسلحانه دانست؛ البته در این اسناد، شرط لازم برای شمول این گونه حملات، گسترده بودن آن عنوان شد.

سؤالی که اکنون مطرح شده این است که اعضای ناتو، باتوجه به ماده ۵ پیمان و توسعه های تفسیری پس از آن آیا متعهد به دخالت در تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران به همراه ایالات متحده هستند؟ پاسخ کوتاه از نظر نویسنده، منفی است. این پاسخ به چند دلیل استوار است که ذیلاً به آن ها می پردازیم:

بررسی می‌شود.

ایران شود. لذا، شکی نیست که حملات مسلحانه علیه ایالات متحده آمریکا از سوی ایران رخ نداده است؛ اما در اینجا لازم است به یک استدلال مخالف پاسخ داده شود.

الف) توسل به اقدام پیش‌دستانه یا جنگ پیشگیرانه

این عبارت، اولین بار به نام دکترین بوش معرفی شد و تاکنون نیز آمریکا از این دو تعبیر استفاده می‌کند. بر اساس این دو معنا در حقوق بین‌الملل که در راستای توسعه ماده ۵۱ منشور و دفاع مشروع مطرح شد، چنین بیان می‌شود که می‌توان در مقابل خطر و تهدید فوری و نزدیک، دست به اقدامی پیش‌دستانه زد و آن را دفاع مشروع نامید. در رد این نظر باید اشاره کرد: اولاً، در هیچ‌یک از متون منشور ملل متحد و پیمان آتلانتیک شمالی به این عبارت اشاره نشده است. ثانیاً، ناتو نیز در هیچ‌کدام از عملیات‌های نظامی خود سابقه استفاده از این عبارت را ندارد. حتی در عملیات نظامی کوزوو، که فاقد تمام شرایط بررسی شده بود و ناتو طی آن به صربستان حملات هوایی کرد، از توجیه مداخله بشردوستانه استفاده شد. با این حال عده‌ای معتقدند که این نظر پذیرفتنی است.

به فرض پذیرش این دیدگاه، مانع دیگری بر سر راه دخالت ناتو قرار دارد. بر اساس ماده ۶ پیمان آتلانتیک شمالی حمله مسلحانه علیه هریک از کشورهای عضو

۲- نامشروع بودن حمله نظامی اخیر

پیمان آتلانتیک شمالی، در مقدمه خود بیان می‌کند که پیمانی است در راستای اهداف و اصول منشور ملل متحد و همچنین در ماده ۱، عدم توسل به زور را در حل اختلافات بین‌المللی به صراحت پذیرفته است و در ماده ۵ پیمان نیز اقدام دفاعی کشورهای عضو را ذیل دفاع مشروع ماده ۵۱ منشور ملل متحد تعریف می‌کند. لذا، از آنجا که حمله نظامی به ایران نه در نتیجه قطعنامه شورای امنیت رخ داده است و نه شرایط لازم برای شمول ماده ۵۱ منشور از حیث دفاع مشروع را دارد، حمله‌ای نامشروع تلقی می‌شود و باتوجه به موارد معنونه پیوستن اعضای ناتو به چنین تهاجمی تعارض جدی با پیمان آتلانتیک شمالی خواهد داشت.

۳- عدم تحقق شرط حمله مسلحانه در قلمرو دفاعی ناتو (مواد ۵ و ۶ پیمان آتلانتیک شمالی)

مهم‌ترین رکن ماده ۵ پیمان، وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از کشورهای عضو است. در بندهای قبلی گفته شد که توسعه‌های تفسیری ماده ۵، عبارت «حملات مسلحانه» را دستخوش تغییر کرده است؛ اما تمام تغییرات اشاره شده به نحوی نیست که مشمول تجاوز اخیر علیه

ناتو و در رأس آن پیمان آتلانتیک شمالی برداشت می‌شود، فقدان مشروعیت حقوقی لازم برای ناتو جهت اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. با این حال، باید دانست که تصمیم‌گیری دربارهٔ فعال‌سازی مادهٔ ۵ توسط شورای آتلانتیک شمالی، موردی انجام می‌شود و ماهیت سیاسی آن به نظر غالب است (مانند مداخلهٔ ناتو در کوزوو و لیبی). در واقع، در مواردی که وضعیت پیش آمده ممکن است شامل تمام شروط مادهٔ ۵ پیمان نشود، شورای مذکور می‌تواند در آن خصوص تصمیم بگیرد. در این یادداشت به دنبال امکان‌سنجی حقوقی ورود ناتو به تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران بودیم و بررسی امکان‌سنجی سیاسی موضوع اخیر از تخصص و موضوع این یادداشت خارج است.

■ منابع:

1. North Atlantic Treaty, 1949
2. NATO, Statement by the North Atlantic Council, 12 September 2001
3. NATO, Strategic Concept, Lisbon 2010; Wales 2014; Madrid 2022
4. Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969, Articles 31–32
5. Dinstein, Yoram, War, Aggression and Self-Defence, 6th, 2017
6. Gray, Christine, International Law and the Use of Force, 4th, 2018

باید در قلمرو این دولت‌ها در محدودهٔ اروپا یا آمریکای شمالی یا جزایر شمالی مدار رأس‌السرطان یا نیروها، کشتی‌ها و هواپیماهای متعلق به این دولت‌ها در محدوده‌های اعلامی فوق باشد. بنابراین، با فرض خطر و تهدید فوری به‌عنوان تفسیری موسع از مادهٔ ۵ پیمان، این مسئله مطرح می‌شود که این خطر حتی بر فرض وجود، علیه مناطقی در خاورمیانه بوده و از شمول مادهٔ ۵ خارج است.

۴- عدم اتخاذ تصمیم در شورای ناتو (NAC)

فعال‌سازی مادهٔ ۵ پیمان آتلانتیک شمالی نیازمند تصمیم اعضا در شورای ناتو است. این نکته از مادهٔ ۹ پیمان و همچنین اصول حاکم بر معاهدات بین‌المللی و نیز رویهٔ موجود در ناتو استنباط می‌شود. در واقع، این شورای ناتو است که در خصوص شرایط لازم برای اعمال مادهٔ ۵ تصمیم خواهد گرفت. در موضوع تجاوز اخیر، شورای ناتو در خصوص فعال‌سازی سازوکار مادهٔ ۵ تصمیمی نگرفته است. علاوه بر آن، باید توجه داشت که مطابق اسناد راهبردی ناتو، این تصمیم شورا بر اساس اجماع کلیهٔ آراء اتخاذ می‌شود. در چنین حالتی حتی یک رأی منفی به‌منزلهٔ وتو کلیهٔ آراء خواهد بود و امکان اعمال مادهٔ ۵ را منتفی می‌کند.

■ نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی حقوقی اسناد مرتبط با



واکاوی ابطال حقوقی حملات خودسرانه در پرتو فصل هفتم منشور ملل متحد

بین‌الملل ماریان گرین (Maryan Green) در کتاب خود تحت عنوان «حق بین‌الملل» به این موضوع پرداخته و اعلام می‌دارد:

A rule of law exist before it can be enforced and the Charter of United Nation drafted by victors of a bloody war agreed upon two basic rules concerning the use of force by states...

با عنایت به مراتب پیش گفته، هرگونه تهاجم و تجاوز به تمامیت ارضی، سمائی و بحری هریک از اعضای ملل متحد مغایر با اصول مندرج در منشور، به‌ویژه فصل هفتم، تلقی می‌شود و حتی با تخریب منازل مسکونی و کشتار جمعی هموطنان مظلوم، بی‌دفاع و فاقد سلاح توسط متجاوزان دژخیم، از مصادیق بارز جنایات جنگی و علیه بشریت محسوب می‌شود که از شدیدترین جنایات به‌شمار می‌آیند.

با این حال مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی، علی‌الخصوص نهادهای تصمیم‌ساز ملل متحد همچون مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و ... سکوت اختیار کرده‌اند. در حالی که وفق مقررات موضوعه بین‌المللی در این گونه موارد و قبل از هر اقدام مسلحانه‌ای، مراتب می‌بایستی از طریق مسالمت‌آمیز من‌جمله

امید وکیلی‌خواه
وکیل دادگستری

در خصوص ابعاد حقوقی کاربرد زور توسط کشورها (The Use of force by states)، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس موسوم به «آمریکایی/صهیونی» علیه تمامیت ارضی، سمائی و بحری جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الدول، وفق منشور ملل متحد مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ موارد ذیل حایز اهمیت است:

۱) مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور، کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا به‌کارگیری هر روش دیگر، که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری و از این حیث منع شده‌اند.

۲) برابر ماده ۵۱ از همین قانون، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل نیاورده، هیچ یک از مقررات منشور حق ذاتی دفاع از خود (Self defence) خواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت.

استاد برجسته و اندیشمند حقوق





مذاکره، میانجیگری، مساعی جمیله و ...
حل و فصل شود.

مورد اشاره، تصمیم‌گیری در خصوص
ارائه توصیه به وی یا رفتار نظامی و اعلام
تصمیم متخذ به کشور متجاوز و ... را
رعایت نکرده و از قوانین موضوعه و خاص
جهانی سرپیچی کرده است.

از این رو مراتب می‌تواند از طریق مراجع
ذیصلاح بین‌المللی، دیوان کیفری
بین‌المللی (ICC) و یا دیوان بین‌المللی
دادگستری (ICJ) پیگیری شود. شهادت
جانگداز قائد معظم انقلاب اسلامی،
ترور جمعی از فرماندهان ارشد نظامی،
دانشمندان هسته‌ای، غیرنظامیان و آسیب
جدی به تأسیسات حیاتی کشور از مصادیق
بارز تجاوز محسوب می‌شوند به همین
دلیل هم انتظار می‌رود مسئولین ذی‌ربط با
بهره‌گیری از مراجع اصلی، پیگیری حقوقی
جرائم مطروحه و اعلام جرم علیه مسببین
این واقعه و رخداد بین‌المللی، زمینه‌ساز
تحقق عدالت باشند.

اقدام نظامی علیه یک کشور، مستلزم
فرآیند قانونی است که فصل هفتم به آن
می‌پردازد. مطابق مادتهای ۳۹ و ۴۰ منشور،
شورای امنیت موظف است در بادی
امر، هرگونه نقض یا تهدید علیه صلح یا
اعمال متجاوزانه را احراز و پیش از هرگونه
اقدامی، به «کشور متجاوز یا متخاصم»
توصیه‌های لازم را بکند و یا در صورت
حادبودن موضوع، تصمیم لازم را برای
حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی
مطابق مادتهای ۴۱ و ۴۲ منشور بگیرد.

لذا در صورتی که احدی از کشورهای عضو، با
این بهانه که به منظور حفظ نظم و امنیت
بین‌المللی به کشور دیگر تجاوز نماید،
متجاوز محسوب خواهد شد زیرا فرایند
معمول و متعارف موجود را که عبارت است
از احراز فعل نامشروع تجاوز توسط کشور



حقوق بین الملل، آخرین پناه در جهان بی مهار قدرت

محمدعلی یارمحمدی

وکیل دادگستری
پژوهشگر دوره دکتری حقوق بین الملل

■ مقدمه

در روزهایی که غیرنظامیان به راحتی جان خود را از دست می دهند، صحبت از حقوق بین الملل و مشخصاً حقوق بشردوستانه، آن هم با ادعای به کاررفته در عنوان این نوشتار، شاید کار راحتی نباشد. در این زمینه و زمانه از یک طرف، منتقدان حقوق بین الملل با جسارت تمام از هجرت از دوره همکاری و همبستگی بین المللی به عصر دیپلماسی قایق های توپ دار سخن می گویند و از طرف دیگر، برخی طرفداران حقوق بین الملل با ناامیدی به حقوق بین الملل می نگرند و آن را در آستانه خاموشی یا حداقل بر خط باریک بقاء و لبه پرتگاه تاریخ می بینند.

اما چنان که خواهد آمد، حقوق بین الملل به مثابه زبان مشترک دولت ها و سپر عقلانیت، چراغی است که هنوز در تاریکی نظام بین الملل می سوزد و جای بسی امیدواری است که هنوز، اکثریت قریب به اتفاق دولت ها ولو با اهداف و آرمان های متفاوت، حقوق بین الملل را پاس می دارند و تکریم می کنند و خود را ملزم به رعایت مقاصد و اصول آن می دانند. پرواضح است که حقوق بین الملل، فقط

حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف یا رشته ای برای تدوین قواعد توسل به زور یا حمایت از غیرنظامیان در محاصمه مسلحانه نیست. در مقابل، می توان ادعاء کرد که تقریباً چیزی نیست که امروز، رنگی از حقوق بین الملل به خود نگرفته باشد. از اقتصاد جهانی و حکمرانی مطلوب گرفته تا انرژی اتمی و محیط زیست و حتی وضع قواعدی در مورد سایر کرات و سیارات. بنابراین، شایسته است ضمن تعدیل انتظارات خود از حقوق بین الملل، آن را متناسب با ساختار جامعه بین المللی و در کنار سایر مؤلفه های نیرومند مانند تاریخ، دین، اقتصاد، علم، سیاست و ... درک کرد و فهمید. ساختاری که در آن دولت ها تابع و در عین حال واضع اصلی حقوق بین الملل هستند و خود ضامن آن. بنابراین، ضمانت اجرای حقوق بین الملل را باید متناسب با آن چارچوب درک کرد. گزاره نیست که ادعاء شود، زیست ولو پنهان یا متزلزل حقوق بین الملل، به حیات و ممت مفهوم دولت و حاکمیت گره خورده است. البته مفهومی که به تعبیر استاد برجسته حقوق بین الملل، مارتی کاسکنیمی، خود مشکل است و نه راه حل!

با فراغ از مقدمه فوق، در صبح نهم اسفندماه ۱۴۰۴ ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی گسترده کردند. نوشتار





سیستم امنیت بین‌المللی، باید اثربخشی اصل عدم توسل به زور را تضمین کند. سازوکار این سیستم، مشخصاً در فصل هفتم منشور ملل متحد ذیل وظایف (با اختیارات) شورای امنیت قرار گرفت. از این منظر حمله نظامی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به ایران، که البته بدون هرگونه مجوز شورای امنیت انجام شده، نقض صلح و امنیت بین‌المللی و ناقض اصول بنیادین ممنوعیت توسل به زور و اصل شناخته‌شده عدم مداخله است که نه تنها قواعد معاهداتی که حقوق بین‌الملل عرفی نیز از آن حمایت می‌کند.

در کنار سیستم امنیت جمعی مقرر در منشور ملل متحد، دفاع از خود، به‌عنوان تنها مقررۀ قانونی استفاده یک‌جانبه از زور در منشور ملل متحد شناسایی شد و در ماده ۵۱ آن جای گرفت. این مشروعیت،

حاضر تلاش می‌کند به‌صورت مختصر، این تهاجم نظامی را با موازین و قواعد حقوق بین‌الملل تطبیق دهد و ارزیابی کند.

۱- شکستن حرمت صلح؛ تهاجم نظامی و جراحی بر پیکر منشور ملل متحد

بعد از جنگ جهانی دوم و پیرو تأسیس سازمان ملل متحد و تدوین منشور ملل متحد، امیدی شکل گرفت که شاید این سازمان، آرزوی دیرین بشر یعنی نیل به صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم می‌سازد و به‌عنوان یک نهاد مؤثر با مشروعیت حقوقی قابل اتکاء، سرانجام رؤیای امنیت جمعی را محقق می‌کند. منشور ملل متحد در بندهای ۳ و ۴ ماده ۲، با اشاره به لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، صراحتاً توسل به زور یا تهدید به آن را منع و ممنوع اعلام می‌کند. یک



موجب شد بسیاری از ناقضان حقوق بین‌الملل، با فریب و ظرافت‌های زبانی امور غیرموجه خود را توجیه کنند و دست به کشتار غیرنظامیان زنند. جالب آنکه برخلاف جنگ دوازده‌روزه در خرداد ۱۴۰۴، که گاهی ادعای دفاع مشروع از جانب برخی مقامات اسرائیل جهت توجیه حمله نظامی خود شنیده می‌شد، کار به جایی رسیده است که حداقل تا زمان نگارش این سطور، این ادعاء صراحتاً توسط مقامات آمریکا و اسرائیل شنیده نمی‌شود. در مقابل، آنچه صریحاً رخ می‌دهد، مصداقی از جنگ تمام‌عیار است که هدف آن نه تنها شکست نیروهای نظامی که از بین بردن تمام ظرفیت‌های طرف مقابل (ولو غیرنظامی مانند پل‌ها، نیروگاه‌های برق و...) است. توصیف مخاصمه مسلحانه در ماده ۵۱ منشور ملل متحد باید مورد توجه ویژه واقع شود. زیرا بسته به نوع توصیف حقوقی از توسل به زور و یا مخاصمه مسلحانه و یا تجاوز نظامی، حقوق قابل اعمال بر آن متفاوت می‌شود که در جای خود محل تأمل است. قدر متیقن آنکه شرایط استناد به دفاع مشروع چه در رویه قضائی چه در دکتربین، از جمله ضرورت، تناسب و قریب‌الوقوع بودن برای توجیه اقدام نظامی آمریکا و اسرائیل فراهم نبوده است.

۲- شکستن حرمت انسان؛ تهاجم نظامی و نقض قواعد حقوق بشردوستانه

هنگامی که یک مخاصمه مسلحانه رخ می‌دهد، لزوم رعایت حقوق بشردوستانه به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر و انکارناپذیر آن ظهور می‌کند. حقوق بشردوستانه تلاش می‌کند تا در محیطی به‌شدت خصمانه، تنظیم‌گری کند و ساحت انسان و کرامت انسانی را پاس بدارد و از آن در برابر حملات نظامی حمایت کند و از آلام و آثار جنگ، حداقل کمی بکاهد. این قواعد، هم منشاء معاهداتی دارند و هم عرفی. یعنی برای غیر طرفین معاهدات مربوطه نیز لازم‌الاتباع است. برجسته‌ترین نمونه قراردادی حقوق بشردوستانه را می‌توان در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن جست‌وجو کرد. اهمیت عرفی بودن این قواعد، در آن است که اگرچه اسرائیل عضو این کنوانسیون‌ها نیست، مع الوصف بنا به ماهیت عرفی آن ملزم به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه است. نتیجتاً نقض آن‌ها موجبات مسئولیت بین‌المللی (اعم از مدنی و یا کیفری با در نظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات حقوقی، از جمله مسئله صلاحیت) را فراهم می‌سازد. فراتر از آن، الزامات اخلاقی ناشی از وجدان عمومی لاجرم به این مهم منتهی می‌شود که در فرض خلأ قانونی هم رفتار غیرانسانی توجیه‌پذیر نیست.

در همان ساعات آغازین حمله نظامی علیه کشور، به مدرسه‌ای در شهرستان میناب در استان هرمزگان حمله نظامی مستقیم شد و متأسفانه در آن جنایت، بیش از

باشد که نظمی نوین و در چارچوب منافع ملی را رقم بزند. از زمره این انتخاب‌ها، می‌توان به تقویت دیپلماسی حقوقی و مستندسازی جنایات و پیگیری از طریق برخی نهادهای بین‌المللی، ولو توسل به ابزارهای حقوق نرم و قوام‌بخشیدن به آن و خنثی‌سازی روایت‌های هالیوودی (مانند نام‌هایی که بر اعمال خلاف خود می‌گذارند)، به جای تخفیف حقوق بین‌الملل باشد. در بعد عملی، پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در بازه زمانی مشخص، می‌تواند محل تأمل مسئولان مربوطه قرار گیرد. از منظر نظری، همراه‌شدن با جنبش‌هایی که تلاش می‌کنند محوریت حقوق بین‌الملل را از غرب تغییر دهند و فرائر از آن حرکت کنند می‌تواند کمک‌رسان باشد. فراموش نکنیم حقوق بین‌الملل، به‌کندی پیشرفت می‌کند و بعد از هر تلنگر، درسی می‌آموزد و البته گامی ولو کوچک برداشته است. امروز شاید ادعای لزوم حرکت به سمت چندجانبه‌گرایی غیرواقعی باشد، اما شاید بتوان به ساحت ائتلاف‌هایی موضوعی با شرکایی که زمینه‌های مشترک دارند، نزدیک شد و نام آن را واقع‌گرایی مبتنی بر ارزش‌ها نامید. جزیره‌ای عمل‌کردن و ناامیدی افراطی از حقوق بین‌الملل منافع کشور را تأمین نخواهد کرد. چراکه حتی اگر حقوق بین‌الملل را تا حد یک ابزار تقلیل دهیم، هنوز بهترین دوست ما در عرصه جهانی است!

۱۵۰ کودک دبستانی جان خود را از دست دادند. همچنین می‌توان به کشتار صدها غیرنظامی، حمله به چند فروند هواپیمای غیرنظامی، حمله به تأسیسات هسته‌ای مورد حمایت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حمله به اماکن و زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله منازل مسکونی، دانشگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، خطوط راه‌آهن، جاده‌ها، پل‌ها و ... اشاره کرد که همگی ناقض قواعد مسلم حقوق بشردوستانه از جمله دو اصل بنیادین محدودیت و حمایت و سایر اصول از جمله اصل ضرورت نظامی، اصل تناسب، اصل تفکیک یا تمایز، اصل احتیاط، اصل منع رنج بیهوده و ... محسوب می‌شوند. علاوه بر جنبه عرفی و قراردادی این اصول، آن‌ها در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و نظریات اندیشمندان حقوقی نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

■ افق‌های پیش‌رو

در سپهر کنونی، ظهور پدیده‌ای به نام ترامپ‌سیسم و یا برخی جنایات انجام‌گرفته خصوصاً در نوار غزه به‌خوبی نشان می‌دهد که اوضاع جهان حداقل در اسرائیل و آمریکای فعلی، بیش از آنکه در چارچوب کلاسیک کانتی حرکت کند، شبیه پارادایم اورولی است! البته این امر نباید به معنای قطع امید از حقوق بین‌الملل باشد. نظم حقوقی جهان، نتیجه مجموعه‌ای از انتخاب‌هاست و شاید انتخاب‌های ما



بخش هشتم

■ گزارش تصویری



کانون مجله‌ای دادگستری مرکز

نخستین نشست تخصصی کمیته بین‌الملل ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور









نشست «بررسی ابعاد حقوقی جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران»







نشست «بررسی ابعاد حقوقی محاصره دریایی و جبران خسارات ناشی از آن در حقوق بین الملل»







۲۳۳

ڪانفرنس وڪيل جي
ڊاڪٽريٽي مرڪز

نشست «بررسی رژیم حقوقی حاکم بر تنگه هرمز و امکان سنجی اعمال حق حاکمیت ایران بر آن»

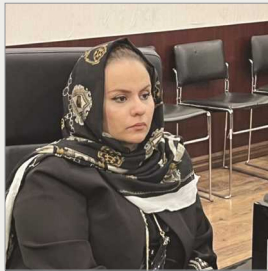






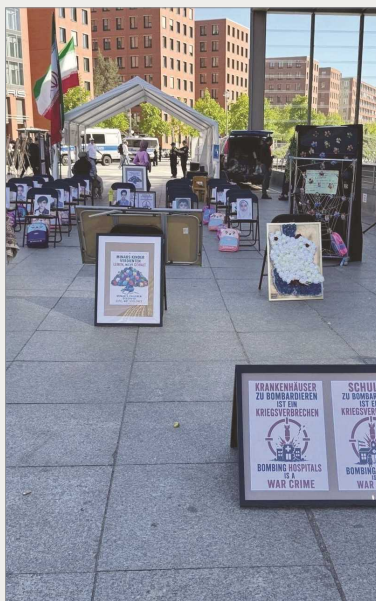
نشست‌های تخصصی ستاد مرکزی دفاع حقوقی از کشور







یادواره دانش آموزان شهید مدرسه «شجره طیبه» میناب در دانشگاه برکلی آمریکا و شهر برلین آلمان



ویژہ نامہ برر سے

ابعاد حقوقے جنگ تحمیلے سوم

خرداد ماہ ہزار و چہار صد و پنج ہجری شمسی



کانون و کلاہی و اداکستری مرکز

ادارہ روابط عمومی کانون و کلاہی و اداکستری مرکز